



حلقه اطلاعاتی
دوستان کشمیری

به مناسبت سالگرد انفجار نخست‌وزیری،
چگونگی برآمدن کشمیری را بررسی کرده‌ایم

بحران امید

رای نیاوردن حبیب‌الله بی‌طرف موجب حمله شدید
به فراکسیون اصلاح‌طلبان مجلس شد

رای به این کابینه
سیاسی نبود

گفت‌وگوها و تحلیل‌های مثلث
درباره رای اعتماد به کابینه را
مطالعه کنید

اپیدمی بالای ۲۰۰

ائتلاف روحانی - لاریجانی بیشترین
رای را در مجلس دارد

از جنس حوزه

سیدعباس صالحی چگونه
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
را اداره می‌کند؟

ترامپ در بدنه آمریکا
حامی دارد

آیا ممکن است رئیس‌جمهور
آمریکا ۴ ساله شود؟



با کوثر کارت

از تیم محبوبتون حمایت کنید



• امکان افتتاح حساب در هر یک از ۳۵۱ شعبه موسسه اعتباری کوثر در سراسر کشور
• حمایت از تیم بدون پرداخت هزینه و تنها با افزایش تراکنش های مالی با کوثر کارت





مخابرات
هوا

www.mci.ir

هر هفته هزینه یک موتور ۱۰۰۰
به ارزش هزار میلیون ریال!

* ۱۰۰ * ۲ #

ویژه کاربران بسته‌های اینترنت همراه اول



آخرین مهلت افتتاح حساب
و یا تکمیل موجودی
۲۳ شهریور ۹۶



۱۰۰ جایزه هزار میلیون ریالی



۱۰۸ جایزه ۲۵۰ میلیون ریالی
(کمک هزینه خرید خودروی داخلی)



۱۱۸ جایزه ۲۰ میلیون ریالی
(کمک هزینه خرید صنایع دستی)



۱۲۸ جایزه ۱۰ میلیون ریالی
(کمک هزینه سفر به عتبات عالیات)

۹ میلیارد هزاریال
جوایز نقدی دیگر



بانک انصار

هشتمین مرحله قرعه‌کشی
سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز

مرکز خدمات مشتریان ۰۹۶۳۰۰
www.ansarbank.ir

AnsarBank
@Ansar_Bank

فرهنگ معاصر فارسی

نام مؤلفین: غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی

ناشر: فرهنگ معاصر

تعداد صفحات: ۱۳۵۴



ویرایش قبلی این کتاب، با عنوان «فرهنگ زبان فارسی امروز»، در سال ۱۳۶۹ و توسط مؤسسه نشر کلمه منتشر شده بود و بعدها ویرایش‌های بعدی آن با عنوان «فرهنگ فارسی امروز» و نهایتاً «فرهنگ معاصر فارسی» به مخاطبان عرضه شد. انتشارات فرهنگ معاصر، ویرایش چهارم این فرهنگ‌نامه عمومی را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرده است و تا سال ۱۳۹۳ به چاپ هفتم رسیده است.

ویرایش سوم این فرهنگ‌نامه در سال ۱۳۷۷ برنده جایزه کتاب سال شد و به لحاظ روانی و سادگی، روشن بودن و دوری از ابهام و کاربردی و عملیاتی بودن، از بهترین فرهنگ‌های لغت کنونی به‌شمار می‌رود. ملاک تدوین این فرهنگ، زبان فارسی امروزی است. این فرهنگ، هر واژه را ساده و روان تعریف می‌کند، از مثال‌های متعدد برای روشن‌تر شدن کاربردهای گوناگون واژه‌ها سود می‌برد و از پیوست‌های سودمندی نظیر جدول‌های اندازه‌گیری وزن، سطح، انرژی، حجم و غیره نیز استفاده کرده است. مؤلفان این فرهنگ، معتقدند که بیش از هر فرهنگ فارسی دیگری که تاکنون منتشر شده، توانسته‌اند واژه‌های رایج زبان فارسی امروز را گردآوری، تعریف و عرضه کنند و نیز ادعا می‌کنند که شاید کار آن‌ها، نخستین فرهنگ فارسی باشد که در آن، همه واژه‌هایی که به کار رفته، تعریف یا به واژه رایج‌تر از خود ارجاع شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَلِّكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

اسلام دین سیاست و معنویت

در جمهوری اسلامی تمام آزادیها هست، اسلام برای نجات بشر آمده است؛ چنانکه حضرت مسیح برای نجات بشر آمده بود، و سایر انبیا برای نجات بشر آمده بودند. اسلام علاوه بر اینکه بشر را در روحیات غنی می‌کند، در مادیات [هم] غنی می‌کند. اسلام دین سیاست است قبل از اینکه دین معنویات باشد. اسلام همان طوری که به معنویات نظر دارد و همان طوری که به روحیات نظر دارد و تربیت دینی می‌کند و تربیت نفسانی می‌کند و تهذیب نفس می‌کند، همان طور [هم] به مادیات نظر دارد و مردم را تربیت می‌کند در

عالم که چطور از مادیات استفاده کنند و چه نظر داشته باشند در مادیات. اسلام مادیات را همچو تعدیل می‌کند که به الهیات منجر می‌شود. اسلام در مادیات به نظر الهیات نظر می‌کند، و در الهیات به نظر مادیات نظر می‌کند. اسلام جامع مابین همه جهات است. و شما در روزی وارد شدید که ما به حکومت خودمان رسیدیم و همان طوری که اسلام معنویات را داشت، و در صدر اسلام حکومت را هم داشت الآن هم به خواست خدای تبارک و تعالی، ما با معنویاتی که اسلام دارد روبه‌رو هستیم و مطیع هستیم، و در مادیات و در حکومت هم یک حکومت اسلامی، یک حکومت عدل؛ که حکومتها تابع مردم باشند و حکومتها برای مردم باشند نه مردم، برای حکومتها. حکومت اسلامی حکومتی است که، برای مردم خدمتگزار است؛ باید خدمتگزار باشد. در اسلام مابین اقشار



خبرنامه

ماموریت ضدبهرجامی نیکی هیللی

همه بدون طیب‌نیا

هشدارهای سردار

مصر باز یگر جدید اتفاقات سوریه

۹-۱۳



گفتارها

هیتلر آمریکا

مدیریت آشوب در خاور میانه آشوب زده

تداوم استراتژی اوباما

نگاه‌ها به منطقه

۱۴-۲۱



سیاست

بحران امید

سد مجلس مقابل متخصص سدسازی

چراغ سبز بهارستان

کسی مسئولیت این کابینه را نمی‌پذیرد

۲۹-۴۳

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی‌ها

حنیف غفاری

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربو شه (دبیر)

فکرنو: علی حاجی ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلاً: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفت‌وگو، انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزهای رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفت‌وگومانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



تبارک و تعالی خواهانم که مستکبرین را بیدار کند. آنهایی که ظلم می‌کنند، آنها را بیدار کند و الا به دست ملت‌های مستضعف نابود کند. خداوند همه ما را توفیق عنایت کند. و من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همان طوری که ملت ما با وحدت کلمه و با اتکال به خدای تبارک و تعالی پیروز شد و خودش را از بند این خاندان و اشخاصی که آنها را- این خاندان را- ترویج می‌کردند و تأیید می‌کردند نجات داد، برادران فلسطینی ما را هم خداوند تعالی نجات بدهد. لکن عمده، وحدت کلمه آنهاست و عمده، اتکال به خدای تبارک و تعالی. رمز پیروزی ما با وحدت کلمه ملت و اتکال به خدای تبارک و تعالی و قوت ایمان بود.

ملت‌ها هیچ فرق نیست. در اسلام حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است: حقوق مسیحین مراعات شده است؛ حقوق یهود و زرتشتیین مراعات شده است؛ تمام افراد عالم را بشر می‌داند، و حق بشری برای آنها قائل است؛ تمام عالم را به نظر محبت نگاه می‌کند؛ می‌خواهد عالم مستضعفین نجات پیدا کنند، می‌خواهد تمام عالم روحانی بشوند، تمام عالم به عالم قدس نزدیک بشوند. اسلام برای نجات مردم بشر آمده است که از این علایق جسمانی آنها را رها کند و به روحیات برسد.

◀◀ رمز پیروزی

من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که تمام مستضعفین عالم را به حوایج خودشان برساند. من از خدای

بین‌الملل

۴۴-۵۱

شوگ غیرمنتظره
شیخ دو قطبی
انتخاب اشتباه
پرستیز آمریکایی در خطر!



فرهنگ

۵۰-۶۳

از جنس حوزه
چالش دنباله‌دار
انتظار وزیر بودن!
برنامه‌ریزی برای آشتی فرهنگی



تاریخ سیاسی

۶۴-۷۱

رازهای سفر به پاریس
حلقه اطلاعاتی دوستان کشمیری
برای مقابله با جلادها سکوت نکنیم



طراح جلد: مصطفی مرادی



شماره پیامک: ۴۱۱۷۱۱۰۳۰۰۰

با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت‌الله ابراهیمی - حسین محمد پورزند
مهندس صدوقی - حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - محمدابراهیم محمد پورزند
امیر آشتیانی عراقی - علیرضا حسن‌زاده - دکتر عیسی رضایی - سید حمید خالقی
هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۸۵۰۵۸۴۸-۰۹۱۲
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،
پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
و افشین جم
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: امیر طلایی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی و نرگس حاجیلو
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمدعلی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی
انفروماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

ماموریت نماینده

نیکی هیلی از سفر خود به وین بازگشته است. آنچه مسلم است اینکه کلیت این سفر، در راستای تقابل کلی دونالد ترامپ و دولت وی با سند برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت قابل تفسیر است. با این حال سوال اصلی اینجاست که آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مانند بسیاری از مقاطع حساس، این بار نیز تسلیم ایالات متحده آمریکا و فشارهای آن خواهد شد؟

خطاب به آمانو و مسئولان ارشد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نوشته است، از نگرانی خود برای به چالش کشیده شدن اعتبار این نهاد بین‌المللی خبر داده است: «هدف از نوشتن این نامه، جلب توجه شما به اقدام دیگری از سوی آمریکا است که مغایر با برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بوده و اگر برای آن چاره‌جویی نشود، اعتبار آژانس را به چالش خواهد کشید. در خبرها به‌طور وسیعی گزارش شده است که نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل متحد «به وین سفر خواهد کرد تا نگرانی‌های دولت آمریکا در خصوص توافق هسته‌ای ایران را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد بحث قرار دهد» و «آژانس را در خصوص پایبندی ایران به توافق، تحت فشار قرار دهد». اگرچه مقامات آمریکایی آزاد هستند که به وین یا هر جای دیگری سفر کنند و اگرچه مسئولان آژانس حق دارند افراد مختلف را به حضور بپذیرند اما هدف اعلام شده این بازدید موجب برانگیخته شدن نگرانی‌های جدی نسبت به تخطی‌های بیشتر از متن و روح برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ می‌شود، که این بار علاوه بر این می‌تواند اعتبار آژانس را - که نقش حیاتی برای رژیم عدم اشاعه به‌طور کلی و برای برجام به‌طور اخص دارد - مخدوش سازد.»

یادآوری وظیفه آژانس از سوی ظریف

در بخش دیگری از نامه وزیر امور خارجه کشورمان به یوکیو آمانو، وظایف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، وفق سند برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد یادآوری قرار گرفته است: «همچنانکه به وضوح در برجام و در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مندرج است - آژانس باید از «اخلال در توسعه اقتصادی و فناوری ایران» پرهیز کرده و «مقررات امنیتی لازم‌الاجرا و حقوق اشخاص را محترم شمرده و هر احتیاط لازم را برای حفاظت از اسرار صنعتی، فناوری و تجاری و سایر اطلاعات محرمانه‌ای که در اختیارش قرار می‌گیرد مبذول دارد». هر گونه مشارکت در رویکرد مخرب دولت آمریکا در جهت تضعیف «اجرای موفقیت‌آمیز» برجام، یا ارائه هر نوع اطلاعاتی در خصوص ایران و فعالیت‌های هسته‌ای ایران که در گزارش‌های معمول مدیرکل که به شورای حکام آژانس ارائه می‌شود درج نشده باشد، به هر شخص ثالثی از جمله به فرستاده دولت آمریکا با مقرر فوق‌الاشارة همخوانی نخواهد داشت.»

آیا آژانس تسلیم دولت ترامپ خواهد شد؟

هم‌اکنون نیکی هیلی از سفر خود به وین بازگشته است. آنچه مسلم است اینکه کلیت این سفر، در راستای تقابل کلی دونالد ترامپ و دولت وی با سند برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت قابل تفسیر است. با این حال سوال اصلی اینجاست که آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مانند بسیاری از مقاطع حساس، این بار نیز تسلیم ایالات متحده آمریکا و فشارهای آن خواهد شد؟ آیا یوکیو آمانو در این خصوص وظایف خود را به درستی انجام خواهد داد یا تسلیم لابی‌گری‌های آشکار و پشت پرده مقامات کاخ سفید و نمایندگان آمریکال در آژانس خواهد شد؟ بدون شک هم‌اکنون آژانس آزمون بزرگی پیش روی خود دارد؛ آزمونی که اگر آمانو از آن سربلند بیرون نیاید، اعتبار نهاد متبوعش به‌شدت زیر سوال خواهد رفت. آزمونی که نتنها ملت ایران، بلکه افکار عمومی دنیا آن را مورد رصد و ارزیابی قرار خواهند داد. ▶



تیتریک

ماموریت ضد برجامی نیکی هیلی

گزارشی از سفر دیپلمات آمریکایی به وین

هیلی خاطرنشان کرد: «من به وین می‌روم تا این پرسش‌ها را مطرح کنم نه اینکه به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای انجام کاری فشار وارد آورم! اگر ایران هیچ موردی برای پنهان کردن ندارد چرا می‌گویند آژانس نمی‌تواند به این ماکن برود؟ آیا شما به همه مسائل نظارت می‌کنید؟ آیا شما به ماکنی که در گذشته فعالیت مخفیانه داشته سرکشی می‌کنید؟ آیا می‌توانید به این مناطق دسترسی پیدا کنید یا اینکه به تاخیر افتاده است؟»

ماموریت خاص ترامپ به نیکی هیلی

بدون شک اصلی‌ترین ماموریت نیکی هیلی از سفر به مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دیدار با آمانو، زمینه‌چینی برای اعلام خروج از توافق هسته‌ای توسط آمریکا است. این موضوع احتمالا در ماه نوامبر امسال رخ خواهد داد. با این حال نیکی هیلی سعی دارد در برهه فعلی سخن خاصی در خصوص تایید یا عدم تایید توافق هسته‌ای توسط ترامپ بر زبان نیاورد. وی در این خصوص می‌گوید: «ما نمی‌دانیم آیا ترامپ قصد دارد این توافق را تایید کند یا نکند. من به رئیس‌جمهوری آمریکا و تیم امنیت ملی گزارش خواهم داد.» دولت آمریکا باید هر ۹۰ روز گزارشی از پایبندی ایران به برجام به کنگره ارائه دهد و زمان بعدی برای ارائه این گزارش اکتبر ۲۰۱۷ تعیین شده است. برخی منابع خبری در ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی اعلام کرده‌اند که ترامپ قرار است در گزارش ماه اکتبر پایبندی جمهوری اسلامی ایران به برجام را تایید نکند. ترامپ در صورتی که این اقدام را صورت دهد با مخالفت و فشار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و روسیه و چین و ترویج‌های اروپایی مواجه خواهد شد. از این رو وی به نیکی هیلی ماموریت داده است تا موانع احتمالی موجود در برابر اعلام خروج از برجام از سوی آمریکا را از میان بردارد. ماموریتی که نیکی هیلی مسلما در آن موفق نخواهد بود.

واکنش ظریف به سفر نیکی هیلی

سفر نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد به وین با واکنش وزیر امور خارجه کشورمان مواجه شده است. محمدجواد ظریف در ابتدای نامه‌ای که در این خصوص

نیکی هیلی دیپلمات آمریکایی و نماینده این کشور در سازمان ملل متحد اخیرا در سفری جنجالی به وین، با یوکیو آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیدار و گفت‌وگو کرد. نیکی هیلی مدعی است که این سفر (که به دستور ترامپ صورت گرفته است) با هدف اعمال فشار بر آژانس صورت نگرفته است. آنچه در اظهارات نیکی هیلی بیش از هر مساله دیگری خودنمایی می‌کند، تاکید وی بر بازرسی از ماکن نظامی جمهوری اسلامی ایران است. این مساله در جریان سلسله مذاکرات هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ بارها از سوی ایالات متحده آمریکا و انگلیس مطرح شد اما با مخالفت صریح مقامات کشورمان رو به‌رو شد. بازرسی از ماکن نظامی کشورمان، خط‌قرمز جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. با این حال دولت دونالد ترامپ سعی دارد با زمینه‌چینی در این خصوص، شرایط بازبینی در برجام را برای دستیابی به این هدف فراهم آورد. لازم به ذکر است که هدف از اصرار مقامات آمریکایی در این خصوص، دستیابی به اطلاعات محرمانه نظامی ایران به‌بهانه بازرسی‌های آژانس است. اقدامی که قبل از برجام، مسبوق به سابقه بوده است.»

نیکی هیلی از سفر خود می‌گوید

نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد، قبل از سفر خود به وین و دیدار با یوکیو آمانو، هدف خود را طرح سوالاتی از این آژانس درباره فعالیت‌های ایران مطرح کرد. نیکی هیلی در این خصوص عنوان کرده است: ایالات متحده می‌خواهد بداند که آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی از سایت‌های نظامی ایران به منظور تایید توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به این مراکز دسترسی دارد؟ اگر نگاه کنید، در رفتار گذشته ایران، آنچه که دیده‌اید، اقدامات پنهانی در سایت‌های نظامی، دانشگاه‌ها و موارد مشابه بوده است! در حال حاضر مسائلی در برخی مکان‌های ایران وجود دارد، بنابراین باید مطمئن شویم که این موارد دیگر باقی نمانده است. اکنون آژانس مجبور است به سایت‌های نظامی این کشور سرکشی کند. آنها مجوز بازدید از سایت‌های مشکوک را در حال حاضر دارند، فقط باید بدانیم آیا آنها این کار را انجام می‌دهند؟»

هشدارهای سردار



مصر؛ باز یگر جدید اتفاقات سوریه



مدیران توییتر باید اعتمادسازی کنند

همه بدون طیب نیا

ژنرال های اقتصادی دولت دوازدهم

نظر مثلث

اصلاح طلبان و کابینه

اکنون که دولت جدید حسن روحانی شکل گرفته است در همین آغاز کار نشانه هایی دیده می شود از فشار اصلاح طلبان به حسن روحانی و افراد تصمیم ساز او.

کاملاً روشن است که آنها از این چنین دولت راضی نیستند، چه اینکه سعید حجاریان هم در تازه ترین اظهار نظرش گفته است: «روحانی نیرویی بهتر از این وزرای پیشنهادی نداشت، اگر داشت معرفی می کرد. مساله این است که کفگیر به ته دیگ خورده است.» اما واقعیت این است که پس از تشکیل دولت هم فشارهای آنها ادامه پیدا کرده است. آنها این روزها بیش از هر زمان دیگری تمرکز روی وزارت کشور را آغاز کرده اند. اصلاح طلبان دنبال تغییر هستند؛ می خواهند مدیریت استان ها را در اختیار بگیرند. آنها به دو انتخابات پیش رو چشم دوخته اند و برنامه هایی در این زمینه دارند. وزیر کشور اخیراً در تازه ترین سخنرانی اش گفته تغییراتی در میان استانداران و فرمانداران رخ خواهد داد. حالا سوال این است که کفه سنگین این تغییرات به کدام سو خواهد بود؛ اصلاح طلبان یا اصولگرایان؟

پاسخ به ترامپ

دیگر شکی باقی نمانده که دونالد ترامپ همه شرایط را برای خروج ایالات متحده از برجام آماده می کند. نماینده آمریکا به اژانس رفته و تمام تلاشش را کرده تا همسویی بیشتری برای نقشه ای که ترامپ برای تهران کشیده ایجاد کند. اینجا در تهران هم البته ایده هایی طرح ریزی شده برای مواجهه با چنین وضعیتی. بخشی از آن در قالب طرح مجلس نمایان شده و برخی دیگر هم از فحواي سخنان مسئولان قابل فهم است. نکته اما این است که این دشمن سرسخت ایران حتماً باید از سمت ما سرسختی بیشتری ببیند. دیگر لبخند نمی تواند کارگر باشد، حالا زمان اخم است. باید برای مواجهه با ایالات متحده جدید آماده باشیم، آنها دست خود را رو کرده اند، ما هم بد نیست گوشه ای از آنچه می خواهیم به آن عمل کنیم را رسانه ای کنیم.

پوزش

در شماره قبل مجله یادداشتی شفاهی از جناب آقای دکتر ابراهیم محسنی به چاپ رسید که این نوشتار توانست محتوای مورد نظر ایشان را به خوبی منعکس کند، ضمن پوزش از ایشان، یادداشت اصلاح شده در سایت مثلث منتشر شده است.

گزارش اول



همچنین محمد سیف نیز به عنوان رئیس بانک مرکزی در سمت خود ابقا خواهد شد. بنابراین، تیم اقتصادی دولت دوازدهم با حضور نهاندیان، سیف، نوبخت و کرباسیان شکل خواهد گرفت. در این میان، تشکیل معاونت اقتصادی رئیس جمهور و شرح وظایف آن، طی روزهای اخیر مورد بحث اقتصاددانان و اهالی رسانه بوده است.

محمد نهاندیان در خصوص شرح وظایف معاونت اقتصادی دولت می گوید: «از جمله حوزه های مورد توجه معاونت اقتصادی مباحثی نظیر سرمایه گذاری خارجی، دسترسی به بازارهای جهانی و مشارکت در کسب فناوری است. در مجموع وجه اقتصاد بین الملل وجه بسیار پررنگ این رویکرد جدید در هماهنگی تیم اقتصادی محسوب می شود.»

با این حال به نظر می رسد هنوز نسبت میان وزارت اقتصاد و دارایی و معاونت اقتصادی رئیس جمهور به صورت دقیق مشخص نشده است، موضوعی که قرار است در ستاد اقتصادی دولت که با حضور مردان اقتصادی دولت دوازدهم برگزار می شود مورد بحث و بررسی قرار گیرد. آنچه مسلم است اینکه رشد اقتصادی کشور طی ۴ سال پیش رو، در گروی تعامل موثر میان وزارت اقتصاد و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و در نهایت معاونت اقتصادی نوپای دولت خواهد بود. هنوز برای قضاوت در خصوص شکل گیری یا عدم شکل گیری این تعامل موثر زمان باقی است. همچنین با شنیده شدن زرمه هایی در خصوص احیای معاونت اقتصادی در وزارت امور خارجه، این معاونت نیز قاعدتاً باید در تعامل با تیم اقتصادی دولت قرار داشته باشد.

همچنین در این منظومه اقتصادی نباید نقش وزارت صنعت، معدن و تجارت را نادیده انگاشت. وزارتخانه ای که هم اکنون سکان آن را محمد شریعتمداری، معاون سابق رئیس جمهور در دست گرفته است. ▶

متعاقب رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به وزیر پیشنهادی اقتصاد و دارایی و انتصاب رئیس سازمان برنامه و بودجه و معاون اقتصادی رئیس جمهور، تیم اقتصادی دولت دوازدهم شکل گرفته است. مسعود کرباسیان توانست به عنوان وزیر اقتصاد و دارایی از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد بگیرد تا جانشین علی طیب نیا در وزارت اقتصاد و دارایی شود. کرباسیان از مجموع ۲۸۸ رای اخذ شده، با کسب ۲۴۰ رای موافق در مقابل ۳۱ رای مخالف و ۱۵ رای ممتنع، حائز اکثریت آرای اعتماد نمایندگان مجلس برای تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی شد. محمد باقر نوبخت نیز با حکمی از سوی رئیس جمهور، به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور منصوب شد. در حکم حسن روحانی آمده است: «جناب آقای دکتر محمدباقر نوبخت

به استناد اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی و نظر به مراتب تعهد و تجربیات جنابعالی به موجب این حکم به عنوان «معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور» منصوب می شوید. توفیق شما را در خدمت به نظام اسلامی و ملت شریف ایران با رعایت اصول قانونمداری، اعتدال گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید از خداوند بزرگ مسئلت می نمایم.»

همچنین رئیس دولت دوازدهم در حکمی دیگر، دکتر محمد نهاندیان، رئیس دفتر سابق خود را به عنوان معاون اقتصادی رئیس جمهور معرفی کرد. در این حکم آمده است: «جناب آقای دکتر محمد نهاندیان

به استناد اصل یکصد و بیست و چهارم قانون اساسی و نظر به مراتب تعهد و تجربیات جنابعالی به موجب این حکم به عنوان «معاون اقتصادی رئیس جمهور» منصوب می شوید. توفیق شما را در خدمت به نظام اسلامی و ملت شریف ایران با رعایت اصول قانونمداری، اعتدال گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید از خداوند بزرگ مسئلت می نمایم.»

حاج قاسم سلیمانی:

فضا را برای همه نوع آدم‌ها باز کنید

حاج قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه هفتم گذشته یک سخنرانی جذاب داشت. او نسبت به خطر «فتنه مذهبی» در داخل و «تهاجم علیه جهان اسلام» در خارج از کشور هشدار داد. آقای سلیمانی که در پانزدهمین اجلاس روز جهانی مسجد در تهران سخنرانی می‌کرد، گفت: «همه دعوی ما با عالم غرب و در عالم اسلام بر سر مسجد است؛ مسجد الاقصی و مسجد الحرام».

سردار سلیمانی با انتقاد از شرایط اجتماعی ایران گفت: «چه کسی امروز مسئول رشد الحاد و لایالی‌گری در کشور است؟ آیا همه ما به وظایف خود عمل کرده‌ایم؟ وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «اینکه در جامعه مدام بگوییم او بی‌حجاب و این باحجاب است یا اصلاح طلب

و اصولگراست، پس چه کسی می‌ماند؟ این همه مردم ما هستند. آیا همه بچه‌های شما متدین اند؟ آیا همه مثل هم هستند؟ نه. اما پدر، همه اینها را جذب می‌کند و جامعه هم خانواده شماست.» سردار سلیمانی ماه پیش نیز در سخنرانی یادواره شهدای کن از جذب حداکثری حرف زده و گفته بود: «من خواهش‌م از خواهران متدین، از برادران متدین این است که فضا را برای همه نوع آدم‌ها باز کنید. بعضی افراد هستند که ظاهرشان ظاهر شاید مناسبی نیست اما باطن خوبی دارند؛ مگر ما در زمان شاه نبودیم؟ یک حادثه همه ما را تکان داد، همه ما را احیا کرد، همه ما را زنده کرد. ما باید این نوع فرهنگ را توسعه بدهیم.» فرمانده سپاه قدس در بخش دیگری از سخنان خود

که به تحولات منطقه مربوط می‌شد، عربستان سعودی را متهم کرد که از طریق تشکیل گروه‌های افراطی، علیه ایران و سوریه اقدام کرده است. او افزود: «در روزهایی که سعودی‌ها ارتش‌های مختلف را ایجاد کردند و ۱۲۰ ساختار را مقابل ما ساختند و جنگ مذهب را شکل دادند، ایران به سوریه ثبات داد.» وی با اشاره به حضور نظامیان ایران در عراق گفت: «ما وقتی وارد عراق شدیم، بین منافع خودمان و عراق تفاوتی قائل نشدیم و دنبال چاه نفت و تصرف شهری مثل موصل و کرکوک نبودیم. دنبال مطالبات ارزی هم نبوده و نیستیم.» وی با اشاره به کسانی که «در سطوح عالی» مخالف حضور ایران در سوریه و عراق بودند گفت: «یک نفر گفت: یعنی ما برویم از دیکتاتور دفاع کنیم؟ که رهبری فرمودند: «[آیا در ارتباط با کشورها] نگاه می‌کنیم چه کسی دیکتاتور است و چه کسی نیست؟ ما مصالح را نگاه می‌کنیم.» رسانه‌های مختلف از هر دو سو نسبت به اظهارات سردار سلیمانی واکنشی مثبت داشتند و در سطح وسیع آن را بازتاب دادند. ▶

هشدارهای سردار

صابر کرامت

خبرنگار

سردار سلیمانی مسئولیت داخلی ندارد. مسئولیت فرهنگی ندارد اما هشدارهای اخیرش درباره تقسیم‌بندی‌های اجتماعی نشان از عمق نگرانی او دارد. در شرایطی که همه انتظار دارند او نسبت به مسائل منطقه‌ای هشدار بدهد، روی سخن را برگردانده و به مردم می‌گوید: «اینکه در جامعه مدام بگوییم او بی‌حجاب و این باحجاب است یا اصلاح طلب و اصولگراست، پس چه کسی می‌ماند؟ این همه مردم ما هستند. آیا همه بچه‌های شما متدین اند؟ آیا همه مثل هم هستند؟ نه. اما پدر، همه این‌ها را جذب می‌کند و جامعه هم خانواده شماست.» شاید اگر فرد دیگری این حرف را زده بود تا این اندازه اهمیت پیدا نمی‌کرد.

حاج قاسم سلیمانی سالهاست که تهدیدهای مهم را در سطحی وسیع و بسیار خطرناک دیده است. باید از خودمان پرسسیم: چرا او به جای آنکه نسبت به خطرات نظامی تروریست‌های منطقه هشدار بدهد در مورد مسائل فرهنگی این گونه صریح هشدار داده و تلنگری زده به همه



متأسفانه از سوی رسانه‌ها مورد کم‌توجهی قرار گرفت را مرور کنیم؛ دودستگی‌های مضر ایجاد نشود. مردم سلاقی مختلف و نظرات مختلفی دارند؛ بسیار خوب؛ بگذاریم مردم با سلاقی و نظرات مختلف در کنار هم زندگی آرامی داشته باشند. ▶

جامعه؟ هشدار او با توجه به تجربه گرانبهایی است که از وضعیت کشورهای منطقه کسب کرده و باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. برای فهم بهتر سخنان سردار قاسم سلیمانی، مجدداً بخشی از صحبت‌های مهم رهبری در مراسم تنفیذ که

پاسخ دادستان به روحانی درباره فضای مجازی

حجت الاسلام والمسلمین منتظری، دادستان کل کشور در همایش پیشگیری و صیانت روحانیت گفت: «دلسوزانه اعلام می‌کنم که یک قاضی کل یک بزرگراه به خاطر یکی، دو تصادف یا ده تصادف نخواهد بست اما شما بگویید، وقتی بزرگراهی که می‌توان از آن استفاده درست و بهینه کرد بر اثر غفلت و کم‌توجهی تبدیل به قتلگاهی برای مردم، خانواده‌ها و جوانان می‌شود چه باید کرد؟ دستگاه قضایی به دنبال بستن فضای مجازی نیست.

لازم است که ما با مدیریت علمی، فنی و اقتصادی مناسب این اتوبان را در اختیار خود بگیریم و کنترل و مدیریت مناسب کنیم.»



انتقاد رئیس دولت اصلاحات از ضعف عملکرد عارف



محمد عطریانفر در گفت‌وگویی اظهار داشت: «ما به عنوان چهره‌های اصلاح طلب در جبهه اصلاحات، اطلاعات دقیقی از آنچه در فراکسیون امید و پارلمان می‌گذرد، نداریم. اما پیام‌هایی که از سوی برخی نمایندگان شنیده‌ایم، نشان می‌دهد که عملکرد مدیریت فراکسیون امید در جریان رای اعتماد به وزرا، چندان رضایت‌بخش نبوده است.» او گفته است: «رئیس دولت اصلاحات به عنوان شخصیت محوری اصلاحات نقدهای متصفانه‌ای به ضعف عملکرد فراکسیون امید دارند. مادر اینجاست شخصی نمی‌کنیم، هیچ‌کس نباید از این انتقادات سازنده برداشت ناصحیح داشته باشد و آنها را نپذیرد.»

نظر ابتکار درباره حضور زنان در ورزشگاه‌ها

معصومه ابتکار معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به حضور زنان در ورزشگاه‌ها گفت: «این مساله باید با حداقل تقابل و حداکثر تعامل پیش رود. اوایل انقلاب بحث حضور زنان تابو بود ولی تدریجاً با همکاری بخش‌های مختلف جامعه و همکاری خوب مراجع شرایط بهبود یافته است. در حال حاضر در ورزش قهرمانی زنان، در



سه رشته، حضور آنها با لباس‌های اسلامی قطعی شده است. تلاش می‌کنیم صدای همه گروه‌ها و طیف‌ها، پیشنهادها و نقطه نظرات آنها را بشنویم و نگاه‌مان نسبت به قومیت‌ها و خانواده با توجه به حفظ هویت آنها خواهد بود.»

منتخب‌نیا: باید از روحانی تعهد می‌گرفتیم



منتخب‌نیا می‌گوید:
«بند در ماه‌های پایانی
دولت یازدهم نیز به صراحت
عنوان کردم که بزرگان جریان
اصلاحات باید فارغ از هرگونه
تعارفات و رودربایستی‌ها به
صورت جدی با آقای روحانی
گفت‌وگو و مذاکره کنند».

متأسفانه اصلاح‌طلبان در اغلب جلساتی که با آقای روحانی
برگزار کرده‌اند دغدغه‌ها و مطالبات خود را به صورت جدی
با ایشان مطرح نکرده‌اند و اغلب این جلسات به صورت
دوستانه برگزار شده است.

اصلاح‌طلبان باید به صورت جدی تر با این مساله
برخور می‌کردند و با طرح شروط و گرفتن تعهد از
آقای روحانی، همه ظرفیت‌های خود را در انتخابات
ریاست جمهوری به میدان می‌آوردند.»

تبرئه آقابانی که در حصرند در گرو اثبات درستی ادعای تقلب است

سردار جوانی، مشاور
نماینده ولی فقیه در سپاه در
یادداشتی نوشت: «در واقع
سران فتنه در سال ۸۸ به مقابله
با رای مردم و نتیجه انتخابات
که دلخواه آنان نبود، پرداختند
و آن مسائل را رقم زدند».



تبرئه آقابانی در گرو اثبات
درستی این ادعاست. اگر سران فتنه نتوانند این ادعا را
ثابت کنند، آن‌گاه توطئه آنان مبنی بر براندازی نظام از
طریق انقلاب رنگی با مشارکت غرب به اثبات خواهد
رسید، توطئه‌ای که علیه نظام، انقلاب، کشور و مردم بود
و برای اثباتش دلایل فراوان دیگری وجود دارد. آياسران
فتنه که در حصر قرار دارند، می‌توانند در آن دادگاه، منکر
ادعاهای خود مبنی بر انجام تقلب بزرگ در انتخابات
شوند؟»

مدیران توئیت‌ر باید اعتمادسازی کنند



آذری جهرمی، وزیر
ارتباطات در گفت‌وگویی
درخصوص علت فیلترینگ
توئیت‌ر گفت: «به‌طور خاص
این شبکه در خرداد سال ۸۸
موضعی علیه حکومت ایران
داشت. در آن زمان و براساس
اظهاراتی که از سوی مدیر این

شبکه مطرح شد دولت ایران این تصور را داشت که آنها در
امور داخلی کشور دخالت کرده‌اند و فیلتر توئیت‌ر به این دلیل
اتخاذ شد.»

او با بیان اینکه با اعتماد متقابل می‌توان موضوع را
حل کرد، گفته: «باید اعتمادسازی انجام دهد و ما اطمینان
خاطر داشته باشیم که این شبکه مجدداً از موقعیت و
امکاناتش علیه کشور ما استفاده نمی‌کند. فضای توئیت‌ر
یک فضای کاملاً مناسب است و من هم در آن عضو
هستم.»

مصر؛ بازیگر جدید اتفاقات سوریه

بازی عربستان و اسرائیل با کارت قاهره

وی می‌افزاید: «اسرائیل در چند ماه اخیر درگیر بحث
با آمریکا و روسیه برای ایجاد آتش‌بس و منطقه کاهش
تنش در جنوب و جنوب غرب سوریه بوده است و در همین
راست‌ان نیز در تعطیلات آخر هفته، یک هیأت امنیتی اسرائیل
به ریاست رئیس سازمان اطلاعاتی موساد به واشنگتن
سفر کرد.»

در این مذاکرات، اسرائیل احتمالاً کشورهای جهان
را تشویق خواهد کرد تا مصر را برای مداخله در سوریه
تشویق کنند و از این طریق، یک شریک دیگر عربی (در
کنار اردن) را که با منافع رژیم صهیونیستی در سوریه همراه
است، با تال آویو همراه کنند.

به نظر می‌رسد، تغییر رفتار مصر در همکاری
اقتصادی با سوریه دلیلی بر این مدعا باشد که عبدالفتاح
السیاسی بر باقی‌ماندن اسد در قدرت تأکید دارد، به‌گونه‌ای
که مصر چندی پیش درخواست عربستان را برای تغییر
مواضعش در قبال دمشق و سرنگونی اسد به عنوان
پیش شرطی برای هرگونه راهکار سیاسی در سوریه
نپذیرفت.

از زمانی که ترکیه با تغییر مواضع در جنگ سوریه در
کنار ایران و روسیه قرار گرفت، ریاض نیز تصمیم گرفته
با تغییر سیاست‌های راهبردی خود، مصر را وارد میدان
کند و در مقابل مداخله ترکیه و ایران در جنگ سوریه قرار
دهد.

این موضوع برای روسیه بسیار مهم است. بر اساس
برخی گزارش‌ها حاکی است، مصر در حال تلاش برای
تغییر روابط با سوریه است. اگر واقعا این اتفاق حادث شود
و مصر زمینه عادی‌سازی روابطش با سوریه را فراهم کند،
بدان معناست که نظام سوریه مشروعیت رسمی و عربی
گسترده‌ای را به دست خواهد آورد. به این ترتیب مصر
می‌تواند تلاش‌های رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری
ترکیه در سوریه را با مشکل روبه‌رو کند و از سوی دیگر،
جایگزین وابستگی سوریه به عنوان یک کشور عربی به یک
کشور غیر عرب یعنی ایران شود! این مسأله منجر به کاهش
نقش ایران در سوریه می‌شود!

نکته مهم در این باره این است که توجه کنیم نه مصر
و نه عربستان توانایی آنکه بتوانند در مقابل ایران در حوزه
سوریه بایستند، ندارند. سوریه نیز مصر را به ایران ترجیح
نخواهد داد. ▶

مصر پس از کسب مجوز از روسیه و عربستان،
مذاکراتی بین مخالفان سوری و نظام تحت حاکمیت بشار
اسد در منطقه غوطه شرقی دمشق و شمال حمص برگزار
کرد. این کشور در هر مذاکره -اولی در ۲۲ جولای و دومی
در اوایل آگوست- موفق به امضای آتش‌بس میان دو
طرف شده است.

در این شرایط برخی از تحلیلگران منطقه به ورود
غافلگیرکننده بازیگر جدیدی در عرصه تحولات سوریه
پرداخته است و این بازیگر جدید را مصر به رهبری عبدالفتاح
السیسی معرفی می‌کنند. بازیگری که به اعتقاد آنها تاکنون
سعی داشته نقش بیطرف را در بحران سوریه بازی کند و
در مواقعی نیز از ماندن بشار اسد در قدرت حمایت کرده
است؛ اما اکنون این بازیگر بنا به تحلیل «تسفی بارئیل»
تحلیلگر امور عربی یکی از نشریات رژیم صهیونیستی قرار
است نقش فعال تری را ایفا کند که گویا در تضاد با نقش
ایران و ترکیه است.

پایگاه خبری شبکه العالم روزنامه «رای الیوم»
لبنان به نقل از این تحلیلگر نوشت: «یک بازیگر جدید و
غافلگیرکننده در حال ورود به عرصه تحولات میدانی سوریه
و نقش آفرینی در ادامه بحران است. این بازیگر جدید،
مصر است که تا پیش از این، در تثبیت آتش‌بس‌های
داخلی در سوریه نقش بسزایی داشت.»

نویسنده در ادامه با مهم دانستن مداخله مصر در
سوریه نوشت: «در منطقه یاد شده جزو مناطق امنی
بودند که پیش تر روسیه، ترکیه و ایران با هماهنگی
واشنگتن بر سر کاهش تنش در آن توافق کرده بودند.
اسرائیل مداخله مصر در سوریه را مهم می‌داند، زیرا این
تلاش‌ها برای مقابله با نفوذ ایران در سوریه در حال انجام
است.»

به گزارش این رای الیوم، «تسفی بارئیل» در تحلیل
خود ادامه می‌دهد: «هر کشوری که متعهد به قطع نفوذ
ایران در سوریه باشد، در راستای منافع اسرائیل قدم
برداشته است. این امر به ویژه هنگامی مهم است که این
کشور مصر باشد؛ کشوری که شریک اسرائیل در «جنگ
با تروریسم» در سینا و یک متحد (همراه با عربستان
سعودی و اردن) است که می‌تواند با تهدید ایران در سوریه
مقابله کند و نیز مانع خطر تجزیه سوریه توسط کانون‌ها
(کردها) شود!»

استقبال از دیوارکشی مرزی ترکیه

سرلشکر محمد باقری که به تازگی از همکاری با ترکیه
بازگشته بود، گفت: «مباحثی را برای تقویت بیشتر مرزبانی
مطرح می‌کنیم تا بهتر از گذشته بتواند مسئولیت خطیر خود
را انجام دهد.»

وی همچنین به دیوارکشی ترکیه در مرزهای مشترک
با ایران واکنش نشان داد و گفت: «در موضوع مرزهای
مشترک با ترکیه مقرر شد تا این کشور نیز به مرز توجه
بیشتری کند.»



ما از امتداد مرزها و
اقدامات کنترلی از سوی ترکیه
در مرزها استقبال کردیم چرا که
این کار برای مقابله با قاچاقچیان
انسان، موادمخدر، اسلحه و
همچنین اقدامات تروریستی
... انجام می‌شود.»

باهر: اصلا نفهمیدم قالیباف در نواصولگرایی چه گفت



محمد رضا باهر با اشاره
به ضرورت پوست اندازی

اصولگرایان به موضوع نواصولگرایی که از سوی قالیباف
مطرح شد اشاره کرد و گفت: «من اصلا نفهمیدم ایشان
چه گفت؛ باید از خودشان سوال کنید. اگر منظور آقای
قالیباف این است که اصولگرایان دور هم جمع شوند و روی
مانیفستی قهقهه کنند و مجموعاً به یک حزب برسند و روابط
داخلی حزب را تعریف کنند، این یک چیز بسیار خوب است
و ما هم قبول داریم؛ حالا اسمش می‌تواند نواصولگرایی یا
انقلابی‌گری یا مثلاً حزب الف شود؛ حالا ما با اسم کاری
نداریم؛ مسما برای ما مهم است.»

روزانه حجم بسیاری از عکس های خبری به ما می رسد. تعداد این عکس ها آنقدر زیاد است که گاهی به راحتی از کنار آن عبور می کنیم اما شاید بهتر باشد روی بعضی از عکس ها تامل بیشتری داشته باشیم. مثلث در این صفحات، هفته را با مرور عکس ها از نو یادآوری می کند.

تصویرنگاری

دیدار مسوولان فرهنگی کشور با رهبر معظم انقلاب



اجلاس روز جهانی مسجد



دیدار همسر شهید علیمحمدی با همسر شهید حججی



تودیع و معارفه وزرای دفاع



هدیه قرائتی به قالیباف





نماز جماعت شیعه و سنی به امامت آقای رئیسی



نخستین جلسه هیئت دولت دوازدهم



خورشید گرفتگی در آمریکا



دستگیری عامل حمله تروریستی در بارسلونا



آخرین سلفی عباس جدیدی



اولین جلسه شورای شهر

به اینستاگرام مثلث بیونید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas_magazine

به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۴۱۱۷۱۱

❌ موضوع ناراحتی مدعیان اصلاح طلبی از آقای رئیس جمهور در خصوص چیدمان کابینه دولت فربیی بیش نیست.

❌ دیوارکشی ترکیه اگر واقعا به منظور جلوگیری از ورود و خروج تروریست ها باشد، برای ایران هم مفید است، اما نباید حالتی مانند دیوار آمریکا و مکزیک داشته باشد.

❌ کارگران یکی از مهمترین بخش های جامعه هستند. چرا تنها در دوران انتخابات همه به فکر قشر ضعیف می افتند و بعد از انتخابات یادشان می رود؟

❌ برخی از سواالاتی که نمایندگان موافق و مخالف درباره وزرای پیشنهادی طرح کردند و مواردی را که اشاره داشتند جای شگفتی بود! زیرا هیچ منفعتی برای کشور نداشت و به فرد پیشنهادی وزارت مرتبط نبود ولی به جای آن، موارد کلیدی و سرنوشت ساز فراموش شده بود.

❌ آنچه در جهان پیروز است حقیقت است و ترامپ راه حقیقت را نمی داند و نتیجه اش شکست است. کسی که از حامیان داعش حمایت می کند و جهان را سراسر با خطر داعش یا تهدید هسته ای مواجه می کند محکوم به شکست است. مردم، آبادانی کشورشان را می خواهند. به امید روزی که صلح جای جنگ را بگیرد و خبری از ویرانی کشورها در سایه جنگ و تهدید نباشد.

❌ سخنان مقام معظم رهبری، امام خامنه ای عزیز در جلسه تحلیف حکم ریاست جمهوری که فرمودند «از انتقادات ناراحت نشوید و استقبال کنید» خطاب به رئیس جمهوری بود اما مخاطب همه بودند. آقایان عزیز! به گوش جان بگیرید و عمل کنند.

❌ اگر هم قدرت خریدی هست برای کارمند دولت است، نه شغل آزاد. چون بیشتر نشده که هیچ، بسیار کمتر هم شده است.

❌ مسئولان مشکلات مردم را می دانند اما راهکاری برای برون رفت ندارند. بیکاری، بیماری، فقر، فساد، اعتیاد، گرانی و... عادی شده! به هر کس مراجعه می کنی به دیگری پاس می دهد، دخل با خرج همخوانی ندارد و در هر کاری دست زیاد شده، حتی مردان خانه دار! مردان خانه دار را بیمه نمی کنند؟!

❌ مگر مدارس سمپاد یا همان تیزهوشان مدارس دولتی نیستند که برای ثبت نام طلب شهریه ۲/۵ میلیونی می کنند؟

❌ لطفا در مساجد کل کشور آسانسور نصب کنید یا طبقه همکف را به بانوان اختصاص دهید، زیرا باردار، بچه بغل یا سالمند عصادار هستند.

اعتراض اصلاح طلبان به لیست امید

با کابینه ای مطلوب فاصله دارد و باید همزمان از روحانی حمایت مطالبه گری کرد.

برخی از کانال های اصلاح طلب در تلگرام نوشتند: «اتفاقی عجیب در رای بیطرف! ۱۴۲ نفر از نمایندگان مجلس به عنوان نمایندگان موافق جهت دفاع از برنامه های وزیر پیشنهادی نیرو ثبت نام کرده اند که امری کم نظیر بوده است. این در حالی است که وی در رای گیری تنها ۱۳۳ رای آورد! یعنی برخی موافقانی که می خواستند در حمایت از وی صحبت کنند حتی به او رای ندادند!»

از سوی دیگر پرویز امینی، فعال رسانه ای اصولگرایان در یادداشتی با عنوان «مجلس دهم: مجلس لاریجانی» می نویسد: «کیفیت چپش کابینه دوازدهم، جلسه رای اعتماد و نتایج آرا به وزرا، مسائل معناداری هستند که چهره برخی واقعیت های سیاسی را که با اصرار کتمان می شد، خصوصا برای جریان مرسوم به اصلاح طلبی، آشکار می کند.»

امینی معتقد است: «چپش کابینه خصوصا در وزارت کشور و ارشاد و نیز آرای مجلس در رای اعتماد، برای جریان اصلاح طلبی ناخوشایند و تا حدودی نامنتظره است.»

سیداسر جبرائیلی فعال رسانه ای اصولگرا هم با انتشار تصویری که در آن اسامی نمایندگان ادوار گذشته آمده بود نوشت: «لیست کامل نمایندگانی که حالا کارمند وزارت نفت هستند.»

محمود صادقی، نماینده اصلاح طلب تهران نیز با انتشار توییتی نوشت: «بیطرف به خاطر صداقت خود رای نیاورد.» این نماینده تلویحا اعتراضی نیز به کم تاثیر بودن فراکسیون امید در بین نمایندگان مجلس می کند و می نویسد فراکسیون امید به بیطرف رای حداکثری داد.

محمود صادقی همچنین آرای جهرمی را بیطرف را مقایسه کرده و باز هم اعتراف می کند که فراکسیون امید در مجلس تاثیرگذار نیست و در توییتی نوشت: «بیطرف با ۱۳۳، جهرمی با ۱۲۰ و حتی با ۹۴ رای مخالف به ترتیب بیشترین مخالف را داشتند.»

سایر فعالان سیاسی فضای مجازی اصلاح طلبان نیز از رای کابینه ناراضی بودند و آن را به ضعف لیست امید نسبت می دادند. ▶

با اتمام رای گیری برای کابینه دوازدهم مهمترین منتقدان میان اصلاح طلبان بودند که در میان شان بیطرف به عنوان وزیر پیشنهادی نیرو نتوانسته بود رای لازم را از مجلس کسب کند. در میان اصلاح طلبان این اختلاف وجود داشت و حتی آنها لیست امید را باعث اصلی رای نیاوردن بیطرف عنوان کردند.

مهمترین واکنش در این زمینه مربوط بود به جواد امام، مدیرعامل بنیاد باران که در یک پیام توییتی از جلسه ای در حوالی میدان آرژانتین خبر داد که در آن از برخی از اعضای لیست امید (که حروف اول نام آنها آورده شده بود) از بیطرف درخواست هایی داشتند که او نیز نپذیرفته است. این فعال اصلاح طلب در صفحه تویتر خود نوشت:

بازهم گندم نماهای جوفروش! / رای عدم اعتماد بیطرف

نتیجه صداقت، سلامت و پاسخ منفی ایشان به خواسته های آقایان (ت، و، ح، ن) در جلسه میدان آرژانتین بود.

آذر منصوری، فعال سیاسی اصلاح طلب نیز در واکنش به جلسه رای اعتماد مجلس در کانال تلگرامی خود یادداشتی را با عنوان «شد آنچه که نمی بایست می شد» نوشت:

«آقای روحانی گفت می خواستم وزیر زن معرفی کنم اما نشد، امروز هم مجلس با رای ندادن به مهندس بیطرف کاری کرد که نمی بایست می شد، مهندس بیطرف، شایسته ترین وزیری بود که می توانست این وزارتخانه را اداره کند و معضلات ناشی از کم آبی و نیرو را حل کند، اما متأسفانه این وزارتخانه وزیر فعال و دلسوزی را از دست داد.»

آذر منصوری رای ندادن به بیطرف را حذف اصلاح طلبان از مجلس به ظاهر اصلاح طلب با انگیزه های سیاسی می داند و تصریح می کند: «اگر نمایندگان اندکی می اندیشیدند و احساسی و جناحی برخورد نمی کردند و مصالح ملی و منطقه را لحاظ می کردند، قطعا به ایشان رای می دادند.»

آذر منصوری بعد از این اظهارات با انتشار توییتی سعی کرد موضع خود را تعدیل کند و می نویسد: «کابینه دوازدهم

احسان حاج صفی که به دلیل بازی باشگاهی مقابل نماینده ای از رژیم صهیونیستی با انتقادات شدیدی روبرو شد، پست جدیدی را در صفحه شخصی اش منتشر کرد



حاج صفی در اینستاگرامش نوشت: در این روزهای پر تلاطم مردم عزیز کشورمان در سوگو قهرمانان دلاور خود هر روز فداکارانه شهیدی را در راه آرمان انقلاب و امنیت میهنمان تقدیم می کنند. شهید قهرمان محسن حججی از نمونه بارز این فداکاری هاست که هر انسان آزاده را به تعظیم و تکریم وامی دارد، ما نیز همچون هر ایرانی با غم و اندوه این دلاوری هارا می ستاییم. با کمال تأسف در این ایام مردم عزیز کشورمان بازنجیدگی به حق به اتفاقی که نمی بایست رخ میداد به قضاوت نشستند اما به یاد داشته باشید ما همواره برای نشان دادن لبخند شادی بر لبان ۸۰ میلیون ایرانی تلاش کرده و آن را افتخاری برای خود می دانیم. ما همراه مردم پر افتخار ایران در راه انقلاب و رهبری آن حرکت خواهیم کرد و مسلمان و ایرانی بودن را مایه سرافرازی و سربلندی خود میدانیم

آتش به اختیاری که مورد تایید رهبری است

دیدار رضایی رهبر معظم انقلاب با دانشجویان مانند همیشه ملامال از صمیمیت و گفت‌وگوهای پدر و فرزند بود. دانشجویان در این دیدار گوش به فرمان رهبری برای ترویج گفتمان انقلاب در دانشگاه‌ها بودند و رهبری معظم این قشر را به تلاش همه‌جانبه در موضوع یادشده رهنمون ساختند. رهبر انقلاب در بخشی از سخنان خود فرمودند: «من به همه آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری و فرهنگی در سر تاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش به اختیار.»

پس از این دیدار فرمان آتش به اختیار با واکنش‌های بسیاری مواجه شد و همه جوانان مومن و انقلاب در تکاپوی آتش به اختیار مدنظر فرماندهی کل قوا بودند. از آن پس هر اقدامی که در حیطه آتش به اختیار قرار می‌گرفت نیز در شبکه‌های اجتماعی بازتاب داشت.

اردوهای هجرت یکی از این مصادیق است که مورد تایید رهبر انقلاب قرار گرفت. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «حرکت عظیم بسیج سازندگی و اردوهای هجرت، این کار ابتدا از خود جوان‌ها شروع شد. در بخش‌های مختلف شروع کردند و در سال ۷۹ گزارش این حرکت زیبا و پرشکوه به من هم رسید و منجر شد به اینکه پیام بسیج سازندگی به غایبه جوانان داده شود.»

این حرکت خودجوش مردمی درست مثل حرکت جهاد سازندگی در ابتدای انقلاب است. کار مردم الهام‌بخش اقدام مدیران و مسئولان است و عامل این حرکت عشق ایمان، بصیرت و همت است. اینها ستون‌های اصلی است، بسیج سازندگی و اردوهای هجرت را قدر بدانید.»

پست اینستاگرامی فرزند شهید همت درباره سردار سلیمانی



محمد مهدی همت فرزند شهید همت در صفحه اینستاگرامش بخشی از سخنرانی روز گذشته سردار حاج قاسم سلیمانی در اجلاس روز جهانی مسجد را که گفت: «اینکه در جامعه مدام بگویم او بی‌حجاب و این بی‌حجاب است یا اصلاح‌طلب و اصولگراست، پس چه کسی می‌ماند؟ این‌ها همه مردم ما هستند.» منتشر کرد. وی در بخش دیگری از مطلب خود نوشت که وقتی می‌پرسند: «اگر حاج همت زنده بود، اکنون چگونه بود؟» من جواب می‌دهم: «بی‌شک فردی شبیه حاج قاسم بود» یعنی این سخنان، یعنی این شرافت، یعنی این روح بزرگ، یعنی این عدالت... درود بر تو عمو جانم، فدای رهبرم که تو را «شهید زنده» خواند.»

بررسی رسانه‌ای هفته کیهان: یکی از سران دوروی فتنه خواستار رفع حصر است



خاتمی در دیدار گروهکی موسوم به جمع ایثارگران اصلاح طلب که برخی از آنها عناصر فعال در فتنه ۸۸ بودند، با اشاره به نظر برخی حاضران گفت: «من شخصاً هیچ تقاضایی از هیچ کس و هیچ جا نداشته‌ام. اما امروز می‌خواهم به استناد مطالب و خواسته‌های شما و به نام و اسم شما تقاضایی را با مقام معظم رهبری مطرح کنم که دستور بفرمایند مساله حصر حل شود.» خاتمی گفت: «دستگاه‌هایی که مسئول هستند، نمی‌خواهند یا نمی‌توانند مساله حصر را حل کنند و با عنایت ایشان است که این مساله حل خواهد شد و این به نفع نظام و نشانه امنیت و اقتدار نظام خواهد بود. آنچه مطرح کردم تقاضای آزادگان، ایثارگران و بسیاری از اقشار مردم از علما و دانشمندان گرفته تا فرهیختگان و دانشجویان و مردمی است که به نحوی این خواست را مطرح کرده‌اند و معتقد دستور رهبری می‌تواند این مشکل را حل کند.» کیهان یادآور می‌شود رهبر معظم انقلاب بارها با تاکید بر پاسداری از انتخابات و رأی مردم، فتنه را خط قرمز نظام معرفی کردند و همچنین عمل فتنه‌گران به آیه شریفه «تا بوا و اصلحو و بینوا» (توبه، اصلاح فساد انجام داده و تبیین حقیقت ماجرا) را شرط بازگشت فتنه‌گران بر شمرده‌اند. معظم له همچنین تصریح کرده‌اند که با فتنه‌گران اغماض شده و اگر محاکمه شوند، حکم و مجازات آنها بسیار سنگین خواهد بود. با این وصف کمترین انتظار از خاتمی این است که فکری برای خیانت خود بکند و اگر در محافل خصوصی چند بار اعتراف کرده که تقلب در انتخابات، دروغ بوده، حداقل شجاعت به خرج داده و همین را به مردم بگوید و از مردم و نظام برای تحریک به آشوب با این دروغ بزرگ (تهمت خیانت به امانت مردم) عذرخواهی کند. فتنه‌گران باید اعلام کنند که به حکم دادگاه هر چه باشد تمکین می‌کنند.

آیا اصلاح‌طلبان شکست خوردند؟

صادق زیبا کلام در یادداشتی با تحلیل رأی نمایندگان مجلس در آرمان نوشت: از دیدگاه نگارنده، رأی ندادن به بیطرف، یعنی رأی ندادن مجلس دهم به جریان اصلاحات و شکست او به منزله شکست اصلاح‌طلبان است. مهندس بیطرف بارزترین چهره اصلاح طلب در میان ۱۷ گزینه پیشنهادی رئیس جمهور بود. از هر جهت که عدم رأی اعتماد به بیطرف تحلیل شود، این موضوع نماد شکست اصلاحات در مجلس دهم است. چون اصولگرایان مصمم بودند به اصلاح طلبان رأی ندهند و آنها را از کابینه حذف کنند و در این مسیر موفق بودند. همه گزینه‌هایی که موفق به اخذ رأی اعتماد شدند، حتی اشخاصی همچون ظریف و زنگنه که موضوعی نزدیک به اصلاح طلبان داشته‌اند، اصلاح طلب شناسنامه‌دار نبودند. «این استاد دانشگاه در ادامه می‌نویسد: «تنها اصلاح طلبان شناسنامه‌دار کابینه پیشنهادی، بیطرف و حجتی بودند که مهندس بیطرف، رأی نیامورد و مهندس حجتی نیز به‌رغم عملکرد شایسته، رأی پایینی آورد. متاثر کننده است که مجلس دهم به نامزدهای شناخته‌نشده یا کمتر شناخته‌شده رأی داد و به بیطرف رأی نداد. بی‌تردید این موضوع در تاریخ ثبت خواهد شد. به اعتقاد نگارنده، رأی دیروز نمایندگان مجلس، بیش از اینکه پیروزی اصولگرایان و شکست اصلاح طلبان باشد، ثمره این است که اشخاصی به‌عنوان نماینده مردم انتخاب می‌شوند که دوز اصولگرایی آنها بیشتر از دوز اصلاح طلبی است. برای حفظ مصالح کشور در آینده، ضرورت دارد که دکتر روحانی و سایر اصولگرایان معتدل درصدد اصلاحاتی تأثیرگذار در این زمینه باشند.»



تله‌ای برای اقتصاد و دولت دوازدهم



روزنامه ابتکار با گزارش اظهارات یک اقتصاددان درباره تله اقتصادی در کمین دولت دوازدهم نوشت: «مادامی که فعالیت و رانت یک جریان خاص ادامه داشته باشد، هیچ اصلاح اقتصادی در کشور رخ نخواهد داد. آنچه که امروز شاهدش هستیم این است که آقای روحانی بارها و بارها اعلام کرده‌اند که برای تحقق رشد ۸ درصد نیازمند ۸۰۰ هزار میلیارد هستیم. این یعنی ما هیچ وقت به رشد ۸ درصد نخواهیم رسید، زیرا این رقم تقریباً برابر بودجه جاری کشور است.» حسین راغفر کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با فرارو گفت: «تمام نظام سیاستگذاری اقتصادی ما تقریباً سه دهه است که در یک تله رانت قرار گرفته که فقط حافظ منافع صنایع خصوصی یا همان خصولتی‌ها است که صاحبان این صنایع نفوذ و قدرت بسیاری طی این سال‌ها به دست آورده‌اند.» پتروشیمی‌ها، خودروسازی‌ها، بانک‌ها و... از جمله این موارد هستند. وی عنوان کرد: «البته در این بخش خصوصی که ذی‌نفوذ هستند از رانت‌های مختلفی استفاده می‌شود که یکی از آنها رانت منابع معدنی است که بتواند انرژی ارزان بگیرند و بدون تلاش و خلاقیت و رقابت، خیلی ساده می‌توانند درآمدهای کلان به جیب بزنند. این همان روندی است که طی سه دهه گذشته و بعد از جنگ در کشور حاکم شده است.» او تصریح کرد: «بنابراین به نظر من مادامی که فعالیت و رانت این جریان خاص ادامه داشته باشد، هیچ اصلاح اقتصادی در کشور رخ نخواهد داد.» او همچنین گفته: «گویا دولت موضوع دیگری را هم مطرح می‌کند و آن، این است که آنها می‌خواهند از پول نفت در اختیار دولت قرار دهند تا بتوانند این رشد اقتصادی را عملی کنند.» راغفر درباره اینکه رویکرد دولت در قبال این جریان چیست، گفت: «دولت دوازدهم هم همانطور که در دولت یازدهم شاهد بودیم، قصد دارد خدمتگزار همین جریان باشد. مگر اتفاق خاصی رخ دهد و شناخت درستی از این جریان به دست بیاید و برای کوتاه کردن دست آنها از اقتصاد، برنامه‌ریزی انجام شود. البته باید توجه داشت که انجام این کار نیازمند تمایل برای حذف این جریان است. یعنی باید این نیاز و خواست در دولت وجود داشته باشد تا امیدوار به کوتاه کردن دست این جریان باشیم.»

نقشه ترامپ

ترامپ در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ میلادی، نیاز مبرمی به تکرار نتیجه انتخابات سال ۲۰۱۶ دارد. او قصد ندارد به راحتی پیاده نظام خود را از دست بدهد، آن هم در شرایطی که میزان حمایت‌های عمومی از وی طی هفت ماه گذشته کاهش یافته است.

گفتارها

هیتلر آمریکا

نژادپرستی در آمریکا به چه سمتی می‌رود؟



سعید سبحانی

روزنامه نگار

حوادث تلخ و خشونت بار اخیر در ایالت ویرجینیا (شهر شارلوتزویل)، بار دیگر از ادامه حیات شوم نژادپرستی نهادینه شده در معادلات اجتماعی ایالات متحده آمریکا پرده برداشته است. بدون شک، سیاستمداران آمریکایی در طول دهه‌های گذشته و اخیر، نقش بسزایی در تبلور این روح پلید در کالبد کشورشان داشته‌اند. اگرچه تصور می‌شد که در سال ۲۰۰۸ میلادی و متعاقب پیروزی یک سیاهپوست در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، نژادپرستی در این کشور به آخر خط رسیده است، اما در همان زمان بسیاری از تحلیلگران و جامعه‌شناسان آمریکایی این فرضیه را به طور کامل رد می‌کردند!

در سال ۲۰۱۴ میلادی، شاهد کشتار در کلیسای سیاهپوستان چارلستون توسط یک جوان سفیدپوست بودیم. در آن زمان باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا گفت

که نژادپرستی و میراث برده‌داری همچنان در این کشور وجود دارد. اوباما در این خصوص اظهار کرد: «نژادپرستی هنوز به طور کامل در آمریکا از میان نرفته و میراث برده‌داری بر سر آمریکا سایه افکنده است. ما نژادپرستی را درمان نکرده‌ایم و موضوع فقط این نیست که دیگر در اماکن عمومی گفتن لفظ سیاه مؤذنه تلقی نمی‌شود. این سنجشی برای اینکه بگوییم نژادپرستی وجود دارد یا نه، نیست. فقط موضوع تبعیض آشکار نیست. جوامع یک‌شبه کاملاً از آنچه ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال قبل حادث شد، خلاص نمی‌شوند. میراث برده‌داری بر جامعه آمریکا سایه طولانی افکنده و هنوز این میراث بخشی از DNA ما است.»

هم اکنون، در سال ۲۰۱۷ میلادی قرار داریم. وقوع حوادث اخیر در ایالت ویرجینیا، خشم و نفرت افکار عمومی دنیا از دونالد ترامپ را برانگیخته است. ترامپ در منازعه اخیر، عملاً حاضر نشده است به صورت قاطعانه رفتار خشونت‌بار صورت گرفته از سوی نژادپرستان را محکوم کند. مواضع جنجال‌برانگیز

ترامپ در قبال حوادث اخیر در شهر شارلوتزویل، منجر به خشم و نارضایتی بسیاری از شهروندان آمریکایی و حتی سیاستمداران و شهروندان اروپایی گردیده است. بسیاری از سران اروپایی رویکرد ترامپ در قبال حوادث اخیر در شهر شارلوتزویل را محکوم کرده و آن را مصداق بازی حمایت رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از نژادپرستان دانسته‌اند. با این حال به نظر می‌رسد ترامپ قصد عقب‌نشینی از مواضع خود را ندارد. وی به بهانه اینکه هر دو طرف در حوادث خشونت‌بار شارلوتزویل مقصر هستند، عملاً از محکوم کردن گروه‌های نژادپرست و راستگرایان افراطی که عوامل اصلی بروز خشونت‌های اخیر بوده‌اند سرباز می‌زند. تعلق خاطر گروه‌های افراطی به ترامپ و حمایت سیاسی آنها از وی، سبب شده است تا رئیس‌جمهور آمریکا سخنی علیه آنها بر زبان نیاورد. وی در جریان حوادث اخیر شارلوتزویل، پیام مستقیمی را به هواداران نژادپرست خود مخابره کرد: اینکه وی تا زمان حضور در کاخ سفید از آنها حمایت خواهد کرد.

موج جدید بحران امنیت در اروپا

تاملی بر حوادث اخیر در اسپانیا و فنلاند

حنیف غفاری

روزنامه نگار



وقوع حملات تروریستی اخیر در اسپانیا و فنلاند، مولد دغدغه‌های امنیتی تازه‌ای در اروپاست. در سال ۲۰۱۵ میلادی، متعاقب وقوع حملات تروریستی در پاریس، تصور می‌شد دامنه حملات تروریستی در اروپا محدود به یک یا دو کشور اروپایی خاص است. با این حال، وقوع حملات تروریستی بروکسل در ابتدای سال ۲۰۱۶ میلادی و وقوع حملات تروریستی پراکنده دیگر در قاره سبز و سرانجام، وقوع حملات اخیر، پرده از «بحران امنیت» به‌عنوان بحرانی مزمن، دامنه‌دار و روبه گسترش در اروپای واحد برداشته است.

حادثه تروریستی اخیر در بارسلون، نقطه آشکار ساز استمرار بحران‌های امنیتی در اروپا محسوب می‌شود. این حادثه و حوادث مشابهی که طی روزهای اخیر و در نقاط مختلف اروپا به وقوع پیوسته است، نشان می‌دهد برخلاف تصور اولیه، بحران‌های امنیتی در اروپا محدود به یک یا چند کشور خاص نیست. در این معادله، همه کشورهای اروپایی، مخصوصاً کشورهایی که در محدوده شنگن قرار داشته و رفت و آمد در آنها آسان تر است، در معرض آسیب‌های امنیتی جدی قرار دارند. بحران امنیت موضوعی است که اروپای واحد امروز آن را به شدت لمس می‌کند.

سیاست‌های امنیتی مشترک در اروپا نه تنها منجر به بهبود اوضاع امنیتی در مرزهای شنگن و دیگر مرزهای اروپایی نشده است، بلکه به نقطه آسیب اطلاعاتی و امنیتی در این مجموعه تبدیل شده است. امنیت به‌عنوان حداقلی‌ترین نیازی که شهروندان اروپایی آن را در زندگی روزمره فردی و اجتماعی خود باید حس کنند، این روزها به حلقه مفقوده و معمای تبدیل شده است که کمتر کسی قدرت تجزیه و تحلیل آن را دارد. در این میان سیاست‌های امنیتی جاری و گذشته در اروپای واحد در شکل‌گیری بحران امنیت در این مجموعه دخیل بوده است.

بی‌تفاوتی سرویس‌های امنیتی اروپا در قبال تقویت جریان‌های راست افراطی و فاشیسم نوین و متعاقباً حمایت این دستگاه‌ها از جریان‌های تکفیری در منطقه غرب آسیا و در نهایت حمایت‌های تسلیحاتی کلان کشورهایی مانند فرانسه، انگلیس و آلمان از رژیم‌های دیکتاتوری عربی مانند عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا نتیجه‌ای جز تقویت دو جریان تکفیری و راست افراطی در غرب نداشته است. به عبارت بهتر، در حوزه بحران‌های امنیتی، غرب با ساختار ناهمگونی مواجه است که خود در ایجاد آن نقش داشته است. در این میان ارائه تفاسیر وارونه از موضوع نمی‌تواند منجر به تیرنه برخی کشورهای اروپایی نسبت به سیاست‌های امنیتی خود شود.

موج جدید بحران امنیت در اروپا، دارای خصلتی ویژه به نام گستردگی جغرافیایی است. همین مساله، پروسه مهار تروریست‌ها را در خاک اروپا سخت‌تر خواهد کرد. در موج قبلی بحران امنیت در اروپا، آنچه ظهور و بروز داشت، عمق حوادث تروریستی بود اما این بار گستردگی حوادث تروریستی مورد توجه گروه‌های تروریستی قرار گرفته است. بدیهی است که عملکرد برخی کشورهای

سؤال اصلی اینجاست که چرا رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از نژادپرستان حمایت می‌کند؟ آیا دونالد ترامپ علاقه‌ای نسبت به این گروه‌های افراطی دارد؟ پاسخ این سؤال مثبت است! همان‌گونه که اشاره شد، ریشه این مسائل را باید در معادلات سیاسی ایالات متحده جست‌وجو کرد. در جریان رقابتهای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا، بسیاری از نژادپرستان و طرفداران برتری سفیدپوستان آرای خود را به سود ترامپ به گردش درآوردند. دفاع ترامپ از ملی‌گرایی آمریکایی، حمایت گرایان اقتصادی و تمرکز بر مرزهای داخلی این کشور و در نهایت، تأکید وی بر لزوم تقویت وجهه آمریکا، سبب شد تا بسیاری از نژادپرستان و گروه‌های افراطی گرد او جمع شوند. در چنین معادله‌ای، بسیاری از آرای خاموش (متعلق به گروه‌های افراطی) که تاکنون اساساً در انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده مشارکتی نداشتند نیز به سود نامزد حزب جمهوریخواه به گردش درآمد.

در آن زمان گروه‌های افراطی با استناد به شعارهای ترامپ در ریافته بودند که وی زمینه و استعداد مناسبی در راستای حمایت از نژادپرستی دارد. این موضوع حتی از سوی گروه‌های راست افراطی و ضد مهاجرت در اروپا نیز درک شد. بی‌دلیل نبود که در جریان رقابتهای انتخاباتی سال گذشته آمریکا بسیاری از گروه‌های متعلق به جریان راست افراطی از جمله جبهه ملی فرانسه حمایت صریح خود را از ترامپ اعلام کردند. تعلق خاطر گروه‌های نژادپرست، ملی‌گرا، نئونازیستی و افراطی در اروپا نسبت به رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده آمریکا پس از ورود وی به کاخ سفید تقویت شده است. ترامپ و تیم همراه وی، هم‌اکنون نه تنها حامی نژادپرستی در آمریکا، بلکه حامی تفکرات افراطی در سرتاسر دنیا محسوب می‌شوند. اگرچه در دوران سایر رؤسای جمهور آمریکا (حتی در دوران اوباما) نیز این روند وجود داشته است، اما هم‌اکنون کاخ سفید به مرجع رسمی حمایت از گروه‌های نژادپرست در سرتاسر دنیا تبدیل شده است. این موضوع، موهون وجود رئیس‌جمهوری نژادپرست و افراطی در کاخ سفید است. در چنین شرایطی برخی رسانه‌ها و سیاستمداران انتظار دارند که ترامپ حوادث شارلوتزویل و نژادپرستانی که در وقوع این حوادث دخیل بوده‌اند را محکوم کند. این انتظار بیهوده به نظر می‌رسد. بدیهی است که ترامپ نه تنها در برهه زمانی فعلی، بلکه طی ۴ سال پیش رو به‌گونه‌ای رفتار خواهد کرد که خروجی رفتار تأثیر سلبی و بازدارنده‌ای روی حمایت گروه‌های نژادپرست و افراطی از وی نگذارد.

ترامپ در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ میلادی، نیاز مبرمی به تکرار نتیجه انتخابات سال ۲۰۱۶ دارد. او قصد ندارد به راحتی پیاده نظام خود را از دست بدهد، آن هم در شرایطی که میزان حمایت‌های عمومی از وی طی هفت ماه گذشته کاهش یافته است. ترامپ نسبت به گروه‌های افراطی و نژادپرست در ایالات متحده آمریکا به‌عنوان سرمایه‌های سیاسی خود می‌نگرد و قصد ندارد این سرمایه‌ها را تحت تأثیر یک موضع‌گیری از دست بدهد.

هم‌اکنون، گروه‌های افراطی و نژادپرست نسبت به حمایت ترامپ از خود اطمینان پیدا کرده‌اند. موضع‌گیری اخیر ترامپ در قبال حوادث شارلوتزویل، پیام ویژه‌ای را به مخاطبان تحولات سیاسی و اجتماعی آمریکا مخابره کرده است. این پیام مهم، بازگشت رسمی و آشنگتن به دوران نژادپرستی است. در این معادله، نه تنها سیاستمداران حاکم بر کاخ سفید اقدامی در راستای مهار نژادپرستی صورت نمی‌دهند، بلکه خود به یکی از حامیان آن تبدیل شده‌اند.

اروپایی در تقویت تروریست‌های تکفیری در منطقه غرب آسیا برای جلوگیری از ورود آنها به اروپا، متاثر از نوعی محاسبه امنیتی خطرناک است که نتیجه‌ای جز تشدید بحران‌های امنیتی در داخل خاک اروپا نخواهد داشت. آنچه مانع از رشد و نمو تروریست‌ها می‌شود، مبارزه واقعی با ترور و خشونت در همه نقاط جهان است؛ موضوعی که به نظر می‌رسد دستگاه‌های امنیتی برخی کشورهای اروپایی در درک آن عاجز مانده‌اند.

در این خصوص لازم است غرب رویکرد کلان امنیتی خود را در منطقه غرب آسیا تغییر دهد. حمایت از گروه‌های تروریستی و تکفیری در منطقه غرب آسیا و در مقابل، مواجهه با آنها در اروپا سیاست دوگانه‌ای است که خروجی آن، چیزی جز بازگشت این ترور و خشونت به غرب نیست.

سخن گفتن از مدیریت تروریست‌ها و کنترل خشونت‌های تروریستی توسط برخی دستگاه‌های امنیتی در کشورهای اروپایی، نشان از عدم درک و شناخت آنها نسبت به مقوله تروریسم و ابعاد آن دارد. چنین عدم شناخت و محاسبه نادرست و خطرناکی، می‌تواند به پاشیه آشیل کل اروپای واحد تبدیل شود. حال باید در انتظار نحوه مواجهه غرب با موج جدید بحران امنیت در اروپا ماند.

در جمع‌بندی آنچه در اروپای امروز می‌گذرد، لازم است تمرکز ویژه‌ای روی بحران امنیت در قاره سبز داشته باشیم. همان‌گونه که اشاره شد، هم‌اکنون بحران امنیت، اصلی‌ترین بحرانی است که در اروپای واحد خودنمایی می‌کند. کالبدشناسی بحران‌های امنیتی در اروپای امروز با توجه به رویکرد امنیتی اروپا در قبال مسائل جاری در غرب آسیا چندان دشوار نیست.

شهروندان اروپایی متفق‌القول هستند که سیاست‌های امنیتی مشترک در اروپا نه تنها منجر به بهبود اوضاع امنیتی در مرزهای شنگن و دیگر مرزهای اروپایی نشده است، بلکه به نقطه آسیب اطلاعاتی و امنیتی در این مجموعه تبدیل شده است. بنابراین، اروپای واحد خود در شکل‌گیری بحران‌های امنیتی مزمنی که امروز با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند دخیل است.

در حوزه بحران‌های امنیتی غرب با ساختار ناهمگونی مواجه است که خود در ایجاد آن نقش داشته است. در این میان ارائه تفاسیر وارونه از موضوع نمی‌تواند منجر به تیرنه اروپای واحد نسبت به سیاست‌های امنیتی خود شود.

در این معادله، باید روی دو جریان تکفیری و راست افراطی (ملی‌گرای افراطی) متمرکز شد. بی‌تفاوتی سرویس‌های امنیتی اروپا در قبال تقویت جریان‌های راست افراطی و فاشیسم نوین و متعاقباً حمایت این دستگاه‌ها از جریان‌های تکفیری در منطقه و نظام بین‌الملل و چراغ سبز نهادهای امنیتی غرب برای حیات بیش از ۱۰ ساله این جریان‌های افراطی در داخل خاک اروپا و در نهایت حمایت‌های تسلیحاتی کلان کشورهایی مانند فرانسه و انگلیس و آلمان از رژیم‌های دیکتاتوری عربی در منطقه نتیجه‌ای جز تقویت دو جریان تکفیری و راست افراطی در غرب نداشته است. آیا اروپای واحد محاسبات و نوع رویکرد خود را در مواجهه با بحران‌های امنیتی و گروه‌های خطرناک تغییر خواهد داد؟ آیا در این خصوص شاهد تجدیدنظری اساسی در رفتار اروپاییان خواهیم بود؟

خروج تدریجی

آمریکا از خاورمیانه به آسیا پاسیفیک می‌رود

دکتر امیر هوشنگ میر کوشش

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد



از پایان جنگ جهانی دوم منطقه خاورمیانه همواره و در نگاه کارشناسان حیاتی‌ترین منطقه جهان برای ایالات متحده آمریکا و سیاست خارجی این قدرت به شمار رفته و تا امروز نیز کما بیش این اهمیت پابرجاست. این اهمیت به اندازه‌ای بوده که نظریه‌هایی مانند: هارتلند یا دکترین‌های سدنوف، گوام (دکترین نیکسون) و مهار

سوالات را از زوایای مختلفی می‌توان مورد بررسی و دقت قرار داد. منطقه خاورمیانه از پس از جنگ جهانی دوم از سه جنبه برای ایالات متحده آمریکا و سیاست خارجی آن حائز اهمیت بوده است: ۱- تسلط بر ذخایر نفتی منطقه ۲- جلوگیری از نفوذ کمونیسم و سلطه شوروی بر منطقه و ۳- در اختیار گرفتن بازار بی نظیر تسلیحات و کالاهای مصرفی خاورمیانه. این سه منظر خاورمیانه را برای هر قدرتی خصوصا ابر قدرت غرب و سوسیال انگیز و غیر قابل چشم پوشی می‌ساخت.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد در ۱۹۹۱ میلادی جنبه دوم اهمیت خاورمیانه را عملا از میان برداشت. توسعه تجارت جهانی و رشد اقتصادی مناطق

و فلسطینیان، انقلاب‌های عربی و جنگ‌های داخلی سال‌های اخیر در سوریه، عراق و یمن، عملا خاورمیانه را برای آمریکا و دستگاه سیاست خارجی آن به یک محیط پرتنش، پرهزینه و سرشار از دردسر و چالش تبدیل کرده است. اما نخستین مورد اهمیت خاورمیانه یعنی ذخایر عظیم نفت همچنان باید مورد بررسی قرار گیرد. چرا که در ظاهر، تغییر جهت سیاست خارجی آمریکا را توجیه نمی‌کند و این کشور همچنان نیازمند نفت و کنترل مسیرهای انرژی در منطقه است. با این حال باید به نکته ظریفی توجه کرد که همانا تحول و تغییرات بنیادین در تکنولوژی و فرآیند تحقیق و توسعه خصوصا در حوزه انرژی در غرب و ایالات متحده آمریکا است. موفقیت روزافزون در به کارگیری انرژی‌های جایگزین سوخت فسیلی جذب سرمایه‌گذاری‌های فراوان در این زمینه از یک سو و پروژه استخراج نفت از شیل‌های نفتی در آمریکا که تا به امروز سروصدا و البته موفقیت‌های قابل توجهی به همراه داشته است بسیاری از پیش‌بینی‌ها را به این سمت و سو برده که آمریکا در آینده‌ای نه چندان دور از نفت خاورمیانه بی‌نیاز خواهد شد.

امروز در نگاه افکار عمومی آمریکا خاورمیانه همان جایی است که پنج هزار نفر از سربازان جوان آن جان خود را در آن از دست دادند. جایی که محل ظهور تروریست‌های تکفیری و کسانی است که برح‌های سازمان تجارت جهانی در نیویورک افروزیختند؛ جایی که مالیات مردم آمریکا در آن به هدر می‌رود. طرح خاورمیانه بزرگ که حساب ویژه‌ای روی آن شده بود عملا با شکست و ناکامی روبرو شد چرا که اساسا ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه هیچ گونه‌سختی با لیبرالیسم و اقتصاد سرمایه‌داری ندارد. در نقطه مقابل منطقه کشورهای منطقه اقیانوس آرام در فردای جنگ جهانی دوم نه تنها فرایند و حرکت تاریخی خود را به سمت رشد و توسعه اقتصادی، ملت-دولت‌سازی، تجارت آزاد و صنعتی شدن با موفقیت آغاز کرد بلکه پس از پایان جنگ سرد به منطقه‌ای نسبتا توسعه یافته، شکوفا و پررونق و امن در جهان پرتنش امروز مبدل شد. رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی منطقه حاصل وجود بخش خصوصی و اقتصاد مولد بوده که بر خلاف خاورمیانه به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منافات چندانی با لیبرالیسم غربی و سیستم سرمایه‌داری از خود نشان نداده و در بسیاری موارد به خوبی با آن همراه شده است. قدرت‌های نو ظهور و بزرگی مانند چین و هند که می‌توانند در آینده بسیار نزدیک و حتی زمان حال رقیب بزرگ و جدی برای آمریکا باشند در این منطقه واقع شده‌اند.

می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت موفقیت کامل پروژه‌های سرمایه‌گذاری و تحقیق و توسعه آمریکا روی شیل‌های نفتی و انرژی‌های جایگزین که در حال حاضر با جدیت پیش می‌روند، ظرف دو دهه آینده ایالات متحده آمریکا به بزرگترین صادر کننده انرژی در جهان آن هم بدون وابستگی به نفت خاورمیانه مبدل خواهد شد. این تحول از آن جهت اهمیت دارد که منطقه آسیا-پاسیفیک در صورت تداوم این روند حرکتی، بزرگترین و گسترده‌ترین خریدار و مصرف کننده انرژی آمریکا خواهد بود. بنابراین ایالات متحده آمریکا از هم اکنون باید در جست‌وجوی تصاحب بهترین و بزرگترین بازار مصرف انرژی خود در جهان باشد. چرا که چین، هند، ژاپن، کره، استرالیا و چندین قدرت اقتصادی و مصرف کننده بزرگ انرژی در حال حاضر در منطقه اقیانوس آرام واقع شده‌اند. پس به دلایل یادشده، خروج تدریجی از خاورمیانه و گسترش نفوذ در آسیا-پاسیفیک برای آمریکا ضرورت می‌یابد. ►



چون آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی، آمریکای لاتین و نیز گشوده شدن بازارهای جدید مانند: آسیای مرکزی و قفقاز و اروپای شرقی فرصت‌های بیشماری جهت صدور سرمایه و کالا برای ایالات متحده آمریکا فراهم کرد. گرچه خاورمیانه همچنان بزرگترین خریدار تسلیحات جهان است اما از زمان پایان یافتن جنگ سرد تا به امروز ظهور بنیادگرایی اسلامی، سلفی، خطر و نیز تهدید گسترش سلاح‌های هسته‌ای، صلح نافرجام خاورمیانه و تنش‌های روزافزون اسرائیل

نقطه مقابل منطقه کشورهای منطقه اقیانوس آرام در فردای جنگ جهانی دوم نه تنها فرایند و حرکت تاریخی خود را به سمت رشد و توسعه اقتصادی، ملت-دولت‌سازی، تجارت آزاد و صنعتی شدن با موفقیت آغاز کرد بلکه پس از پایان جنگ سرد به منطقه‌ای نسبتا توسعه یافته، شکوفا و پررونق و امن در جهان پرتنش امروز مبدل شد

دو جانبه همگی نسبت به خاورمیانه و مسائل حیاتی آن برای ایالات متحده آمریکا طرح و تدوین شده بودند. اما آنچه در این نوشتار کوتاه مورد توجه است کاهش یافتن تدریجی اهمیت این منطقه در سیاست خارجی آمریکا و زمینه‌هایی مبنی بر تغییر راهبردی از خاورمیانه به سمت منطقه اقیانوس آرام یا آسیا-پاسیفیک است. در اواخر دوران ریاست جمهوری باراک اوباما بحث در خصوص خروج آمریکا از خاورمیانه و حرکت به سمت اقیانوس آرام بیش از پیش به گوش می‌رسد. حتی مواضعی رسمی بر پرهیز بنده بودن حضور در خاورمیانه و کاهش روزافزون جذابیت آن برای آمریکا گاهی از سوی رئیس‌جمهور این کشور شنیده شده است. افرادی چون استفان والت نه تنها قرن بیست و یکم را قرن خروج آمریکا از خاورمیانه می‌دانند بلکه صراحتا نیم قرن حضور و مداخله بی نتیجه آمریکا در منطقه را به نقد کشیده و معتقدند که زمان تغییر بزرگ در سیاست خارجی آمریکا فرا رسیده است.

باید به این دو سوال پاسخ داد که: به راستی چه عواملی موجب کاهش اهمیت خاورمیانه برای آمریکا را فراهم آورده است؟ و مهمتر از آن کدام عامل یا عوامل آمریکا را به گسترش نفوذ در آسیا-پاسیفیک ترغیب می‌کند؟ پاسخ به این

نیروهای «کم‌شدت» قابلیت تأثیرگذاری بالایی بر محیط امنیتی آشوب‌زده دارند. «استفان والت» نظریه‌پرداز رئالیسم ندافی در منطق «موازنه تهدید» به گروه‌ها و کشورهای اشاره می‌کند که به دلیل مجاورت جغرافیایی، از قابلیت بی‌ثبات کننده و برهم‌زننده نظم منطقه‌ای برخوردارند. روزنا نیز بر این اعتقاد است که بازیگر آشوب‌ساز در محیط پیرامونی ظهور پیدا کرده و به گونه‌ای تدریجی موقعیت خود را در نظام بین‌المللی ارتقا می‌دهد. ظهور داعش انعکاس نشانه‌هایی از سیاست و شکل‌بندی کنش امنیتی در جهان آشوب‌زده است. بازیگری که توانسته بر معادله سیاست و امنیت ملی کشورهای آسیایی، اروپایی و به ویژه خاورمیانه عربی تأثیر قابل توجهی به جا گذارد.

اما محیط مبتنی بر آشوب، الگوهای رفتاری خاصی را نیز از سوی بازیگران اقتضا می‌کند. در این میان، آنچه اهمیت دارد مدیریت آشوب یا به قول روزنا «امنیت آشوب‌زده» از سوی دو حلقه اصلی مدیریت نظم منطقه‌ای در سطح نظام بین‌الملل و در سطح منطقه‌ای است.

در فضای خاورمیانه آشوب‌زده، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و یکی از پایه‌های مدیریت محیط امنیت منطقه‌ای، به راهبردی سه وجهی از مدل تعاملی پویا تشکیل یافته از سه پایه راهبردی «تعامل سازنده»، «موازنه‌سازی» و «نظم‌سازی تعاملی» نیاز دارد که این مدل می‌تواند به شکلی ساده اما معنادار الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران را در قبال آشوب منطقه‌ای شکل دهد؛ این راهبرد از مولفه‌هایی مانند واقع‌گرایی، عملگرایی رفتاری و ثبات ژئوپلیتیکی برخوردار است.

به نظر می‌رسد که سیاست خارجی ایران در چارچوب چنین راهبردی نیازمند بازنگری، بازسازی و بازتنظیم مداوم خواهد بود؛ چرا که در فضای آشوب منطقه‌ای در معنای دگرگونی مدام ساختارها، شرایط منطقه‌ای نیز از وضعیتی سیال و پویا برخوردار است، بنابراین، تصمیم‌گیران سیاست خارجی نیز بایستی با نظم‌دهی به مقدرات، محذورات و عناصر ژئوپلیتیک قدرت، تاکتیک‌های مختلفی را برای سیاست خارجی انتخاب کنند.

همچنین، یکی دیگر از ویژگی‌های محیط امنیتی آشوب‌زده، افزایش شکنندگی در نظم کلان و در سطح خرد به معنای کاهش تعامل و افزایش رقابت در درون و در میان مجموعه‌های امنیتی است؛ در چنین فضایی کشورها با تصاعد و سرریز خشونت مواجه خواهند شد، افزایش رقابت و خشونت در منطقه خاورمیانه یکی از نشانه‌های این شکنندگی امنیتی است.

در این رویکرد، بسط تعامل سازنده نه به عنوان یک سیاست مقطعی بلکه یک راهبرد بلندمدت و در چارچوب منافع ملی از اولویت‌های سیاست خارجی ایران خواهد بود. رشد گروه‌های تروریستی به عنوان بازیگران آشوب‌ساز یکی دیگر از ویژگی‌های عمده آشوب منطقه‌ای است؛ ظهور داعش و گروه‌های مختلف تروریستی در عراق و سوریه یکی از نمادهای چنین فرآیندی است. در این رویکرد، دوری از آرمانگرایی افراطی و رعایت قواعد بازیگری در نظام دولت محور و استقلال‌یابی از اولویت‌های اصلی به شمار می‌آید.

در پایان، این سیاست می‌تواند در دو مسیر انجام پذیرد: نخست، پیگیری سیاست تنش‌زدایی متقابل چندسطحی میان همسایگان و دوم، همکاری و مشارکت بازیگران منطقه‌ای در ساختار امنیتی، به ویژه همکاری کشورهای بزرگ‌تر مانند ایران، ترکیه و عربستان سعودی در حل و فصل چالش‌های مشترک نظیر تروریسم و مدیریت الگوهای تعاملی میان یکدیگر. ▶



مدیریت آشوب در خاورمیانه آشوب‌زده

خاورمیانه منطقه پیچیده‌ای است

جنگ عظیم در خلیج فارس، جنگ‌های داخلی متمادی، پیدایش و پدیداری جنبش‌های مختلف و بالاخره رشد گروه‌های تروریستی، عواملی هستند که باعث شده‌اند تا منطقه خاورمیانه تداعی کننده «آشوب» در سیاست بین‌الملل باشد.

آنچه در خاورمیانه کنونی در حال شدن است؛ لایه‌های مختلفی از تحولات و اقدامات در سطوح مختلف برای «مدیریت آشوب» است. در یک سو، قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا، روسیه، کشورهای اروپایی و حتی چین قرار دارند که به دنبال شکل دادن نظم در درون بی‌نظمی مدام منطقه هستند.

این تلاش‌ها در چارچوب «توازن منافع» به معنای ایفای نقش در بحران‌های پیوسته ناتمام مانند بحران سوریه و عراق کرد یافته است و در دیگر سو، قدرت‌های منطقه‌ای به عنوان مراکز قدرت منطقه‌ای قرار دارند که در فرآیند «تداوم و تغییر» و آشوب منطقه‌ای به دنبال شکل‌دهی نظم دلخواه از طریق ترتیبات کلاسیک نظم‌دهنده یعنی «موازنه قدرت» هستند؛ کشورهای تشکیل‌دهنده ائتلاف عربی نظیر عربستان سعودی این روند را از طریق پیگیری یک «جنگ نیابتی» با هدف برهم زدن توازن قوا و افزایش خطر «بقا» برای دیگر قدرت‌های منطقه‌ای به ویژه ایران دنبال می‌کنند.

در این میان، این پرسش اهمیت پیدا می‌کند که چگونه با وجود تعارض در راهبردهای دو لایه اصلی قدرت و اهداف متمایز هر یک در شکل‌دهی نظم جدید، ما می‌توانیم پیوند میان این دو سطح را در قالب ائتلاف و اتحاد ببینیم؟

پاسخ، بسیار ساده خواهد بود اگر نگاهی عمیق‌تر به منطق ائتلاف و اتحاد در روابط بین‌الملل داشته باشیم؛ کشورها زمانی دست به ائتلاف و اتحاد می‌زنند که «بقا»ی آنها با تهدید مواجه شده باشد یا خطر تقابل با یک قدرت بزرگ وجود داشته باشد که نهایتاً آنها را وادار به ایجاد یک ائتلاف خواهد کرد. تحرک دیپلماتیک کشورهایی مانند ایران و عربستان برای ائتلاف‌سازی با قدرت‌های تأثیرگذار جهانی مانند روسیه و آمریکا را می‌توان در این قالب مورد بررسی قرار داد.

اما در حلقه سوم مدیریت آشوب در منطقه خاورمیانه، گروه‌های تروریستی قرار دارند، این گروه‌ها به عنوان



جیمز روزنا، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل در کتابی تحت عنوان «آشوب در سیاست جهان» در اوایل دهه ۹۰ میلادی، بنیان نظری وضعیتی را تبیین کرد که شاید بتوان گفت شرایط اکنون خاورمیانه باشد. روزنا که خود یکی از نظریه‌پردازان مهم «مکانیزم تغییر در سیاست بین‌الملل» محسوب می‌شود، در نظریه «آشوب»، این مفهوم را از منظر نوعی «بی‌نظمی» و «پیچیدگی» می‌بیند.

آشوب از دید روزنا، وضعیتی است که هر نوسان کوچکی به سرعت به مرجع تحولی بزرگ در کل مجموعه نظام تبدیل می‌شود و بدین سان آن پدیده، پیوسته و به طور عمیق متحول می‌شود. در این معنا، آشوب نه تنها در مقابل بی‌نظمی قرار می‌گیرد بلکه، وضعیتی فراتر از «انتظام در عین بینظمی» است که به صورت مکانیزم «نظم و بی‌نظمی» آن هم به صورت همزمان و توأمان عمل می‌کند.

آنچه در در چنین وضعیتی در نظام بین‌الملل رخ می‌نماید، ناهمسانی منابع بازیگران در گستره جهانی، گسترش مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ در مناطق و گسترش ایدئولوژی‌های افراطی و واکنش حکومت‌ها به آنها خواهد بود. از این زاویه و به تعبیر «ریچارد هاس» نظام بین‌الملل وارد یک عصر «بی‌قطبی» (Nonpolarity) خواهد شد.

البته چنین وضعیتی را «بی‌وردن هتنه» از نظریه‌پردازان منطقه‌گرایی در توصیف جابه‌جایی یا دگردیسی در نظم منطقه‌ای به کار برده بود، تعبیری که شاید توصیف این روزهای منطقه خاورمیانه باشد؛ «آنچه که‌هنه‌ها می‌میرند و تازه‌ها هنوز به دنیا نیامده‌اند.»

خاورمیانه منطقه‌ای پیچیده، با ساختاری درهم‌تنیده و متکثر است که ژئوپلیتیک قدرت در آن در وضعیت سیال و پویا قرار دارد. در چنین منطقه‌ای با مجموعه‌ای از تکثر و پیچیده‌گی عمیق، دور از انتظار نخواهد بود که ما شاهد تداوم و گسترش افقی و عمودی بحران و مناقشه باشیم. وقوع چهار جنگ گسترده بین اعراب و اسرائیل، سه

تداوم استراتژی اوپاما

داعش جایی در استراتژی جدید
آمریکا در افغانستان ندارد

محمد رضا عسگری مورودی

کارشناس ارشد مسائل آسیا



دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا سرانجام پس از چند ماه انتظار، استراتژی جدید این کشور در خصوص افغانستان را در چارچوب تداوم سیاست قبلی کاخ سفید در دوره باراک اوباما اعلام کرد. ترامپ دوشنبه شب گذشته در یک سخنرانی تلویزیونی در یک پایگاه در نزدیکی گورستان نظامی آرلینگتون در نزدیکی واشنگتن که محل دفن تعداد زیادی از ۲۴۰۰ سرباز آمریکایی است که در افغانستان کشته شده اند گفت که نمی خواهد خلاء ایجاد شده در این کشور به قدرت گرفتن گروه های پیکار جو منجر شود. وی با اعلام اینکه دیگر مساله خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان مطرح نیست از تداوم و افزایش نظامیان آن کشور خبر داد.

راهبرد اعلامی ترامپ در قبال افغانستان که شاید پیش از اعلام آن، تصور می شد براساس رویکردهای تجدیدنظر طلبانه وی در قبال دوره اوباما، تغییرات قابل ملاحظه ای خواهد داشت، حرکت در مسیر سیاست های قبلی کاخ سفید است.

در دوره اوباما، وی قول داده بود در چارچوب سیاست تغییر، رویکردهای متفاوتی در قبال افغانستان اتخاذ کند اما رئیس جمهوری آمریکا در طول هشت سال حضور خود در کاخ سفید، در مقاطع مختلف بر ادامه حضور نظامی در افغانستان و افزایش نیروها تاکید کرد.

با توجه به اینکه ترامپ هم سیاستی مشابه اوباما در خصوص تحولات افغانستان مبتنی بر افزایش نیروی نظامی اتخاذ کرده است، بنابراین می توان گفت که به رغم گردش قدرت سیاسی در آمریکا و روی کار آمدن جمهوریخواهان و همچنین تغییر اساسی نهاد دولت در این کشور، اما در سیاست خارجی کاخ سفید در خصوص جنگ در افغانستان تغییری حاصل نشده است. در این شرایط می توان گفت، نظرات کثرت جمهوریخواهان و دموکرات ها دست کم بر اساس ملاحظات خاص در خصوص جنگ در افغانستان، یکسان است.

بی تجربگی ترامپ در سیاست خارجی، واکنش های تند به برخی برنامه ها و مواضع چالشی وی در داخل جامعه سیاسی آمریکا به خصوص درباره تظاهرات طرفداران نژاد سفید، موجب شد تا رئیس جمهوری آمریکا، در اعلام راهبرد جدید این کشور در قبال افغانستان، سیاست حفظ وضع موجود را برای در امان ماندن از پیامدهای غیر قابل پیش بینی از تغییر در شرایط موجود در پیش بگیرد.

تصمیم ترامپ در خصوص استراتژی جدید آمریکا درباره افغانستان که بر فعالیت طالبان در این کشور متمرکز است، در حالی مطرح شده که فعالیت های داعش نیز در افغانستان در حال گسترش است و این مساله سبب شده تا بحران ناامنی و خشونت در این کشور وضعیتی مضاعف پیدا کند.

در حالی که داعش در شرایط کنونی دومین گروه موثر بر وضعیت ناامنی در افغانستان پس از گروه طالبان

است، اما دولت ترامپ بنا به دلایل نامشخص، مساله حضور و افزایش فعالیت های مرکبار داعش در این کشور را مهم نمی داند.

حدود سه ماه پیش وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد گروه تروریستی داعش خطری جدی برای پاکستان و افغانستان نیست و واشنگتن همچنان در افغانستان عملیات ضد تروریستی با تمرکز بر طالبان انجام خواهد داد.

این موضع آمریکا و سخنگوی وزارت دفاع این کشور در حالی است که داعش علاوه بر به خطر انداختن امنیت در مناطق مختلف، در چند ماه گذشته سه عملیات تروریستی در شهر کابل، پایتخت این کشور انجام داده است که می تواند خط بطلانی بر ادعای کاخ سفید درباره جدی نبودن خطر داعش برای افغانستان و پاکستان تلقی شود.

سه هفته پیش داعش به سفارت عراق در پایتخت افغانستان حمله کرد که بر اثر آن دو نیروی امنیتی سفارت کشته شدند. اگر چه ناامن کردن کابل از سوی داعش یکی از اهداف اصلی این گروه تروریستی در افغانستان محسوب می شود، اما حمله داعش به سفارت عراق در پایتخت آن کشور نوعی انتقام جویی در قبال حملات گسترده مردم و نیروهای ارتش عراق ضد داعش در مناطق مختلف این کشور از جمله در شهر موصل و پس از آن شهر تلعفر است که مرکز استان نینوا، مرکز خلافت خوانده این گروه هم به شمار می رفت.

در مارس گذشته هم داعش به بیمارستان نظامی سردار «داوود خان» در شهر کابل حمله کرد که بر اثر آن حدود پنجاه تن کشته شدند.

در فوریه گذشته نیز «ابوبکر التاجیکی» یک عضو داعش کمر بند انفجاری خود را هنگام خروج کارکنان دادگاه عالی افغانستان از محل کار خود در مرکز کابل منفجر کرد. با وجود آنکه قدرت نمایی داعش در مرکزیت سیاسی افغانستان، نگرانی ها از اوضاع امنیتی این کشور به خصوص پایتخت را به شدت افزایش داده است، نادیده گرفته شدن خطرات و تهدیدات گروه تروریستی داعش در

افغانستان از سوی رئیس جمهوری آمریکا و در راهبرد جدید این کشور سوال برانگیز شده است.

این دیدگاه وجود دارد که آمریکا به دلیل ناکامی در شکست گروه طالبان در افغانستان در بیش از پانزده سال گذشته، نگران آن است که اگر مهار داعش در این کشور را هم در دستور کار سیاست اعلانی خود قرار دهد، باید ماموریت خود در افغانستان را به گونه ای پیش ببرد که در هر دو جبهه نبرد با طالبان و داعش بتواند موفق شود.

با توجه به آنکه وزیر خارجه آمریکا همزمان با اعلام استراتژی جدید این کشور در خصوص جنگ افغانستان، راه حل مورد نظر کاخ سفید در خصوص خاتمه بخشیدن به جنگ در این کشور را «گفت و گو و مصالحه» بین دولت کابل و گروه طالبان دانسته، تلاش دارد با تغییر راهبرد «مبارزه به مذاکره» با طالبان، هر چه سریعتر وضعیت پیچیده و پرهزینه خود در افغانستان را تغییر دهد.

بنابراین در چنین شرایطی، باز کردن جبهه تازه ای از ماموریت آمریکا در افغانستان تحت عنوان مبارزه با تروریسم داعش، می تواند هزینه های کاخ سفید در این کشور را افزایش دهد و به همین دلیل است که سخنگوی وزارت دفاع آمریکا با پاک کردن صورت مساله حضور خطرناک داعش در افغانستان، مدعی شده این گروه برای افغانستان و پاکستان خطری جدی محسوب نمی شود.

اگر چه دولت افغانستان از راهبرد جدید آمریکا در قبال آن کشور که ماهیت آن افزایش نیرو است، استقبال کرده اما به نظر می رسد این موضع مقامات کابل به روند نگران کننده ناامنی ها در افغانستان هم مرتبط است.

در حالی که مقامات افغانستان از جمله مشاور امنیت ملی این کشور پیش تر در بروکسل به مقامات ناتو گفته بود که کابل، خواهان افزایش نیروهای خارجی در افغانستان نیست اما در حال حاضر این موضع با استقبال از راهبرد اعلامی ترامپ تغییر کرده که آن را می توان نتیجه وضعیت خطرناک امنیتی در این کشور دانست؛ وضعیتی که شکاف و اختلاف سیاسی بین سران دولت و وحدت ملی افغانستان، علت اصلی آن ارزیابی شده است. ▶

حضور نا تمام

استراتژی بلند مدت آمریکا در مورد افغانستان

آنها انجام نشده است؛ حتی جنگ و نا امنی از مناطق جنوبی به نواحی شمالی انتقال پیدا کرده است. پس از مداخله نظامی آمریکا در افغانستان، طالبان همواره از هر فرصتی استفاده کرده تا به آمریکا و دولت افغانستان پیام دهد و بفهماند که با این روند مخالف است. از این جهت به نظر می رسد که اگر پیمانکاران نظامی آمریکایی وارد خاک افغانستان شوند، درگیری میان آنها و طالبان افزایش پیدا می کند. تا جایی که از حدود سه ماه پیش چندین حمله موشکی و انتحاری توسط عناصر طالبان علیه پایگاه نظامی آمریکا در «بگرام» صورت گرفت و همین موضوع می تواند در آینده نزدیک اتفاق بیفتد. غرب به رهبری آمریکا، با لحاظ هزینه های هنگفتی که طی سال های گذشته صرف گردیده است، به این نتیجه رسیده اند که باید پیمانکاران خصوصی را در سناریوی جدید وارد سازند. مبحث مهم دیگر، نارضایتی اکثریت مردم افغانستان از دولت وحدت ملی است و این مساله به عنوان یکی از پارامترهای مهم تغییر و تحولات آتی افغانستان باید مد نظر گرفته شود، چرا که شعارها و وعده ها به صورت کامل عملیاتی نشده و همین سناریو می تواند افغانستان را وارد فاز تازه ای از بحران های داخلی و خارجی کند. مساله حائز اهمیت دیگری که کمتر بدان توجه شده است، سخنان مشاور امنیت ملی سابق آمریکا و برخی از مسئولان نظامی و امنیتی آمریکا است که اعلام کرده اند: «استراتژی آمریکا در افغانستان به عنوان یک «راهبرد منطقه ای» قلمداد می شود که از دهلی تا تهران مورد نظر این طرح خواهد بود». بنابراین با لحاظ چنین تفسیرهایی می توان پیش بینی کرد که یک خطر بالقوه در مناطق آسیای میانه و خاور میانه وجود دارد و باید یک راه حل جدی برای آن اتخاذ شود.

آمریکا، در مورد پاکستان، همسایه افغانستان نیز اعلام کرد: «ایالات متحده نمی تواند در مورد حضور و تحرکات تروریست ها در پاکستان ساکت بنشیند. در گذشته پاکستان یک متحد با ارزش بوده و مردم آن کشور متحمل رنج های بسیاری شده اند. اما پاکستان گروه هایی را در خود جای داده که هر روز سعی می کنند ما را بکشند. این باید تغییر پیدا کند. زمان آن فرا رسیده است که پاکستان تعهد خود را به تمدن، نظم و صلح ثابت کند.» ▶

به لحاظ روحیه غالب ترامپ، پیش بینی می شد که تمامی نگاه های وی فاقد جنبه سیاسی و استراتژیک است و ابعاد اقتصادی این پرونده از سوی ترامپ در دستور کار قرار خواهد گرفت. البته اختلافات اخیر در کاخ سفید نشان می دهد که منفعت اقتصادی افغانستان برای دولت مردان فعلی و حتی نمایندگان کنگره آمریکا دارای اهمیت زیادی است و مسائل امنیتی و آموزش قوای مسلح افغانستان در سطوح بعدی مورد نظر قرار خواهد گرفت.

در راهبرد جدید، آمریکایی ها معتقدند که ادامه حضور نظامی در افغانستان مفید نخواهد بود و این امر باید به شرکت های خصوصی مانند «بلک ووتر» و «دانیاکوپ» سپرده شود. حتی اطلاعاتی درج شد که احتمال دارد شرکت های نظامی خصوصی پاکستان این مسئولیت را بر عهده بگیرند.

مسلم عملکرد نیروهای نظامی آمریکا در خاک افغانستان مورد توجه ترامپ قرار گرفته است؛ به طوری که ترامپ بحث کنار گذاشتن «جان نیکلسون» فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان را مطرح کرد. بنابراین حضور ژنرال های بازنشته در بدنه امنیتی و نظامی آمریکا و نیز رایزنی لابی های فروش اسلحه که در کنگره فعال هستند، نشان می دهد که بحث ورود شرکت های خصوصی امنیتی و نظامی به صورت جدی در دستور کار واشنگتن قرار گرفته است.

از سوی دیگر، دولت وحدت ملی افغانستان واکنشی به راهبرد جدید آمریکا در افغانستان نشان نداده و تنها اعلام کرده است که یک برنامه چهار ساله مدون برای ارتقای سطح دفاعی و امنیتی نیروهای این کشور، به ویژه اردوی ملی افغانستان در نظر گرفته شده است. ضمن آنکه مجلس افغانستان با ورود شرکت های خصوصی امنیتی به این کشور مخالف هستند و آن را مغایر توافقنامه امنیتی می دانند.

در ارزیابی ابعاد متفاوت ذی ربط با افغانستان، بحث جابه جایی و انتقال داعش به شمال این کشور نیز مطرح است. به صورتی که در حالت فعلی برخی از ولایت ها و شهرها کاملاً در تصرف طالبان و برخی دیگر در تصرف داعش قرار دارد و هیچ اقدامی از سوی نظامیان آمریکا برای آزادسازی

◀ احمد مر جانی نژاد

پژوهشگر امور بین الملل



۲ مداخله نظامی آمریکا در افغانستان، طولانی ترین مداخله نظامی این کشور محسوب می شود و نگرانی های زیادی را در غرب، واشنگتن، کابل و منطقه به وجود آورده است. بر اساس توافق امنیتی کابل-واشنگتن، آمریکایی ها تا سال ۲۰۲۱ میلادی، در افغانستان حضور خواهند داشت و تمامی این توافق نمایانگر قبول شرایط، میان دولت ها است. توافق نامه کابل-واشنگتن نتوانسته ضربه امنیت افغانستان را افزایش دهد. دولت وحدت ملی افغانستان پس از روی کار آمدن اشرف غنی توافق مذکور را به امضا رساند و انتظار می رفت نا امنی ها در افغانستان به پایین ترین سطح خود برسد. این در حالی است که پس از ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید نا امنی در پایتخت افغانستان و سایر ولایت ها افزایش پیدا کرد. به گونه ای که داعش و طالبان یکی پس از دیگری قدرت گرفتند و عملیات های زیادی را در خاک افغانستان عملیاتی کردند؛ همین امر موجب افزایش نا امنی در افغانستان شده است. ضمن آنکه در خصوص صلح با طالبان نیز قصور هایی حادث گردیده است.

اینک ایالات متحده آمریکا در یافته است که دیگر نمی تواند پس از گذشت بیش از ۱۵ سال حضور در افغانستان، این روند را ادامه دهد؛ بنابراین در پی یک سناریوی کم هزینه، اما توأم با حضور در صحنه افغانستان است. یکی از پرونده هایی که ترامپ در جریان انتخابات اشاره ای به آن نکرد، معضل افغانستان بود. بنابراین پس از انتخاب تیم امنیتی ترامپ، «زلمی خلیل زاد» تبعه آمریکا، سفیر سابق آمریکا در افغانستان، به عنوان مشاور ارشد ترامپ در مسائل بین الملل انتخاب شد و پس از آن مواضع و تصمیمات در خصوص تغییر راهبرد و ابلاغ جدید استراتژی آمریکا در افغانستان کلید خورد. اکنون نیز پس از ۶ ماه، ترامپ راهبرد جدید ایالات متحده در افغانستان را مورد بازبینی و تصویب قرار داده است.



نگاه‌ها به منطقه

خاورمیانه به محل رفت‌وآمدهای دیپلماتیک تبدیل شده است

سیامک کاکایی

کارشناس مسائل عراق



به موازات تحولات منطقه‌ای خاورمیانه به خصوص در عراق و سوریه، رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و نظامی در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل به خاورمیانه افزایش یافته است. دو هفته پیش بود که سردار سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران به ترکیه سفر کرد و با مقام‌های سیاسی و نظامی این کشور در خصوص مسائل امنیتی، دو جانبه و موضوع عراق به گفت‌وگو پرداختند. در همین حال سفر جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا به عراق و منطقه کردستان عراق قابل تأمل است.

در این شرایط هفته گذشته نیز مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه به عراق و منطقه کردستان سفر کرد تا صریحا به مسئولان کرد عراقی بگوید که ترکیه مخالف برگزاری همه‌پرسی کردستان عراق است. پیش از آن نیز هیأتی از منطقه کردستان عراق به بغداد رفته بود و با مقامات عالی‌رتبه و رهبران برخی گروه‌های عراقی در رابطه با مسائل جاری این کشور و از جمله موضوع همه‌پرسی گفت‌وگو کردند. آنچه در مجموع این آمدورفت‌ها مشترک به نظر می‌رسد، اجماع منطقه‌ای و بیرونی بر حفظ یکپارچگی عراق است. البته همزمان با بحث همه‌پرسی، مساله دیگری که نگاه‌ها را به سمت منطقه سوق داده، موضوع عراق و سوریه پس‌داش است.

اواسط هفته گذشته جیمز متیس، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در سفری غیرمنتظره و در شرایطی که عملیات آزادسازی تلعفر به تازگی آغاز شده است وارد عراق شد. از عملیات ارتش و نیروهای مردمی عراق علیه داعش در تلعفر به عنوان یکی از مراحل نهایی تقابل با داعش در عراق نام برده می‌شود و این عملیات ذهن سیاستمداران

حساسیت‌هاست و از سوی دیگر سفر وزیر خارجه ترکیه به کردستان عراق نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. درواقع طی هفته‌های اخیر شاهد گسترش همکاری‌ها میان ایران و ترکیه هستیم که سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری ایران به ترکیه یکی از مصادیق این همکاری‌هاست.

یکی از موضوعاتی که در این دیدارها مورد بحث قرار گرفت حساسیت‌ها و ملاحظات است که هر دو کشور در رابطه با تحولات عراق به خصوص بحث همه‌پرسی در کردستان عراق دارند. ایران و ترکیه صریحا بر یکپارچگی و حفظ تمامیت ارضی عراق تأکید کردند و تلاش‌ها در زمینه همه‌پرسی را برای آینده عراق و حتی کردهای عراق مثبت ارزیابی نمی‌کنند. چون عراق همچنان در وضعیت تلاطم امنیتی و سیاسی قرار دارد و چنین اقداماتی می‌تواند بر کلیت اوضاع سیاسی و امنیتی عراق تأثیر بگذارد. ایران و ترکیه تأکید کردند که یکپارچگی و ثبات عراق، سیاست‌محوری این دو کشور است.

مساله دوم درخصوص امنیت مرزهاست و در مذاکرات دو جانبه اخیر توافقاتی در رابطه با انجام عملیات علیه گروه‌های تروریستی حاصل شده است.

به طور کلی آمد و رفت مسئولان نظامی و مقامات سیاسی ایران و ترکیه به طور پیوسته به پیشبرد روابط میان دو کشور کمک می‌کند و آثار و تبعات آن چندوجهی خواهد بود. هر قدر دو بازیگر منطقه‌ای بتوانند دامنه همکاری خود را افزایش دهند بر توانمندی آنان در عرصه‌های مختلف در خصوص بحران‌های منطقه‌ای و مرزی و موضوعات دو جانبه افزوده خواهد شد. طبعاً علاوه بر مسائل سیاسی و امنیتی این نوع ارتباطات می‌تواند بر عرصه‌های اقتصادی هم تأثیرگذار باشد. دیپلماسی منطقه‌ای ترکیه، به ویژه در قبال سوریه و عراق تابع شرایطی است که این دو کشور در آن به سر می‌برند. در همین رابطه مناطق شمالی سوریه و عراق، از سال ۲۰۱۵ به بعد شاهد حضور نظامی هرچند محدود ترکیه بوده‌اند که البته با انتقادات و مخالفت‌هایی از سوی این دو کشور نیز همراه بوده است. پرسش اصلی این است که حضور نظامی ترکیه در این دو کشور و سیاست تهاجمی ترکیه در قبال دو همسایه خود که در سال‌های اخیر اتخاذ کرده چیست؟ به نظر این اقدامات ترکیه با اهداف امنیتی و سیاسی انجام می‌گیرد.

صرف‌نظر از نقدهایی که به سیاست منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه وارد است، به نظر این کشور در قبال سوریه و عراق سیاست متفاوتی را در پیش گرفته است که علت آن را باید در اصطلاح میان مسائل این دو کشور با سیاست داخلی ترکیه جست‌وجو کرد. آنچه در شمال سوریه برای ترکیه به عنوان دغدغه مطرح است، افزایش توانمندی و مطالبه کردی است و در این میان نوع نگاه آمریکا به کردهای سوریه به نگرانی‌های آنکارا دامن زده است. رجب طیب اردوگان، رئیس‌جمهور ترکیه، در جمله‌ای مشهور، اقلیم‌سازی کردی در سوریه را خط قرمز آنکارا دانسته بود. مناطقی که اکنون به عنوان کانتون در مناطق کردنشین سوریه شناخته می‌شوند، بستری را برای ایجاد یک اقلیم کردی فراهم می‌آورند که ترکیه آن را در تقابل با منافع و ملاحظات امنیتی، سیاسی و جغرافیایی خود می‌داند. درواقع ترکیه نمی‌خواهد موجودیتی مانند اقلیم کردستان عراق را این بار در مرزهای شمالی خود تجربه کند و طبیعتاً نسبت به افزایش این نوع مطالبات و تأثیر آن بر جنبش کردی داخلی احساس نگرانی می‌کند. استراتژی نظامی ترکیه در قبال مناطق سوریه نیز مبتنی بر همین دغدغه‌مندی است. به عبارت دیگر، ترکیه نیز به عنوان یک بازیگر موثر در منطقه خاورمیانه می‌کوشد از طریق موازنه یا مواجهه با تهدیدات احتمالی، شرایط را تحت کنترل درآورد. ▶

عراقی و آمریکایی را به خود مشغول کرده است. این مساله که آمریکا در آینده چه استراتژی‌ای را برای عراق پس از داعش دنبال کند به عنوان یک موضوع کلیدی و مهم تلقی می‌شود. چرا که رویکرد ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه به خصوص در دوره جدید، بار نظامی - امنیتی به خود گرفته است. همکاری‌های جدید نظامی آمریکا با عربستان سعودی و فروش جنگ‌افزارهای مدرن به این کشور و همین‌طور رویکردی که آمریکا در سوریه در تقابل با داعش و در حمایت از کردها در پیش گرفته موجب حساسیت‌ها و نگرانی‌هایی از جمله برای ترکیه شده است.

همچنین توجه بیشتر آمریکایی‌ها به اقدامات نظامی در خاورمیانه ذهن را به این سمت سوق می‌دهد که واشنگتن درصدد تعریف جدید از چگونگی همکاری با فعالیت نظامی در عراق و سوریه پس‌داش است.

مساله مهم دیگر، سفر متیس به اربیل و گفت‌وگوها با مسعود بارزانی، رئیس منطقه کردستان عراق است که قبل از همه چیز، نگاه‌ها را متوجه امکان و احتمال تلاش واشنگتن برای متقاعد کردن بارزانی به تعویق همه‌پرسی در کردستان عراق جلب کرده است. مقام‌های آمریکایی صریحا اعلام کرده‌اند که شرایط کنونی زمان مناسبی برای برگزاری همه‌پرسی در کردستان عراق نیست.

البته در حالی که ایالات متحده آمریکا بر اصل تمامیت و یکپارچگی عراق تأکید دارد اما از لحن اظهارات مسئولان واشنگتن چنین برمی‌آید که آنها مخالف همه‌پرسی نیستند؛ لیکن شرایط کنونی را برای این خواسته کردهای عراق مناسب نمی‌دانند. زیرا این خواسته کردها اوضاع عراق را پیچیده‌تر کرده است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که بارزانی به دنبال اخذ تضمین‌هایی از جمله از سوی آمریکا برای حتمی بودن برگزاری همه‌پرسی است. در این میان موضوع همه‌پرسی عراق حساسیت‌های منطقه‌ای را نیز در پی داشته است. از یک سو مذاکرات میان ایران و ترکیه نشان‌دهنده بخشی از این

از دریچه‌ای دیگر

مادر این صفحات سعی خواهیم کرد موضوعات مختلف را از دریچه علوم انسانی بنگریم و در عین حال به برخی از حوزه‌ها مانند محیط زیست، دانشگاه، حوزه‌های علمیه، فرهنگ و هنر نگاهی داشته باشیم. در واقع این صفحات، صفحات فکر و ایده و اندیشه مجله است. نوعی عقلانیت ارزش مدار برعکس علوم انسانی غربی که ابزار مدار هستند.



علیه سرمایه‌داری سبز

جایگاه اقدامات فردی در مبارزه با تغییر اقلیم

پیوندهای جمعی ما را فروپاشیده است. نولیبرالیسم همچون سمنی ضد اجتماعی و مودی به آن شکلی که در موعظه‌های مارگارت تاچر آمده، شیوع یافته است: «چیزی به نام جامعه وجود ندارد». این درست که ما به مردمی نیاز داریم که کمتر مصرف کنند و جایگزین‌های کم کربن خلق کنند، اما این انتخاب‌های فردی زمانی به حساب خواهد آمد که سیستم اقتصادی بتواند انتخاب‌های قابل اعتماد و محیط زیستی برای همه فراهم کند نه فقط برای مرفهان یا آنها که دل به دریا می‌زنند. این تردستی نولیبرالیسم است: ترغیب ما به اینکه با خرج از جیب خودمان به سراغ تغییرات اقلیمی برویم به جای آنکه با قدرت و سیاست سروکله بزنیم. مصرف گرایی زیست محیطی شاید کفاره گناهان شما باشد اما این تنها جنبش توده‌ای است که توان اصلاح و تغییر مسیر بحران اقلیم را دارد. این امر نیازمند این است که مادر و هله اول به طور قاطع و از لحاظ ذهنی از قالب افسون کننده نولیبرالیسم به درآییم: از تفکر فردی. خبر خوب این است که ضرایب انسانی برای به هم پیوستن خاموش شدن نیست. خیال پردازی جمعی بار دیگر سیاست را به صحنه بازگردانده است. احزاب سیاسی آماده‌اند از جرمیت‌های نولیبرالیسم دست بردارند. مانند آنچه جرمی کوربین در مانیفست کارگری اش درباره پروژه بازتوزیعی برای مواجهه با تغییرات اقلیمی شرح داد: بازسازی عمومی اقتصاد و پافشاری بر خلع ید الیگارش دیوانه غول‌های تجاری. وقت آن است دست از آزار خویش برای چگونه سبززیستن در زندگی شخصی برداریم و شروع کنیم به خلع قدرت از شرکت‌های بزرگ.

مارتین لوکاس می‌نویسد: پروژه سیاسی نولیبرالیسم که با تاچر و ریگان به اوج خود رسید دو هدف عمده را دنبال می‌کرد: اول برچیدن هرگونه مانع بر سر راه اعمال قدرت فردی بی‌حد و حساب و غیر پاسخگو و دوم جازدن آن به عنوان هرگونه اراده عمومی دموکراتیک و کارکرد سیاست‌های مشخصه آن چون خصوصی سازی، مقررات زدایی، کاهش مالیات‌ها و تبادلات آزاد تجاری این هاست: بازگذاشتن دست ابرشرکت‌ها در انباشت سودهای کلان، انگاشتن جرمین به مثابه چاه تخلیه فاضلاب و قلم کردن پای توانایی‌های ما، از طریق ابزارهای دولت، در طرح و برنامه ریزی برای رفاه عمومی. نخبگان هرگونه نظارت جمعی را بر قدرت ابرشرکت‌ها هدف گرفته‌اند: زدوبندها و کمک‌های مالی شرکت‌ها، ضمن بی‌محتوا کردن دموکراسی، مانعی بر سر راه سیاست‌های سبز بوده و همچنان به سوختن‌های فسیلی سوبسید پرداخته و تا حد امکان حقوق تشکلهایی مثل اتحادیه‌ها را پایمال کرده، اتحادیه‌هایی که موثرترین ابزار کارگران برای کاربست قدرت جمعی است. درست همان زمانی که تغییرات اقلیمی به پاسخ‌های جمعی نیاز دارد ایدئولوژی نولیبرال بر سر راه ایستاده است چرا که اگر بخواهیم انتشار گازهای گلخانه‌ای را هرچه سریع‌تر کاهش دهیم باید بر همه و دره‌های در مورد بازار آزاد غلبه کنیم. نولیبرالیسم نه تنها موفق شده از لحاظ سیاسی غیرواقعی به حساب بیاید بلکه سعی کرده آن را به لحاظ فرهنگی هم دور از ذهن جلوه دهد. نولیبرالیسم با ضیافت نفع شخصی و رقابتی اش، با فردگرایی شدیدش و با تبدیل عذوبت و همبستگی به امری مایه شرمساری،



در باب دوستی

میشل دومتنتی از جمله تأثیرگذارترین فیلسوفان رنسانس فرانسه است که تأثیر مستقیمی بر بسیاری از نویسندگان غرب داشته از جمله فرانسویس بیکن، دکارت، پاسکال، روسو، امرسون، آلبرت هیرشمن، نیچه، تسواایک، اریک هوفر و احتمالاً بر برخی از آخرین آثار شکسپیر. عمده شهرت او به جانداختن فرم «جستار» (essay) به عنوان یک ژانر ادبی برمی گردد. چنان که از این واژه برمی آید جستار فرمی از نوشتن است که با سعی و خطا، کوشیدن و آزمون نسبت دارد. جستارنویسی به این معنا آزمون یک ایده است. دومتنتی در آثارش دست به ترکیبی بی سابقه می‌زند: ترکیبی از حکایات گاه و بیگاه و سرگذشت زندگی خود با بصیرت‌های فکری جدی. مجموعه جستارهای او در بردارنده برخی از تأثیرگذارترین جستارهایی است که تاکنون نوشته شده است. اخیراً بخش کوچکی از کتاب «جستارها»ی دومتنتی در قالب سه جستار در مجموعه‌ای با عنوان «در باب دوستی» ترجمه شده است. اصل «جستارها» در سه کتاب است و صد و هفت گفتار. مترجم در مقدمه خود اظهار امیدواری کرده که ترجمه کل جستارها را که دو سال و نیم سرگرم آن است به اتمام برساند. بیش از یک دهه قبل نیز گزیده‌ای از این جستارها را احمد سمیعی گیلانی با عنوان «تنبغات» به فارسی برگردانده بود. این کتاب حاوی سه جستار است: «از راه‌های گوناگون به هدفی یکسان می‌رسیم»، «در باب دوستی» و «در باب سن». دبیر مجموعه نیز یادداشتی درباره فرم جستار دارد که برای ورود به جهان دومتنتی راهگشاست. در بخشی از این یادداشت می‌خوانیم: «جستار در ملتقای مرزهای فلسفه و ادبیات اتفاق می‌افتد. زبان جستار ابزاری حامل برای انتقال معانی یا کشفیاتی بیرون از زبان نیست، بلکه اتفاق است، حادثه‌ای است در زبان و فکر: تفکر با نوشتن، یا حین نوشتن. جستارنویس، پیش از مواجهه، مالک ابژه مطالعه‌اش نیست، فرایند شناختش در مواجهه با ابژه رخ می‌دهد و جستار همین فرایند شناخت یا تحقق شناخت اوست.» دومتنتی در طول عمر خود بیشتر به یک سیاستمدار شناخته و تحسین شد تا یک نویسنده. معمولاً مخالفت او را با حکایات بی پایه و اساس و شایعات شخصی در این جستارها حمل بر این نکته کرده‌اند که به سبک اصیل نویسنده ضرر می‌زند و معاصران او این ادعایش را که «من خودم موضوع کتابم هستم» خودخواهانه خوانده‌اند.

درباره بحار الانوار

حسین درگاهی



گرفته شده است. احادیث مشابه با یستی حذف و از میان آن‌ها، آنهایی که از جامعیت بیشتر و سند و مصدر ممتازتری برخوردارند، آورده شود. در این تلخیص، ما به آنچه ایشان پیشنهاد داده بودند، عمل کردیم، الا این که برای حفظ جامعیت بحار الانوار تلاش شد که حتی المقدور عنوان هیچ بابی حذف نشود و در مورد ابواب فقهی نیز چنین رفتار و عمل شد. همچنین در حاشیه متن عربی احادیث جای هر کدام در بحار الانوار ۱۱۰ جلدی نمایانده شده و برای سرعت و سهولت خوانندگان فارسی زبان در متن ترجمه از ذکر مصدر و سند حدیث خودداری شده است. حسین درگاهی، موسس موسسه فرهنگی، علمی و انتشاراتی شمس الضحی متولد ۱۳۳۱ از زنجان است که به خاطر علاقه به علوم قرآن و حدیث از اوایل دهه ۵۰ به مطالعه در این علوم پرداخت و از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸. پایان عمر محدث ارموی- با وی همکاری داشت. این مصحح و محقق علوم قرآن و حدیث اثر گران سنگ ۱۱۰ جلدی بحار الانوار را تلخیص کرد که همراه با ترجمه در هفت مجلد با عنوان «تحفه آثار» منتشر شده است.

حسین درگاهی، نویسنده کتاب تحفه آثار گفت: «بحار الانوار کتابی است کهنه نشدنی که هر بار با مراجعه به آن، زنگار از دل‌ها زدوده شده و با تابش نور از روایات، تاریکی از قلب‌ها گرفته می‌شود.» او درباره اقدام خود در تلخیص بحار الانوار گفت: «علامه محقق آیت الله سید عبد العزیز طباطبایی همیشه می‌گفت بحار الانوار را برای بهره‌مندی بیشتر باید تلخیص کرد و خودشان دو بار دیدگاه خود را در مورد ضوابطی که باید در این امر رعایت شود، به بنده گفته بود. آن ضوابط از این قرار است که «بحار الانوار کتاب حدیثی شیعی است، لذا در تلخیص آن، روایاتی که از منابع غیر شیعی است، باید حذف شود، همچنین بحار الانوار کتاب فقهی نیست و کسانی که نیازمند مراجعه به احادیث فقهی هستند، به آن مراجعه نمی‌کنند، لذا این قسمت نیز در تلخیص قابل حذف است. بحار الانوار کتاب تفسیر نیست، لذا آیات و تفاسیر آن در تلخیص باید کنار گذاشته شوند؛ کسی که طالب تفسیر آیات است به کتب تفاسیر مراجعه می‌کند و این در حالی است که بیشتر توضیحات آیات در بحار الانوار از مجمع البیان

رقابت بزرگ

اسپیلبرگ، اسکات و ایستوود در راه اسکار

۸۷ متر خبرساز ؟

بازگشت عیاری به تلویزیون

راز کورتاسار

انعکاس رفتار انسان ها در دنیای واقعی



پس لرنه های کودتا

ملایی توانی از چهار پیامد ۲۸ مرداد می گوید

اقتصاد سیاسی

احیای معاونت اقتصادی دستگاه دیپلماسی

۱۰ ساعت پس از آنکه نمایندگان مجلس بار دیگر به محمدجواد ظریف اعتماد کردند و سکان دیپلماسی کشور را برای بار دوم به او سپردند، رئیس دستگاه دیپلماسی از مهم ترین طرح هایش برای فعالیت چهار سال آینده وزارت خارجه پرده برداری کرد. ظریف در گفت و گوی ویژه خبری شبکه دو سیما از برنامه های ویژه این وزارتخانه برای افزایش ارتباطات و مناسبات اقتصادی خبر داد و اعلام کرد معاونت اقتصادی در وزارت خارجه احیا می شود. این صحبت های ظریف در حالی است که تا همین چند سال گذشته هم معاونت اقتصادی در وزارت امور خارجه فعال بود و خدماتی به بازرگانان و فعالان اقتصادی بین المللی ارائه می داد اما این معاونت برای مدتی تعطیل شد و حالا دوباره احیا می شود. عمده ترین دلیل تشکیل معاونت اقتصادی در وزارت امور خارجه تأکید حسن روحانی بر لزوم ارتباطات گسترده بین المللی در حوزه اقتصاد بوده است. اکنون براساس اعلام ظریف، سه معاونت منطقه ای وزارت خارجه حذف و معاونت های سیاسی و اقتصادی ایجاد می شوند و با تشکیل معاونت اقتصادی در این وزارتخانه، تمامی سفارتخانه ها باید پاسخگوی معاونت های جدید باشند. ایجاد ارتباطات بین المللی سبب می شود وزارت امور خارجه در حوزه های اقتصادی نقش آفرینی کند. آن گونه که ظریف می گوید، با تشکیل معاونت اقتصادی در وزارت امور خارجه، همه سفارتخانه ها باید پاسخگوی معاونت جدید باشند. اصلی ترین هدف وزارت خارجه برای تشکیل معاونت اقتصادی نقش آفرینی در حوزه اقتصاد بین المللی در قالب معرفی توانمندی های اقتصادی داخلی به خارج کشور و فراهم آوردن امکانات کشورهای خارجی برای بخش خصوصی داخلی است. رئیس دستگاه دیپلماسی به این کاستی هم اعتراف کرده که معاونت اقتصادی وزارت خارجه باید زودتر تشکیل می شد: «وزارت امور خارجه در ۴۰ سال گذشته به دلایل شرایط منطقه ای بیشتر جهت گیری سیاسی و امنیتی داشته و کمتر به موضوع اقتصادی توجه کرده است؛ اما اکنون در حوزه صادرات، بر صادرات کالاهای غیرنفتی، خدمات فنی و مهندسی و نیروی کار تأکید می کنیم تا این صادرات مانعی برای تحریم دوباره جمهوری اسلامی ایران نباشد». به نظر می رسد ظریف و تیم دیپلمات های وزارت خارجه، راه درست را تشخیص داده اند. آنها به دنبال آن هستند که در حوزه واردات توجه ویژه ای به واردات سرمایه های ایرانیان خارج از کشور و جذب سرمایه گذاری خارجی، فناوری و واردات گردشگر در حوزه های فرهنگی و سلامت داشته باشند و در این راه از جذب نیروی جدید امتناخص نیز توجه ویژه ای به اقتصاد بین الملل و تجارت خارجی خواهیم داشت و برای آموزش کارکنان این وزارتخانه نیز دوره های آموزشی اقتصادی برگزار خواهیم کرد.»

علیرضا ملایی توانی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت سالگرد کودتای ۲۸ مرداد در این پژوهشگاه به سخنرانی پرداخت. او به موضوع کودتای ۲۸ مرداد و تغییرات سیاسی بزرگ اشاره کرد و با بیان این که اندیشه درباره این کودتا یکی از مسائل مهم تاریخ معاصر ماست، گفت: «در تاریخ ما چهار کودتای شناخته شده و مجموعه ایده هایی درباره کودتا وجود دارد. دو کودتا در دوره حاکمیت مشروطه خواهان و درون سلسله قاجار و دو کودتا در دوره پهلوی رخ می دهد. یکی کودتای محمدعلی شاه در تیر ماه ۱۲۸۷ علیه مجلس اول، دوم کودتای ۲ دی ماه ۱۲۹۰ در برابر اولتیماتوم روسیه به ایران که منجر به تعطیلی مجلس دوم شد. «این تاریخ شناس گفت: «اندیشه های برپایی کودتا در ایران متنوع است. در ادبیات سیاسی و خاطره نگاری ما روایات زیادی درباره کودتای ۲۸ مرداد است در فاصله سال های پایان جنگ جهانی اول ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ به دلیل بحران هایی که در حوزه اجتماعی، سیاسی شکل می گیرد اندیشه کودتا در جامعه ایران پرورده می شود. در این بازه تاریخی وضعیت به قدری بغرنج بود که احتمال کودتا می رفت. «ملایی توانی با بیان این که این چهار کودتای انجام شده به لحاظ نتایج و دستاوردها به هیچ وجه شباهت ندارند گفت: «به ویژه دو کودتای دوره مشروطه اساسا قابل قیاس با دو کودتای دیگر نیستند. «وی همچنین گفت: «کودتای ۲۸ مرداد تغییرات زیادی در

ساختارهای سیاسی، اجتماعی و جهت گیری ها ایجاد کرد؛ بنابراین از سنخ یک رخداد خاص متعارف و معمولی نیست بلکه رخدادی بسیار پیچیده و اثرگذار با پیامدهای بلند بود. اگر بخواهیم رخداد های تاریخی را تقسیم کنیم آن دو کودتای اول را می توانیم نام ببریم، اما اگر یک سری رخداد ها را فرآیندی ببینیم که ریشه های مهم دارند و آثار و نتایج بلندمدتی بر جای می گذارند کودتای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ از این سنخ هستند. «ملایی توانی درباره پیامدهای مهم کودتا ها که بر سرنوشت سیاسی ایرانیان تأثیر می گذارد، گفت: «آیافی نقش خود کودتا آن قدر مهم است یا کودتا بستری را فراهم می کند که تغییرات بزرگ در پیرامون آن شکل بگیرد؟ ممکن است ترکیبی از هر دو باشد و طبیعتا وقتی از تغییرات بزرگ سخن می گوئیم معمولا بخشی از آنها ریشه در شرایط و واقعیات اجتماعی- سیاسی پیش و برخی پس از کودتا دارند. «این تاریخ شناس ادامه داد: «کودتای ۲۸ مرداد رخداد فوق العاده مهمی است که ۴ تغییر مهم در جامعه ما ایجاد می کند. نخستین تغییر، تغییر ساختار و ماهیت نظام سیاسی ایران است یعنی از توزیع منابع قدرت سیاسی به سوی تمرکز قدرت سیاسی، دوم تغییر در ترکیب و ماهیت نیروهای اپوزیسیون سیاسی، سوم تغییر در جهت گیری جامعه ایران از تجدد به سنت و چهارم تغییر در آرمان های سیاسی جامعه ایران یعنی عبور از مشروطه خواهی به اسلام سیاسی و حکومت دینی.»

رقابت بزرگ

اسپیلبرگ، اسکات و ایستوود در راه اسکار



۲۰۱۸ به شمار نمی رفت؛ حالا می توان امیدوار بود اسکات نخستین اسکار خود را به دست بیاورد. به تازگی مرحله تولید این پروژه تمام شده است. حضور همین دو کارگردان حال و هوای اسکار را به اندازه کافی عوض خواهد کرد اما سومین مدعی این دوره با چیرگی بر این فصل، لحن خود را به رویداد های سینمایی خواهد داد؛ کلینت ایستوود خود را کارگردانی صرفه جو و پرسرعت معرفی کرده است. ساخت «عزیز میلیون دلاری» را تابستان ۲۰۰۴ تمام کرد و فصل جوایز را به کام مارتین اسکورسیزی و «هوانورد» او تلخ کرد. اواخر آوریل امسال، این کارگردان برنده چهار جایزه اسکار عنوان پروژه بعدی خود را اعلام کرد: «قطار ۱۵:۱۷ دقیقه به پاریس». او سه هفته پیش این پروژه را کلید زد اما به زودی فیلمبرداری را تمام و آن را روانه اتاق تدوین می کند. اگر برادران وارنر مسئولیت توزیع این فیلم را برعهده بگیرند، امسال این فیلم اکران می شود. ماه گذشته ورایتی گزارش کرد که این کارگردان قصد دارد قهرمان های حقیقی این واقعه- آنتونی سدلر، الک اسکاتلوتون و اسپنسر استون- را در نقش خودشان جلوی دوربین بیاورد. دوشنبه پیش، دومین سالی بود که این قهرمانان، مرد مسلحی به نام ایوب الخزانی را در قطار آمستردام به مقصد پاریس دستگیر و از پیاده کردن نقشه کشتار جمعی اش جلوگیری کردند.

در آمریکا فصل جوایز سینمایی هر سال از نوامبر و با مراسم اهدای جوایز گاورنر یا گاتهام آغاز می شود و با برگزاری مراسم آکادمی اسکار در فوریه پایان می یابد. اگر در میان مدعیان فصل جوایز، هیچانی برای رسیدن به خط پایانی و حضور در آکادمی اسکار نباشد، این فصل بی معنی می شود. امسال با حضور سه پروژه معتبر براساس داستان های واقعی و از سوی کارگردانان برجسته، شکل رقابت های رویداد های سینمایی تغییر خواهد کرد. یک هفته پس از آنکه فیلم «مهاجرت» جایزه بهترین فیلم هشتاد و نهمین آکادمی اسکار را گرفت، ساخت درام تاریخی «کاغذها» به کارگردانی استیون اسپیلبرگ- درباره روزنامه وانشنگتن- یست، اسناد پنهان و تحولی که در تاریخ آزادی رسانه رقم خورد- هنوز قطعی نشده بود. کمپانی فاکس تدارک فیلمبرداری این پروژه را در طول تابستان داد و ماه جولای با هدف اکران محدود در ۲۲ دسما، این مرحله را به اتمام رساند. از طرفی یک هفته پس از خشک شدن امضای قرارداد اسپیلبرگ برای کارگردانی این فیلم، ریدلی اسکات مشغول انتخاب بازیگر برای تازه ترین پروژه اش «تمام ثروت دنیا»- روایتی از ربودن جان پاول گتنی سوم ۱۶ ساله در سال ۱۹۷۳- بود. اما ماه گذشته و پیش از اینکه کمپانی سونی تاریخ اکران این فیلم را هشتم دسامبر اعلام کند، این فیلم جزو مدعیان اسکار



فقه فردی در نظام بانکی

روایت آیت الله اراکی از مشکلات پولی کشور

حکومتی را استخراج کنیم تصریح کرد: «مثلا بانک، خودش فی نفسه رفتار جمعی جدید و ویژه است که فارغ از جعاله و مضاربه و... به تنهایی است؛ بنابراین اگر موضوع بانک را به درستی شناختیم فقه آن را هم می توانیم به درستی استخراج کنیم.» وی تاکید کرد: «نظام فقهی بانکی بر مبنای فقه فردی تنظیم شده و بسیاری از مشکلات ناشی از همین است درحالی که بانک، پدیده اجتماعی و رفتار حاکمیتی است زیرا مساله گردش پول در جامعه مطرح است که کار جمعی و کار حاکم است.» اراکی ادامه داد: «باید اصول فقهی مربوط به گردش پول از آیات و روایات استخراج شود زیرا همان طور که احکام فقه فردی در آیات و روایات وجود دارد فقه اجتماعی نیز قابل دسترسی و به دست آوردن است.»

وی تصریح کرد: «سیاست و اقتصاد و مدیریت و فرهنگ و... رفتار جمعی است و ما امروز به فقه کلان و فقه نظام نیاز داریم و این مساله مهم ترین نیاز نظام ما هست به همین دلیل رهبری بارها بر اینکه حوزه باید پاسخگوی پرسش های نظام باشد تاکید فرموده اند؛ بنابراین پرسش این نیست که را حرام است و بیع حلال بلکه باید از منظر فقه کلان به این سوالات پاسخ داده شود که زمینه آن برای استخراج فقه کلان از آیات و روایات نیز فراهم است و باید تلاش علمی در این عرصه صورت بگیرد.»

آیت الله محسن اراکی، استاد خارج فقه حوزه علمیه قم در نشست علمی فقه نظامات اجتماعی از سلسله نشست های کنگره فقه فقه نظام که در پژوهشگاه فقه نظام برگزار شد، گفت: «در دوره ای که حاکمان طاغوت حاکم بودند تعدادی از پرسش های مربوط به سیستم های سیاسی مطرح شده که روایات آن از طریق اهل سنت بیان شده ولی بسیار اندک است زیرا این حاکمان دنبال تبیین این مسائل از زاویه اسلام نبوده اند.»

وی ادامه داد: «نگاه ما به فقه نظام، نگاه کلان به موضوعات فقهی است زیرا فقه ما دو بخش دارد؛ فقه پاسخگو به تکلیف افراد جامعه که مکلف با اراده فردی، رفتار خود را انتخاب می کند و فقه دیگر ناظر به مکلف اجتماعی است و رفتار جمعی نیز بر این بخش حاکم است.» آیت الله اراکی بیان کرد: «وقتی حاکم و فرمانروایی پیدا شد و جامعه امامت او را پذیرفت اراده جمعی برای ایجاد رفتارهای جمعی شکل می گیرد که از آن تعبیر به قانون می شود بنابراین جامعه باید از این قانون تبعیت کند.»

آیت الله اراکی اظهار داشت: «اگر قانونی در نظام اسلامی تصویب شد مردم هم تکلیف اطاعت و هم تکلیف یاری در تحقق آن قانون دارند و چنین تکلیفی، تکالیف فقه کلان و اجتماعی است که باید از متن فقه آن را در عرصه اقتصاد، فرهنگ و... استخراج کنیم.» این استاد حوزه علمیه با بیان اینکه از آداب شرعی می توانیم الزامات

پلنگ ایرانی روی لبه انقراض

هنوز مشخص نیست چند قلاده پلنگ در ایران باقی مانده است. در علم مدیریت حیات وحش، پایش جمعیت گونه ها بسیار مهم است و تنها از این طریق می توان درجه حفاظتی یک گونه را تعیین کرد؛ درحالی که در کشور ما هنوز چنین اطلاعات زیربنایی وجود ندارد و در مقابل تنها آمار تلفات است که گاه و بی گاه از این سو و آن سو شنیده می شود. خبر مرگ یک پلنگ ماده و توله اش در منطقه جنگلی شهیدآباد استان مازندران تنها یکی از ده ها موردی است که رسانه ای می شود و در این میان نه تعارضات میان دامداران و گوشت خواران درشت جثه در ایران جدی گرفته می شود و نه متأسفانه آمارهای غیر قابل استناد جمعیتی دقیق تر و مستندتر می شوند؛ درحالی که همین موارد مهم است که در اصل، پشتوانه حفاظت از این حیوانات زیبا و کم نظیر است. عوامل بسیاری در زندگی پلنگ های ایرانی ناشناخته هستند؛ به عنوان مثال تجربیات مختلف حاکی از آن است که اگر یک منطقه ظرفیت ۱۰ پلنگ را داشته باشد؛ اما بر اثر زادآوری این تعداد به ۱۳ الی ۱۴ پلنگ افزایش پیدا می کند، آن گاه سه الی چهار پلنگ اضافه به ناچار و از به تیرک محیط و پیدا کردن یک قلمرو جدید می شوند؛ دقیقاً همین نوع جابه جایی ها است که اغلب مشکل ساز می شود و در ایران نیز تحقیقات درستی بر روی آن انجام نشده است. پلنگ هایی که مجبور به ترک زیستگاه می شوند، باید از جاده یا حتی روستا گذر کنند و در این شرایط است که بیشترین آمار تلفات هم طبیعتاً انتظار می رود. نباید فراموش شود همین آمار و ارقام غیر قابل استناد است که بر وضعیت حفاظتی به شدت تأثیر گذاشته است. پلنگ حیوانی است که معمولاً در شب فعال است و طول شب نیز در فصل زمستان گاه از چهار الی پنج ساعت بیشتر است؛ در نتیجه این طولانی تر بودن زمان شب به این معناست که حیوان زمان بیشتری هم برای جابه جایی داشته و ممکن است بتواند خود را از مناطق ناامن دور کرده و وارد مناطق امن تر شود. در عین این که در فصل های سرد سال تداخل با زمان جفت گیری نیز زیاد می شود؛ یعنی حیوان طبیعتاً مدت زمان بیشتری را هم در قلمرو جابه جا خواهد شد؛ درحالی که در فصل تابستان خطرات برای پلنگ ها از جنس دیگری است. پلنگ ها در فصل تابستان به دلیل طولانی تر بودن روز، مدت زمان بیشتری در معرض مشاهده از سوی عوامل انسانی هستند و تعارضات زیادی هم در این فصل در ایران اتفاق می افتد. از آن جایی که بیشتر جابه جایی پلنگ ها در اطراف محدوده آبخیزها یا آبگیرها صورت می گیرد، در نتیجه احتمال آسیب پذیری آنها در این مناطق بیشتر از سایر جاها است؛ چرا که فرضاً در مناطق کوهستانی تر احتمال مخفی شدن هست درحالی که در نزدیکی آبگیر یا رودخانه چنین امکانی برای پلنگ ها وجود ندارد. بسیاری از شکارچیان نیز از این آسیب پذیری پلنگ ها استفاده کرده و آنها را در این مناطق شکار می کنند؛ چنانچه تلفات اخیر مادر و توله شهیدآبادی نیز درست در نزدیکی چشمه رخ داده است. تعارضات میان انسان و گوشت خوارانی مانند پلنگ ها را مباحث روز مدیریت حیات وحش است که یکی از نمونه های آن ادعای دامداران مبنی بر حمله پلنگ ها به دام های آنان است.

۸۷ متر خبرساز

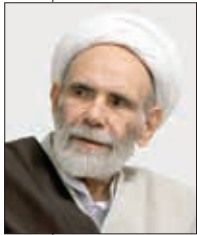
بازگشت عیاری به تلویزیون



شهریور به لوکیشن آژانس خودرو در خیابان میرداماد خواهیم رفت. «سریال ۸۷ متر» که در اصل عنوان «۸۸ متر» داشته، درامی اجتماعی است که داستان آن درباره دو خانواده به نام پوردورانی و خلیلی است. موضوع سریال درباره مالک یک آپارتمان ۸۸ متری است که کلاهبرداری می کند و خانه را به ۱۳، ۱۲ نفر می فروشد. کیانوش عیاری سرپالش را با بازیگرانی که پیش از این تجربه کار با آنها داشته، مقابل دوربین برد. علی دهکردی، ابو الفضل پورعرب، مهران رجبی، فریبا کامران، نازنین فراهانی، هدی زین العابدین، دیبا زاهدی، الهه خادمی، ملیکا نصیری، نیما نوری زاده، سحر عبداللهی و محمد بحرانی از بازیگران سریال «۸۷ متر» هستند. این سریال یک درام اجتماعی است که داستان آن درباره دو خانواده به نام پوردورانی و خلیلی است. علیرضا پوردورانی به همراه همسر، دو دختر و پسرش خانه ای را از یک فروشنده به نام فرج ناصری خریداری می کنند، اما روز اسباب کشی متوجه می شوند که خانه به فرد دیگری به نام رجب خلیلی فروخته شده است. رجب به همراه پسر، همسر و دو دخترش صبح زودتر از پوردورانی ها به خانه رسیده و وسایل شان را در خانه گذاشته اند، اما با رسیدن خانواده پوردورانی، ماجرای کلاهبرداری مشخص می شود. ظاهراً تصویربرداری سریال ۸۷ متر یک سال به طول خواهد انجامید و در بیش از ۳۰ لوکیشن در تهران تصویربرداری خواهد شد.

حاشیه های پروژه های کیانوش عیاری معمولاً همیشه پسر و صداست؛ خصوصاً وقتی صحبت از توقف فیلم برداری کار او در میان باشد. به هر حال قطعاً صحبت در مورد کارگردانی که همیشه سعی کرده فیلم به فیلم اتفاق نویی را رقم بزند و قصه جذابی را مقابل دوربین ببرد، آن هم در مدیوم تلویزیون که مدت ها هست کمتر سریالی با کیفیت قابل قبول در آن می بینیم، جذاب است و قطعاً بازگشت کیانوش عیاری را باید به فال نیک گرفت اما چیزی از آغاز تصویربرداری این سریال نگذشته بود که حواشی توقف آن حاشیه ساز شد. خبرها حکایت از متوقف شدن سریال ۸۷ متر بعد از ۱۲ روز تصویربرداری داشت؛ سریالی که ظاهراً به دلیل مشکلات مالی تلویزیون، متوقف شده بود، اما ظاهراً بار دیگر تصویربرداری آن آغاز شده است. حسن آقا کریمی، مدیر تولید این سریال، درباره توقف این مجموعه گفته است به دلیل تغییر لوکیشن اصلی مجموعه، ضبط سه روز متوقف شده بود که با انتخاب خانه ای جدید که لوکیشن اصلی سریال محسوب می شود، تصویربرداری از سه شنبه گذشته با حضور علی دهکردی و علی طالب لو در لوکیشن خیابانی در منطقه هفت تهران آغاز شد. آقا کریمی گفته است: «با تصمیم آقای عیاری، لوکیشن اصلی خانه از بزرگراه رسالت، محدوده مصلای تهران به منطقه چارویواری در خیابان اشرفی اصفهانی منتقل شد و باید بگویم این اتفاق یک رویه معمول در امر فیلم سازی و تولید سریال است. با اتمام ضبط سکانس های خیابانی، از اول

درباره نفس لوامه



آیت‌الله مجتبی‌ی تهرانی
بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۴۷

رَوَى أَبُو حَمْزَةَ ثُمَالِي قَالَ:
كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا
السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ أَدَمَ لَا يَزَالُ
يُخَيَّرُ مَا كَانَ لَكَ وَاعِظُ مَنْ
نَفْسِكَ وَ مَا كَانَتْ الْمُحَاسِبَةُ
مِنْ هَمِّكَ وَ مَا كَانَ الْخَوْفُ
لَكَ شِعَارًا وَ الْخُزْنُ لَكَ دَنَارًا.
إِنَّ أَدَمَ! إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ مَبْعُوثٌ وَ
مَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَ مُسْتَوْفٍ فَاعِدٌ جَوَابًا.

ابوحمزۀ ثمالی می‌گوید: «مکرر از حضرت امام
زین‌العابدین علیه‌السلام شنیدم که فرمودند: ای
پسر آدم! تو همیشه به‌سوی خیر و نیکی می‌روی تا
موقعی که از نظر درونی پنددهنده‌ای داشته باشی،
و تا موقعی که بررسی و محاسبه اعمال خود را
داشته باشی؛ و تا موقعی که خوف و اندوه از تو
مفارقت نکرده باشد، خوف شعار لباس تو و اندوه
لباس زیرین تو باشد.

ای پسر آدم! تو می‌میری و برانگیخته می‌شوی
و در پیشگاه عدل خداوند عزوجل می‌ایستی و در آن
هنگام مورد سوال واقع می‌شوی، پس جواب‌هایت را
از الان آماده کن.»

در شرح این حدیث شریف باید بگویم که انسان
در زندگی‌اش تا موقعی به سمت خیر و نیکی پیش
می‌رود که این مسائل جلوی چشمانش باشد. اول:
نفس لوامه، که نگوشت‌گر انسان نسبت به اعمال
زشت است و به انسان پند می‌دهد. یعنی اگر آن
واعظ الهی درونی انسان از بین نرفته باشد، واعظ
بیرونی اثر می‌گذارد؛ یعنی باید آن عقل عملی در
او باشد. در روایات داریم اگر واعظ درونی نباشد،
واعظ بیرونی کاربردی روی انسان نداشته و هیچ
فایده‌ای ندارد. همه‌اش مانند حیوان در او شهوت
و غضب بوده و مسخ شده است و از انسانیت در او
خبری نیست. اما اگر یک پند دهنده درونی داشته
باشد، انسان خودش می‌فهمد که باید چکار کند،
والا آهن سرد کویدن است.

دوم: بررسی و محاسبه اعمال خود را می‌کنی؛
زیرا انسان‌هایی هستند که کاری می‌کنند ولی اصلاً
فکر نمی‌کنند که چه کار کرده‌اند. باید همیشه رسیدگی
کردن به اعمال مَد نظرت باشد.

سوم: خوف مانند شعار و لباس و پوشش برای
اعمالی که انجام داده‌ای داشته و دارای بیم و ترس از
عذاب الهی در قیامت باشد. و موقعی که متوجه شد بد
کرده است، اندوه و ناراحتی از عواقب اعمال زشتش
مانند لباس زیرین او را در برگرفته و از او جدا نشود. تا
موقعی که اینها در انسان باشد، به سمت خیر و نیکی
حرکت کرده و عاقبت به خیری دارد. این مراحل،
مقدمه‌ای بود برای مراحل سخت و دشوار بعد که
هشدار می‌دهد.

ای انسان! تو می‌میری و در قیامت برانگیخته
می‌شوی و در پیشگاه الهی نگهت می‌دارند و از تو
می‌پرسند: چه کار کردی؟ فکر کن فردا روز قیامت
است و می‌خواهی جواب بدهی، حالا جوابی را که
می‌خواهی بدهی از الان آماده کن.



جوانگرایی در رسانه ملی

دارایی از تربیت جوان انقلابی می‌گوید

امور استان‌های رسانه ملی گفت: «ظرفیت خوبی از این
منظر در مراکز استانی وجود دارد که بسیج باید به آنها توجه
ویژه‌ای داشته باشد.» دارایی با اشاره به انتخاب فرمانده
حوزه بسیج معاونت استان‌های صداوسیما گفت: «جوانی،
انقلابی بودن و ولایی بودن عناصر اصلی انتخاب مدیران
و مسئولان است.»

معاون امور استان‌های رسانه ملی ادامه داد:
«دانشگاه صداوسیما یکی از مهمترین مراکز تربیت
جوانان انقلابی در حوزه رسانه است و تاکنون افراد
شاخصی از بین فارغ‌التحصیلان این دانشگاه جذب
سازمان شده‌اند.» دارایی با بیان اینکه حمایت از بسیج و
تعامل با این مرکز وظیفه ذاتی همه بخش‌های سازمان
صداوسیماست، گفت: «بسیج سرمایه اصلی رسانه ملی
محسوب می‌شود و معاونت امور استان‌ها آماده تعامل با
آن است.»



معاون امور استان‌های صداوسیما گفت: «یکی از
مهمترین ویژگی‌ها و مزیت‌های مرکز بسیج رسانه ملی در
دوره جدید، توجه به اصل جوانگرایی است.» علی دارایی
در نشستی با مدیران مرکز بسیج رسانه ملی اظهار داشت:
«دوره جدید مدیریت مرکز بسیج صداوسیما، با رویکردها و
راهبردهای خوبی همراه شده است.» وی ادامه داد: «در
حال حاضر کشور با مشکلات زیادی روبه‌روست، از جمله
اینکه پروژه‌های نیمه‌کاره فراوانی در اقصی نقاط ایران
وجود دارند که اتمام آنها ۴۰ سال زمان می‌برد اما می‌توان
با ترویج روحیه بسیج، بسیاری از این عقب‌ماندگی‌ها را
جبران کرد.»

معاون امور استان‌های صداوسیما با بیان
اینکه نیازمند توسعه فرهنگ و روحیه بسیج برای حل
مشکلات عمرانی، فرهنگی و اقتصادی هستیم، گفت:
«آرامش بخشی به جامعه از دیگر کارکردهای بسیج به‌شمار
می‌رود و در این بین مرکز بسیج رسانه ملی، وظایف سنگینی
برعهده دارد.» وی ادامه داد: «لازم است رابطه معناداری
میان مرکز بسیج صدا و سیما با مأموریت‌های رسانه ملی
وجود داشته باشد. البته در دوره جدید با تعامل خوبی که
میان این مرکز و مجموعه سازمان و خارج از آن برقرار شده،
امیدواری‌ها هم بیشتر شده است.»

دارایی جوانگرایی در مرکز بسیج بسمت استفاده
از نیروهای جوان، خلاق و انقلابی را یکی از مهمترین
ویژگی‌های دوره جدید این مرکز دانست و تصریح کرد:
«بسیج در حقیقت سرمایه اصلی کشور محسوب می‌شود
و صداوسیما هم از این مساله مستثنی نیست.» معاون



راز کورتاسار

انعکاس رفتار انسان‌ها در دنیای واقعی

و فاماها» است. این کتاب پرطرفدار، چهار فصل
به نام‌های «دستورالعمل، مشاغل عجیب و غریب،
چیزهای بی‌ثبات، داستان‌های کرونیوها و فاماها»
را در خود جای داده است. در هر یک از این فصل‌ها
بخش‌های کوتاه و جذابی وجود دارد. در بیشتر داستان‌ها
از کوچک‌ترین وسیله‌های واقعی، استفاده‌هایی بسیار
عمیق می‌شود. در فصل سوم بخش «داستانی واقعی»
بیان ماجرای شیشه عینک گران‌قیمتی که در جعبه
چرمی می‌شکند.

این چنین به نظر می‌رسد که نویسنده با علمی عمیق
اطمینان‌های بی‌مورد انسانی را به چالش کشیده است.
نام کتاب برگرفته از عنوان فصل آخر در مجموعه است.
این نام‌های عجیب «کرونیوها، فاما، اسپرانزا» موجودات
خیالی داستان فصل چهارم این نویسنده سوررئال هستند.
انعکاسی از رفتار ما انسان‌ها در دنیای واقعی نیز به‌شمار
می‌روند.

همان‌طور که مترجمین در یادداشت ابتدایی یادآوری
کردند، «کتابی مشتمل بر چهار فصل که مرزهای واقعیت و
خیال را درهم می‌نورد و امروز را با روزگاران امپراتوری روم
درهم می‌آمیزد.» این داستان‌های شناخته شده توسط
طلوع ریاضی و شهروز عمیدی در ۱۶۶ صفحه ترجمه شده
و نشر نی این داستان‌های آرژانتینی را در هزار نسخه به
چاپ رسانده است.

خولیو کورتاسار، نویسنده رمان و داستان کوتاه اهل
آرژانتین بود اما بهترین کارهایش را در فرانسه نوشت. او
مانند نویسندگان مشهوری چون گابریل گارسیا مارکز،
کارلوس فونتنس، حوزه دونوسو و عده‌ای دیگر در تاریخ
ادبیات جهان ماندگار شد. کورتاسار یکی از نویسندگان
شاخص دهه ۱۹۶۰ است. خولیو کورتاسار در سال ۱۹۵۱
به فرانسه مهاجرت کرد.

پس از مهاجرت به فرانسه کورتاسار برای سازمان
یونسکو به عنوان مترجم کار می‌کرد. او داستان‌هایی
از ادگار آلن پو و رابینسون کروزو و چند اثر دیگر را به
اسپانیایی ترجمه کرد. نخستین مجموعه داستان کوتاه
او «ساحل دیگر» نام دارد. خولیو کورتاسار در گروه
نویسندگان آمریکای لاتین ملقب به «بوم» است. او
نگاه منتقدان ادبی را با انتشار «رایونا» در سال ۱۹۶۳
به خود جلب کرد.

از این نویسنده اشعار، نمایشنامه‌ها و آثار
غیرداستانی دیگری نیز به‌جامانده است. در بوینس آیرس
یک کتابخانه عمومی، یک مدرسه و میدانی به نام
کورتاسار نامگذاری شده است. بسیاری از منتقدان
ادبی بر این عقیده‌اند که نویسندگان دهه‌های
شصت و هفتاد قرن گذشته به نوعی از آثار کورتاسار
تاثیر گرفته‌اند.

یکی از آثار قابل توجه او داستان‌های «کرونیوها

مصائب بیطرف

اینکه یک وزیر پیشنهادی اصلاح طلب نتوانسته از مجلس دهم رای اعتماد بگیرد جنجال درست کرده؛ نگاه‌ها به فراکسیون امید خصوصا محمدرضا عارف دوخته شده است. در این پرونده در این مورد بحث کرده‌ایم.

بحران امید

رای نیاوردن حبیب‌الله بی طرف موجب حمله شدید به فراکسیون اصلاح طلبان مجلس شد



بود اما به دلیل اینکه ممکن بود روی نتیجه اثر بگذارد و با چالش مواجه شویم ترجیح دادیم آن را اعلام نکنیم. در مجلس هم نظر فراکسیون مشخص بود. البته ما هم مثل جامعه ۲۴ میلیون نفری که به آقای روحانی رای دادند معتقدیم ایشان می توانست در برخی جاها بهتر عمل کند و نظر این جامعه ۲۴ میلیون نفری را بیش از این در کابینه لحاظ کند. فراکسیون امید صد درصد به تعهد خود به مردم پایبند است. ما بارها گفته ایم در کنار حمایت تمام قد از آقای روحانی، قاطعانه پیگیر مطالبات ۲۴ میلیون رای دهنده هستیم و در برابر مطالبات مردم کوتاهی نکردیم. اگر چه شاید به انتظارات جامعه نرسیده باشیم. اعضای فراکسیون امید فارغ از مخالفت و موافقت خود با وزرا، وظیفه نظارتی خود را انجام می دهند. اگر تاکنون وظیفه بررسی صلاحیت و سنجش وزرا را داشتیم از این به بعد به وظایف و اختیارات خود در قانونگذاری و نظارت خواهیم پرداخت و دغدغه مان این خواهد بود که کابینه آقای روحانی بتواند جوایگوی شعارهای انتخاباتی اش باشد. در اظهار نظری دیگر علی مطهری هم گفته است: «بیطرف نتوانست به خواسته های نمایندگان پاسخ دهد و از سوی دیگر کمی کم تحرک بود، بنابراین نتوانست رای بیاورد. آقای بیطرف یک مقدار بی اعتنا به رای نمایندگان بود و تلاش نکرد شیفات را برطرف کند.» نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه آقای بیطرف باید به برخی انتقادات بهتر پاسخ می داد، گفت: «در هر صورت رای نمایندگان این بود که وی وزیر نشود و این قضیه جنبه سیاسی نداشت که بگوییم به دلیل آنکه بیطرف اصلاح طلب یا وزیر دولت خاتمی بود، این اتفاق رخ داد بلکه در مورد ایشان مسائل منطقه ای و تخصصی مطرح بود که اگر کمی فعال تر بود، رای می آورد.»

مسئله منطقه ای بود

یک گزاره جدی در مورد رای نیاوردن بیطرف نگاه منطقه ای و اعتراضات در این مورد بود. یک عضو فراکسیون امید رای قومیتی نمایندگان در کنار دلایل سیاسی وزیر پیشنهادی نیرو و تاثیرگذاری رای فراکسیون مستقلین ولای را به عنوان عوامل موثر در رای نیاوردن بیطرف دانسته و گفته است: «حامیان فراکسیون امید باید بدانند که ما تنها ۱۰ نفر در مجلس هستیم.» ابو الفضل سروش با انتشار مطلبی در کانال تلگرامی اش به ارائه توضیحاتی درباره دلایل رای نیاوردن حبیب الله بیطرف در مجلس پرداخت. نمایندگان خوزستانی زاگرس نشینان با نمایندگان شمالی کشور یک اتحاد نانوشتی در بحث بحران آب تصمیم گرفتند که به بیطرف رای ندهند. آنها همه مشکلات ۴۰ سال اخیر در موضوع آب را بر سر بیطرف خالی کردند و اشکال

آیا بیطرف تمایلی برای وزیر شدن نداشته است؟



برای رای اعتماد وی در مجلس وجود نداشت. احتمال داده می شد شاید برخی ها نتوانند از مجلس رای اعتماد بگیرند اما هیچ گاه پیش بینی نمی شد که آقای بیطرف رای نیاورد.»

همسو با عطریانفر، سخنگوی فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی هم با اشاره به رای اعتماد مجلس به ۱۶ وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم، گفت که این فراکسیون مجموعاً از نتیجه آرا راضی است چرا که تعارض چندانی با نظر فراکسیون نداشته است.

بهرام پارسی اظهار داشت: «فراکسیون امید در راستای همراهی با دولت سعی خود را انجام داد، البته بهتر بود آقای بیطرف هم رای می آورد. یکی از دلایل اصلی که ایشان موفق به کسب رای اعتماد مجلس نشد این بود که حتی در کمیسیون های تخصصی هم برای دفاع از برنامه های خود حضور پیدا نکرد و در لابی ها حضور نداشت. ظاهراً انگیزه چندانی برای وزارت در ایشان وجود نداشت چرا که اگر در چند کمیسیون حضور پیدا می کرد، می توانست رای کسب کند و حتی اگر نصف آرای ممتنع به نفع ایشان جذب می شد کرسی وزارت را به دست می آورد. البته مطالبات منطقه ای و استانی هم در رای ایشان اثرگذار بود. اعضای فراکسیون امید درصد بسیاری فراکسیونی رای دادند و شاید درصد کمی هم به خاطر ملاحظات شخصی رای شان فراکسیونی نبوده که البته امیدواریم این تعهد سیاسی به فراکسیون بیش از این مورد توجه قرار گیرد، اگر چه تعداد این افراد چندان قابل ملاحظه نبوده و در برخی موارد به ویژه وزاری که در ارزیابی ما نمره خوبی گرفته بودند صد درصد رای فراکسیونی بوده است. ما به دلایل متعدد نظر نهایی فراکسیون امید را درباره وزرای پیشنهادی اعلام عمومی نکردیم، البته نتیجه به اطلاع اعضای فراکسیون رسیده

۱ حتی بازشماری آرا هم نتوانست اندک امیدهای باقیمانده را برای وزیر شدن بیطرف، گزینه اصلاح طلب وزارت نیرو به نتیجه برساند.

یک اتفاق غیرمنتظره برای مجلس و دولتی که تقریباً همسو هستند، شاید قبل از جلسات رای اعتماد خیلی ها فکر می کردند این چهره می و شاید رحمانی فضلی هستند که ممکن است از این مجلس رای اعتماد سختی بگیرند. آنها اما در نهایت از مانع مجلس رد شدند. یکی با رای بسیار بالا و دیگری با رای کم.

حالا که بیطرف نتوانسته وزیر شود نگاه های سنگینی به فراکسیون امید دوخته شده است. جایی که محمدرضا عارف ریاستش را بر عهده دارد و چهره های اصلاح طلب نام آشنای دیگری هم هستند. آنها این روزها متهم شماره یک رای نیاوردن این گزینه اصلاح طلب هستند.

از نظر صاحبان سخن در این چند روز دلایل این عدم رای آوری به شکل متعدد و متفاوتی ذکر شده است.

برخی می گویند مسائل منطقه ای بوده برخی می گویند اشتباه فراکسیون امید بوده بعضی می گویند دل وزیر پیشنهادی با دولت رفتن نبوده برخی هم می گویند دل روحانی با وزیر شدن او نبوده است. هر چه هست حالا وزارت نیرو بدون وزیر مانده و به جای بیطرف یک سرپرست راهی وزارتخانه شده است.

رای آقای اصلاح طلب

۱۳۳ رای موافق، ۱۳۲ رای مخالف، ۱۷ رای ممتنع و ۶ رای باطله از مجموع ۲۸۸ رای مآخوذه؛ وقتی علی لاریجانی این نتیجه را اعلام کرد معلوم شد که مجلس از میان لیست روحانی فقط به همین یک وزیر پاسخ منفی داده است. پاسخی که البته معانی بسیاری به همراه داشت.

علاقه ای نداشت؟

در این میان کسانی هم هستند که معتقدند رای

برخی می گویند مسائل منطقه ای بوده برخی می گویند اشتباه فراکسیون امید بوده بعضی می گویند دل وزیر پیشنهادی با دولت رفتن نبوده برخی هم می گویند دل روحانی با وزیر شدن او نبوده است. هر چه هست حالا وزارت نیرو بدون وزیر مانده و به جای بیطرف یک سرپرست راهی وزارتخانه شده است



یک گزاره جدی در مورد رای نیاوردن بیطرف نگاه منطقه ای و اعتراضات در این مورد بود

نیاوردن بیطرف بیش از هر کسی به خودش بازمی گردد. یکی از این افراد محمد عطریانفر است. او گفته است: «شخص آقای بیطرف هیچ علاقه مند به عضویت در کابینه نبود و تمایلی هم نداشت و به دلیل شرایط جسمی به سختی وی را قانع کردند. من عدم رای کافی به آقای بیطرف را بیش از آنکه ناشی از یک رقابت فکری بین دو جریان سیاسی در مجلس قلمداد کنم، ناشی از این می دانم که آقای بیطرف نتوانسته اعتماد کافی نمایندگان را در گفت و گوهای رودرو تأمین کند. نمایندگان مجلس که به تعبیر امام باید از عصاره فضائل ملت باشند وقتی می خواهند رای خود را در سند بیاورند و وزیری را تعیین کنند قطعاً عوامل مختلفی در صدور رای آنها تاثیر خواهد گذاشت. اگر آقای بیطرف یک نشاط جدی و مناسب تری در ارائه خود به نمایندگان مجلس نشان می داد هیچ دلیلی



ابوالفضل ابوترابی با اشاره به دلایل عدم رای اعتماد وکلای ملت به بیطرف وزیر پیشنهادی نیرو، گفت: «رای اعتماد به وزرا نشان می‌دهد و بنده هم پیش‌بینی می‌کنم بحث بحران آب در رای اعتماد وزیر پیشنهادی بعدی نیز تاثیر بگذارد.»

را به زمان مدیریت او در وزارت نیرو در دولت اصلاحات عنوان کردند.

نماینده تهران عامل دیگر در رای نیاوردن بیطرف را موضوعات سیاسی خواند و توضیح داده است: «آقای بیطرف در دو فراکسیون نمایندگان ولایی و مستقلین ولایت مطرح کرد که برای حضور در دولت دوازدهم از آقای خاتمی اجازه گرفته، حرفی که در مجلس پیچید و باعث شد بخش زیادی از رای نمایندگان این دو فراکسیون را از دست دهد.»

سروش با استفاده از این تعبیر که دفاع بی‌حال، ناجالب و بی‌جذبه بیطرف از خودش حین نطق، عامل موثر دیگر در رای نیاوردن آن شد، گفت: «آقای بیطرف تیم همراه و موثری برای جذب نظر نمایندگان همراه نداشت. انگار خودش انگیزه‌ای برای قبول وزارت نداشت.» وی با بیان اینکه مجلس از ترکیب سه فراکسیون امید، مستقلین ولایی و نمایندگان ولایی تشکیل شده است، گفت: «دو فراکسیون امید و ولایی هر کدام دارای ۱۰۰ نماینده هستند و مستقلین نیز حدود ۸۰ نماینده را شامل می‌شوند. پس حامیان امید باید بدانند که ما تنها ۱۰۰ رای در مجلس داریم و نه بیشتر.» این عضو فراکسیون امید در پایان با یادآوری میزان تاثیر رای مستقلین در نایب‌رئیس‌پزشکیان و مطهری و حتی ریاست لاریجانی گفت: «بخشی از مستقلین در رای با آذری چهرمی نیز به سمت فراکسیون ولایی رفتند که همین موضوع باعث شد او با رای نه چندان بالا وزیر شود.»

در همین حال یک عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی گفت: «دلایل عدم رای اعتماد مجلس به آقای بیطرف بیشتر متوجه چالش‌های آب بود که نتوانست به خوبی برنامه‌هایش را تبیین کند.» وی علی‌اکبری نماینده مردم شیراز و عضو کمیسیون کشاورزی، با اشاره به دلایل عدم رای اعتماد نمایندگان مجلس به حبیب‌الله بیطرف گزینه پیشنهادی وزارت نیرو، اظهار داشت: «دلایل عدم رای اعتماد مجلس به آقای بیطرف بیشتر متوجه چالش‌های آب بود که وی نتوانست به خوبی برنامه‌هایش را در این حوزه تبیین کند.» وی افزود: «همچنین نمایندگان استان خوزستان موافق وی نبودند، از طرفی فعال نبودن مجموعه عوامل وزارتخانه یا دفاعیه خود آقای بیطرف هم نتوانست نمایندگان را برای دادن رای اعتماد به او مجاب کند، که اینها از اهم دلایل عدم رای اعتماد مجلس به بیطرف بود.» عضو

عملا رد شده است. سوابق اجرایی و مدیریتی بیطرف در مجلس مورد بررسی قرار گرفت و ما نمایندگان به این نتیجه رسیدیم که اکنون شرایط منابع آبی کشور در حالتی بحرانی قرار دارد و اگر قرار باشد این سیاست‌های اشتباه ادامه پیدا کند قطعا کشور به یک مرحله بحرانی غیرقابل بازگشت وارد خواهد شد. مجلس با رد وزیر پیشنهادی نیرو زمینه را برای ورود یک تیم کارشناسی بهتر برای استقرار در وزارت نیرو آماده کرد تا اشتباهات گذشته در بحث منابع آبی کشور برطرف شود. امیدواریم دولت در بحث وزارت نیرو به نکات بیان شده در مجلس و همچنین تجربه استان‌هایی که قربانیان سیاست‌های اشتباه مدیریت منابع آبی بودند توجه داده و شخصی را به مجلس معرفی کند که زمینه مناسب برای توسعه بیشتر در کشور را فراهم کند.»

حسینعلی حاجی‌دلیگانی، عضو فراکسیون ولایت مجلس شورای اسلامی هم درباره عدم رای اعتماد نمایندگان مجلس به وزیر پیشنهادی نیرو، گفت: «این مساله نه به خاطر اختلاف در جهت گیری با نمایندگان اکثریت مجلس، بلکه به خاطر مطلبی که به صورت بخشی‌نگری توسط نمایندگان خوزستان دنبال شده بود و همچنین اینکه وزیر پیشنهادی در بیان مطالب خود نتوانست به خوبی بدرخشد و در واقع ضعیف دفاع کند، صورت گرفت.»

این نماینده مجلس اضافه کرده است: «انتظار می‌رود کابینه دوازدهم به دنبال حل مشکلات اساسی مردم باشد، زیرا مشکلات اقتصادی کشور مردم را نگران کرده و انتظار می‌رود کابینه جدید در این زمینه گام‌های مثبت و موثری بردارد.»

ابوالفضل ابوترابی هم در این میان با اشاره به دلایل عدم رای اعتماد وکلای ملت به بیطرف وزیر پیشنهادی نیرو، گفت: «رای اعتماد به وزرا نشان می‌دهد و بنده هم پیش‌بینی می‌کنم بحث بحران آب در رای اعتماد وزیر پیشنهادی بعدی نیز تاثیر بگذارد.» وی با اشاره به دلایل عدم رای اعتماد نمایندگان به وزیر پیشنهادی نیرو افزود: «عملکرد و نحوه مدیریت ایشان در دوره وزارت و همچنین مخالفت نمایندگان برخی از استان‌ها به دلیل ساخت سدها در زمان وزارت و بحث افزایش خاموشی‌ها در عدم رای اعتماد به بیطرف بی‌تاثیر نبود. پروژه سد گنوند، کم آب شدن دریاچه ارومیه که از زمان وزارت ایشان شروع شده و انتقال آب‌های بین حوزه‌ای از جمله دلایلی بود که وکلای ملت به این وزیر پیشنهادی رای اعتماد ندادند.»

ابوترابی به برنامه پیشنهادی وزیر نیرو اشاره کرد و گفت: «دفاعیه آقای بیطرف از برنامه خود نتوانست نمایندگان را برای رای اعتماد به وی مجاب کند و همچنین دفاع وی از پروژه سد گنوند که مرکز پژوهش‌های مجلس و سازمان بازرسی کل کشور علیه این پروژه مطالبی را منتشر کرده بودند، در عدم موافقت نمایندگان به وی موثر بود.» هدایت‌الله خادمی، نماینده ایزده و باغملک در مجلس شورای اسلامی هم با اشاره به عدم رای اعتماد مجلس به حبیب‌الله بیطرف وزیر پیشنهادی نیرو گفت: «نمایندگان برنامه‌ها و عملکرد گذشته وی که وزیر بود، را بررسی کردند که به این نتیجه رسیدند که این عملکرد خوب نبود و به منافع ملی و مردم صدمه زد.» وی با بیان اینکه مدیریت آقای بیطرف در وزارت نیرو باعث صدمات جبران‌ناپذیر به دریاچه ارومیه شد، افزود: «همچنین وقتی سد کارون ۳ آبگیری شد، ۱۲۰ روستا زیر آب رفت. سد گنوند نیز از شاهکارهای آقای بیطرف است و بخشی هم در زمان زنگنه که در این وزارتخانه بود، انجام شد.»

نایب رئیس اول کمیسیون انرژی مجلس تصریح کرد: «برداشت ما نمایندگان این بود که مدیریت آقای بیطرف در وزارت نیرو در حال ایجاد مشکلات و اختلاف بین استان‌ها بر سر انتقال آب بود.»

کمیسیون کشاورزی مجلس در ارتباط با برنامه ارائه شده از سوی بیطرف تصریح کرد: «برنامه ایشان براساس قانون برنامه ششم نوشته شده بود، متنها نوع بیان این برنامه و روش‌های دستیابی به اهداف برنامه ششم باید توسط آقای بیطرف تبیین می‌شد که متأسفانه این کار به خوبی انجام نشد.» اکبری خاطرنشان کرد: «به‌طور کلی آن چیز که موجب عدم توفیق بیطرف در جلب نظر نمایندگان شد، اقدامات دوازدهم گذشته وزارت نیرو در حوزه ساخت چندین سد روی رودخانه کارون و انتقال آب این رودخانه به مناطق دیگر بود که مورد انتقاد اکثر نمایندگان مجلس بود.» در اظهارنظری دیگر رئیس مجمع نمایندگان خوزستان با اشاره به آسیب دیدن این استان از سیاست‌های اشتباه بیطرف در دوران وزارت گفته است: «مجلس با رد وزیر پیشنهادی نیرو زمینه را برای ورود یک تیم کارشناسی بهتر برای استقرار در وزارت نیرو باز کرد.» عباس پای‌زاده، نماینده مردم دم‌فول در مجلس شورای اسلامی پس از جلسه علنی امروز یکشنبه ۲۹ مرداد خانه ملت که به اخذ رای اعتماد از نمایندگان برای وزرای پیشنهادی دولت دوازدهم اختصاص داشت، در جمع خبرنگاران با اشاره به ناکامی حبیب‌الله بیطرف وزیر پیشنهادی نیرو گفت: «نمایندگان بدون هیچ گونه جهت گیری سیاسی برنامه و سوابق وزرای پیشنهادی را در جلسات مختلف مورد نقد و بررسی قرار دادند.» وی یادآوری کرد: «گزینه پیشنهادی وزارت نیرو تنها وزیر پیشنهادی بود که نتوانست به دلیل سوابق مدیریتی خود در گذشته از مجلس رای اعتماد کسب کند. در زمان وزارت آقای بیطرف آسیب‌های جدی به منابع آبی کشور وارد شد و استان خوزستان اولین قربانی طرح‌های اشتباهی مانند انتقال آب بود که امروزه این روش‌های مدیریتی آب در کشورهای پیشرفته دنیا

سروش با استفاده از این تعبیر که دفاع بی‌حال، ناجالب و بی‌جذبه بیطرف از خودش حین نطق، عامل موثر دیگر در رای نیاوردن آن شد، گفت: «آقای بیطرف تیم همراه و موثری برای جذب نظر نمایندگان همراه نداشت. انگار خودش انگیزه‌ای برای قبول وزارت نداشت

مهندس بیطرف سرد بود و انگار خودش هم انگیزه برای وزارت ندارد. در حالی که برای وزارت باید جنگیده آنکه از سر سیری مواجه شد. استغنا از قدرت خوب است اما وقتی وارد میدان شدی باید مبارزه کنی. کاری که وزیر جوان ارتباطات کرد. لابی کردن و وعده دادن و رای اعتماد گرفتن خوب است یا تن به معامله‌های پشت پرده ندادن؟ اگر اولی خوب است آیا عارف به همین خاطر شتمات می‌شود و اگر دومی خوب است چرا انتقاد می‌شود؟

روایت تاجگردون

غلامرضا تاجگردون هم یکی از افرادی است که تحلیل خاص خود را از رای نیاوردن بیطرف داشته است. او در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشته است: «حبیب‌الله بیطرف انسان متخصص و اصلاح‌طلبی که نتوانست از مجلس رای اعتماد بگیرد. چرا؟ روزی که به مجلس معرفی شد، در اولین روز و در جلسه برگزار شده با فراکسیون توازن اعلام کردم او انسان متخصصی است که می‌تواند منشأ اثر باشد. فارغ از مخالفین سیاسی که داشت، بحثی به واسطه نوع نگاه و سوابق اجرایی در برنامه‌ها در بین نمایندگان برخی از مناطق شکل گرفت که تنها کسی که می‌توانست این ابهامات را رفع کند، خود ایشان بود. فراموش نکنیم نمایندگانی که در مجلس حضور دارند، همگی از گوشه‌ای از ایران آمده‌اند که وظیفه دارند مطالبات منطقه و حقوق آنان را پیگیری کنند. آنان به این جمع‌بندی رسیده بودند که وزارت مهندس بیطرف با نوع نیاز منطقه‌شان تعارض دارد. تلاش‌های صورت گرفته برای نزدیک کردن این دیدگاه‌ها به نتیجه نرسید. بحث معامله نبود، تنها وجود بحران آب در برخی مناطق بود که منجر به این شد که بیطرف رای نیاورد. اصولگرایان سنتی همچون کامران، حاج بابایی و زاهدی تلاش کردند رای بیاورد و خیلی از اصلاح‌طلبان هم به او رای ندادند. به نظر من ایشان می‌توانست این چالش را به حداقل برساند و تا لحظه‌های آخر هم تلاش کردم این اتفاق حاصل شود ولی نطق ضعیف و بی‌انگیزه ایشان این تلاش را بی‌نتیجه کرد. او شایسته بود ولی نتوانست مطالبات مردم را در کنار فهم کارشناسی‌اش خوب تعریف کند.»

نقش فراکسیون چه بود؟

اما درست در همین جاست که پای فراکسیون امید هم به میان آمده است.

روزگاری سدسازی مایه بالیدن مقامات بود اما اکنون داستان این گونه نیست. پس از احداث سد گتوند آب رودخانه کارون شور شد تا جایی که وقتی به مزارع نیشکر می‌رسید یا شاید هنوز هم که می‌رسد، سختی آب چند برابر می‌شود و وقتی به اهواز می‌رسد از حد استاندارد فراتر می‌رود

با ۱۳۲ رای مخالف، از کسب اعتماد مجلس بازماند؛ رای مخالفان پرشماری که بی‌شک در میان‌شان اصلاح‌طلبان زیادی نیز حضور داشته‌اند. به این نکات، تغییر نگرش زیست محیطی مردم و به‌طور خاص، باورهای عمومی در خصوص منابع آب را هم می‌توان افزود که بی‌شک تاثیر بسزایی در مخالفت ۱۳۲ نماینده مجلس با حضور بیطرف در وزارت نیرو در دولت دوازدهم داشته است. اینکه وزارت نیرو در ذهن مردم از بنگاه ساخت سدهای پرشمار به نهادی که موظف است به سدسازی‌های بی‌حساب و کتاب و پرشمار پایان داده و اشکالات موجود در عرصه تصمیمات آبی کشور را رفع کند، تغییر کرده و نمی‌توان با تکیه بر رزومه‌ای ملو از سدهای فراوان، به رأس هرم مدیریتی آن راه یافت. در واکنشی دیگر به این ماجرا سایت عصر ایران هم در تحلیلی نوشته است:

نمایندگان استان خوزستان و برخی مناطق دیگر عزم خود را جزم کردند تا به بیطرف رای اعتماد ندهند تا پیام روشنی را منتقل کنند.

روزگاری سدسازی مایه بالیدن مقامات بود اما اکنون داستان این گونه نیست. پس از احداث سد گتوند آب رودخانه کارون شور شد تا جایی که وقتی به مزارع نیشکر می‌رسید یا شاید هنوز هم که می‌رسد، سختی آب چند برابر می‌شود و وقتی به اهواز می‌رسد از حد استاندارد فراتر می‌رود.

در همین حال حبیب‌الله بیطرف در نطق خود از سدسازی دفاع کرد و مهندسان ایرانی را ستود. این در حالی است که رئیس جدید سازمان حفاظت محیط زیست پیش‌تر تندترین انتقادات را متوجه سد گتوند ساخته بود. نکته دیگر به روحیات شخص مهندس بیطرف معطوف است. او زیاده از حد محجوب و کم‌روست. کافی است نطق او را با آذری چهرمی مقایسه کنید. نوع سخنرانی و هیجان و استدلال‌ات در جلب آرا موثر است. برخورد

خادمی گفت: «ما در گذشته شاهد انتقال ناصحیح آب بین حوزه‌های بودیم که مشکلات اساسی ایجاد کرد.» وی افزود: «ما نمی‌گوییم آب نباید منتقل شود بلکه تاکید داریم که آب مال همه ایرانیان است و باید آب شرب منتقل شود و همه از آن استفاده کنند.»

نماینده ایزه و باغملک در مجلس تصریح کرد: «ما نمایندگان وقتی با بیطرف در مجلس صحبت کردیم، دیدیم همچنان مثل گذشته فکر می‌کند. به همین دلیل نمایندگان مجلس تلاش کردند که وی رای نیاورد.»

خادمی در خصوص اولویت‌های کاری دولت گفت: «اشتغال یکی از مهمترین اولویت‌های کاری دولت است. برای ایجاد اشتغال باید در سیستم اقتصادی سالم‌سازی صورت گیرد. اگر در سیستم اقتصادی سالم‌سازی و شفاف‌سازی صورت نگیرد، هیچ وقت توسعه اتفاق نمی‌افتد.»

وی افزود: «باید کارخانه‌ها را ببندد، اشتغال و تولید ایجاد شود و منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری جذب شود.»

گتوند و فراکسیون امید

نیم‌نگاهی به آرای ریخته شده به گلدان برای بیطرف، کافی است تا در بایام ترکیب گروه‌های سیاسی حاضر در مجلس و مسائل جناحی عامل نخست عدم کامیابی وزیر اسبق نیرو نبوده و حتی عدم توفیق وی، نتیجه تشمت آرای سیاسی و پایگاهی بوده است، به گونه‌ای که به تعداد موافقان حضور بیطرف در وزارت نیرو، نمایندگانی مخالف رقم خوردن این اتفاق بوده‌اند.

برای فهم بهتر ماجرا کافی است در آرای دیگر گزینه‌های تصدی وزارتخانه‌های دولت دوازدهم بیندازیم تا در بایام که نمایندگان مجلس با ترکیب اکثریت فراکسیون امید (اصلاح‌طلبان)، آرای بسیار چشمگیری برای برخی وزرای با گرایش اصولگرایی به ثبت رسانند؛ اما بیطرف که از جمله گزینه‌های اصلاح‌طلب به شمار می‌آمد، از راهیابی به دولت بازمانده است؛ نکته‌ای که ثابت می‌کند بیطرف در جلب آرای نمایندگان هم طیف خود موفق نبوده و شکست خورده است. اتفاقی که باتوجه به حضور دو دوره‌ای وی در رأس وزارت نیرو در دوران هشت ساله اصلاحات، این باور را به وجود می‌آورد که کارنامه وی در وزارت نیرو از دید نمایندگان مجلس ناموفق ارزیابی و مانع از اعتماد ایشان به وی شده است.

کارنامه‌ای که این روزها از دید بسیاری از کارشناسان و مردم هم ناموفق ارزیابی می‌شود و برخی نقاط منفی آن به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. از جمله ساخت سدهای فراوان در نقاط مختلف کشور که برخی‌شان ناموفق ارزیابی می‌شوند و در دوران اوج گیری بحران آب در کشور، انگشت اتهام بسیاری از کارشناسان و مردم به سمتشان نشانه رفته است.

امثال سد گتوند که می‌توانست موجب نادیده گرفته شدن گرایش‌های اصلاح‌طلبی بیطرف توسط نمایندگان هم طیف وی شده و در کمال ناباوری، در نتیجه اقداماتی از جانب بیطرف، به‌شدت تشدید شد. وقتی وی تصمیم گرفت به جای پذیرفتن انتقادات در خصوص سدسازی یا دست کم ناموفق خواندن برخی سدهای اجرا شده در دوره خود، از سدسازی دفاع کرده و گتوند را سدی با مزیت‌های فراوان در کنار چند اشکال بخواند و مدعی شود آنچه اشکالات این سدا را به وجود آورده، عملکرد دولت احمدی‌نژاد و بزرگنمایی منتقدان و رسانه‌ها بوده است! با این ملاحظات عجیب نیست که می‌بینیم انتقادات به عملکرد وی در زمان حضور در وزارت نیرو به‌شدت اوج گرفته و امثال سد گتوند به کلیدواژه پراسفاده مردم در روزهای اخیر تبدیل شود و سرانجام کاری کند که بیطرف



تاج گردون: در اولین روز و در جلسه برگزار شده با فراکسیون توازن اعلام کردم او انسان متخصصی است که می‌تواند منشأ اثر باشد. فارغ از مخالفین سیاسی که داشت، بحثی به واسطه نوع نگاه و سوابق اجرایی در برنامه‌ها در بین نمایندگان برخی از مناطق شکل گرفت که تنها کسی که می‌توانست این ابهامات را رفع کند، خود ایشان بود

نظرها در این مورد متفاوت است. یک عضو فراکسیون امید با بیان اینکه تشکیل هر چه سریعتر دولت نظر مشترک نمایندگان با هر سلیقه سیاسی بود، گفته است که بد اخلاقی فراکسیونی باعث رای نیاوردن بیطرف شد. احمد مازنی در ارزیابی از رای نمایندگان به وزرای دولت دوازدهم گفت: «تمامی نمایندگان با هر سلیقه سیاسی متفق القول معتقد به تشکیل هر چه سریعتر دولت بودند. به خصوص با توجه به اینکه مقام معظم رهبری بر این موضوع تاکید داشتند و به همین خاطر نمایندگان می خواستند که دولت هر چه زودتر کارش را آغاز کند.» وی درباره میزان تاثیر نظر فراکسیون ها در رای نمایندگان گفت: «به طور کلی رای فراکسیون ها در نظر نمایندگان غالب نبود و نظر شخصی آنها در مقایسه با نظر فراکسیون حکمفرما شد.» این نماینده اصلاح طلب مجلس با بیان اینکه تعهد تشکیلاتی و فراکسیونی کمتر در رای وزرا دیده شد، گفت: «برخی از نمایندگان با پایبندی بر تعهد سیاسی خود به فراکسیون مربوطه به وزرا رای دادند اما برخی دیگر از نمایندگان رای خود را بر اساس مسائل قومی و شخصی و خارج از رای فراکسیون ها مطرح کردند.» مازنی ادامه داد: «این موضوع بیشتر در مورد آقای بیطرف دیده شد که کار تشکیلاتی منسجم و غیرشفافی صورت گرفت تا او رای نیاورد و ما این را در دقایق آخر متوجه شدیم. به همین دلیل به نظرم بد اخلاقی فراکسیونی در رای ندادن به آقای بیطرف اعمال شد. در این بین تلاش نمایندگان استان خوزستان نیز بی تاثیر نبود.»

در این میان یک عضو شورای مرکزی فراکسیون مستقلین ولایی هم با تقسیم بندی رای نمایندگان به آرای فراکسیونی، منطقه ای و آتش به اختیار گفته است که نمایندگان در مورد آقای بیطرف به صورت فراکسیونی رای ندادند و نظر شخصی در این باره حاکم شد.

سید محسن علوی در ارزیابی از آرای نمایندگان به وزیران پیشنهادی گفته است: «وزرای که توانستند آرای بالا و بیشتر از ۲۰۰ رای را کسب کنند، وزایی بودند که فراکسیون ها نظر مثبت نسبت به آنها داشتند. در مورد برخی از وزرا نظر فراکسیون های سیاسی متفاوت

بود و برخی از آنها موافق و برخی دیگر مخالف بودند. به همین دلیل آرای تعدادی از وزرا کمتر از ۲۰۰ رای و حتی به اصطلاح لب مرزی بود. در مورد آقای بیطرف نیز تنها فراکسیون مستقلین از ایشان حمایت نکرد و مابقی فراکسیون ها تقریباً نظر مثبتی به او داشتند ولی در نهایت نظر فراکسیونی در مورد وزیر پیشنهادی نیرو اعمال نشد و نمایندگان بر اساس نظر شخصی، آتش به اختیار عمل کردند. آقای آذری جهرمی کمترین رای را از مجلس گرفت. آن هم در شرایطی که دو فراکسیون مجلس مخالف ایشان بودند. در مورد وزیر ارتباطات نیز به نظر می رسد فراکسیونی عمل نشد و نمایندگان نگاه شخصی را اعمال کردند. آنها به جوانگرایی بدنه دولت رای مثبت دادند و در واقع حمایت خود را از نسل جوان اعلام کردند چون در آینده ای نه چندان دور بحث سکان مدیریت گریبانگیر کشور می شود.» قاسم میرزایی نکو عضو فراکسیون امید هم درباره نظر فراکسیون امید برای وزیران دولت گفته است: «وزیران پیشنهادی تعامل خوبی با فراکسیون امید داشتند و در جلسات این فراکسیون حضور یافتند و به سوال های ما پاسخ دادند. اعضای این فراکسیون مشکلی با بیطرف نداشتند و وی یکی از گزینه هایی بود که در فراکسیون امید رای خوبی آورد. آذری جهرمی و بطحایی دو گزینه ای بودند که در فراکسیون امید رای پایینی داشتند و تصور ما این بود که بیطرف رای خواهد آورد. وزیران دولت باید حساب شده جلو بروند و برای حل مشکلات مردم و افزایش کارایی وزارتخانه ها تلاش کنند. وزیرانی که رای کمتری آوردند از این پس باید تعاملات خود را با مجلس بیشتر کنند و ارتباط بهتری داشته باشند و راهکارهایی را برای نقطه ضعف هایی که نمایندگان مجلس روی آنها دیده بودند، پیدا کنند. میرزایی نکو اظهار امیدواری کرد وزیرانی که با رای پایینی به دولت راه یافتند تعامل شان را با مجلس بیشتر کنند و نقطه ضعف ها را از بین ببرند.

فراکسیون امید بیانیه داد

اما حاشیه ها در این مورد آنقدر بالا رفت که در نهایت

فراکسیون امید مجبور شد در این زمینه توضیح دهد. در این بیانیه آمده بود: «فرایند معرفی و بررسی صلاحیت وزرای کابینه دولت دوازدهم در حالی در مجلس به پایان رسید که برخی نقدها و ایرادات به فراکسیون امید مجلس مطرح شد که آنها را ارج نهاده و نشانه انتظارات به حق موجود از این فراکسیون در سطح جامعه می دانیم. طرح برخی موضوعات که بیشتر از سر بی اطلاعی بود، ما را بر آن داشت تا درباره این گونه موارد شفاف سازی کنیم. در اولین گام هرگونه ادعای افراد مبنی بر نقش فراکسیون امید در مخالفت های صورتی با برخی وزرا، تکذیب شده و اعلام می کنیم که فراکسیون امید و رئیس محترم فراکسیون، هیچ گاه چنین روش های غیر اخلاقی را تایید نکرده و نمی کنند.

ممکن است برخی اعضا به دلایل شخصی یا اقتضائات گروهی و منطقه ای، تصمیم به مخالفت با موافقت با وزرای پیشنهادی گرفته باشند که منطبق بر تصمیم جمعی نبوده است که زینده است خود در این رابطه توضیح دهند و مسئولیت عمل خویش را بپذیرند. درباره سایر مواردی که درباره معبود اعضای فراکسیون امید از سوی برخی اشخاص و گروه ها در فضای مجازی منتشر شده، هیات داور فراکسیون امید مسئولیت پیدا کرده تا رسیدگی های لازم را معمول دارد و نتیجه آن را به هیات رئیسه فراکسیون اعلام نماید، بنابراین شایسته است دلسوزان اصلاحات در صورت وجود هرگونه شائبه درباره رفتار اعضای فراکسیون در جریان رای اعتماد به وزرا، ضمن کمک به شفاف سازی مسائل، آنها را به هیات رئیسه فراکسیون منعکس کرده تا هم از گسترش شایعات اثبات نشده که موجب ضرر به اعتماد عمومی می شود، خودداری شود و هم در زمینی که رقابتی اصلاح طلبان با جنگ روانی مهیا کرده اند، بازی نکنیم. ما به عهد خویش با مردم وفاداریم و در جهت اعتلا و توسعه و پیشرفت کشور و گسترش امید و آرامش به جامعه و مردم، از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.»

هرچه هست اکنون به نظر می رسد که فراکسیون امید نتوانسته وزیر اصلاح طلب را به پاستور بفرستد و این یک ناکامی بزرگ برای آنها به حساب می آید. ▶



سد مجلس مقابل متخصص سدسازی

بیطرف؛ مهندس سیاستمدار

خودجوش را تایید یا تکذیب کنند. بنابراین شما نباید توقع پاسخ از امام داشته باشید. برای ما مخصوصاً دانشجویان دانشگاه تهران مهم بود که نظر امام در این رابطه چیست و دوستان می گفتند اگر امام مخالف باشند، ما حاضر به انجام این کار نیستیم. این نظر دانشجویان را به آقای موسوی خوینی ها منتقل کردم. ایشان در نهایت گفتند من موضوع را به امام منتقل می کنم، اگر امام مخالف بودند، نظر ایشان را به صورت فوری و تا ۲ روز دیگر به شما اعلام می کنم. (۲) روز گذشت، امام نظری ندادند ولی در پیامی که در آن روزها صادر کردند، اشاره به تشدید حملات دانشجویان و طلاب علیه آمریکا کردند و ما دانشجویان این پیام را به عنوان پاسخ مثبت امام تلقی کردیم. «وی البته ادامه داده است: «معتقدم این حرکت یکی از تاثیرگذارترین وقایع انقلاب بود و باعث شد تا تهدیدهای جدی از سر انقلاب عبور کند. در آن زمان بحث کودتا به صورت جدی مطرح بود و اگر این حرکت انجام نمی شد انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی بر اثر کودتایی شبیه کودتای سال ۱۳۳۲ ضربه می خورد یا با روند استحالته از درون، از مسیر خود خارج می شد. حرکت تسخیر لانه جاسوسی غیر از نحوه ورود که با پریدن دانشجویان از روی نرده ها و بستن چشم های گروگانان در روزهای اول، کمی خشن بود، ولیکن در سایر جهات به عنوان یک حرکت اعتراضی مستقل دانشجویی هویت داشت. شورای مرکزی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، با هوشمندی خود و تحت هدایت آقای موسوی خوینی ها توانست یکی از مهم ترین و حساس ترین جریان های گروگانگیری را در عرصه بین المللی مدیریت کند. دانشجویان توانستند در یک دوره طولانی ۱۴ ماهه حقانیت خواسته های منطقی خود را برای دنیا اثبات کنند و در عین حال در طول دوره گروگانگیری، آمریکایی ها را مانند «گل» نگهداری کردند. در دوره ۴۴ روز گروگانگیری رفتار دانشجویان با گروگان های آمریکایی کاملاً انسانی و اسلامی بود و حتی پخت غذاهای آنان توسط آشپز پاکستانی خودشان انجام می گرفت تا با ذائقه آنان سازگار باشد. «حبیب الله بیطرف سیاست مداری آرام و گوشه نشین است. به نظر نمی رسد که او قصدی برای پایان این گوشه نشینی داشته باشد. ▶

بزرگ ملی مانند طرح احداث سد و نیروگاه آبی کارون ۳، اجرای ضوابط و مقررات نظام فنی و اجرایی کشور در حوزه مدیریت پروژه های دولتی، همچنین حضور دو دوره در هیات مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران و عضویت کنونی در شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی و ساختمان اشاره کرد. بدون شک مهمترین دوره زندگی او می تواند برهه تسخیر سفارت آمریکا باشد. او در این مورد روایت جالبی دارد. بیطرف ماجرا را این گونه روایت کرده است: «جریان تسخیر سفارت آمریکا منبعث از شورایی متشکل از نمایندگان انجمن های اسلامی ۴ دانشگاه تهران، شهید بهشتی، پلی تکنیک و صنعتی شریف بود. ایده تسخیر سفارت توسط آقای اصغرزاده در جلسه شورای تحکیم وحدت مطرح شد که آقایان سیدزاد و احمدی نژاد با آن مخالف بودند. آقای احمدی نژاد تهدید کرد اگر قصد این کار را داشته باشید، موضوع را به آقای بازگان منتقل می کنم! و این برخورد باعث شد این دو نفر از کمیته برنامه ریزی تسخیر کنار گذاشته شوند و عملاً بار حرکت تسخیر لانه جاسوسی بر دوش دانشگاه های تهران، پلی تکنیک، صنعتی شریف و شهید بهشتی قرار گرفت. اصل حرکت برای سه روز برنامه ریزی شد و قرار بود دانشجویان بخاطر اجازه ورود شاه به آمریکا، به دولت آمریکا اعتراض کنند و خواستار بازگرداندن شاه به ایران شوند. قرار بر این بود که اگر پس از سه روز مساله حل نشود، نمایندگانی نزدیک به آیت الله منتظری بروند و ایشان پیام دهند که دانشجویان برگردند. آقای موسوی خوینی ها به دلیل ارتباط فرهنگی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با دانشجویان داشتند و دانشجویان در جلسات تفسیر قرآن ایشان حضور می یافتند، در آن زمان نماینده امام در صداوسیما بودند. ما برای اینکه امام را از ماجرا مطلع کنیم، خدمت ایشان رفتیم و از ایشان خواستیم برنامه دانشجویان را به امام منتقل کنند. ایشان گفتند امام خمینی، رهبر رسمی انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی هستند و مصلحت نیست این حرکت

۲ حبیب الله بیطرف سال ۱۳۳۵ در شهر یزد به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را نیز در همین شهر و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس، در رشته مهندسی راه و ساختمان در دانشکده فنی دانشگاه تهران به پایان برده است. وی تا پیش از انقلاب اسلامی، از فعالان حرکت های سیاسی دانشجویان مسلمان دانشگاه ها و از موسسان انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران به شمار می رفت. بیطرف سیاستمدار، مدرس دانشگاه و مدیر ارشد اجرایی است و به عنوان معاون امور مهندسی، پژوهش و فناوری وزیر نفت فعالیت می کند. بیطرف عضو اولین شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت بود و یکی از اعضای شورای رهبری شش نفره دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به شمار می رفت که در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ جریان گروگان گیری در سفارت آمریکا را رهبری کردند. حبیب الله بیطرف فعالیت اجرایی را از سال ۱۳۵۸ با مشارکت در راه اندازی جهاد سازندگی آغاز کرد. در طول جنگ ایران و عراق به عنوان عضو رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فعالیت ادامه داد. وی در فاصله سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ استاندار یزد بود. از ابتدای سال ۱۳۶۹ تا پایان سال ۱۳۷۳ به مدت پنج سال، در سمت معاون آموزشی وزارت نیرو (به وزارت بیژن نامدار زنگنه) فعالیت داشت و همزمان به عنوان عضو هیات علمی دانشگاه در مراکز آموزش عالی نیز تدریس می کرد. وی عضویت در هیات امدا دانشگاه یزد، عضویت در کمیته برنامه ریزی آموزش های علمی- کاربردی وزارت مسکن و شهرسازی و هشت سال مشاور پژوهشگاه نیرو را در کارنامه خود دارد. همچنین وی از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ به عنوان مجری طرح های سد و نیروگاه کارون ۳ و کارون ۴، در وزارت نیرو مشغول کار بود. حبیب الله بیطرف در فاصله سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ در کابینه اول و دوم سید محمد خاتمی برای مدت ۸ سال، عهده دار وزارت نیرو بود. از سوابق اجرایی بیطرف می توان به اجرای پروژه های



بیطرف گفت متعجب شده‌ام

گفت و گوی مثلث با محمد حسین فرهنگی

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

شما به عنوان کسی که عضو هیات رئیسه هستید و از نزدیک در جریان رای اعتماد به وزرای پیشنهادی و در جریان امور مختلف بودید، در روزهای بررسی صلاحیت و برنامه‌های وزرای پیشنهادی فضای سخن علنی مجلس شورای اسلامی را چگونه ارزیابی کردید و آیا جلسات همان طور که انتظار داشتید، برگزار شد یا اینکه انتظار داشتید مباحث چالشی تر باشد؟

▲ جلساتی که برگزار شد، مانند سایر جلسات رای اعتماد بود. لابی گسترده مسئولان دولتی و علاقه نمایندگان به ویژه همکارانی که برای بار اول وارد مجلس شده‌اند برای ارتباط گرفتن با وزرای پیشنهادی همانند گذشته بود.

به موارد متفاوت هم می‌توان اشاره کرد. در این دوره مخالفت‌های جدی در پشت تریبون‌ها یا اظهار نمی‌شد یا بسیار کم و محدود بود. کسانی به اسم مخالف ثبت نام کردند، اما صحبت‌هایشان صحبت‌های موافق بود. فراکسیون‌ها به طور گسترده جلساتی برگزار کردند. رودر بایستی‌هایی ایجاد می‌شد، نمایندگان قومیت‌های مختلف برای مذاکره با وزرا فعال بودند و تفاوتی که در شیوه رای گیری به وجود آمد هم متفاوت بود. برای اولین بار در یک ورقه برای همه وزرا رای گیری شد، همچنین برخلاف گذشته که صندوق‌ها در دو ضلع مجلس مستقر می‌شدند و نمایندگان آرایشان را در آنجا به صندوق‌ها می‌ریختند، صندوق‌ها توسط کارکنان مجلس به گردش درآمد.

در نهایت اتفاقی که افتاد، رای نسبتاً قاطع اکثریت وزرای معرفی شده بود. همان طور که در نظم درباره کلیات کابینه بیان کردم، در حال حاضر پیش بینی این نیست که اتفاقات وسیع و گسترده‌ای را در طول چند سال آینده، شاهد باشیم. هر چند احتمالاتی هم وجود دارد. مانند اینکه دولت باتوجه به آنچه در جریان انتخابات با آن مواجه شد، تلاش‌های جدیدی را هم صورت دهد. امیدواری ما آن است که قانون برنامه به اجرا درآید. در این صورت با هر



دو گروه جنوبی‌ها و شمالی‌ها به علت عملکردهای سابق ایشان در حوزه فعالیت قبلی در وزارت نیرو، با وزیر شدنش مخالف بودند و از ابتدا هم اعلام می‌کردند

▲ محمد حسین فرهنگی گفت: «نه فقط فراکسیون امید بلکه هیچ کدام از فراکسیون‌ها قوی عمل نکردند. فراکسیون‌ها با دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی در میان اعضای خودشان مواجه بودند که هر کدام به نحوی از انحنا تلاش می‌کردند در راستای دیدگاه‌های شخصی خود عمل کنند و در هر سه فراکسیون مسائلی از این دست زیاد بود.» عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی یادآور شد: «نزدیک به رای گیری که آقای بیطرف را دیدم، معتقد بود فضا برای بررسی عملکرد، فضای مناسب و سالمی نیست. عنوان می‌کرد که بعضاً خواسته‌هایی مطرح می‌شود که تعجب برانگیز است که چه ربطی به رای اعتماد دارد.»

ترکیب کابینه‌ای می‌توانیم شاهد اتفاقات گسترده مناسبی در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی و فرهنگی باشیم.

به نظر شما رای فراکسیون‌های سیاسی مجلس در این رای اعتماد چقدر موثر بود و عملکرد فراکسیون‌های سیاسی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ در واقع کدام فراکسیون قوی تر عمل کرد و کدام فراکسیون ضعیف تر؟

▲ هیچ کدام از فراکسیون‌ها قوی عمل نکردند. فراکسیون‌ها با دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی میان اعضای خودشان مواجه بودند که هر کدام به نحوی از انحنا تلاش می‌کرد در راستای دیدگاه‌های شخصی خود عمل کنند و در هر سه فراکسیون مسائلی از این دست زیاد بود. ضمن آنکه ما اگر فراکسیون‌های اصلی و محوری را مبنا قرار دهیم، آنچه اتفاق می‌افتد، این است که حدود ۷۰ نفری در هر دو سو به طور جدی حضور دارند و فراکسیون مستقین هم تعدادی در همین حدود را اختیار دارد. بقیه نمایندگان بین سه جریان در تردد هستند. یعنی با یکی از وزرا موافقت و در مورد دیگر با وزیر دیگری مخالف.

شیوه رای گیری هم موثر بود. در جلسه‌ای که در هیات رئیسه، قبل از جلسه رای گیری تشکیل شد، بیان کردم با تمهیداتی که پیش بینی شده، هر ۱۷ وزیر شانس موفقیت بالایی دارند.

اینکه الان بیشتر توجه‌ها به سمت عملکرد ضعیف مدیریت فراکسیون امید در جلسه رای اعتماد معطوف شده است، شما خودتان به عنوان یکی از اعضای فراکسیون ولایی این را قبول دارید؟

▲ نه، مثل باقی فراکسیون‌ها عمل کرد. فراکسیون امید دنبال رای آوری حداکثری وزرای پیشنهادی بود و این اتفاق هم افتاد. این را نمی‌توان به پای ضعف این فراکسیون گذاشت. کسانی که این را می‌گویند، معتقدند که جمعی از این فراکسیون نسبت به یکی، دو نفر از وزرای معرفی شده نظر مخالف داشتند اما این نظر همه اعضای این فراکسیون نبود. اکثر اعضای شان به دنبال حرکت جمعی برای رسیدن به رای آوری حداکثر وزرای پیشنهادی بودند.

الان اصلاح طلبان بیرون مجلس این انتقاد را به فراکسیون امید وارد می‌کنند که وزرای

گرایش اصلاح طلبی آرای موافق کمتری آوردند و این نشانه ضعف فراکسیون امید است. شما خودتان در ادوار مختلف در مجلس بوده‌اید، آیا می‌توان چنین نسبتی به فراکسیون امید داد به دلیل اینکه آرای مثبت وزرای اصلاح طلب کمتر از آرای موافق وزرای اعتدالی و اصولگرا بود؟

▲ بنده این ارزیابی را ندارم اما در هر جریان سیاسی طیفی از دیدگاه‌ها وجود دارد که تحلیل یاد شده می‌تواند دیدگاه یکی از طیف‌ها باشد که گاهی جریان افراطی به آنها اطلاق می‌شود. از نظر آنان شاید حتی ترکیب کلی این کابینه مناسب نباشد چه رسد به سطح رای وزرای پیشنهادی.

صحبت‌های مخالفان و موافقان را که رصد می‌کردید، جنبه کارشناسی داشت یا منطقه‌ای؟ الان صحبت از هر دو دیدگاه است.

▲ بله واقعاً وجود داشت و البته مانند بقیه رای اعتمادها بود. اینطور نیست که در رای اعتمادهای گذشته از این دو شکل خالی بوده باشد. اما مخالفت‌ها، مخالفت‌های جان داری نبود.

این صفت‌بندی‌های سیاسی چقدر در نوع آرای که به وزرای سیاسی داده شد، موثر بود؟

▲ صفت‌بندی سیاسی، بی‌تاثیر نبود اما تاثیر تمام کننده نداشت چون طیف قابل توجهی از نمایندگان بودند که عملاً با هیچ یک از سه فراکسیون همراه نیستند و تشکل خاصی هم ندارند. در هر موضوعی فضای حاکم در میان آنها تاثیر می‌گذارد.

اینکه می‌گویند آقای بیطرف به دلیل این صفت‌بندی سیاسی نتوانست رای اعتماد بگیرد را قبول دارید؟

▲ نه، دو گروه جنوبی‌ها و شمالی‌ها به علت عملکردهای سابق ایشان در حوزه فعالیت قبلی در وزارت نیرو، با وزیر شدنش مخالف بودند و از ابتدا هم اعلام می‌کردند. روز رای گیری هم در صحن علنی مجلس به ویژه نمایندگان خوزستان بسیار فعال بودند.

پس به نظر شما بیشتر رای نیاوردن وزیر نیرو، جنبه تخصصی و منطقه‌ای داشت؟

▲ تقریباً اینطور است.

نکته دیگر اینکه آقای بیطرف از جمله وزرای نبود که در زمان معرفی وزرا توسط رئیس جمهور، مخالفت جدی را برانگیخته باشد برعکس ۴۰۵ وزیر پیشنهادی دیگر در معرض خطر رای نیاوردن بودند اما آنهایی که در خطر بودند، رای آوردند و آقای بیطرف که اسمش جزو حساسیت‌زاهان نبود، رای نیاورد، چرا؟

▲ او از بعضی روش‌های لابی‌گری که در مورد سایر وزرا در جریان بود، اجتناب کرد و در ساعات نزدیک به رای گیری که ایشان را دیدم، معتقد بود فضا برای بررسی عملکرد، فضای مناسب و سالمی نیست. عنوان می‌کرد که بعضاً خواسته‌هایی مطرح می‌شود که تعجب برانگیز است که چه ربطی به رای اعتماد دارد.

البته فرصتی نبود که سوال کنم منظورشان از این اظهارات چیست. از خودشان که سوال کنید این موضوع را باز خواهند کرد. به عبارت دیگر ایشان مثل بقیه، خیلی فعال نبود. هر چند حساسیت‌هایی هم که اشاره کردم، از



ابتدا وجود داشت و اینطور نبود که در لحظات پایانی اتفاق بیفتد. تاکیدهای آقای روحانی هم احتمالا براساس مشاوره‌هایی که به ایشان دادند و نگرانی‌هایی که منعکس کرده‌اند، بوده است.

یعنی اگر یکسری افراد مثل بقیه وزرای پیشنهادی کنار ایشان بودند که اگر تماس چهره به چهره با نمایندگان می گرفتند، شاید نتیجه دیگری رقم می خورد؟

▲ به عبارت مرسوم این روزها، اگر لابی گسترده داشت، احتمالا نتیجه چیز دیگری بود.

برخی هم رای نیاوردن آقای بیطرف را به صحبت‌های آقای روحانی ربط می دهند و می گویند نوبت به آقای آخوندی، زنگنه و جهرمی که رسید، رئیس جمهور تمام قد از انتخابی که انجام داده، دفاع کرد اما وقت دفاع از آقای بیطرف با یکی، دو جمله کوتاه از نام ایشان عبور کرد. به نظر شما اگر آقای روحانی همان دفاعی که از آقای زنگنه و آخوندی و حجتی داشت از آقای بیطرف هم انجام می داد روی آن ۱۷ رای که اگر به جای ممتنع، موافق داده بودند، وزیر پیشنهادی نیرو می توانست رای اعتماد بگیرد، تاثیر داشت. آیا می توان گفت که چنانچه این حمایت قوی تر از طرف رئیس جمهور انجام می شد، آقای بیطرف هم رای اعتماد می گرفت؟

▲ قبلا گفتم احتمالا آن تاکیدها را مشاوران به آقای رئیس جمهور مطرح کرده‌اند که نگرانی در این زمینه‌هاست تا درباره آنها بیشتر توضیح دهد.

در واقع اصلا بزرگنمایی این مسأله برای شما جای تعجب ندارد؟

▲ چه مسأله ای؟

همین تحلیل که، رای نیاوردن آقای بیطرف و ربط دادنش به عملکرد ضعیف فراکسیون امید و تاثیر لابی‌های منطقه ای که طی آن خسران بزرگی به جناح اصلاحات وارد شده است. یعنی از جنبه‌های مختلف این رای نیاوردن وزیر پیشنهادی تحلیل می شود. آیا ضرورتی برای تحلیل چنین امری وجود دارد؟ شما در ادوار مختلف مجلس هم بوده‌اید، آیا به نظرتان این امر توجیه دارد؟

▲ بله، معمولا تعداد بیشتری از وزرای پیشنهادی رای نمی آوردند. تاثیر فراکسیون امید هم در حد سایر فراکسیون‌ها بود.

به نظر شما اصلا پرداختن به این مسأله آنقدر موضوعیت دارد؟

▲ این را دیگر باید از کسانی که بدان می پردازند، سوال کنید.

به عنوان آخرین سوال، آرای موافق وزرای دولت دوازدهم نسبت به دولت‌های گذشته بیشتر بوده است. این مسأله چه پیامی به دولت دارد؟

▲ دولت مسئولیت مضاعفی دارد تا به انتظارات قانونی مجلس پاسخ دهد. هر رایی در همه زمان‌ها مشروط است. مشروط به اینکه عملکردی وجود داشته باشد و کیفیت بالایی در مرحله اجرا و عمل قابل ارزیابی باشد. در چنین شرایطی، حمایت بیشتر نیز خواهد شد و در عکس آن، یعنی در سطحی که ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های گذشته ادامه داشته باشد یا ضعف‌های جدیدی بروز کند، طبیعتا نقطه مخالف را شاهد خواهیم بود. ►

فکر می کردیم رای می آورد

گفت و گوی مثلث با مهدی شیخ عضو فراکسیون امید

امید کرمانی‌ها

خبرنگار



۴ مهدی شیخ، عضو فراکسیون امید می گوید: «بیطرف با یک عزت نفس بالایی برخورد کرد و خیلی برایش مساله نبود که به هر قیمتی رای جمع کند. خواست با همان سلیقه مدیریتی که دارد نظر مجلس را درباره خودش بگیرد.» عضو فراکسیون امید مجلس معتقد است: «برآورد این فراکسیون رای آوری بیطرف در مجلس بود چون بیش از ۱۴۰ نماینده برای طرح دیدگاه در موافقت با او ثبت نام کرده بودند. اگر خود آقای بیطرف هم می خواست فراکسیون امید بیشتر در این رابطه تلاش می کرد.»

داشتند و فکر می کردند انتقادات شان درست است. مثلاً یک جریانی بود که می خواست کل اشکالات سدسازی را گردن آقای بیطرف بیندازد. معتقدم آن زمان که سدسازی انجام می شد خیلی از مباحثی که مثلاً در موضوع محیط زیست الان مطرح است، آن موقع مطرح نبود. همان طور که گفتم برخی از نمایندگان نیز بیطرف را اصلاح طلب می دانستند و روی حساب بحث سیاسی به او رای ندادند. بعد بحث منطقه ای مطرح شد. آقای بیطرف ۱۳۳ رای موافق کسب کرد، این نشان می دهد که علاوه بر اعضای فراکسیون امید، نمایندگانی از فراکسیون های دیگر هم به آقای بیطرف رای موافق دادند. البته اگر خود آقای بیطرف احساس می کرد و به ما می گفت فراکسیون امید بیشتر تلاش می کرد، ما فکر می کردیم آقای بیطرف رای لازم را برای وزارت دارد. حالا بعضی از اعضای فراکسیون امید، عضو فراکسیون زاگرس نشین ها بودند که بحث منطقه ای را دنبال می کردند و عده ای نیز بر همین اساس به عملکرد فراکسیون امید انتقاد می کنند که من معتقدم این مساله ربطی به فراکسیون امید ندارد. وقتی جمعی از نمایندگان مجلس دنبال مسائل منطقه ای رفتند این مساله چه ربطی به کلیت عملکرد فراکسیون امید و مدیریت آقای عارف پیدا می کند. نباید موضوعات را خلط کرد. کسانی هم که به عملکرد فراکسیون امید انتقاد می کنند با فضای مجلس آشنا نبودند.

پس انتقادهایی که به نحوه مدیریت آقای عارف وارد می شود، شما این انتقادهای را قبول ندارید و معتقدید آقای عارف عملکرد خوبی داشته است؟
▲ آقای عارف شخصیت کاملاً دموکراتیک، اخلاق مدار و آگاه به مصالح کشور و نظام است و براساس مصالح کشور و نظام عمل می کند. در مجموع حضور آقای عارف را در رأس فراکسیون امید بسیار در کارکرد مجلس مثبت می دانم.

این انتقاد را که گفته می شود اگر آقای روحانی همان طور که تمام قد از آقایان زنکته و آخوندی دفاع کرد از آقای بیطرف حمایت هایش را اعلام می کرد، امروز آقای بیطرف وزیر نیرو بود، قبول دارید؟

▲ مجموعه عوامل دست به دست هم داد. آقای روحانی مطمئن بود که آقای بیطرف از مجلس رای اعتماد می گیرد. آقای بیطرف سوابق مدیریتی بسیار موفقی داشت. بیش از ۱۴۰ نفر از نمایندگان در موافقت با آقای بیطرف ثبت نام کرده بودند تا در صحن علنی مجلس صحبت کنند. به نظرم آقای روحانی احساس نمی کرد که لازم است بیشتر آقای بیطرف را تقویت کند، تصور می کرد آقای بیطرف مشکلی در اخذ رای اعتماد ندارد. اما امروز

جلسه رای اعتماد به وزرای پیشنهادی برگزار شد، بفرمایید شما فضای جلسه بررسی برنامه ها و صلاحیت وزرای پیشنهادی را چه طور دیدید؟

▲ فضای خوبی بود، وزرای پیشنهادی به همه کمیسرین های تخصصی مجلس رفتند. نمایندگان در کمیسرین ها و فراکسیون ها اگر ابهامی داشتند، مطرح می کردند وزرای پیشنهادی به آنها پاسخ گفتند. نگاه نمایندگان هم بود که دولت جدید بر سرکار آمده و باید به این دولت کمک کرد، بر همین اساس وقتی جلسه رای اعتماد وزرای پیشنهادی برگزار شد ۱۶ نفر از ۱۷ نفر آنها از مجلس رای اعتماد گرفتند.

به نظر شما نقش فراکسیون های سیاسی مجلس در نتیجه آرای حاصله چقدر بود؟

▲ نمایندگان هم در قالب فراکسیون ها و هم در قالب کمیسرین ها بررسی های خود را انجام می دهند. برآیند نظرات نمایندگان در فراکسیون های سیاسی مشخص می شود، آنجا نظرات جمع بندی شده و یک نتیجه ای حاصل می شود؛ بنابراین نظر فراکسیون ها موثر بود. البته بعضی مواقع اتفاق خاصی می افتد مثل اتفاقی که برای آقای بیطرف رخ داد. درباره آقای بیطرف نمایندگان استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان اعتراضاتی داشتند. آقای بیطرف ادعا کرد «آنها از او مطالبه ای درباره ترکیب مدیریت وزارتخانه داشتند که هیچ گاه آن مطالبه مورد قبولش نخواهد بود.» همین مساله در تصمیم فراکسیون ها یک خللی وارد کرد و اگر نه آقای بیطرف از مجلس رای اعتماد می گرفت.

علت اینکه آقای بیطرف رای اعتماد نگرفت، مسائل سیاسی بود یا منطقه ای؟

▲ نمی گویم سیاسی نبود چون بعضی ها نیز سیاسی نظر می دهند، بر همین اساس درباره آقای بیطرف هر دو علت صادق شد، یعنی هم مسائل سیاسی و هم مسائل منطقه ای موثر بود؛ یعنی اگر مسائل منطقه ای نبود آقای بیطرف رای اعتماد از مجلس می گرفت.

برخی اصلاح طلبان خارج از مجلس یکسری انتقادهایی را به فراکسیون امید وارد کردند و گفتند اگر این فراکسیون قوی عمل می کرد، آقای بیطرف می توانست از این مرحله عبور کند، نظر شما چیست؟

▲ خبر، این دوستانی که چنین گفتند با فضای مجلس آشنایی نداشتند. آقای بیطرف کاملاً با استغنا برخورد کرد. بعضی از وزرا خیلی لابی و با نمایندگان صحبت کردند اما آقای بیطرف با یک عزت نفس بالایی برخورد کرد و خیلی برایش مساله نبود که به هر قیمتی رای جمع کند. خواست با همان سلیقه مدیریتی که دارد نظر مجلس را درباره خودش بگیرد. حالا بعضی از وزرای پیشنهادی شاید در مذاکره قول بدهند که هر چه نمایندگان بگویند می پذیرند اما آقای بیطرف چنین رویکردی نداشت. بالاخره نمایندگان مشکلات منطقه ای دارند شاید بر همین اساس درخواستی بکنند که بادیگاه کارشناسی یک وزیر نخواند. آقای بیطرف در چنین موقعیتی خیلی صریح می گفت «نه این کار درستی نیست اگر وزیر هم بشوم انجام نمی دهم. می خواهید به من رای بدهید نمی خواهید رای ندهید.» علت دیگر آن بود که عده ای از نمایندگان انتقاداتی

اگر بخواهیم خیلی جزئی بنگریم مشاهده می کنیم که عوامل بسیار زیادی ممکن است در رقم خوردن این نتیجه تاثیرگذار بودند.

اصلاح طلبانی که در این مدت انتقادهای تندی به عملکرد فراکسیون امید داشتند آیا فقط فضای مجلس را نمی شناختند یا به نوعی قصد و غرضی هم دارند که به این شکل فراکسیون امید را مورد حمله قرار می دهند؟

▲ بالاخره جبهه اصلاحات مثل جریان اصولگرا از طیف های مختلفی تشکیل می شود. لیست امید نیز برآمده از طیف های مختلف اصلاح طلبان است، منتها این مجموعه دید خاصی دارد، دیدشان نسبت به مسائل مثبت است و بیشتر به دنبال عقلانیت هستند.

به نظر شما رای نیاروند یک وزیر پیشنهادی در مجلس این قدر جای بزرگمایی و تحلیل دارد یا یک امر عادی و پذیرفته شده است؟

▲ این اتفاق مرسوم است. در لیست وزرای پیشنهادی آقای روحانی اصلاح طلب شاخص آقای بیطرف بود. حالا اگر وقتی می بیند از بین وزرای پیشنهادی فقط همین آقای بیطرف رای اعتماد از مجلس نگرفت، طبیعی است که حساسیت نشان دهند و نگران شوند. ضمن آنکه فضای مجلس را نیز نشاناسند. فراکسیون امید که در مجلس اکثریت نیست. مجلس سه فراکسیون سیاسی دارد که تقریباً هر سه با هم برابرند. حالا هر زمانی از این نوع اتفاقات می افتد نمی دانم چه تصویری است که فکر می کنند اگر فراکسیون امید می خواست طور دیگری می شد، در هر موضوعی کافی است دو فراکسیون با هم هماهنگ کنند فراکسیون سوم در اقلیت قرار می گیرد.

انتظارتان از آقای روحانی چیست؟ آیا انتظار دارید برای وزارت علوم یا وزارت نیرو یک چهره اصلاح طلب معرفی کند؟

▲ ما از آقای روحانی در درجه اول می خواهیم وزیر قوی که تعامل خوبی با مجلس دارد معرفی کند، طبیعتاً علاقه داریم کسی که این دو ویژگی را دارد اصلاح طلب هم باشد. غالب پایگاه رای آقای روحانی اصلاح طلبی بود. اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری تلاش کردند و پاشنه کفش های شان را به نفع آقای روحانی ورکشیدند، بنابراین انتظار است چند وزیر از طیف اصلاح طلب در داخل کابینه باشد. ►

تداوم ائتلاف

۱۶ وزیر کابینه پیشنهادی از پارلمان رای اعتماد گرفتند تا فقط دو وزارتخانه باشند که همچنان بلا تکلیف مانده باشند. مجلس به وزیر رای اعتماد خوبی داده اما در عین حال نوع مواجهه با برخی گزینه‌ها نشانه‌هایی دارد از تغییر آرایش سیاسی در پارلمان.

سیاست



اپیدمی بالای ۲۰۰

ائتلاف روحانی-لاریجانی
بیشترین رای را در مجلس دارد

بهارستان روی خوشی به پاستور نشان داده است. حسن روحانی سه شنبه هفته گذشته یک لیست ۱۷ نفره را با خود به پارلمان برد و چند روز بعد از حضور او در مجلس، پارلمانتاریست‌ها با گشاده‌رویی، آرای بی‌الای برای آغاز دولت دوازدهم به گلدان‌ها ریخته‌اند. آنچه رخ داده این است: «۱۶ وزیر از مجلس رای اعتماد گرفتند و راهی وزارتخانه‌ها شده‌اند و تنها این گزینه پیشنهادی وزارت نیرو بوده که نتوانسته از بهارستان راهی ساختمان وزارتخانه‌اش شود.»

عجایب رای اعتماد

رای آوردن برخی گزینه‌ها جالب توجه بود؛ «آذری جهرمی» برای وزارت ارتباطات؛ «علی ربیعی» برای وزارت کار؛ رای بالای «رحمانی فضلی» برای وزارت کشور؛ و البته رای نیارودن «حبیب‌الله بیطرف»، وزیر پیشنهادی نیرو. البته «احمد مازنی»، عضو فراکسیون امید و نماینده تهران، در مورد رای آوری اکثر وزرای پیشنهادی، سخنان رئیس‌جمهوری را بی‌تأثیر نمی‌داند: «با سخنرانی آقای روحانی که تأکید داشتند این افراد انتخاب شوند و آقا هم فرمودند دولت زودتر شروع به کار کند، نمایندگان خواستند کمک کنند و این هم بی‌تأثیر نبود.» یکی از حواشی رای گیری دیروز نه در صحن بود و نه در بیرون از صحن؛ بلکه در آرای رای گیری بود. در مجموع رای گیری از نمایندگان برای وزرای پیشنهادی، ۴۵ رای باطله و ۲۷۰ رای متنوع وجود داشت؛ رای متنوع برخلاف نامش در جریان «رای اعتماد» به ضرر وزیر و در مخالفت با وزیر پیشنهادی محسوب می‌شود و در «استیضاح وزرا»، مخالف استیضاح و به نفع وزیر محسوب می‌شود، اما رای باطله هم پدیده‌ای بود که دیروز خودنمایی کرد؛ به گفته «یوسفیان ملا»، رئیس کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس، رای باطله یعنی نماینده‌ها هیچ گزینه‌ای را زنده یا بیش از یک گزینه زده یا دچار خط‌خوردگی بوده و رای خود را در برگه رای گیری در مورد آن وزیر مکتوب نوشته است.»

وزرای بدون مخالف

در میان ۱۷ وزیر معرفی شده تنها وزیر دفاع و ورزش و جوانان بودند که در میان نمایندگان هیچ مخالفی نداشتند و تنها موافقان به صحبت پرداختند. در دفاع از امیر حاتمی که به عنوان وزیر دفاع به مجلس دهم معرفی شده بود پنج نماینده صحبت کردند. آنها تعهد وی به وحدت سپاه و ارتش، خوش فکر بودن و اشراف این وزیر را مهمترین دلیل حمایت خود می‌دانستند. البته قاضی زاده هاشمی، در میان دفاع‌اش بایدهایی را نیز تعیین کرد و آن استفاده از فرماندهان سپاه در وزارت دفاع بود. سر تیپ حاتمی نیز وقتی خواست از خود و برنامه‌هایش دفاع کند، از ارتقای قدرت بالستیک و افزایش توان دفاعی نیروی زمینی باتوجه به جنگ‌های نیابتی صحبت به میان آورد. وزیر ورزش از دیگر وزرای بود که در میان نمایندگان هیچ مخالفی نداشت. موافقان نیز از قدرت اجرایی وزیر گفتند و او را فردی دانستند که قادر است ورزش کشور را ارتقا دهد. سلطانی فر نیز در دفاعیاتش در مقابل نمایندگان گفت: «در ۹ ماهی که افتخار وزارت داشته‌ام، توانسته‌ام توانایی‌های ورزش را بشناسم و حالا ورزشکاران را سفیران توانایی این ملت معرفی می‌کنم و نقشه راه خود را بر این اساس ارائه می‌کنم.»

فراکسیون ولایی نگاه مثبتی داشت

«سید حسین نقوی حسینی» عضو فراکسیون ولایی هم در مورد نظر اعضای فراکسیون متبوعش گفت: «ما

نظری اعلام نکردیم.» او در پاسخ به اینکه «فراکسیون ولایی تمایل به چند نفر بود»، افزود: «نمی‌دانم؛ از دل آدم‌ها خبر ندارم؛ نگاه فراکسیون به کابینه مثبت بود. ما با رویکرد مثبت بررسی کردیم.» او ادامه داد: «فراکسیون ولایی نسبت به دو فراکسیون دیگر، رای مثبتش به دولت بیشتر بود. بنای چالش نداشتیم. همه را دعوت کردیم و برنامه و حرف‌های‌شان را شنیدیم و افراد هم رای دادند.» او در مورد موافقت‌ها و مخالفت‌ها با وزرای پیشنهادی هم گفت: «در مخالفت‌ها هم دیدید که اغلب امیدی‌ها مخالف بودند و اصولگرایان دفاع می‌کردند. به آقای عارف گفتم این چه پدیده‌ای است که شما به دولت حمله می‌کنید و اصولگرایان دفاع می‌کنند!» او در ادامه هرگونه ائتلاف و جلسه بین فراکسیون ولایی و مستقین را هم رد می‌کند: نقوی حسینی مخالفت «پورمختار» با «آذری جهرمی» را هم موضع فراکسیون نمی‌داند.

تیم اقتصادی روحانی

مسعود کرباسیان وزیر پیشنهادی حسن روحانی بود که برای وزارتخانه اقتصاد و دارایی معرفی شد؛ فریده اولاد قباد، عبدالحمید خدری و کمال الدین شهریار از نمایندگان بودند که در موافقت و مخالفت با او پشت تریبون قرار گرفتند. مهمترین محورهایی که در دفاعیات آنها شنیده می‌شد، بحث انطباق برنامه‌های این وزیر با اسناد بالادستی از جمله برنامه ششم توسعه بود و همینطور توجه به بخش خصوصی از مواردی بود که نمایندگان را پشت‌تربون کشاند تا از او حمایت کنند.

ولی ملکی، سیدهادی بهادری و رسول خضری از دیگر نمایندگان بودند که در مخالفت با کرباسیان صحبت کردند. آنها بیشتر از باید و نبایدها گفتند تا نقد جدی به وزیر پیشنهادی. محور صحبت‌های آنها حول بحث سرمایه‌گذاری و چگونگی رفتار بر سر ارتقای سطح سرمایه‌گذاری مردم بود. جدایی اقتصاد از سیاست و حل مساله موسسات مالی و اعتباری از دیگر موضوعاتی بود که در این جلسه مطرح شد. کرباسیان نیز از خود در برابر انتقادات دفاع کرد و گفت اقتصاد را به اتاق شیشه‌ای می‌برم. محمد شریعتمداری یکی دیگر از مدیران اقتصادی حسن روحانی بود که برای وزارتخانه صنعت و معدن به مجلس معرفی شد. سیدمهدی مقدسی، علی ابراهیمی، حسن بهرام‌نیا و رسول خضری در موافقت با او صحبت کردند و دلایل آنها برای موافقت با این وزیر قدرت تعامل خوب با جناح‌های مختلف و اعتقاد به انسجام تیم اقتصادی دولت بود. شهباز حسن‌پور و احمدعلی کیخا از نمایندگانی بودند که در مخالفت با شریعتمداری صحبت کردند. آنها نیز بیشتر از آنکه با خود وزیر مخالفت کنند،

سختی راه را گوشزد کردند و نظرشان این بود که شاید وزیر مربوطه تاب اداره وزارتخانه عریض و طویلی مانند صنعت و معدن را نداشته باشد. محمد شریعتمداری اما در دفاعیاتش موضوع تولید کالا را محور اصلی صحبت‌های خود قرار داد و گفت: «از تولید کالاهای استراتژیک دفاع می‌کنم.»

مقایسه رای اعتماد در دو مجلس

اگرچه در کابینه اول روحانی، سه وزیر رای اعتماد نگرفتند اما در جریان رای گیری امروز در مجلس شورای اسلامی تنها وزیری که رای اعتماد نیاورد، حبیب‌الله بیطرف وزیر نیرو بود که با ۱۳۳ رای از ورود به کابینه دوازدهم بازماند. او تنها ۸ رای کم داشت که بتواند بار دیگر وزیر شود. چهار سال پیش از میان ۱۸ وزیر پیشنهادی سه نفر نتوانستند از نمایندگان ملت رای اعتماد بگیرند. محمد نبلی منفرد، مسعود سلطانی‌فر و محمدعلی نجفی وزرای پیشنهادی علوم، ورزش و آموزش و پرورش به ترتیب با کسب ۱۰۵، ۱۱۷ و ۱۴۲ رای، کمترین آرا را کسب کردند. در عوض علی طیب‌نیا، حسین دهقان، حسن قاضی‌زاده هاشمی و عبدالرضا رحمانی فضلی وزرای اقتصاد، دفاع، بهداشت و کشور با کسب ۲۶۹، ۲۶۰ و ۲۵۶ رای بیشتری را از نمایندگان مجلس دریافت کردند. حضور طیب‌نیا و دهقان در کابینه دوازدهم تمدید نشد و در عوض، مسعود کرباسیان و امیر حاتمی جایگزین آنها شدند که به ترتیب ۲۴۰ و ۲۶۱ رای کسب کردند. تفاوت آرای این دو نفر با وزرای پیشین حاکی از آن است که اگرچه حاتمی وزیر دفاع دولت دوازدهم بیش از دیگر وزرا رای گرفته اما ۸ رای کمتر از وزیر پیشین کسب کرده است. کرباسیان نیز نتوانست رکورد طیب‌نیا را حفظ کند. طیب‌نیا با کسب ۲۷۴ رای موافق، رکورد بالاترین رای اعتماد را از مجلس داشت. اما کرباسیان ۳۴ رای کمتر از او کسب کرد. در مقایسه آرای ۱۷ وزیر کابینه دوازدهم با وزرای کابینه پیشین، شاهد کاهش آرای ۶ وزیر نسبت به قبل و افزایش آرای ۱۰ وزیر نسبت به وزرای قبل هستیم. وزرای آموزش و پرورش، اطلاعات، خارجه، کار، دادگستری، راه، صنعت، فرهنگ و ارشاد اسلامی، نفت و ورزش آرای‌شان افزایش یافته بود. دو کابینه حسن روحانی، ۸ وزیر مشترک دارند. آخوندی، سلطانی‌فر، زنگنه، علوی، ظریف و ربیعی شش وزیری هستند که آرایشان در مقایسه با دولت گذشته، افزایش یافته است. اما در عوض آرای قاضی‌زاده هاشمی و حجتی کم شده است.

داستان فراکسیون امید

یک روز قبل از رای گیری هم درباره ائتلاف احتمالی



اعتماد کرد. باید توجه داشت که بیش از اینکه آرای نمایندگان مجلس به برخی از وزرا، رای به افراد باشد، رای و اعتماد به آقای روحانی بوده است. با بررسی‌های انجام شده توسط مجلس و دفاع جدی و قوی آقای روحانی از وزیران پیشنهادی، این افراد مجوز حضور در وزارتخانه‌ها را دریافت کردند. حتی برخی انتقاداتی که نسبت به برخی افراد کابینه مطرح بود، نادیده گرفته شد تا رئیس جمهور بتواند با تیمی که خودش مناسب دیده به وعده‌هایش با مردم عمل کند. در واقع رای اعتماد مجلس، رایی کلی به آقای روحانی بوده. به هر حال وزرای معرفی شده به مجلس و معاونینی که آقای روحانی منصوب کرده، به اهدافی که مدنظر ریاست جمهوری بوده توجه دارند و در دفاع و ارائه برنامه‌هایشان در مجلس شورای اسلامی نیز پایبندی به آنها را تعهد کرده‌اند. آقای روحانی نیز اشاره کرد که در احکامی که برای افراد صادر می‌شود، پیوستی گذاشته که خواسته‌های رئیس جمهور از وزرا را مشخص کرده و اهتمام آنها را به تأمین آن خواسته‌ها مورد تأکید قرار داده است. باید دید وزرایی که به هر حال این شرط و شروط را پذیرفته‌اند تا چه اندازه در عمل نیز به آن پیوسته‌ها و الحاقیه‌هایی که آقای روحانی وزرا را ملزم به انجام آن کرده است، پایبند خواهند بود. آنچه در وعده‌های انتخاباتی آقای روحانی باید جست‌وجو کنیم مواردی است که به عنوان بخش عمومی و مشترک اعضای دولت به ابلاغیه‌ها پیوست خواهد شد. یکی از آنها رعایت و پایبندی به منشور حقوق شهروندی است. این مساله بخش مهمی از وعده‌های رئیس جمهور را در خود جای می‌دهد.»

اشتراک روحانی و اصولگرایان معتدل

صادق زیباکلام استاد دانشگاه هم در اظهارنظری در این مورد گفته است: «رای اعتماد به شانزده وزیر پیشنهادی آقای روحانی در درجه اول نشان می‌دهد که مجلس حاضر به همکاری با رئیس جمهور است. اگر مجلس نهم و مشکلاتی که بر سر راه دولت یازدهم بود را به یاد آوریم، به خوبی خواهیم دید که مجلس دهم با آقای روحانی همراه است. البته همین انتظار هم وجود داشت. آنچه عجیب بود، رای نیاوردن آقای حبیب‌الله بیطرف بود. او یکی از بارزترین و شناسنامه‌دارترین وزیران معرفی شده اصلاح طلب بود. همچنین آقای حجتی نیز از افراد شناسنامه‌دار نزدیک به اصلاح طلبان بود اما با فاصله کمی توانست رای اعتماد بگیرد. خیلی نقدیهایی به عملکرد فراکسیون امید داشتند. درست است که رای نیاوردن آقای بیطرف و ناپلوتونی قبول شدن آقای حجتی مقداری عجیب است.

عمده‌ترین انتظاراتی که رای‌دهندگان به آقای روحانی دارند در دو حوزه خلاصه می‌شود: یکی انتظارات در حوزه اقتصادی است که بهبود معیشت مردم و کاهش بیکاری و خروج از رکود را شامل می‌شود. این مساله در صدر درخواست‌ها و مطالبات مردم قرار دارد. انتظار دیگر در حوزه مسائل توسعه سیاسی و دموکراسی خواهی خلاصه می‌شود. در خصوص دموکراسی خواهی خیلی امیدی به این کابینه و دولت دوازدهم نمی‌توان بست اما در حوزه اقتصادی به نظر می‌رسد که فرمان اقتصادی دولت دوم در دست کسانی است که کم‌وبیش فرمان را در دولت اول در اختیار داشتند. البته موفقیت آقای روحانی در زمینه مبارزه با تورم شایسته بود و نباید آن را نادیده گرفت اما به هر حال انتظار زیادی از آقای روحانی می‌رود که گامی جلوتر بیاید و شاهد خروج کشور از رکود باشیم.»

سیدحسن رسولی، فعال سیاسی اصلاح طلب هم در واکنشی به رای اعتماد مجلس به روحانی گفته است: «مقایسه‌ای بین رای اعتماد به کابینه دوره یازدهم در مجلس نهم و رای اعتماد نمایندگان مجلس دهم به کابینه

وزرای دفاع و بهداشت که کمترین میزان مخالف را داشتند و بیطرف و جهرمی که رای منفی بالای ۱۰۰ را برای خود ثبت کردند، در اکثر موارد نوسانی بین ۲۰ تا ۳۰ رای مخالف در سید هر وزیر پیشنهادی مشاهده می‌شود. آماری که ریزتر شدن در آن شاید بتواند ما را به پشت پرده این آرای ثابت و بازماندگان اصولگرایان منتقد دولت در مجلس قبل برساند.

فراکسیون ولایی مجلس که اصولگرایان را زیر سقف خود جمع کرده است شاید اعضایش را به صد نفر برساند، در این میان می‌شود طیفی از اصولگرایان سنتی، نواصولگرایان، وزرای احمدی‌نژاد و... را مشاهده کرد. اگر اصولگرایان سنتی حاضر در این فراکسیون را در طیفی اعتدالی در نظر بگیریم که کمتر در قامت یک اصولگرایی منتقد رای خود را بین مثبت و منفی شدن جابه‌جا می‌کنند نمی‌توان از آرای نواصولگرایان حاضر در مجلس عبور کرد. نواصولگرایانی که در بین آنها پایداری‌ها و منتقدان دولت هم یافت می‌شوند. گرچه تعداد آنها در این مجلس اندک است اما شاید ردپای همان ۲۰ تا ۳۰ رای اعتماد منفی را بتوان در همین طیف سیاسی مجلس جستجو کرد. افرادی که قدرت بازی‌سازی و جریان‌سازی در صحن مجلس را ندارند اما بنایی هم ندارند که رای‌شان را به نفع دولت خرج و هزینه کنند.

آن روی رای اعتماد

شاید جالب‌ترین تعبیر در مورد رای اعتماد مجلس به وزرای روحانی را سعید حجاریان داشته باشد. او گفته است: «همه با هم کنار آمدند.» حجاریان البته افزوده است: «بضاعت روحانی در مقطع فعلی در همین حد است، چرا که ما از اول انقلاب تا به امروز کادرسازی نکرده‌ایم، اگر کادرسازی می‌کردیم الان کابینه بهتری داشتیم.» حجاریان اضافه کرده: «خود آقای روحانی هم نیرویی بهتر از این وزرای پیشنهادی نداشت، اگر داشت، معرفی می‌کرد. مساله این است که کفگیر به ته دیگ خورده و نه کسی را باقی گذاشته‌ایم و نه نیرویی تربیت کرده‌ایم.»

در واکنشی دیگر به رای اعتماد مجلس به وزرای روحانی مرتضی حاجی، فعال سیاسی اصلاح طلب گفته است: «وزرای پیشنهادی آقای روحانی جز یک نفر موفق به اخذ رای اعتماد از مجلس شورای اسلامی شدند. نمایندگان با بررسی برنامه‌ها و دفاعیات رئیس جمهور و وزرا تصمیم گرفتند تا تیم انتخاب شده آقای روحانی را تایید کنند. همچنان که مردم به آقای روحانی اعتماد کرده و او را برای دوره دوم ریاست جمهوری انتخاب کردند، مجلس شورای اسلامی نیز به وزرای پیشنهادی رئیس جمهور

فراکسیونی، بهروز نعمتی، عضو فراکسیون مستقلین به طور تلویحی از ائتلاف و هماهنگی میان فراکسیون‌ها خبر داد. هرچند به طور دقیق نگفت این هماهنگی بر سر چه وزرایی و میان کدام فراکسیون‌ها قرار است اتفاق بیفتد. با این حال اما دو فراکسیون مستقلین و اصولگرایان ولایی بر سر رای نیاوردن حبیب‌الله بیطرف اتفاق نظر داشتند. همانطور که فراکسیون امید هم با فراکسیون مستقلین درباره رای نیاوردن جهرمی، وزیر پیشنهادی ارتباطات هم نظر بودند. با این حال اما ظاهراً اعضای هیات رئیسه دو فراکسیون ولایی و مستقلین باز هم توانستند با ائتلاف با یکدیگر این اتفاق نظر را در عمل هم به نمایش بگذارند و مانع از رسیدن وزیر اصلاح طلب پیشنهادی به وزارت نیرو (آن هم تنها با ۷ رای کمتر) شوند تا خاطره تلخ انتخابات هیات رئیسه دوم مجلس و از دست دادن سه کرسی فراکسیون امید در ترکیب هیات رئیسه باز هم تکرار شود. فراکسیون امید علاوه بر این در ایجاد ائتلاف با فراکسیون مستقلین بر سر گزینه مشترکی که قصد حمایت از او را نداشتند یعنی جهرمی هم موفقیتی نداشت. آثار هماهنگی دو فراکسیون مستقلین و ولایی در آرای سایر وزرا هم خودش را نشان داد. جایی که محمود حجتی، وزیر کشاورزی با ۱۶۴ رای و عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی با ۱۸۸ رای موافق با میزان رای کمتری در میان وزرای دولت یازدهم راهی وزارتخانه‌های خود شدند. فراکسیون امید هم البته رای فراکسیونی خودش را بیشتر از همه در آرای منفی جهرمی نشان داد. او ۱۲۰ رای مخالف داشت که تقریباً وزن فراکسیون امید در مجلس را نشان می‌دهد. با این حال موضوع ائتلاف دو فراکسیون ولایی و مستقلین بر سر عدم رای اعتماد به بیطرف موضوعی بود که نقوی حسینی سخنگوی فراکسیون ولایی در گفت‌وگو با «اعتماد» آن را رد می‌کند. او در پاسخ به سوال روزنامه «اعتماد» درباره اینکه آیا عدم رای آوری بیطرف حاصل ائتلاف میان فراکسیون‌های ولایی و مستقلین بوده است یا نه می‌گوید: «خیر. اصلاً هیچ نشست مشترکی نداشتیم و من معتقدم رای نیاوردن آقای بیطرف از موضع فراکسیونی نبود.» نقوی حسینی تحلیل خودش را از رای نیاوردن بیطرف اینگونه بیان می‌کند: «رای نیاوردن ایشان به مسائل منطقه‌ای و حوزه‌های آبخیزداری برمی‌گشت و نمایندگان استان‌هایی که به جهت سدهایی که زده شد دچار مشکلات آبی شدند به ایشان رای ندادند.»

مخالفان کابینه

اگر از آرای موافق عبور کرده و به سطح آرای مخالف برسیم نوسان جالبی از آرا را مشاهده خواهیم کرد. جز



دوازدهم نشان می‌دهد که همگرایی و همراهی بیشتری بین مجلس و دولت وجود دارد که در مجموع برای رسیدن به یک انسجام و همکاری ملی در آینده برای مدیریت چالش‌های کشور بسیار نویدبخش است. البته عدم رای اعتماد به آقای بیطرف که بدون شک یکی از بهترین کارآمدترین افراد در وزارت نیرو است، یک ایهام و یک سوال جدی است.»

او افزوده است: «انتظار می‌رود با استفاده از تجربه چهار ساله اول در روزهای آغازین دولت دوازدهم به صورت مشهود برای افکار عمومی شاهد رفع این نقیصه باشیم. در این صورت آقای روحانی می‌تواند به مطالبات و خواسته‌های جامعه رای دهنده به او پاسخ درخور بدهد. یکی از مواردی که آقای روحانی در چهار سال آینده باید مدنظر داشته باشد، نظارت بر همراهی و هماهنگی وزرای دولت است. دولت در صورتی می‌تواند به برنامه‌ها و اهدافش دست پیدا کند که مسیر حرکت هر یک از وزیران هم‌افزایی داشته باشد. امید است که دولت دوازدهم گام‌های جدی در مسیر رفع مشکلات مردم بردارد.» اما عباس عبدی هم نظرات خاص خود را در مورد این کابینه و رای اعتماد داشته است. او گفته: «به نظر من این نشانه همراهی مجلس با دولت و کابینه پیشنهادی آقای روحانی است. بنابراین می‌توانیم این گونه تصور کنیم که برخلاف مجلس قبل، مانع‌چندانی مقابل آقای روحانی برای انجام اهداف و وعده‌هایش وجود ندارد. فراموش نکنید که متوسط نسبت آرای مثبت به منفی داده شده به وزرا در دور قبل حدود سه برابر بود این بار حتی از چهار برابر هم بیشتر و حدود چهار و نیم برابر است. دولت این حسن رای را باید فرصت مناسبی بداند و وعده‌هایی که داده و در این چند روز نیز آنها را تکرار کرد، محقق و اجرا کند.»

او افزوده: «آرای کم آقای چهرمی به دلیل سن پایین و مواردی که مطرح شد، بوده است. بخش مهمی از آرای پایین آقای حجتی مربوط به اصلاح طلب بودن ایشان است. چه بسا اگر این انتساب را نداشت آرای بالایی کسب می‌کرد. در مورد آقای آخوندی هم نماینده‌ها حساسیت‌هایی دارند و نحوه برخورد خود ایشان با نماینده‌ها هم تاثیر دارد. مساله ثروت و دارایی ایشان هم که مطرح شده، برای برخی اهمیت داشته است. به نظر این موارد بیش از مساله عملکرد و مدیریت اجرایی ایشان موثر بوده است.»

او در پاسخ به این سوال که آیا این کابینه می‌تواند جبهه حامیان برنامه‌های روحانی را راضی کند؟ گفته است: «اگر منظور اشخاص و تک‌تک وزرا باشد می‌توان در مورد اشخاص ان‌قصدی را کامیاب مطرح کرد. از آنان دفاع هم می‌توان انجام داد. اما فکر نمی‌کنم تک‌تک افراد در برون داد هیأت دولت تاثیر اصلی را داشته باشند. آنچه اهمیت بیشتری دارد زمین بازی است که نیروهای سیاسی و شخص رئیس‌جمهور و نزدیکان فکری‌شان می‌توانند در جامعه ایجاد کنند. به میزانی که زمین مناسبی باشد اکثر این وزرا می‌توانند بازیکنان خوبی شوند. اگر هم زمین مناسب فراهم نشود هیچ کدام یا قریب به اتفاق آنها نمی‌توانند به تنهایی این زمین مناسب را به وجود آورند و به خوبی بازی کنند. بسیاری از وعده‌های آقای روحانی را قابل اجرا نمی‌دانم و معتقدم آقای روحانی اگر بعضی از آنها را هم اجرا کند خدمت بزرگی به کشور کرده است. چون انتظاراتم خیلی بالا نیست روی بسیاری از حرف‌هایی که گفته می‌شود هم حساب‌چندانی نمی‌کنم. همین قدر که وضعیت حفظ شود و بدتر نشود از نظر بنده کافی است. تا آینده‌ای که نمی‌دانیم چه زمانی خواهد بود امیدوارم که وضعیت ثبات ادامه پیدا کند بلکه بتوانیم برون‌رفتی بیابیم. نه این کابینه بلکه هر کابینه دیگری تا زمانی که تفاهم سیاسی در این کشور به وجود نیاید، ممکن نیست بتواند اقدام اساسی انجام دهد.»

وزارتخانه	وزیر دولت یازدهم	وزیر دولت دوازدهم
وزارت آموزش و پرورش	محمدعلی نجفی: ۱۴۲ رای موافق ۱۳۳ رای مخالف	سیدمحمد بطحایی: ۲۳۸ رای موافق ۳۵ رای مخالف
وزارت ارتباطات	محمود واعظی: ۲۱۸ رای موافق ۴۵ رای مخالف	آذری جهرمی: ۱۵۲ رای موافق ۱۲۰ رای مخالف
وزارت اطلاعات	سیدمحمود علوی: ۲۰۷ رای موافق ۳۸ رای مخالف	سیدمحمود علوی: ۲۵۲ رای موافق ۲۲ رای مخالف
وزارت اقتصاد	علی طیب‌نیا: ۲۷۴ رای موافق ۷ رای مخالف	مسعود کرباسیان: ۲۴۰ رای موافق ۳۱ رای مخالف
وزارت امور خارجه	محمدجواد ظریف: ۲۳۲ رای موافق ۳۶ رای مخالف	محمدجواد ظریف: ۲۳۶ رای موافق ۲۶ رای مخالف
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	علی ربیعی: ۱۶۳ رای موافق ۱۰۰ رای مخالف	علی ربیعی: ۱۹۱ رای موافق ۷۹ رای مخالف
وزارت بهداشت	قاضی‌زاده هاشمی: ۲۶۰ رای موافق ۱۸ رای مخالف	قاضی‌زاده هاشمی: ۲۵۳ رای موافق ۱۸ رای مخالف
وزارت جهاد کشاورزی	محمود حجتی: ۱۷۷ رای موافق ۸۱ رای مخالف	محمود حجتی: ۱۶۴ رای موافق ۹۴ رای مخالف
وزارت دادگستری	مصطفی پورمحمدی: ۲۰۱ رای موافق ۶۴ رای مخالف	سیدعلیرضا آوایی: ۲۴۴ رای موافق ۱۸ رای مخالف
وزارت دفاع	حسین دهقان: ۲۶۹ رای موافق ۱۰ رای مخالف	امیر حاتمی: ۲۶۱ رای موافق ۱۰ رای مخالف
وزارت راه	عباس آخوندی: ۱۵۹ رای موافق ۱۰۷ رای مخالف	عباس آخوندی: ۱۸۸ رای موافق ۷۵ رای مخالف
وزارت صنعت	محمد رضا نعمت‌زاده: ۱۹۹ رای موافق، ۶۰ رای مخالف	محمد شریعت‌مداری: ۲۴۱ رای موافق، ۲۵ رای مخالف
وزارت ارشاد	علی جنتی: ۲۳۴ رای موافق ۳۶ رای مخالف	عباس صالحی: ۲۴۲ رای موافق ۲۵ رای مخالف
وزارت کشور	رحمانی‌فضلی: ۲۵۶ رای موافق ۱۵ رای مخالف	رحمانی‌فضلی: ۲۵۰ رای موافق ۲۵ رای مخالف
وزارت نفت	بیژن زنگنه: ۱۶۶ رای موافق ۱۰۴ رای مخالف	بیژن زنگنه: ۲۳۰ رای موافق ۳۵ رای مخالف
وزارت نیرو	حمید چیت‌چیان: ۲۷۲ رای موافق ۷ مخالف	حبیب‌الله بیطرف: ۱۳۳ رای موافق ۱۳۲ رای مخالف
وزارت ورزش و جوانان	مسعود سلطانی‌فر: ۱۱۷ رای موافق ۱۴۸ رای مخالف	مسعود سلطانی‌فر: ۲۲۵ رای موافق ۳۹ مخالف

این وزیر جنجالی

آذری جهرمی چگونه از پارلمان رای اعتماد گرفت

فراگیر است فقدان احزاب رسمی و سراسری است و به نوعی افراد به تشکیلات وفادار نیستند. کار تشکیلاتی در جامعه ما به عنوان کاری مثبت تعریف نشده و نتیجه این می شود که آقای رئیس جمهوری که باید با او در جهت یک گام به سمت توسعه پیش می رفتیم، رسماً اعلام می کند که نه اصولگراییم و نه اصلاح طلب و نه اعتدالی هستیم. این دیگر به نظر من یک مساله اساسی و ریشه ای است». در همین حال «بهرام پارسایی» هم گفته: «اعضای فراکسیون امید درصد بسیاری فراکسیونی رای دادند و شاید درصد کمی هم به خاطر ملاحظات شخصی رایشان فراکسیونی نبوده که البته امیدواریم این تعهد سیاسی به فراکسیون بیش از این مورد توجه قرار گیرد؛ اگرچه تعداد این افراد چندان قابل ملاحظه نبوده و در برخی موارد به ویژه وزاری که در ارزیابی ما نمره خوبی گرفته بودند، صد درصد رای فراکسیونی بوده است.» ▶



رای تشکیلاتی ندادند و غیرتشکیلاتی عمل کردند. ولی فراکسیون امید منسجم بود». هرچند او معتقد است که فراکسیون امید منسجم عمل کرده، ولی با نگاهی به برخی تحرکات و موضع گیری های برخی اعضای فراکسیون امید، می توان به مثال نقض عملکرد منسجم فراکسیون امید در برخی موارد پی برد. به طور مثال چندی پیش بود که «الیاس حضرتی» نماینده تهران و عضو فراکسیون امید در تویتر خود نوشت: «حضور نیروهای تازه نفس و جوان در رده وزارت می تواند روح تازه ای به مدیریت بالادستی نظام وارد کند. مهندس جهرمی را شخصی کاربلد و توانا یافتیم». عباس عبدی تحلیلگر اصولگرا هم در این مورد گفته است: «سوابق امنیتی به خودی خود نه مثبت است نه منفی. اگر بخواهیم این گونه قضاوت کنیم خیلی افراد دیگر هم ممکن است دارای این سوابق باشند. ممکن است کسی هم بگوید امنیت مهم ترین نیاز یک کشور است اگر در آن حوزه کسی کار کند چه دلیلی دارد آن را بدیدانیم؟ این یک ذهنیتی است که در جامعه ما نسبت به سوابق امنیتی افراد وجود دارد. اتفاقاتی که در نهادهای امنیتی می افتد این بدبینی ها را به وجود می آورد و باید آن را تحمل کرد و این نهادها هم شفاف سازی کنند تا این ذهنیت مرتفع شود. چون بنده پیگیر جزئیات اتهامات و بحث های پیرامون ایشان نبودم، نمی توانم در این باره قضاوت صریحی داشته باشم. امیدوارم ایشان با عملکردشان نشان دهند اتهامات و ایرادهایی که به سوابق شان وارد شده نادرست بوده و اگر هم درست بوده جبران شده است.» «پروانه مافی» عضو دیگر فراکسیون امید هم از جمله افرادی بود که از اظهار نظر هایش این طور برمی آمد که نظر منفی به «آذری جهرمی» ندارد؛ او پس از حضور «آذری جهرمی» در فراکسیون امید به سایت انتخاب گفته بود: «به نظر می رسد پاسخ های متقنی که جهرمی ارائه کرد، موجب رضایت نسبی اهالی فراکسیون امید شد. از نگاه بنده، جهرمی خیلی خوب به سوالات پاسخ داد و همین رفع ابهامات و شبهات طبیعتاً در ذهن نمایندگان می تواند موثر باشد». این در حالی بود که همان زمان خبرها از مخالفت غالب فراکسیون امید با «آذری جهرمی» حکایت می کرد. از سوی دیگر دیروز هم در جریان رای گیری، تحرکات برخی نمایندگان فراکسیون امید جالب توجه بود. «غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس که از معدود امیدی های موافق وزارت آذری جهرمی است، با حضور در کنار صندلی برخی نمایندگان از آنها می خواست به وزیر پیشنهادی مخابرات رای بدهند». او پیش از این هم در صفحه اینستاگرام خود در حمایت از جهرمی نوشته بود: «جوان است ولی چند حسن داشت. اول انگیزه داشت که در کنار برخی از وزرای خسته یک حسن بالاست. دوم اینکه بر موضوع وظیفه خودش مسلط بود. به حاشیه ها کاری ندارم و اینکه این وزارت انسان های متخصص بالایی دارد ولی اگر موفق به رای آوری شود که امیدوارم بشود آینده خوبی دارد و می تواند به دیگران انگیزه بیشتری دهد. اگر تجربه وزیر قبلی یعنی دکتر واعظی را کنار بگذاریم از نظر فنی بهرتر و علاقه مندتر است». احمد مازنی افزوده: «فراکسیون امید نهایت تلاش خود را کرد که به ارزیابی دقیقی برسد اما مشکلی که در همه فراکسیون ها و جریانات سیاسی

خیلی ها فکر می کردند جوانترین فرد کابینه پیشنهادی حسن روحانی موفق به دریافت چراغ سبز از پارلمان برای ورود به وزارتخانه نخواهد شد، او اما به صحن آمد. حرف های موافقان و مخالفانش را شنید و تندترین حملات و واکنش ها را مشاهده کرد. اما در ادامه وقتی او برای دفاع سخنرانی کرد صحن علنی ساکت ترین لحظات خود را پشت سر گذاشت. او به اتهامات مهمی پاسخ می داد. این وزیر پیشنهادی جوان مخالفان جدی از هر سه فراکسیون داشت. هم از میان اصلاح طلبان و هم از میان اصولگرایان می شد مخالفان سفت و سخت او را یافت. او در نهایت اما رای آورد هرچند پایین اما کافی برای رفتن به وزارتخانه. حالا که او رای آورده حرف و حدیث ها هم همچنان ادامه دارد. او خودش در مورد یکی از این ماجراها که به سابقه حضور او در وزارت اطلاعات مربوط می شد. او خودش در این مورد می گوید: «خبرهای زیادی در خصوص اینکه من در بخش شنود وزارت اطلاعات کار کرده ام در شبکه های مجازی دیده می شود. یک بار هم اعلام کردم که اصلاً وزارت اطلاعات بخشی به نام شنود ندارد. در سال ۸۴ هم بنده در وزارت اطلاعات مدیرکل نبودم. عنوان شفاف بنده هم در سال ۸۸ مدیرکل امنیت سیستم های ارتباطی در سازمان تنظیم مقررات بود. تمام خبرهایی که در این چند هفته در خصوص فعالیت های بنده با به کار بردن عبارات خاص منتشر شده هدف کاملاً رسانه ای و در راستای تخریب، چارچوب و ضوابط شنود در کشور براساس قانون مشخص شده است. باید نگاه کنید ببینید در چارچوب این قانون جایگاه و سلسله مراتب شنود چیست و کجاست؟ آیا در شنود، خود وزارت اطلاعات نقشی دارد؟ البته وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای امنیتی، پلیس و بخش هایی که برای امنیت مردم تلاش می کنند قطعاً نیاز به کنترل براساس قانون دارند تا سرنخ های لازم را کشف کنند. اما در خصوص موضوعی، خود این نهادها هم رأسا اقدام نمی کنند. هر فعالیتی در این زمینه طبق آیین نامه در قوه قضائیه و اداره کل دادگستری کل استان ها و براساس قانون انجام می شود. بنابراین انتساب این حرف ها به صورت کلی به من کاملاً غلط است.» «جلال میرزایی»، نماینده ایلام و عضو فراکسیون امید، در مورد رای آوردن آذری جهرمی می گوید: در فراکسیون امید برای رای به او، تاملاتی وجود داشت. «او در ادامه از ضعف کار تشکیلاتی سخن می گوید: «فراکسیون ها فقط توصیه می کنند. کار تشکیلاتی در جامعه ما ضعیف است و همه فراکسیون ها انسجامی که انتظار داریم تابیاوند و روی کارها تامل و کار کارشناسی کنند و براساس آن به جمع بندی برسند و براساس آن عمل کنند، این طور نبود. فقط در مورد جهرمی توصیه شد که رای ندهند». او افزود: «قرار نبوده که پهلوان بازی در بیاوریم. چون قرار بود با تعقل و رویکردی که به نفع کشور است، عمل کنیم. به نظرم کاری که فراکسیون امید باید انجام می داد، بررسی برنامه وزرا بوده و پیشینه آنها که پاکدست باشند.» «قاسم میرزایی نیکو» نماینده دماوند و عضو دیگر فراکسیون امید هم در این مورد گفته است: «جهرمی رای آنچنانی نیاورد. هر فراکسیونی شاخص کار خودش را انجام داد». «احمد مازنی» هم می گوید: «در مورد آقای جهرمی فراکسیون امید منسجم عمل کرد. افراد عضو فراکسیون ها مانند بقیه افراد جامعه تعهد تشکیلاتی ندارند و آرا شخصی داده می شود.» او در ادامه افزود: «افرادی را می شناسم از فراکسیون های مختلف که

قدرت راست میانه در مجلس

اگر بنا بر آنالیز آنچه در جلسات رای اعتماد گذشته باشد، حتما مهمترین نکته‌ای که باید در مورد آن سخن گفت نقش علی لاریجانی در این ماجراست، این مساله البته در دو سطح جداگانه قابل بررسی است؛

۱- میزان حضور افراد متمایل به علی لاریجانی در کابینه

۲- لابی تیم علی لاریجانی برای کسب رای اعتماد بالا برای همه اعضای کابینه پیشنهادی

در مورد نخست می‌توان به حضور افرادی همچون عباس صالحی و عبدالرضا رحمانی فضلی به صورت مشخص اشاره کرد. این دو وزیر در جلسه رای اعتماد توانستند تعداد رای قابل توجهی کسب کنند.

در سطح دوم تحلیل نیز می‌توان از نحوه مواجهه و تعامل علی لاریجانی با حسن روحانی از انتخابات سال ۹۲ تا امروز سخن گفت. او در همه این سال‌ها از برجام گرفته تا چالش‌های سیاست داخلی همیشه همراه و همگام حسن روحانی بوده است. او در این چند روز هم در پیدا و هم در پنهان نقش موثری در تعیین تکلیف کابینه داشت. «جلیل رحیمی جهان‌آبادی، عضو فراکسیون امید هم در این مورد گفته است: «انصافا مجلس در رای به وزرای کابینه پیشنهادی رئیس‌جمهور سنگ تمام گذاشت و بعضی از وزرای پیشنهادی می‌توانستند رای کمتری بگیرند اما

باتوجه به همان نگاه و نقش بسیار موثر آقای لاریجانی اکثر وزرای آورند. دکتر لاریجانی مدیریت فوق العاده قوی‌ای در مجلس دارند و به خوبی توانستند فضای مجلس را مدیریت کنند چرا که ممکن بود با چند تذکر غیر لازم فضای مجلس علیه وزیری خراب شود و آرا تغییر کند اما مدیریت مطلوب ایشان و اجماع مجلس باعث رای آوری بالای وزرا شد.»

کسانی که می‌گویند لاریجانی به دولت کمک کرده بهترین دلیل شان را میزان رای رحمانی فضلی اعلام می‌کنند و البته اشاره‌ای هم دارند به سخنان رحمانی فضلی. آنجا که او گفته بود: «۱۷ سال است من با لاریجانی رفاقت کردم و نان و نمک یکدیگر را خورده‌ایم و هیچ ابایی از بیان این رابطه ندارم و به همین نسبت هم همین رابطه را با روحانی دارم. چهار سال پیش آقای روحانی بنده را صدا زد و گفت من می‌خواهم تو را به عنوان وزیر کشور بگذارم، البته قبل از آن ۳ یا ۴ جای مختلف دیگر را هم پیشنهاد کرد. من هم گفتم چون آقای لاریجانی رئیس‌م است، او باید اجازه بدهد که در این وزارتخانه باشم یا نباشم و اگر اجازه ندهد، قطعاً نخواهم آمد. وقتی هم که به آقای لاریجانی موضوع را گفتم، ایشان تعجب کرد و گفت خیلی خوب است؛ برو به آقای روحانی کمک کن و ما هم به تو کمک می‌کنیم.» ▶



حرکت معکوس اصلاح‌طلبان رای بالای رحمانی فضلی چه معنایی دارد؟

«به این نتیجه رسیدیم که از رحمانی فضلی دفاع کنیم»؛ این را سخنگوی فراکسیون امید گفته است. خود وزیر هم در مورد رای اعتمادی که از مجلس گرفته، چنین گفته است: «همه فراکسیون‌های سیاسی مجلس به بنده رای دادند و این رای، تأیید سیاست‌های داخلی رئیس‌جمهور است. باتوجه به اینکه ما چهار سال اقداماتی را انجام داده بودیم و نمایندگان نتایج را دیدند، این رای اعتماد تأیید عملکرد چهار ساله دولت است. تعهدم به همه نمایندگان مردم این است که بتوانیم ان شاء الله مجموعه سیاست‌های داخلی را که دولت و رئیس‌جمهور منبث از آرای مردم به ما ابلاغ کرده، حتماً پیگیری و تقویت کنیم و تعاملات خود و وزارت کشور را در سطوح مختلف با نمایندگان مجلس ارتقا دهیم؛ چرا که ما تا آخرین سطوح جغرافیایی که روستاییان هستند، نسبت به آنها مسئولیت داریم. اولویت ما کماکان موضوع توسعه به معنای توسعه همه جانبه است که بخشی از آن توسعه سیاسی و بخشی توسعه امنیتی و بخشی توسعه اجتماعی و اقتصادی است که در دستور کار داریم. او در حالی با ۲۵۰ رای ابقا شد که پیش از این برخی اعضای فراکسیون امید از عدم رای دادن به او صحبت کرده بودند؛ حتی چند ماه پیش‌تر از آن، از استیضاح رحمانی فضلی صحبت به میان آمده بود؛ ولی او با رایی چشمگیر راهی دفتر وزارت‌اش شد. رحمانی فضلی همان وزیری است که «علی‌مطهری» وزارت او در دولت یازدهم را حاصل یک معامله دانسته بود. ولی تیم علی لاریجانی که مورد شائبه همکاری روحانی برای وزارت «رحمانی فضلی» بود، این موضوع را به شدت رد کرد. «غلامرضا حیدری» نماینده

به عنوان وزیر نیرو به کابینه دوازدهم راه یابد. هر چه هست این رای اعتماد نشان داد که برای اردوگاه اصلاحات از این فراکسیون امید، هیچ آبی گرم نشده و در هیچ بزنگاه و گلوگاهی نمی‌توان روی آنان حساب باز کرده و انتظار اتفاق مطلوب و تحولی سترگ از آنان داشت، همین تک‌نطق‌های شخصی و گاه و بیگاه شماری اندک از نمایندگان فراکسیون امید تنها انتظار معقولانه و کارایی این بزرگواران است که باید به آن دلخوش کنیم.»

هر چه هست حالا رحمانی فضلی وزیر شده و در تازه‌ترین اظهارنظرش گفته است: «در سطح استانداران و فرمانداران کشور تغییراتی خواهیم داشت.» ▶



تهران هم در مورد احتمال معرفی «رحمانی فضلی» به عنوان وزیر کشور، تأکید کرده بود که «رای ما مصلحتی نیست». اما فراتر از برخی اعضای فراکسیون امید، «غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی» نایب‌رئیس فراکسیون مستقلین (نزدیک به لاریجانی) هم از مخالفت با وزارت رحمانی فضلی خبر داده بود. اما با نگاهی به آرای مخالف «رحمانی فضلی» که ۲۵ رای بود، به نظر نمی‌رسد مخالفت خاصی با او شده باشد.

این رای البته بیشترین واکنش‌ها را در میان اصلاح‌طلبان داشت. یکی از رسانه‌های اصلاح‌طلب در مطلبی در این مورد نوشته است: «انتظار همگانی از جوانان تا نخبگان سیاسی آن بود که فراکسیون امید خودی نشان داده و جبران مافات کرده و آب رفته را به جوی بازگردانده و با استفاده از حضور خود در مجلس نقاط ضعف و قوت کابینه معرفی شده را در راستای مطالبات عمومی تعدیل و تقویت کنند اما نه تنها این گونه نشد که یک عبقگرد جالب و محسوس را نیز شاهد بودیم که می‌توان خطاب به بزرگواران فراکسیون امید، گفت: «از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم مرحمت فرموده ما را مس کنید!! با اعلام نتایج رسمی رای اعتماد به وزرای کابینه دوازدهم مشخص شد، جملگی وزرایی که بدنه حامی جریان اصلاحات بدان‌ها اعتراض داشته و نکاتی را در نقد آنان مبدول می‌داشتند، با رای بالا و مطلوب انتخاب شده‌اند؛ رحمانی فضلی وزیر اصولگرای دولت یازدهم و دوازدهم نماد شاخص این وزراست. در مقابل می‌توان گفت شاخص‌ترین وزیر اصلاح‌طلب (از منظر تشکیلاتی و جناحی) نتوانست حائز اکثریت آرا شده و



رای به این کابینه سیاسی نبود

گفت و گوی مثلث با عضو هیات رئیسه مجلس

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی می‌گوید: «فراکسیون‌های سیاسی مجلس در رای اعتماد به وزرای پیشنهادی تعارف کردند.» عضو هیات رئیسه مجلس معتقد است: «نه اصلاح‌طلبان و نه اصولگرایان حاضر نیستند مسئولیت این کابینه را به عهده بگیرند.»

افرادی بودند که من می‌شناختم. من جمله ایشان را این‌طور اصلاح می‌کنم که ایشان باید می‌گفت که اینها قوی‌ترین آدم‌هایی بودند که من می‌توانم به کار بگیرم و با من کار کنند. وگرنه به زعم هر سه فراکسیون مجلس، این کابینه معرفی شده در تراز کابینه‌ای که باید باشد، نبود. حتی دوستان ما در فراکسیون‌هایی که طرفدار دولت هم هستند، این را اشاره می‌کردند. حتی بعضی از دوستان این کابینه را ضعیف‌تر از کابینه قبل خود آقای روحانی توصیف می‌کردند. حتی این کابینه آن چیزی که نیاز کشور است و آنچه اتفاق افتاد، فاصله زیادی دارد اما به نظرم مجلس یک رویکرد غیرسیاسی و یک نگاه همکاری همه‌جانبه به دولت داشت. یعنی بنا را بر این گذاشت که با توجه به همان مطالبی که آقای روحانی در جلسه بیان

کرد، دولت زودتر راه بیفتد چرا که آقای روحانی گفت مقام معظم رهبری مطالبه دارند زودتر دولت کار خود را آغاز کند. نکته دیگر آنکه این تفکر در نمایندگان شکل گرفت اگر به این افراد رای ندهند، افرادی در آینده معرفی خواهند شد که احتمالاً با توجه به تجربه ۴ سال گذشته، از افراد اولیه معرفی شده، ضعیف‌تر خواهند بود. نمایندگان با این نگاه تصمیم گرفتند که یک اجماع حداکثری در رای به کابینه اتفاق بیفتد.

در واقع شما می‌گویید که مجلس خیلی به دولت آسان گرفت.

بله، نمایندگان مجلس به‌رغم نظری که داشتند چنین کردند. شاید کسانی بگویند نظر مجلس همین بود اما با گفت و شنودهایی که از دوستان فراکسیون‌های مختلف شنیدم، می‌گویم این نبود. به آرای درون فراکسیونی هم توجه کنیم می‌بینیم که فراکسیون‌ها بین یک تا ۵ نفر با مطالبه انداختن داشتند و آنها را در تراز وزارت نمی‌دانستند. حتی آنهایی هم که در بعضی از فراکسیون‌ها رای آوردند، با آرای خیلی پایینی بود. به‌رغم این نگاه و این رویکرد با اینکه بعضی از افراد آرای خیلی ضعیفی در فراکسیون‌ها داشتند، مثل ۱۹۰ تا ۱۸۰ رای و کسانی که تا دو روز قبل مطرح می‌شد که باید بیفتند و صلاحیت کافی را برای اداره وزارت ندارند، پس چطور می‌شود که در

بالاخره بعد از حرف و حدیث‌های فراوان درباره دولت دوازدهم، در جریان معرفی وزرای پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی، شاهد جلسه رای اعتماد به کابینه بودیم و ۱۶ وزیر از ۱۷ وزیر از مجلس رای اعتماد گرفتند. از هفته‌های قبل، اصلاح‌طلبان شرط و شروطهایی برای آقای روحانی در نوع چیدمان کابینه گذاشته بودند، بعد از اعلام لیست وزرای پیشنهادی، دیدارهای فراکسیونی انجام شد تا به جلسه رای اعتماد رسید و بالاخره کابینه ۱۶ عضو خود را در سطح وزارتخانه‌ها شناخت. ارزیابی شما از این فضای یک‌ماهه چیست، از دولت دوازدهم آقای روحانی انتظاراتی وجود داشت، آیا با چنین ترکیبی آن انتظارات برآورده خواهد شد یا خیر؟

سوال‌تان، سوال دوپهلویی است و نمی‌دانم که چگونه جواب دهم. می‌پرسید که آیا انتظاراتی که از آقای روحانی می‌رفت، برآورده شد؟ بستگی دارد که هر کسی به آقای روحانی چگونه نگاه کند. آقای روحانی صادقانه در دفاع آخری که از کابینه‌اش داشت، گفت اینها بهترین

صحن علنی ۱۲ نفر بالای ۲۲۵ رای می آورند؟ این مساله ناشی از ۳۰۴ مطلب هست. یکی اینکه آقای روحانی گفت اینها بهترین افرادی هستند که من دارم. بنابراین این پیام را به مجلس داد که هر کدام از اینها رای اعتماد نگیرند، نفر بعدی که معرفی می شود، ضعیف تر است. دوم اینکه دولت باید سریع تر مشغول کار شود و وارد یک چالش جدید و آن هم تعیین سرپرست برای وزارتخانه ها نشود. طبیعتا نمایندگان به رغم اینکه نسبت به جمعی از وزرا نگاه حد اکثری نداشتند و آنها را مناسب نمی دانستند اما از این زاویه به آنها رای اعتماد دادند.

سال ۹۲ هنگام بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی در مجلس، خیلی مباحث سیاسی مطرح شد. یعنی خیلی دیدگاه ها و مباحث موافقان و مخالفان و حتی دفاعیات وزرا، به طور پررنگ سیاسی بود. اما این دوره طرح موضوعات سیاسی در اظهار نظر موافقان و مخالفان اتفاق نیفتاد. این را حسن یا ضعف می دانید؟

▲ رویکرد مجلس به کابینه این سری، سیاسی نبود. به همین خاطر حتی همان یک وزیر پیشنهادی هم که رای نیاورد، ما حاصل اجماع سیاسی نبود، بلکه ما حاصل اجماع قومی و منطقه ای و بحث کارکردی بود. یعنی در مورد آقای بیطرف هم برخلاف این شلوغ بازاری که برخی راه اندخته اند، ناشی از مسائل کاری و منطقه ای بود. از آنجا که این دو نفر قبلا وزیر بودند و به زعم نمایندگان برخی مناطق که نحوه وزارت شان به مناطق آنها ضربه زده بود، دنبال این بودند که این افراد رای نیاورند یا رای ضعیفی بیاورند. در واقع موضوع و ماجرا اصلا سیاسی نبود که در بعضی از جریان ها و گروه های سیاسی به آن خیلی پرداخته اند اما موضوع اصلا اصولگرایی و اصلاح طلبی نبود. وگرنه آرا نباید به این شکل می شد. به ترتیب آرای موافق، وزیر دفاع اول، وزیر بهداشت دوم و وزیر اطلاعات سوم شد. در واقع نگاه به موضوع کارکردی است و نه سیاسی. وگرنه چرا باید وزیر اطلاعات سوم و وزیر خارجه دهم شود؟ مگر چه تفاوتی بین رویکرد سیاسی وزیر اطلاعات این دولت و وزیر خارجه این دولت است؟

آیا فراکسیون های سیاسی با آقای روحانی تعارف کردند؟ یعنی فراکسیون امید به این فکر افتاد که اگر بخواهد در رای اعتماد به دولت سخت بگیرد همان صحبت های رسانه های اصولگرا می شود که دنبال سهم خواهی است و اصولگرایان نیز به نحوی نگران شدند و گفتند که اگر بخواهند سختگیری کنند متهم به سنگ اندازی می شوند. در واقع در تعارف و رودربایستی با آقای روحانی قرار گرفتند.

▲ بله، این طور بود. کارکرد فراکسیون ها خیلی افت کرد. هیچ کدام حاضر نشدند که موضع علنی بگیرند. این درست است که هیچ کدام حاضر نشدند یک موضع شفاف و روشن علنی بگیرند. در حالی که دوره قبل این طور نبود و فراکسیون اصولگرایان رسما اعلام کرد که قصد انداختن ۶ وزیر پیشنهادی را دارد و سه نفر از آن ۶ نفر در نهایت نتوانستند رای اعتماد از مجلس بگیرند. الان کسانی که فراکسیون های سیاسی مجلس را مدیریت می کردند نه با آقای روحانی که با اعضای خود نیز تعارف کردند.

آیا این واقعا کمک به دولت آقای روحانی بود؟

▲ با قصد کمک نبود بلکه براساس تحلیلی بود که آثار این کار ما چیست؟ یک وقت هست که بحث کمک به دولت است اما به نظرم این طور نبود. براساس تحلیلی بود که اگر این کار را نکنند، متهم به چه خواهند شد و رفتارشان چطور ارزیابی خواهد شد و همراهی فراکسیونی به چه صورت خواهد بود؟ بالاخره یک بحث فراکسیونی و یک

بحث همراهی فراکسیونی داریم. اعضای فراکسیون در مجلس این طور نیستند که در همه تصمیمات فراکسیون همراهی کنند. اعضای فراکسیون ها در مجلس از تشخیص خودشان پیروی می کنند. به عبارت دیگر در هر فراکسیونی فقط ۵۰ درصد اعضا تابع نظر فراکسیون هستند و تشکیلاتی عمل می کنند. نمایندگان مجلس دارای یک هویت مستقل اند که در جاهایی خوب هم هست. یعنی نمی خواهیم بگوییم که این بد است. یعنی نباید انتظار رفتار احزاب غربی را با آن تشکیلات آهنین در مجلس ایران داشت.

متوسط رای موافق به وزرای پیشنهادی آقای روحانی بیشتر از رای موافقی بود که یک مجلس از ابتدای انقلاب تا امروز به دولتی داده است، پیش از این بیشترین متوسط آرای موافق به وزرای پیشنهادی متعلق به دولت آقای خاتمی بود که الان به آقای روحانی رسید. نظر شما چیست؟

▲ چون این مجلس با دولت همراهی زیادی دارد. خیلی فوق العاده همراهی دارد. یعنی مجلس کاملا همراه با دولت است و هیچ مزاحمتی تا الان برای دولت ایجاد نکرده است.

آیا واقعا می توان گفت که این محبوب ترین کابینه از نگاه مجلس است؟

▲ رای را تفسیر به محبوبیت نکنیم چون همان طور که دیدیم، اگر سال اول همه مجالس را با دولت ها مقایسه کنیم بیشترین حجم سوالات و تذکرات در تاریخ مجالس به دولت آقای روحانی طی همین یک سال گذشته انجام شد، بنابراین چندی دیگر نخواهد گذشت که همین حجم سوالات و تذکرات را خواهیم دید. اگر دولت محبوب باشد که دیگر نباید سوال، استیضاح و تذکره دهند. پس آرای موافق در رای اعتماد را به محبوبیت ترجمه نکنیم، بلکه بگوییم نمایندگان براساس یک تحلیلی همراهی را با دولت شکل دادند. ضمن اینکه وقتی مساله ای پیش بیاید که از عملکردی ناراضی باشند، تذکر می دهند و سوال می کنند، چه بسا استیضاح هم بکنند. الان هم پیش بینی می شود که چند نفر از وزرای این کابینه در خطر استیضاح باشند، با توجه به جوی که در ایام رای اعتماد نسبت به آنها شکل گرفت.

یعنی همان وزرای که رای شکننده تری داشتند در خطر استیضاح هستند؟

▲ بله، بالاخره بستگی به بررسی عملکردشان دارد. حین بررسی برنامه های وزرای پیشنهادی بود، خیلی از نمایندگان تذکر می دادند که موافقان و مخالفان مباحث منطقه ای را دنبال می کنند. این چقدر در رای اعتماد غالب بود؟

▲ بحث مسائل منطقه ای و حوزه انتخاباتی نمایندگان در رای اعتماد وزرا خیلی موثر است. آقای بیطرف هم بر اثر یک اجماع منطقه ای رای نیاورد.

به نظر شما حقیقت بود؟

▲ من چنین حرفی نمی توانم بزنم. من نسبت به آقای بیطرف، بیطرف هستم. بالاخره دوستانی که در آن حوزه بودند، حرف هایی داشتند. سر احداث سد گتوند و

رای را تفسیر به محبوبیت نکنیم چون همان طور که دیدیم، اگر سال اول همه مجالس را با دولت ها مقایسه کنیم بیشترین حجم سوالات و تذکرات در تاریخ مجالس به دولت آقای روحانی طی همین یک سال گذشته انجام شد

انتقال آب از سرچشمه های کارون به یزد.

اما گفته می شود که آقای بیطرف در احداث سد گتوند هیچ دخل و تصرفی نداشته است.

▲ نمی دانم اما این طور ذکر می شود. در واقع از حقیقت ماجرا خبر ندارم و کنکاش نکرده ام.

برخی می گویند که آقای بیطرف چوب صداقتش را خورد. یعنی اگر می آمد و چند وعده و وعید می داد شاید ورق به نفعش برمی گشت.

▲ بله، واقعا صادقانه با موضوع برخورد کرد. برخی وزرای پیشنهادی با اعتراضات شدیدتر نسبت به آقای بیطرف روبه رو بودند اما به نحوی فضا را مدیریت کردند. یا خودشان یا معاونین پارلمانی شان کارهای دیگری کردند و اتفاقات دیگری افتاد. وگرنه اصلا اسم آقای بیطرف جزو وزرای نبود که رای نیاورد. اتفاقا ایشان جزو وزرای بود که باید رای می آورد، چون اسم ۴، ۵ وزیر پیشنهادی دیگر مطرح بود اما آنها رای آوردند و آقای بیطرف از آنجا که صادقانه برخورد کرد، رای اعتماد نیاورد.

نقش هیات رئیسه مجلس به ویژه آقای لاریجانی در نتیجه رای اعتمادی که برای دولت آقای روحانی رقم خورد، چقدر بود؟ برخی می گویند که آقای لاریجانی کمک زیادی به تشکیل کابینه دولت دوازدهم کرد.

▲ البته رویکرد و وظیفه هیات رئیسه کمک به دولت هست، نه شخص دکتر لاریجانی که سایرین هم همین طور. وظیفه اعضای هیات رئیسه این است که کمک و تلاش کنند تا کار به جایی برسد و دولت سریع تر سر و سامان پیدا کند. چه بسا جلساتی هم بعضی از اعضای هیات رئیسه یا ایشان در کمک به این ماجرا داشته اند. من مطلع نیستم که اتفاق خاصی از طرف ایشان شکل گرفته باشد ولی رویکرد هیات رئیسه این بود که به سمت صلاح و ثبات پیش رود و دولت زودتر شکل بگیرد. رویکرد عمومی هیات رئیسه هم این بود، به خصوص رئیس محترم مجلس.

موضوعی مخصوصا از سوی اصلاح طلبان بعد از اعلام نتیجه رای اعتماد به کابینه اتخاذ شد. این اصلاح طلبان می گویند فراکسیون اصولگرایان نسبت به فراکسیون امید خیلی منظم تر و تشکیلاتی تر عمل کرد. خودتان از نزدیک در جلسات و رایزنی ها بوده اید، آیا می توان گفت که یک فراکسیون خیلی قوی تر از فراکسیون دیگر عمل کرد؟

▲ هر سه فراکسیون زحمت شان را کشیدند و تلاش هایشان را کردند. به جز عمل آخشان که حاضر نشدند اعلام کنند که به نظرم نقض است. یعنی وقتی فراکسیون تشکیل می شود، باید موضع داشته باشد و بی معنی است که موضع نداشته باشد. اصلا فراکسیون به موضع شناخته می شود و این غلط است در واقع باید هویت سیاسی داشته باشد. البته این نظر شخصی من است ولی غیر از این، جلسات و گفت و گو ها خیلی خوب برگزار شد. با اینکه وقت خیلی کم بود، فراکسیون ها خیلی قوی وارد بحث بررسی کاندیداهای وزارت شدند اما اگر سوال شود کدام فراکسیون بهتر یا کمتر نتیجه گرفت؟ باید بگوییم هر سه فراکسیون بالاخره تلاش هایشان را کرده اند و ممکن است یک جمعی، نتیجه قوی تری گرفته باشند و یک جمعی هم نتیجه کمتری. البته من این را هم نتیجه نمی دانم. در مورد آقای بیطرف هم یک زمینه سیاسی برای رای نیاوردن ایشان بود اما بیشتر جریان منطقه ای بود تا سیاسی.

در میان یکسری از وزرا که رای بالا آوردند وقتی بررسی کنیم، می بینیم عدد ۲۵ در قسمت آرای مخالف به آنها تکرار می شود. یعنی نشانه آن بود



برخی وزرای پیشنهادی با اعتراضات شدیدتر نسبت به آقای بیطرف روبه‌رو بودند اما به نحوی فضا را مدیریت کردند. یا خودشان یا معاونین پارلمانی‌شان کارهای دیگری کردند و اتفاقات دیگری افتاد

تیمش، کارایی دولت را بیشتر خواهد کرد و اگر این منطق ایشان باشد، فوایدی هم دارد اما ما فکر می‌کنیم اشتباه می‌کند.

فکر می‌کنید کدام جناح سیاسی کشور با این رویکرد آقای روحانی همسوتر است و این رویکرد را پسندیده است؟ اصولگرایان یا اصلاح‌طلبان یا هر دو؟

▲ هر دو و هیچ‌کدام. یعنی هم اصولگرایان و هم اصلاح‌طلبان با بخشی از رویکرد آقای روحانی ممکن است موافق باشند و با بخشی دیگر مخالف باشند. الان کابینه آقای روحانی با اینکه یک توافق سیاسی بین آقایان روحانی و خاتمی بود و طی جلساتی به این جمع‌بندی رسیدند، دو نفر از وزرا که یکی همین آقای ربیعی بود را برای راضی کردن آقای خاتمی فرستادند و با اینکه توافق صورت گرفت ولی می‌بینیم که جریان اصلاحات حاضر نیست مسئولیت این کابینه را برعهده بگیرد و شخصیت‌های اصلاح طلب اذعان دارند که این کابینه، کابینه اصلاح طلب نیست. برای اینکه از همین الان نسبت به کارآمدی کابینه و پاسخگویی به مردم مشکوک هستند و طبیعتاً نمی‌خواهند مسئولیت نتایج ناشی از عملکرد کابینه را برعهده بگیرند.

از سمت اصولگرایان چطور؟

▲ آنها از انتخابات که سمت آقایان قالیباف و رئیسی رفتند تا به الان این شکاف را پر نکردند یعنی تا الان هم فاصله خودشان را با دولت حفظ کرده‌اند بنابراین اینکه آیا اصولگرایان مسئولیت دولت را قبول می‌کنند؟ خیر اما اینکه این نگاه را داشته باشند که رویکرد دولت نسبت به دوره قبل تغییراتی پیدا کرده، بله، اما مسئولیت شخصی رئیس‌جمهور را که برعهده نمی‌گیرند چه رسد به مسئولیت دولتش را. اصلاح‌طلبان و اصولگرایان دعوی‌شان بر سر این است که اصلاح‌طلبان به روحانی آری می‌گویند اما به کابینه‌اش نه، جریان اصولگرا از دوران انتخابات ریاست جمهوری نه را به آقای روحانی گفت و اعتقاد دارد که ایشان کسی نیست که بتواند کشور را اداره کند. اما ممکن است اصولگرایانی هم باشند که طرفدار آقای روحانی باشند و این خطی که می‌کشم، نه همه اصولگرایان و نه همه اصلاح‌طلبان که ممکن است برخی از اصلاح‌طلبان هم باشند که معتقدند نه این و نه آن. مثلاً آقای جهانگیری یا هاشمی طباطبائی یا اصلاح‌طلبان که از اینها. منظورم علی‌الغالب است. به معنی همان خط‌کشی که در انتخابات ریاست جمهوری اتفاق افتاد. ►

شد، آقای چهرمی دارای یکسری خصایل از جمله جوان بودن و نسل بعد از انقلاب بودن است. رای‌هم که آورد ۱۲۰ رای مخالف داشت که آرای مخالفش نزدیک به آقای بیطرف بود. به نظر شما مجلس رای درستی به ایشان داد؟

▲ درست و غلط رای اعتماد مجلس را که ما نباید ارزیابی کنیم. این را باید از دوستانی که به صورت فراکسیونی مخالفت کردند، پرسید. چون یک فراکسیون رسماً اعلام کرد که به ایشان رای نخواهد داد و فراکسیون دیگر هم با گزارشی که منتشر کرد، ایشان از جمله افرادی بود که کمترین رای را در آن فراکسیون گرفت. در واقع ایشان در رای منفی مورد اجماع در هر سه فراکسیون بود. در یک فراکسیون به عنوان منفی‌ترین فرد، در دو فراکسیون دیگر به عنوان سومین فرد منفی یعنی جزو سه وزیر پیشنهادی بود که پایین‌ترین رای موافق را در مجلس داشت. بنابراین از دو فراکسیونی که یکی قصد انداختن داشت و دیگری به عنوان رای منفی به آن اشاره کرد باید سوال کنید که منطق‌شان در مخالفت با او چه بود؟

آقای حجابیان یکجا گفته که کفگیر آقای روحانی با این وضع معرفی کابینه به ته دیگ خورده است. نظر شما چیست؟

▲ اولاً باید بگویم که اگر منظور آقای حجابیان از این تحلیل شخص آقای روحانی است، بله درست است ولی اگر منظورشان نظام است، غلط است. آقای روحانی نتوانسته ظرفیت نیروهای نظام را به کار بگیرد که این دیگر مشکل آقای رئیس‌جمهور است. در دوره قبل هم تیم اقتصادی دولت دارای مشکلات عدیده و جدی بود و این مساله خودش را در کار اجرایی کشور نشان می‌داد. ایشان در این دوره اعلام کرد که هدفش هماهنگی بین این تیم دولت بوده و تغییرات هم در همین راستا صورت گرفته که حالا باید ببینیم این محقق می‌شود یا نه؟

به نظر شما پس آقای روحانی می‌خواسته کار را برای خودش آسان کند؟

▲ اینطور برمی‌آید که ایشان راحت‌تر می‌خواسته کار را اداره کند. به نظر رویکرد آقای روحانی طی ۴ سال آینده در حوزه اداره دولت، آسان‌تر کردن اداره دولت توسط خودش است.

آیا این هم برای خودش و هم برای کشور تبعات نخواهد داشت؟

▲ حتماً ایشان فکر می‌کند که با هماهنگ کردن

که ۲۵ نماینده پای ثابت رای مخالف به وزرای پیشنهادی بودند، نظر شما چیست؟

▲ نه، افراد مختلفی بودند.

برخی رای آقای روحانی فضلی را تحلیل می‌کنند و می‌گویند که اصلاح‌طلبان دنبال این بودند که رای نیابرد ولی وقتی ایشان ۲۵۰ رای آورد نشان می‌دهد که فراکسیون امید تنها ۴۰ نفر پای کار دارد. از آن طرف برخی اعضای فراکسیون امید اظهار کردند که قریب به اتفاقشان کاملاً همراه با وزیر پیشنهادی کشور بودند و به آقای روحانی فضلی رای دادند و این اصولگرایان طرفدار جبهه پایداری و منتقدین آقای روحانی بودند که نمی‌خواستند آقای روحانی فضلی رای بیاورد. کدام دیدگاه را قریب به واقع می‌دانید؟

▲ البته رای مخفی است و تا آن آشکار نشود نمی‌توان از این دست تحلیل‌ها داشت. در واقع این تحلیل‌ها مربوط به مجالسی است که آن آشکار است. در برخی مجالس دنیا را آشکار است و نمایندگان موظفند که رای آشکار دهند اما در مجلس ما که رای مخفی است، بخشی از این تحلیل‌ها درست و بخشی هم نادرست است.

تحلیل شما از رای که آقای روحانی فضلی آورد چیست؟

▲ این رای یک رای سیاسی نیست یعنی همه فراکسیون‌ها رای داده‌اند که ۲۵۰ رای موافق آورد.

اما برخی از نمایندگان اینطور می‌گفتند که خود آقای روحانی فضلی به مجلس نیاید چون رای نمی‌آورد.

▲ بالاخره ایشان بین هر کدام از فراکسیون‌ها با گفت و شنود به ترتیبی توانست آنها را اقناع کند. یعنی با برگزاری جلساتی که داشت، توانست مشکلات و مسائل را پاسخ دهد. در لیست موافقین ایشان که نگاه کنید از هر سه فراکسیون صحبت کردند. یعنی افرادی که هم عضو فراکسیون امید بودند، در دفاع از ایشان صحبت کردند و هم آنها که از فراکسیون اصولگرایان بودند.

نسبت به آقای ربیعی هم انتقاداتی بود،

مخصوصاً روزه‌های اصلاح طلب به ایشان خیلی پرداخت و حتی اشاره به وعده‌های مالی او به نمایندگان کردند. آقای ربیعی هم از جمله وزرایی بود که شائبه افتاد نشان مطرح می‌شد. بفرمایید شایعات یادشده چقدر واقعیت داشت؟

▲ من چون خودم با ایشان روبه‌رو نشدم بنابراین وعده مالی هم بین و من ایشان اتفاق نیفتاد و نمی‌توانم بر این موضوع صحه بگذارم و من هم مثل شما شنیده‌ام که از طرف ایشان یا کسانی از بیرون مثلاً صندوق کارآفرین امید و عده‌هایی داده شده است که اینها در حد شایعه مطرح می‌شد و مدرکی هم نداریم که اینها درست است یا غلط است. شما به عنوان خبرنگار باید دنبال کنید که چنین اتفاقی افتاده یا نه. اما ایشان هم تحت حمایت سیاسی ساختار شده‌ای از طرف برخی احزاب وابسته به کارگری بود. آنها به صورت سازماندهی شده و باتوجه به ستادهایی که در سرویس‌های امنیتی داشت و برخی از افراد که از زمره همکاران سابق ایشان محسوب می‌شدند، حمایت صنفی دریافت کرد. فرض کنید من پزشک هستم و پزشکی را معرفی می‌کنند که حمایت صنفی داشته باشم. در واقع این طور شد. یعنی دوستانی که در مجلس سابقه کار امنیتی داشتند از ایشان و از آقای آذری جهرمی حمایت و خیلی تلاش کردند. یعنی این دو گروه به صورت سازماندهی شده فعالیت کردند و طبیعتاً توانستند، جلب نظر کرده و رای جمع کنند.

همانطور که از سوی آقای رئیس‌جمهور مطرح

سایه استیضاح

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در شرایطی هفتمین ماه ریاست جمهوری اش رانیز به پایان رساند که چندی است سایه استیضاح بر سر رئیس کاخ سفید دیده می شود. نارضایتی ها از عملکرد او بویژه در خصوص تظاهرات حامیان نژادپرستان در شارلوتزویل و بحث دخالت روسیه در انتخابات آمریکا، باعث شده که رسانه ها بیش از گذشته به مسئله استیضاح یا کناره گیری ترامپ بپردازند. برخی کارشناسان معتقدند احتمالاً دوره ۴ ساله ترامپ نیمه تمام می ماند و برخی نیز بر این باورند که رئیس جمهور آمریکا با برخی اصلاحات، سایه استیضاح را از خود دور خواهد کرد.

بین الملل

تیتریک

برزخ

احتمال اینکه ترامپ دوره ۴ ساله اش را به اتمام نرساند وجود دارد؟



گذشت این ماجرا از طریق یک بیانیه آن را محکوم کرد. منتها ترامپ، مخالفان نژادپرستی را نیز محکوم کرد که همین مساله باعث انتقادهای بسیاری از دونالد ترامپ شد. بسیاری معتقدند که ریشه نژادپرستی و نفرت پراکنی موجود در آمریکا به سیاست های ترامپ و مشاورانش بازمی گردد. حتی برخی فراتر رفته و صحبت از بازگشت جنگ های داخلی آمریکا می کنند؛ یعنی جنگ میان حامیان نژادپرستی و گروه های ضد نژادپرست. با در نظر گرفتن چنین سناریویی، برخی کارشناسان و صاحب نظران یک آمریکای تقسیم شده را جایگزین ایالات متحده آمریکا می دانند. این مساله در عرصه سیاست داخلی به یک چالش جدی برای دونالد ترامپ تبدیل شده است. چالش دیگر

در چند عرصه بررسی کنیم خیلی مناسب نیست. در عرصه سیاست داخلی مشکلی که طی هفته های اخیر مطرح شده، بحث نژادپرستی در آمریکا است؛ این نژادپرستان خود را به لحاظ فکری علاوه بر ترامپ، و ام دار و پیرو استیو بن، مشاور ارشد رئیس جمهور می دانند که خیلی ملی گرا بود و گرایش های نژادپرستی و ناسیونالیستی داشت. پیش از آنکه ترامپ رئیس جمهور آمریکا شود، نژادپرستان جلسه ای تشکیل دادند و با ترامپ، سلام نازی کردند. البته در آن زمان واکنش ترامپ به این اقدام خیلی جدی نبود اما امروز نژادپرستان آمریکایی فقط به سلام دادن اکتفا نمی کنند بلکه به خیابان ها آمده اند، تظاهرات راه می اندازند و رئیس جمهور آمریکا نیز چند روز پس از

طهمورث غلامی

کارشناس مسائل آمریکا



هفت ماه از روی کار آمدن دونالد ترامپ، رئیس جمهور جنجالی آمریکا سپری می شود؛ اشتباهات ترامپ در عرصه داخلی و خارجی طی این مدت باعث شده است تا علاوه بر محدود شدن چهره همون آمریکا، ترامپ نیز با موانع و مشکلاتی برای به پایان رساندن دوران ۴ ساله ریاست جمهوری اش مواجه شود. وضعیت فعلی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا را اگر

شیخ دو قطبی
آمریکادوران افول را طی
خواهد کرد



ترامپ در بدنه آمریکا
حامیان خود را دارد
گفت وگوی مثلث با محمد مرندي



پرسیتیز آمریکایی در خطر
استیضاح رئیس جمهور
خوشایند مردم آمریکان نیست

در عرصه داخلی بحث ارتباط کمپین انتخاباتی ترامپ با سرویس های امنیتی روسیه است. در این خصوص کمیته ویژه ای به ریاست رئیس سابق سیا، رابرت مولر، برای بررسی این تخلفات انتخاباتی تشکیل شد.

رئیس شورای ویژه پرونده روسیه با پیش بردن تحقیقات در این زمینه، پرونده ها و لایه های جدیدی از این موضوع را مطرح کرده است. این در حالی است که پیش تر، مشاوران و حتی معاون رئیس جمهور منکر وجود چنین مسائلی بودند. بنابراین هرچه جلوتر می رود این مساله می تواند برای ترامپ چالش بیشتری ایجاد کند.

چالش سومی که در سیاست داخلی برای ترامپ وجود دارد این است که دوره ریاست جمهوری او تا ۴-۵ ماه دیگر یک ساله می شود اما او در این یک سال نتوانسته هیچ اقدام مهمی در داخل آمریکا انجام دهد. یعنی ترامپ هیچ قانون اثرگذاری را تا به امروز به تصویب کنگره نرسانده و حتی وعده هایی را که داده است نیز نتوانسته تبدیل به قانون کند.

در این میان در سیاست خارجی، چالش های زیادی پیش روی رئیس جمهور آمریکاست؛ چالش آمریکا با اتحادیه اروپا بیشتر شده، شکاف های دو سوی آتلانتیک گسترش یافته و با توجه به بدبینی ها نسبت به سیاست های ترامپ، ناتو تضعیف شده است. برخی معتقدند که همین ضعف ناتو باعث شده جسارت های روسیه بیشتر شود. در عرصه تجارت اقتصادی، چینی ها به شدت در حال رشد هستند و حتی به نهادسازی دست زده اند و در بسیاری از نقاط که آمریکا رهبری را رها کرده، چین تلاش دارد که نقش رهبری را برعهده بگیرد. مانند همین پیمان محیط زیست پاریس که ترامپ از آن خارج شد اما چینی ها اعلام کردند که حتی اگر آمریکا از آن پیمان خارج شود، چین باقی می ماند و با تمام قدرت آن را پیش می برد. همچنین چین به دنبال نهادهای منطقه ای برای گسترش تجارت آزاد است. این در حالی است که تجارت آزاد یک مقوله مربوط به نظام سرمایه داری است که پیش تر، انگلیسی ها و بعد آمریکایی ها پرچمدار آن بودند. امروز اگر چینی ها بخواهند پرچمدار تجارت آزاد شوند، به مفهوم آن است که اشکالی در امور وجود دارد.

ترامپ با مجموعه این شرایط در عرصه سیاست داخلی و خارجی مواجه است و به همین خاطر این سوال پیش می آید که آیا رئیس جمهور آمریکا استیضاح خواهد شد یا کناره گیری خواهد کرد. به نظر من پاسخ به این سوال بر مبنای تحلیل نیست بلکه بیشتر بر مبنای داده باید انجام شود. یعنی اینکه داده ها مشخص می کنند که آیا ترامپ باید استیضاح شود یا اینکه احتمالا کناره گیری خواهد کرد. اگر تیم مشخص شده برای بررسی و تحقیقات درباره دخالت روسیه در انتخابات آمریکا به نتایجی برسند که حاکی از دخالت صریح روس ها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باشد، درخواست تیم ترامپ باشد، در این صورت با توجه به تجربه های گذشته، ترامپ یا استیضاح می شود یا مجبور به کناره گیری خواهد شد.

بر مبنای صحبت های هیلاری کلینتون، رقیب انتخاباتی ترامپ و چهره شاخص دموکرات ها مبنی بر این، همانگونه که نیکسون استیضاح شد، رئیس جمهور فعلی نیز استیضاح خواهد شد، می توان گفت که کلینتون این حرف را بر مبنای برخی داده ها بیان کرده است.

باید توجه داشت که مقامات سیاسی و اطلاعاتی امنیتی در آمریکا بهتر می دانند که آینده ترامپ چه خواهد شد زیرا آنها به داده هایی دسترسی دارند. بر اساس صحبت های هیلاری کلینتون و نویسنده «خاطرات و اندیشه های ترامپ» می توان گفت که احتمال استیضاح یا کناره گیری ترامپ در صورت مشخص شدن نقش روس ها در انتخابات آمریکا وجود دارد.

اگر در صورت جلوگیری از سناریو، ترامپ خود پیش از استیضاح، کناره گیری کند، رئیس جمهور بعدی، مایک پنس، معاون وی خواهد بود.

در این میان، ترامپ می تواند از پنس بخواهد که او را مورد عفو قرار دهد. زیرا اگر استیضاح شود دیگر کسی نمی تواند او را مورد عفو قرار دهد اما اگر خودش کناره گیری کند، رئیس جمهور بعدی می تواند رئیس جمهور خالی را مورد بخشش قرار دهد.

به نظر می رسد طی ۳-۴ ماه آینده روند تحولات در آمریکا روشن تر خواهد شد ولی اگر ترامپ با همین روند پیش برود، به احتمال قوی استیضاح خواهد شد یا کناره گیری خواهد کرد و به این صورت او رئیس جمهور ۴ ساله آمریکا نخواهد بود.

به هر حال حتی اگر ترامپ استیضاح شود و یا کناره گیری کند، این پروسه، به سرعت و در زمان کوتاه نخواهد بود. بنابراین این پرسش مطرح است که طی دوران آتی، آیا رئیس جمهور آمریکا همچنان سیاست های سابقش را پیگیری خواهد کرد یا شاهد تغییر موضع او خواهیم بود. همچنین ممکن است ترامپ برای غافل کردن افکار عمومی داخل کشور دست به یک ماجراجویی در خارج از آمریکا بزند. در این خصوص باید گفت بر اساس تجربه گذشته زمانی که بحث استیضاح نیکسون یا کلینتون مطرح شد، هر دو رئیس جمهور تلاش کردند که در سیاست خارجی فعال تر شوند و توجهات را به مسائل خارجی معطوف کنند. اما چنین اتفاقی را شاهد نبودیم؛ چرا که در آمریکا نهادها حکومت می کنند و قانون به صورت جدی دنبال می شود. تیم ترامپ نیز بر این نکته واقف است که اگر بخواهد در عرصه استیضاح رئیس جمهور ایجاد کند، این مساله منجر به عدم استیضاح نیکسون خواهد شد. ریچارد نیکسون در زمان اوج تنگنا، سرد، رئیس جمهور آمریکا بود و تقابل ایالات متحده با شوروی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی خیلی شدت گرفته بود. شاید نیکسون این گونه تصور می کرد که در این شرایط کنگره آمریکا حاضر نیست او را به خاطر شوروی کنار بگذارد. اما کنگره فشارهایش را وارد آورد و در نهایت نیکسون مجبور به کناره گیری شد. به همین خاطر شاید

ترامپ نیز دست به ماجراجویی نظامی در خارج از مرزهای کشورش بزند اما اولاً نتیجه مطلوب برایش حاصل نخواهد شد و دوم اینکه او با دو محدودیت جدی روبه روست. محدودیت نخست این است که در آمریکا رئیس جمهور اجازه ندارد بشواید و صبح تصمیم بگیرد که در کشوری جنگ راه بیندازد و حتماً باید ابتدا نهاد های نظامی، امنیتی، کنگره، رسانه ها و جامعه را برای چنین امری آماده کند. محدودیت دوم این است که امروز اطراف ترامپ از افرادی پر شده که من آنها را در چارچوب نهاد تعریف می کنم، یعنی افرادی که سابقه سیاست گذاری رسمی دارند و در چارچوب نهادها فعالیت می کنند؛ اشخاصی مانند مک مستر، جیمز متیس و رکس تیلرسون در این دسته قرار می گیرند. در مقابل افرادی مانند استیو بن که در حال تشویق ترامپ بودند، خارج از سازمان ها و نهادها اقدام کند، به حداقل رسیده اند.

بنابراین دست دونالد ترامپ برای انجام اقدامات یک جانبه به منظور ماجراجویی در عرصه خارجی بسیار بسته است و شاید او چنین سودایی در سر داشته باشد اما احتمالاً موفق نخواهد شد. حتی اگر ترامپ موفق به انجام یک عملیات نظامی در خارج از کشور شود، این منجر به آن نخواهد شد که کنگره و نهاد های قضایی آمریکا از تصمیمات او در رابطه با انتخابات نوامبر ۲۰۱۶ بگذرند.

در این میان باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران فعلاً اولویت نخست ایالات متحده آمریکا نیست. یعنی حتی اگر ترامپ بخواهد دست به یک ماجراجویی خارجی بزند، کره شمالی بیش از ایران در اولویت قرار دارد. زیرا بهانه ای برای اقدام نظامی علیه ایران وجود ندارد؛ تا پیش از این کشورهای غربی و به ویژه آمریکا، مسائل هسته ای و ادعاهایی که در خصوص احتمال ساخت بمب در ایران مطرح می شد را برای پیشبرد اهداف شان مطرح می کردند اما به دست آمدن توافق هسته ای میان ایران و گروه ۵+۱ آنها دیگر بهانه ای برای حمله نظامی به ایران ندارند.

همچنین اگر آمریکا در عرصه سیاست خارجی دچار انفعال و ضعف شود، این فرصتی برای ایران در عرصه هسته ای تلقی نمی شود. زیرا ایران برجام را صرفاً با آمریکا امضا نکرده، بلکه اروپا، چین و روسیه نیز امضایشان پای برجام است. به همین دلیل جمهوری اسلامی در عرصه هسته ای بر اساس قواعد و قوانین برجام حرکت می کند و ضعف آمریکا توجیهی برای نقض آن نیست. اما می توان گفت که ضعف و انفعال آمریکا ممکن است منجر به فعال تر شدن سیاست های ایران در عرصه خاور میانه شده یا باعث شود نقش تهران در سوریه و عراق پررنگ تر شود. در واقع در ارتباط با کره شمالی از آنجایی که در آمریکا اجماعی بر سر چگونگی برخورد با این کشور وجود ندارد، این امکان را به کره شمالی می دهد که صنعت موشک های بالستیکش را گسترش دهد و توانمندی های اتمی اش را توسعه دهد. اما در ارتباط با ایران فقط در عرصه سیاست های منطقه ای یک سری آزادی عمل برای کشور فراهم خواهد شد در خصوص بحث هسته ای هم به دلیل پایبندی نظام به یک سری اصول و هم به دلیل وجود برجام، شاهد تغییر رفتاری از سوی ایران نخواهیم بود. ►

اگر تیم مشخص شده برای تحقیقات درباره دخالت روسیه در انتخابات آمریکا به نتایجی برسند که حاکی از دخالت صریح روس ها در انتخابات باشد، درخواست تیم ترامپ باشد، در این صورت با توجه به تجربه های گذشته، ترامپ یا استیضاح می شود یا مجبور به کناره گیری خواهد شد

اصلاحات ترامپی

منابع قدرت هنوز پشت رئیس‌جمهور آمریکا هستند



حامد موسوی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

۲ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در حال حاضر در موقعیت متزلزلی قرار دارد و دچار چالش‌های عدیده داخلی شده است؛ اما این به معنای آن نیست که وی در مرحله برکناری یا استیضاح قرار گرفته باشد. در واقع در پروسه استیضاح باید مشخص شود که ترامپ یک تخلف بارز قانونی انجام داده و سپس در مجلس نمایندگان و سنای مطرح و بررسی

مانند استیو بنن، درک هاروی و مایکل فلین که حزب جمهوریخواه با آنها مشکل داشت. البته این نگاه متقابل بود و آنها نیز نقدهای گسترده‌ای نسبت به حزب جمهوریخواه دارند. از جمله شخص استیو بنن و خبرگزاری بارت نیوز کاملاً منتقد حزب جمهوریخواه و حتی ساختار آمریکاست. در هفته‌های اخیر، ترامپ این گروه دوم را از اطراف خود حذف کرده، بنابراین شانس استیضاح او کمتر شده است. زیرا ترامپ یک سری افراد تشکیلاتی و ساختاری را در آمریکا جایگزین آنها کرده است. اگر روزی بحث بر سر این بود که ترامپ شخصی ضدساختار آمریکاست، امروز دیگر نمی‌توان چنین ادعایی داشت. زیرا تمام اطرافیان وی



آمد و برخی روسای بزرگ شرکت‌های آمریکایی از ترامپ فاصله گرفتند اما در عین حال باید به این نکته اذعان کرد که وال استریت هنوز مخالف ترامپ نشده است. شاخص بورس آمریکا از زمان روی کار آمدن ترامپ رشد خوبی داشته است و به همین دلیل، جامعه بیزینسی و تجار آمریکا یک رضایت نسبی از شخص رئیس‌جمهور دارند. از سوی دیگر یک سری افراد صاحب نفوذ مانند روبرت مرداک، رئیس نیوز کورپ که فاکس نیوز نیز زیر مجموعه آن است، همچنان پشت رئیس‌جمهور هستند. در نتیجه این طور نیست که گمان کنیم ترامپ ایزوله شده، کسی از او حمایت نمی‌کند و هر لحظه ممکن است استیضاح شود. اگر پروسه استیضاح ترامپ بخواند بخورد، در ابتدا او باید منابع قدرتش را از دست بدهد و تا زمانی که مراکز اقتصادی، رسانه‌ای و سیاسی پشت ترامپ هستند شاهد استیضاح وی نخواهیم بود.

در این بین نکته‌ای که البته علیه این روند محسوب می‌شود این است که طبق قانون آمریکا اگر رئیس‌جمهور استیضاح شود یا استعفا دهد، به این صورت نیست که انتخابات زودرس برگزار شود. بلکه بر اساس قانون آمریکا اگر رئیس‌جمهوری به هر دلیل از قدرت برکنار شود، در دوران باقیمانده، معاون اول او رئیس‌جمهور خواهد شد. معاون اول ترامپ نیز مایک پنس است که به شدت مورد حمایت بزرگان حزب جمهوریخواه است و رابطه‌ای طولانی با آنها دارد.

یعنی بسیاری از جمهوریخواهان شاید وی را رئیس‌جمهور ایده‌آل‌تری نسبت به ترامپ بدانند. ضمن اینکه مایک پنس با زیرکی طی ماه‌های اخیر سعی کرده از جنجال‌های ترامپ فاصله بگیرد و جنجال‌هایی که به ترامپ آسیب زده، به معاون او آسیب نزده است. چرا که پنس در این قضایا فاصله خود را با ترامپ حفظ کرده است. این مساله تا حدودی شک و شبیه ایجاد کرده که پنس در حال خیز برداشتن برای ریاست‌جمهوری است. یعنی حتی اگر طی این ۴ سال رئیس‌جمهور نشود شاید برای انتخابات بعدی بخواند کاندیدا شود.

در یک جمع‌بندی کلی باتوجه به مسائلی که ذکر شد، من این تحلیل را ندارم که در کوتاه‌مدت شاهد آن باشیم که ترامپ کناره‌گیری کند یا استیضاح شود. زیرا رئیس‌جمهور آمریکا تا حدودی به اصلاح برخی اشتباهات نیز روی آورده است که نمونه بارز آن برکناری استیو بنن است. رسانه‌های آمریکا فاش کرده‌اند که روبرت مرداک از جمله کسانی است که به رئیس‌جمهور گفته باید بنن را برکنار کند. بنابراین ترامپ فرد باهوشی است و دریافته که برخی مواقع باید رویکردهایش را تغییر دهد تا بتواند قدرت خود را حفظ کند. با این همه ترامپ در این مدت نشان داده که شخص دمدمی مزاجی است و بعضاً کارهای غیرمعتدل نیز انجام می‌دهد؛ یک نمونه آن در افتادن با میچ مک کانل، ارشدترین عضو جمهوریخواه کنگره آمریکاست که اصلاً کار عاقلانه‌ای نبود.

البته رویکردهای خارجی دونالد ترامپ را باید با دقت بیشتری بررسی کرد. یعنی رویکرد خارجی وی اتفاقاً مورد حمایت حزب جمهوریخواه و حامیان رئیس‌جمهور است. این گروه معتقدند که باراک اوباما، رئیس‌جمهور ضعیفی بوده و در مقابل دشمنان آمریکا مانند کره شمالی، ایران، روسیه و چین، از خود سستی نشان داده است.

این در حالی است که ترامپ حداقل به لحاظ گفتاری، رویکرد سرسختانه‌ای را دنبال می‌کند و بنابراین در بحث سیاست خارجی مورد حمایت جمهوریخواهان است و چالش اصلی ترامپ در بحث مسائل داخلی است. ►

کسانی هستند که سال‌ها در سیستم سیاسی و نظامی آمریکا خدمت کرده‌اند. در نتیجه درون حزب جمهوریخواه اکنون نسبت به ترامپ راضی‌تر از ۳-۲ ماه پیش هستند.

موضوع دیگری که بر اساس آن می‌گوییم هنوز برای بحث استیضاح زود است اینکه اتفاقاً پشت ترامپ هنوز از منابع قدرت در آمریکا خالی نشده است. اگر شخصی اخبار سی.ان.ان را دنبال کند، این حس را خواهد داشت که ترامپ، یک رئیس‌جمهور متزلزل است و هر لحظه ممکن است سرنگون شود. اما در عین حال فقط نمی‌توان به سی.ان.ان استناد کرد. در مقابل آن، فاکس نیوز اصلاً چنین رویکردی نسبت به دونالد ترامپ ندارد و کاملاً از او حمایت می‌کند. با این تفاوت که تعداد بینندگان فاکس نیوز بیشتر از سی.ان.ان است و فاکس نیوز پر بیننده‌ترین شبکه خبری آمریکاست. از طرف مقابل میان‌نشریات، نیویورک تایمز خیلی علیه ترامپ است و جنجال آفرینی می‌کند اما در مقابل وال استریت ژورنال که اتفاقاً تیراژش بیش از نیویورک تایمز است تا حد زیادی حامی دولت ترامپ بوده است. یعنی میان رسانه‌ها هنوز این اجماع که بخواند ترامپ را کنار بزنند، در حال حاضر وجود ندارد و همین یک منبع قدرت برای رئیس‌جمهور آمریکاست.

منبع دیگری که در آمریکا خیلی اهمیت دارد، وال استریت است. در واقع با وجودی که طی چند هفته گذشته در شارلوتزویل در ایالت ویرجینیا اختلافات نژادی به وجود

شود. بنابراین یک پروسه سخت و طولانی دارد و باید اکثریت مجلس نمایندگان و دو سوم سنا به برکناری او رای دهند. از آنجایی که فعلاً شاهد چنین مسائلی در آمریکانسیستم، بنابراین استیضاح یا برکناری رئیس‌جمهور آمریکا را در آینده نزدیک یا میان مدت نمی‌توان متصور بود. در بحث استعفا نیز به نظر می‌رسد ترامپ فقط در شرایطی استعفا خواهد داد که در یاد استیضاح وی قطعی است و دو سوم سنا به این استیضاح رای خواهند داد، مانند مساله‌ای که برای ریچارد نیکسون پیش آمد به این صورت که به نیکسون گفتند می‌خوانند او را برکنار کنند و دو سوم سنا نیز به برکناری وی رای خواهند داد. در نتیجه نیکسون به این نتیجه رسید که خودش پیش از آنکه استیضاح شود، استعفا دهد. اما در خصوص دونالد ترامپ هنوز خیلی زود است که بخوانیم راجع به این مسائل صحبت کنیم. به بیان دیگر به دو دلیل من در آینده نزدیک پیش‌بینی نمی‌کنم که ترامپ استیضاح یا برکنار شود؛ البته این بدان معنا نیست که او در سه سال و نیم آینده نیز استیضاح نمی‌شود یا کناره‌گیری نمی‌کند. اولاً اینکه در کاخ سفید دو گروه در اطراف ترامپ بودند؛ یک گروه جمهوریخواهان استخواندار یا establishment را شامل می‌شدند که در واقع همان اعضای حزب جمهوریخواه و افراد نظامی-امنیتی هستند. در این گروه می‌توان به اشخاصی مانند جیمز متیس، ژنرال مک‌مستر و رئیس‌دفتر پیشین و جدید ترامپ اشاره کرد. گروه دوم گروه‌های راست افراطی را شامل می‌شدند

دموکرات‌ها برگزار شود، به دنبال استیضاح دونالد ترامپ و برکناری وی باشند، مایک پنس، معاون وی جانشین رئیس‌جمهور خواهد شد مگر اینکه مجلسین آمریکا با معاون رئیس‌جمهور هم مخالفت کنند.

لازم به ذکر است رویکرد و سیاست‌های مایک پنس با دونالد ترامپ تفاوت چندانی ندارد و به عنوان معاون رئیس‌جمهور به نوعی سوگند خورده که سیاست‌هایی را که در انتخابات اجرا شده در پیش بگیرد. اما پنس چهره معقول‌تر و آرام‌تری را نسبت به ترامپ، نزد افکار عمومی نشان داده است، ولیکن اگر مایک پنس نیز به عنوان معاون رئیس‌جمهور جانشین ترامپ در آمریکا شود، کمابیش همان سیاست‌ها را اما با احتیاط بیشتر دنبال خواهد کرد و رفتار تحریک‌آمیز دولت آمریکا را در درون و بیرون ایالات متحده آمریکا کاهش خواهد داد. در واقع او تمایل دارد تا در داخل آمریکا فضای آرام‌تری را برقرار کند و دموکرات‌ها و دیگر گروه‌ها را تحریک نکند تا دودستگی و شکاف را کمتر کند.

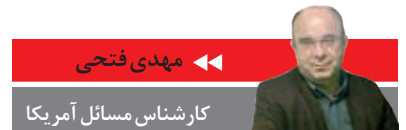
همچنین برخی رسانه‌های مخالف ترامپ تلاش کردند تا نشان دهند مایک پنس نیز به دنبال ریاست‌جمهوری آمریکا است و به نوعی ترامپ را تحریک کنند که وی را نیز برکنار کند، زیرا با شناختی که از شخصیت ترامپ دارند می‌دانند که نسبت به محبوبیت دیگر افراد در کابینه حساس است، همان گونه که استیو بنن، مشاورش را به این جهت که برخی رسانه‌ها او را مغز متفکر سیاست‌های ترامپ می‌خوانند، برکنار کرد. اما ترامپ برخلاف رویه همیشگی‌اش، در مورد مایک پنس عاقلانه‌تر و محتاط‌تر عمل کرده و او را از ردیف مشاورانش برکنار نکرده است، اگرچه به دلیل شخصیت غیرقابل پیش‌بینی ترامپ احتمال دارد در آینده شاهد اختلاف رئیس‌جمهور با معاونش باشیم. اما در حال حاضر مایک پنس سعی کرده با ماندن زیر سایه ترامپ سپری برای خشم وی نسبت به خود ایجاد کند.

به هر جهت باید گفت اگرچه ترامپ خلاف اصول و غیرقابل پیش‌بینی حرکت می‌کند، اما خانواده قدرت‌طلب وی مایلند تا ترامپ همچنان در کاخ سفید حکمرانی کند، سیاست‌های جمهوریخواهان سنتی را در پیش بگیرد، سیاست‌های جنجال‌آمیز را در داخل و خارج کشور ترک کند و به گونه‌ای رفتار کند که همچنان رئیس‌جمهور باقی بماند. اما از آنجایی که ترامپ تخصص و تجربه‌ای در عرصه سیاست ندارد، برنامه‌ریزی طولانی مدت برای سیاست خارجی و امنیت آمریکا در دستش نیست و به رغم اینکه تاجر است در حوزه اقتصادی نیز تفکر کوتاه‌بینانه‌ای دارد و به روابط درازمدت با متحدان و رقبای نمی‌اندیشد. بنابراین بعید است که او بتواند خودش را در این منصب نگه دارد.

همچنین در مدت باقی مانده از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، چه در صحنه قدرت باشد چه کناره‌گیری کند، ما شاهد حوادث و اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی و مورد توجه رسانه‌ها در داخل آمریکا خواهیم بود. در این راستا فضای داخل آمریکا دوقطبی‌تر خواهد شد و درگیری‌ها و اعتراض‌ها نیز افزایش خواهد یافت؛ در حوزه سیاست خارجی هم آمریکا بسیاری از شرکا و متحدانش را در عرصه بین‌الملل از دست خواهد داد که این مسائل در کل منجر به افول آمریکا خواهد شد. ►

شبح دو قطبی

آمریکا دوران افول را طی خواهد کرد



مهدی فتوحی

کارشناس مسائل آمریکا

بیش از شش ماه از آغاز دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا سپری شده و این در حالی است که نارضایتی‌ها از رئیس‌کاخ سفید و سیاست‌ها و مواضعش رو به افزایش است. حتی برخی رسانه‌های آمریکایی معتقدند که ادامه ریاست‌جمهوری ترامپ به ضرر امنیت و منافع آمریکا است و پیش از آنکه خیلی دیر شود، کنگره آمریکا باید وی را استیضاح و از مقام ریاست‌جمهوری برکنار کند. برخی نیز صحبت از کناره‌گیری ترامپ به میان می‌آورند. اکنون پرسش این است که رئیس‌جمهور نامحبوب آمریکا در باقی مانده دوران ریاست‌جمهوری‌اش با چه چالش‌هایی مواجه است و چقدر احتمال استیضاح یا استعفای وی وجود دارد.

باید گفت آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ و بعد از گذشت بیش از شش ماه از ورود وی به کاخ سفید دستخوش حوادث غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده زیادی شده است. به همین جهت رسانه‌ها در حال زمینه‌سازی و آماده کردن اذهان عمومی برای طرح استیضاح رئیس‌جمهور یا هشدار به

رئیس‌جمهور هستند که اگر سیاست‌های کنونی را در داخل کشور ادامه دهد و کشور را به سمت دوقطبی شدن پیش ببرد، ساختار قدرت در آمریکا ساکت نخواهد ماند.

همچنین از آنجایی که اکثریت رسانه‌ها مخالف ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و موافق کاندیدای رقیب وی بودند و در حال حاضر نیز در ردیف گروه‌هایی هستند که از ریاست‌جمهوری ترامپ ناخشنودند به همراه تعدادی از سناتورها، فضای سیاسی آمریکا و جامعه را به سمت استیضاح ترامپ و رهایی ایالات متحده از وی سوق می‌دهند. اما باید گفت که در این خصوص تنها زمینه‌سازی و آماده کردن افکار عمومی صورت گرفته و در شرایط فعلی بعید به نظر می‌رسد که اقدام عملی انجام گیرد. براساس بند دوم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در

صورتی که رئیس‌جمهور متهم به خیانت یا مرتکب جرم کیفری شود، به اعتماد عمومی در کشور لطمه زنی از قدرتش سوءاستفاده کند، توسط نمایندگان استیضاح می‌شود و در صورتی که دوسوم از نمایندگان دو مجلس نمایندگان و سنا به این امر رای مثبت دهند وی برکنار می‌شود. همچنین براساس متمم ۲۵ قانون اساسی اگر رئیس‌جمهور مشکلات روحی و روانی داشته باشد و بنا به دلایلی شخصاً نتواند عهده‌دار مسئولیت ریاست‌جمهوری شود او را استیضاح می‌کنند.

لازم به ذکر است که اکنون چهار رئیس‌جمهور را در ایالات متحده آمریکا استیضاح کردند و تنها ریچارد نیکسون بود که از این ورطه ناکام بیرون آمد. در واقع نمایندگان مجلس، وی را به اخلاف در کار کنگره،

مانع تراشی برای عدالت و سوءاستفاده از قدرت محکوم کردند؛ نیکسون نیز زمانی که اکثریت نمایندگان را مخالف خود دید، قبل از رای‌گیری، از ریاست‌جمهوری ایالات متحده کناره‌گیری کرد. همچنین در سال‌های اخیر بیل کلینتون، چهل و دومین رئیس‌جمهور ایالات متحده به دلیل شهادت دروغ (در قضیه مونیکا لوینسکی) و مانع تراشی برای برقراری عدالت، استیضاح شد، اما مجلس سنای آمریکا به استیضاح وی رای مثبت ندادند و کلینتون در کاخ سفید باقی ماند. در شرایط پیش رو به نظر نمی‌رسد که نمایندگان مجلسین آمریکا در این جهت حرکت کنند زیرا اکثریت نمایندگان را جمهوریخواهان تشکیل می‌دهند، اما به این دلیل که جمهوریخواهان بسیاری از رهبران و شخصیت‌های شناخته شده مانند جان مک‌کین و خانواده جرج بوش از ریاست‌جمهوری ترامپ ناخشنود هستند این احتمال وجود دارد که دونالد ترامپ را به دلیل مداخلات روسیه در انتخابات آمریکا و ارتباطات خانواده ترامپ، مشاوران و کابینه‌اش با روسیه و به اتهام کمک کشورهای بیگانه برای موفقیت وی در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده، استیضاح کنند.

همچنین تفرقه‌افکنی، شکاف در جامعه آمریکا و ضربه زدن به منافع آمریکا در سیاست خارجی از جمله مسائلی است که می‌تواند در دستور کار نمایندگان آمریکا قرار بگیرد. اما در حال حاضر تنها گام‌های اولیه



و فضا سازی رسانه‌ای و آماده کردن اذهان عمومی در ایالات متحده آمریکا برای طرح استیضاح رئیس‌جمهور صورت گرفته و اقدام عملی در این خصوص انجام نشده است.

در این میان براساس قوانین آمریکا اگر رئیس‌جمهور کناره‌گیری کند یا کناره‌گذاشته شود، معاون رئیس‌جمهور جانشین وی می‌شود تا پایان دوره ریاست‌جمهوری قدرت را در دست دارد. همانگونه که وقتی ریچارد نیکسون، سی و هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا برکنار شد، جerald فورد قدرت را تا پایان دوره ریاست‌جمهوری در دست گرفت. به همین خاطر باید گفت اگر زمانی نمایندگان مجلس آمریکا در این دوره یا دور بعد که احتمال دارد انتخابات میان دوره‌ای مجلس نمایندگان و سنا با پیروزی

انتخاب اشتباه

ترامپ با سیاست‌های نادرستش
آمریکا را به سمت بحران پیش می‌برد



امپراتوری‌ها محسوب می‌شود، بنابراین نباید به این نکته به این شکل بیندیشیم. در حقیقت اکنون ترامپ رهبری جامعه‌ای را به عهده گرفته است که این جامعه دارای ویژگی‌های خاصی از منظر ساخت، ساختار، کنشگران، بازیگران، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها است و توانسته به عنوان یک مدل برتر در جهان به پیشرفت‌های شایانی دست پیدا کند. آمریکا همان اندازه که پیشرفت دارد، امکان تهدید نیز برایش فراهم است. بنابراین هرچه قدرت آمریکا بیشتر شود تهدیدات متوجه آن قدرت هم مناسب و متناسب با آن می‌تواند بیشتر شود. در واقع ترامپی که امروز در کاخ سفید حاکم شده است یک کله بسیار کوچک در یک اندام‌واره بسیار بزرگ است. ترامپ امروز احساس حقارتی را برای آمریکاییان به وجود آورده که تنها بعد از شش ماه از ریاست او در کاخ سفید، سخن از استیضاح یا استعفای او به میان می‌آید که نشان دهنده ضعف ترامپ است.

در این ارتباط بر اساس قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، شخص رئیس‌جمهور زمانی می‌تواند استیضاح شود که اقدامی خلاف اعتبار و اعتماد بخشیده شده توسط مردم به او انجام دهد. اگر ترامپ دروغی آشکار به مردم گفته باشد و این دروغ در تصمیم‌گیری‌ها و اعمال سیاست‌های دولت در منافع ملی آمریکا تأثیرگذار باشد، او متهم به دروغ‌گویی است. نمونه این امر را می‌توان در ماجرای نیکسون و رسوایی «واترگیت» به وضوح مشاهده کرد. با این وجود رویه دیگر موضوع در ارتباط با استعفای شخص رئیس‌جمهور و تفویض جایگاه به معاون خود، یعنی مایک پنس است. باید توجه داشت که ترامپ بر اساس حمایت

شخصی است که در ادبیات خود در کمپین انتخاباتی، نظام دموکراتیک آمریکا را متهم به تقلب می‌کند و از طرف دیگر می‌گوید «اگر من رای بیاورم تقلب صورت نگرفته است.» او با این صحبت‌ها یک گزاره سطحی را بیان می‌کند که ستون‌های آن بسیار سست است. اما ترامپ انتخاب شد چون در جامعه ایالات متحده آمریکا اتاق‌های فکری وجود دارد که در قالب اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌های متفاوت کاربردی، علوم مختلف انسانی، اجتماعی و حتی علوم پایه را تبدیل به مدل‌ها و الگوهای طراحی مدیریت افکار عمومی و روی کار آوردن افرادی می‌کند که پیشرفت ایالات متحده آمریکا و توسعه قدرت آن را در صحنه بین‌المللی هدف گرفته است.

ایالات متحده آمریکا در این دوره در پی تثبیت قدرت تحکیم‌شده جهانی آمریکا در زمان اوباما است. بسیاری از فروریزش آمریکا سخن می‌گویند، جهان پسا آمریکا را مطرح کرده‌اند و سمینارها و نشست‌های متفاوتی را در باب سقوط قریب‌الوقوع آمریکا مطرح کردند؛ این گروه در مرحله نخست نمی‌دانند که آمریکا فقط یک پوشش برای سرمایه‌داری بین‌المللی است. سرمایه‌داری بین‌المللی اساساً هستمندی بی‌وطن است، بنابراین هرجایی را که برای خود موطن مناسبی در جهت توسعه سرمایه‌داری ببیند، به آنجا نقل مکان می‌کند؛ حال اگر این موطن رُم، ایران باستان، اسپانیا، پرتغال یا هلند باشد تفاوتی نمی‌کند. این هستمندی بی‌وطن امروز بهترین وطن برای پیشرفت و توسعه اقتصادی را ایالات متحده آمریکا شناخته و در آن سکنی گزیده است. بنابراین اگرچه آمریکا حدود ۲۳۰ سال در جامعه جهانی سابقه تشکیل حکومت و دولت را دارد اما امروز استمراری از گذشته تمام

مهدی مطهرنیا

آینده پژوه سیاسی



ایالات متحده آمریکا خود را یک قدرت جهانی می‌پندارد اما این قدرت این روزها دوران افول خود را طی می‌کند. شخصی زمام امور را در آمریکا بر عهده گرفته که هیچ سرشته‌ای از سیاست ندارد و تنها یک «شومن» و «تاجر» است. با انتخاب دونالد ترامپ، ایالات متحده آمریکا در قرن بیست و یکم راه دشواری را برای خود برگزید. چرا که مورد ترامپ با دیگر موارد تفاوت‌های بسیاری دارد؛ ترامپ یک انتخاب اشتباه بود، اگرچه انتخاب ملت آمریکا در چارچوب کارتهای الکترال بوده است.

بر اساس آنچه هم اکنون در جامعه آمریکا مشاهده می‌شود، از میان چهل و پنج دوره ریاست جمهوری و روسای جمهوری که در آمریکا خدمت کردند، ترامپ تنها کسی است که در شش ماه نخست این میزان ضعف در عملکرد نشان داده و به سرعت جذابیت‌هایش برای مردم آمریکا کاهش پیدا کرده است. اگرچه همچنان بخشی از پوپولیسم کور از ترامپ حمایت می‌کند اما بخش وسیعی از توده‌های مردم امروز در قالب شعارهای گوناگون و رفتارهای فردی و کنش‌های اجتماعی مختلف، مخالفت و اشتباه خود را با انتخاب ترامپ بیان کرده و حتی هم‌اکنون در ایالات متحده آمریکا ادبیاتی مبنی بر عذرخواهی از رای دادن به ترامپ توسط اقشار گوناگون جامعه نه تنها نسبت به یکدیگر بلکه نسبت به مردم جهان مطرح است. ترامپ لکه ننگی بر دامن دموکراسی آمریکا است؛ او

می‌شود که هر کدام از ایالت‌ها به مثابه یک کشور مستقل در امور داخلی خود عمل می‌کنند و آنچه تحت عنوان دولت فدرال شناخته می‌شود، در مسائل کلان تصمیم‌گیرنده نهایی محسوب می‌شود. از این رو جنگ داخلی در ایالات متحده آمریکا بر اساس قانون اساسی بسیار کوچک ولی در عین حال کارآمد و موثر در ایالات متحده آمریکا در دسترس قرار ندارد.

ایالات متحده آمریکا یک کشور چند حزبی است که دو حزب در آن قدرت فزون‌تری را میان مردم دارا هستند و این دو حزب در هر ایالت به صورت مجزا، دارای کانون‌های مستقل از احزاب به وجود در دولت فدرال هستند. اندیشمندان سیاسی، تاریخ توسعه سیستم دوحزبی در آمریکا را به پنج دوره تقسیم می‌کنند و سیستم دوحزبی مدرن که در حال حاضر در آمریکا جاری است، حاصل این دگردیسی است. این احزاب شامل دو حزب بزرگ این کشور، یعنی جمهوریخواهان و دموکرات‌ها می‌شود. البته احزاب دیگری هم وجود دارند که معمولاً قدرت چندانی نداشته و عمدتاً در حد مدیریت بخش‌های محلی فعال هستند. از جمله قدرتمندترین احزاب سوم می‌توان به حزب آزادخواه اشاره کرد. حزب قانون اساسی، حزب سبز و حزب مستقل، در کنار حزب لیبرتی از جمله دیگر احزاب هستند. بسیاری از مدعیان شناخت ایالات متحده آمریکا به خوبی بر این امر و قوف ندارند که ایالات متحده آمریکا چند حزبی است.

از همین رو، در عین حال که ما دو حزب دموکرات و جمهوریخواه را به عنوان احزاب اصلی در ایالات متحده آمریکا می‌شناسیم، اساساً این دو حزب در انتخابات ریاست جمهوری، آن هم بعد از انتخابات درون حزبی به سمت یک کاندیدای واحد سوق داده شده و سپس این کاندیداهای واحد از سوی دو حزب رو در روی هم صف‌آرایی می‌کنند و کاندیداهای مستقل به سبب فقدان پشتوانه حزبی قدرتمند مانند حزب دموکرات و جمهوریخواه نمی‌توانند برای دو کاندیدای حزب اصلی، رقیب محسوب شوند.

بنابراین چنین ساختاری که تلاش کرده است، در عین قدرتمند بودن دولت فدرال، استقلال ایالت‌ها را حفظ کرده و هر رهبر ایالتی در ایالت خویش و مانند یک رئیس‌جمهور بر اساس آرای مردم روی کار آید، تا حدود زیادی احتمال جنگ داخلی را کاهش داده است. در واقع این روند دموکراتیک به مقدار زیادی مانع از شورش و طغیان می‌شود اما احتمال طغیان‌های عمومی بر اساس شورش‌های طبقات متفاوت و ایجاد فضای اصطکاک در ایالات متحده آمریکا وجود دارد؛ جنبش‌هایی که می‌توانند به عنوان جنبش‌های مدنی گاه و بی‌گاه به نوعی درگیری‌هایی را میان احزاب، جناح‌ها و حتی شخصیت‌ها در ایالات متحده آمریکا ایجاد کنند. اما با وجود سازوکارهای تقابلی درون جامعه از منظر برخورد سیستماتیک در نهایت این طغیان‌ها و شورش‌ها یا احیاناً جنبش‌ها را در ساختار قدرت آمریکا، به صورت فرصت مورد استفاده قرار می‌دهند. جنبش وال استریت که جنبش ۹۹ درصد علیه ۱ درصد از همین سنخ است. بنابراین باید گفت احتمال جنگ داخلی در ایالات متحده آمریکا تقریباً پایین است.

البته امکان طغیان در جامعه آمریکا با وجودی که دور از عقلانیت است، وجود دارد؛ سیگنال‌های موجود نشان می‌دهد که جامعه آمریکا دچار چالش‌های بسیار فراوانی است و آمریکایی‌ها که زمانی رئیس‌جمهورهایی مانند جرج واشینگتن، آبراهام لینکلن، بیل کلینتون و باراک اوباما را داشته‌اند، توانستند زمینه‌های استفاده از همین چالش‌ها را در تبدیل به مساله و حل آن و به بیان دیگر تبدیل چالش به فرصت فراهم کنند. ▶

رئیس‌جمهور دهه ۱۹۸۰ آمریکا ظاهر شود؛ زیرا ریگان نقش‌های جدی کابویی را در سینمای هالیوود بازی کرده بود و حتی بیش از آن سیاستمداری برجسته بود؛ اما این توانایی‌ها از استعداد دونالد ترامپ خارج است. عده زیادی بر این بارو بودند که ترامپ می‌تواند «ریگان» جدید باشد و بتواند همانند ریگان سیاست‌های مرحله تثبیت را به خوبی مدیریت کند. این مساله که رویکرد ترامپ نسبت به مسائل مختلف جهانی اعم از خاورمیانه، آمریکای جنوبی، اروپا و حتی در ارتباط با مسائل داخلی کشور خود چندان روشن نیست، در چارچوب دکترین آشوب و تئوری بازیگر دیوانه قابل توجیه و تفسیر است؛ اما نوع کنش‌ها و رفتارهای شخصی‌ای که دونالد ترامپ تا کنون انجام داده، نشان می‌دهد انتخاب این بازیگر برای ایفای این نقش یک اشتباه بزرگ تاریخی بوده است؛ مگر آنکه کارگردانان صحنه سیاست آمریکا بتوانند او را کنترل و مهار کنند.

او در پی ایجاد فضایی برای گذر از ایران و گسیل داشتن قدرت هژمون ایالات متحده آمریکا به آسیای شرقی است. بنابراین افرادی چون استیو بن را به عنوان مشاورش برگزید، اما امروز نه تنها بن بلکه بسیاری از همکاران او در کمپین انتخاباتی در ماه‌های نخست دوران ریاست جمهوری‌اش در کاخ سفید از او دور می‌شوند. او تجربه سیاسی ندارد و تنها تاجر موقتی است که در بخشی از اقتصاد آمریکا به هر دلیلی درخشیده است اما این درخشش برای اداره آمریکا باتوجه به قدرت و وسعتش مناسب نیست.

همچنین به طور کلی، ترامپ تصمیم‌گیرنده خوبی نیست و به شدت تحت تأثیر لابی‌های گوناگون قدرت قرار می‌گیرد. فقدان تجربه سیاسی در کارنامه او موجب تأثیرگذاری شدید در عملکردش شده است. ترامپ اساساً بازیگری خوب و مناسب برای ایفای نقش بزرگ سیاسی نیست. ممکن است او بازیگری مناسب برای نقش‌های بزرگ اقتصادی باشد؛ اما به طور حتم در موضوع سیاست‌گذاری‌های کلان این امر صدق نمی‌کند. در واقع، اختلال در تصمیم‌گیری‌های دونالد ترامپ به عاملی تبدیل شده که او نتواند راهبردهای مشخص و دقیقی اتخاذ کند و اگر اطرافیان او نتوانند این مساله و ابهام در تصمیم‌گیری‌های او را حل کنند، می‌تواند به بحرانی بزرگ برای دولت و ملت آمریکا تبدیل شود.

از سوی دیگر در داخل نیز اوضاع آشفته است؛ به دنبال تظاهرات خشونت‌آمیز نژادپرستان در ایالت ویرجینیا و واکنش نه‌چندان شفاف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به طرفداران نژادپرستی، شاهد دودستگی و دوقطبی شدن جامعه آمریکا در هفته‌های اخیر هستیم.

به همین خاطر به عقیده برخی کارشناسان ظن این می‌رود که ایالات متحده آمریکا دچار جنگ داخلی و تنش میان طرفداران احزاب و گروه‌های گوناگون شود. اما باید اذعان داشت که امکان درگیری در ایالات متحده آمریکا به عنوان یک جنگ داخلی بسیار دور از دسترس و انتظار است، زیرا ایالات متحده آمریکا پنجاه ایالت را شامل

آنچه اکنون در کاخ سفید می‌گذرد، لکه ننگی بر پیشانی جامعه و دولت ایالات متحده آمریکاست. ترامپ امروز احساس حقارتی را برای آمریکاییان به وجود آورده که تنها بعد از شش ماه از ریاست او در کاخ سفید، سخن از استیضاح یا استعفا ی او به میان می‌آید که نشان‌دهنده ضعف ترامپ است



تراست‌های اقتصادی به‌ویژه در عرصه تسلیحاتی روی کار آمد. آنچه اکنون در کاخ سفید می‌گذرد، لکه ننگی بر پیشانی جامعه و دولت ایالات متحده آمریکاست. واقعیت آن است که ترامپ در قامت و حد و اندازه یک رئیس‌جمهور برای مدیریت یک دولت بزرگ همچون آمریکا نیست. آنچه اکنون در ایالات متحده آمریکا در حال وقوع است، تولد یک فرزند ناقص الخلقه از اندیشه‌های پست محافظه کار ایالات متحده آمریکا بوده که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در پی گسترش رهبری هژمونیک ایالات متحده آمریکا در جهان بوده است. این امر به یک امر فراجزبی در آمریکا تبدیل شده و تمامی اندیشکده‌ها اعم از دموکرات و جمهوریخواه این راهبر را پیگیری می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت اگر چه اوباما یک دموکرات است اما به نوعی مکمل موج نئومحافظه کاری بود که از ابتدای هزاره جدید آغاز شده است.

با تمام این تفاسیر باید اظهار کرد که پارادایم حاضر بر عرصه سیاسی آمریکا، پارادایم آشوب است. دکترین برخاسته از این پارادایم، دکترین بازیگر دیوانه هنری کیسینجر است و سیاست ناظر بر اجرای آن، سیاست ابهام و استراتژی آن، جاخالی دادن و ضربه‌زدن به رقیب در جهت تثبیت جایگاه ایالات متحده آمریکا به عنوان رهبر هژمونیک امنیت جهانی است. ترامپ این نقش را در ظاهر عهده‌دار شد و در کمپین انتخاباتی خود، تمام شعارهایش حول محور این معنا شکل گرفت.

با این وجود مساله این است که آیا ترامپ توانایی ایفای نقش بازیگر دیوانه را دارد؟ پاسخ، خیر است. در واقع، ترامپ نتوانست در حد و اندازه رونالد ریگان،



ترامپ در بدنه آمریکا، حامیان خود را دارد

گفت‌وگوی مثلث با محمد مرندي

در صورت عدم استیضاح، آیا ترامپ برای حفظ جایگاهش با همین روند باقی‌دوران ریاست‌جمهوری‌اش را طی خواهد کرد یا شاهد تغییر رویکردی خواهیم بود؟

▲ از آنجایی که ترامپ فردی خودمحور و خودرأی است و در بسیاری از موارد تصمیمات غیر قابل پیش‌بینی اتخاذ می‌کند، نمی‌توان با اطمینان در مورد تغییر رویکرد او در آینده سخن گفت. اما آنچه که مشخص است اکثریت افرادی که در حلقه اولیه در کنار ترامپ بودند، رفته‌اند و در حال حاضر نظامیان وی را احاطه کرده‌اند؛ بنابراین احتمال دارد که وی تغییر رویه دهد اما در مورد نوع رویکردی که وی خواهد داشت و شیوه پیاده‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن فعلاً نمی‌توان صحبت کرد.

به عنوان سوال آخر به نظر شما بزرگترین مشکلات و چالش‌های پیش روی ترامپ در عرصه سیاست داخلی و خارجی چیست؟

▲ بزرگترین مشکلی که دونالد ترامپ در عرصه داخلی دارد دو قطبی شدن جامعه آمریکا است که این دودستگی از زمان جنگ داخلی آمریکا در اواسط قرن نوزدهم بی‌سابقه است. بنابراین از آنجایی که شکاف عمیقی میان مردم به وجود آمده، نه تنها نفرت مردم نسبت به طرف مقابل کم نشده بلکه امکان دارد در آینده بیشتر هم شود که حل کردن این معضل امری دشوار و پیچیده خواهد بود. در عرصه سیاست خارجی نیز به دلیل تحریم‌هایی که مجلس سنا و نمایندگان علیه روسیه وضع کردند، تعامل ایالات متحده آمریکا با روسیه بسیار کاهش یافت؛ از طرف دیگر محبوبیت وی در میان سران کشورهای مختلف بسیار کم است و در نتیجه دیپلماسی بین‌المللی آمریکا در دوره ترامپ با افت شدیدی مواجه خواهد شد. در نهایت این نکته را باید یادآور شد که سیاست‌های دونالد ترامپ تا به امروز به نفع ایران بوده است، زیرا ترامپ خواسته یا ناخواسته هژمونی ایالات متحده آمریکا را تضعیف کرد و به‌رغم وضع تحریم‌های جدید علیه ایران، به واسطه تصمیمات عجولانه و سیاست‌های متناقض ترامپ و همچنین تحریم‌های کنگره و سنا علیه روسیه، فرصت‌های جدیدی برای ایران به وجود آورده است. ▶

▲ دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در این مدت کوتاه ریاست‌جمهوری‌اش در عرصه سیاست داخلی و خارجی کارنامه ضعیفی را ارائه کرده و حجم نارضایتی‌ها از عملکرد وی در مجامع بین‌المللی و داخلی رو به افزایش است. در این وضعیت برخی رسانه‌های آمریکایی از استیضاح و برکناری وی از قدرت سخن می‌گویند. در این راستا گفت‌وگویی با سید محمد مرندي، دانشیار دانشگاه تهران داشتیم؛ او معتقد است اگرچه ترامپ مخالفان جدی دارد اما همچنان در بدنه جامعه طرفداران زیادی دارد و استیضاح وی در شرایط فعلی موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

اعتراض به تلاش برای برداشتن مجسمه نژال لی که نماد برده‌داری در آمریکا بود، صورت گرفت؛ اما ترامپ عقیده داشت که اگر قرار است با برده‌داری مخالفت شود چرا با مجسمه‌های توماس جفرسون و جرج واشینگتن برده‌دار در آمریکا که عکس‌های شان هم روی پول رسمی آمریکا وجود دارد، مخالفتی صورت نمی‌گیرد! به هر جهت، شکاف عمیقی در جامعه آمریکا به وجود آمده است و اگرچه عمده رسانه‌ها مخالف ترامپ هستند اما او هنوز در میان بدنه جامعه آمریکا طرفدارانش را دارد. به همین خاطر باید گفت امکان استیضاح دونالد ترامپ همانند بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق آمریکا که استیضاح شد اما رای مثبت نیاورد، مطرح است؛ اما باید توجه داشت که اگر ترامپ در شرایط موجود استیضاح شود، موفقیت‌آمیز نخواهد بود و او در کاخ سفید باقی می‌ماند؛ زیرا همانگونه که اشاره شد هنوز قشر وسیعی از مردم آمریکا حامی ترامپ هستند و برکناری او از قدرت می‌تواند تنش‌های عظیم اجتماعی را به دنبال داشته باشد. همچنین حتی اگر برخی از جمهوریخواهان تمایلی به حضور ترامپ در قدرت نداشته باشند به علت پیامدهای برکناری او از منظر شورش‌های طرفدارانش و به خطر افتادن جایگاه خودشان، جریانی که بخواد ترامپ را برکنار کند همراهی نمی‌کند؛ مزید بر اینکه بسیاری دیگر از نمایندگان کنگره و سنا نیز خواهان ماندن ترامپ در کاخ سفید هستند.

با توجه به شرایط داخلی و خارجی آمریکا و رفتارهای نامعقولی که ترامپ در عرصه سیاست داخلی و اخیراً در واکنش به اعتراضات نژادپرستان افراطی داشت می‌توان گفت که در آینده کوتاه یا میان مدت شاهد استیضاح یا کناره‌گیری ترامپ خواهیم بود؟

▲ در ابتدا باید گفت اگرچه دونالد ترامپ رفتارهای نامعقول و تصمیمات شتابزده و غیرمنطقی نسبتاً زیادی در این مدت کوتاه ریاست‌جمهوری‌اش داشته است، اما باید توجه داشت که ما شاهد همین رفتارهای نامعقول در دولت‌های پیشین ایالات متحده آمریکا توسط روسای جمهور گذشته نیز بوده‌ایم؛ کشتارها و قتل عام‌هایی که در سوریه، یمن و عراق در منطقه خاورمیانه پیش آمد و این منطقه را دچار بحران و تنش کرد، محصول سیاست‌های دولت پیشین یعنی دولت باراک اوباما است. به هر جهت از آنجایی که دونالد ترامپ با بسیاری از کشورها اعم از متحدان و غیرمتحدان از جمله اتحادیه اروپا، مکزیک، کانادا، استرالیا و چین دچار تنش گشته است، بنابراین او در سیاست خارجی در بحث اجماع‌سازی توانایی لازم را ندارد. از سوی دیگر مخالفانش در داخل آمریکا برای تحت فشار گذاشتن وی، تحریم‌های روسیه را اعمال کردند که می‌توان نتیجه گرفت ترامپ به جهت سیاست‌های متناقض و رفتارهای تند که با متحدین آمریکا داشته، در سیاست خارجی بسیار ضعیف عمل کرده است. در بعد داخلی نیز سال‌هاست که ما شاهد ایجاد شکاف در جامعه آمریکا هستیم و از دلایل اصلی آن بحث فقر است که موجب شده قشر متوسط از بین برود. لازم به ذکر است که یکی از دلایل اصلی پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، از بین رفتن قشر متوسط است که به دنبال آن جامعه آمریکا از لحاظ اقتصادی دو قطبی شد و منجر به تنش‌های روزافزون اجتماعی، جنبش‌های نژادپرستی و بالا گرفتن اختلافات دینی و قومی شد. در اعتراضات خشونت‌آمیز نژادپرستان در ویرجینیا نیز، ترامپ تلاش کرد تا موضع تند و محکمی علیه راست‌گرایان افراطی بگیرد، زیرا اینها بخشی از حامیان وی هستند. اگرچه همین موضع‌گیری ترامپ منجر به افزایش تنش‌های داخلی شد، اما تناقضات و نفاق میان دموکرات‌ها را نیز آشکار ساخت. همانطور که می‌دانید تظاهرات اخیر در شارلوتزویل در

عمیقی نسبت به سیاهان و رنگین پوستان از سوی آنها مشاهده می‌شود. اینها افرادی هستند که ثروت بالا و تمایلات مسیحی شدید دارند و بنابراین خود را بسیار متمایز می‌دانند. آنها حتی نسبت به اروپایی‌هایی نیز نگاه تحقیرآمیز را دارند.

در واقع سفیدپوستان آمریکا به خصوص این طیف افراطی خود را انسان شماره یک می‌دانند و هنوز بقایای این تفکر در خانواده‌های بزرگ آمریکایی مانند خانواده بوش وجود دارد.

در این بین حادثه‌ای که طی هفته‌های اخیر در شارلوتزویل میان حامیان نژادپرستی و مخالفان آنها اتفاق افتاد و منجر به یک جهش اجتماعی شد با واکنش بسیار زشت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شد. او در ابتدا ناسیونالیست‌های افراطی را مورد انتقاد قرار داد اما بعد اعلام کرد که هر دو طرف مقصر بوده‌اند. این رویکرد ترامپ همانطور که اشاره شد به این دلیل است که بخشی از کوکلاکس کلان‌ها، نتوانازی‌ها و ناسیونالیست‌های افراطی حامیان وی هستند و به او رای داده‌اند. به بیان دیگر حدود ۱۵ ایالت آمریکا از نظر اقتصادی و سیاسی در اختیار این کوکلاکس کلان‌ها است و آنها افرادی ضدنژادگرایی، ضدزن و به شدت مذهبی هستند.

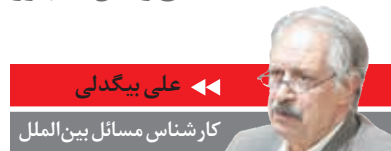
این مسائل نشان می‌دهد که آمریکا با مشکلات نهفته‌ای درون خود مواجه است. برخی تحلیلگران بزرگ سیاسی دنیا اعتقاد دارند که آمریکا در حال اضمحلال و نابودی است و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند ایالات متحده به سرعت از قدرتی که داشت تنزل خواهد یافت. بنابراین آمریکا برای جلوگیری از این روند باید تغییرات ساختاری عمده‌ای انجام دهد اما این تغییرات بسیار سخت است. چرا در آمریکا بیش از ۵۰۰ نهاد وجود دارد که اقدامات مذهبی، سیاسی و اقتصادی انجام می‌دهند. آمریکا یک جامعه بسیار پیچیده است و درون آن ابهامات بسیار آزاردهنده‌ای به چشم می‌خورد.

از این رو از یک طرف نارضایتی‌ها در آمریکا در حال گسترش است و از سوی دیگر جامعه سرمایه‌داری آمریکا به دلیل وجود لابی‌ها و نهادهای بسیار نمی‌تواند ساختارها و روش‌هایش را تغییر دهد. همچنین ترکیب جمعیتی در این کشور نیز در حال تغییر است که این مساله نیز زنگ خطری برای آمریکا به شمار می‌رود.

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه ۸۰ قدرت بسیاری از جهت نظامی و اقتصادی داشت و امروز نیز تصور آنها بر این مبنا استوار است که به آن دهه‌ها بازگردند. این در حالی است که امکان بازگشت به آن دوران به دلیل امتزاج جمعیتی و کثرت مراکز تصمیم‌گیری و قدرت‌نمایی وجود ندارد. بنابراین آمریکا برای ادامه حیات خود باید تجدیدنظری در همه نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فکری‌اش داشته باشد. ▶

پرستیژ آمریکایی در خطر!

استیضاح رئیس‌جمهور، خوشایند مردم آمریکا نیست



نزول محبوبیت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تصمیمات شتابزده‌اش، وضعیت تنش‌زای روابط واشنگتن با متحدان غربی، اظهارنظرهای جنجالی ترامپ در خصوص نژادپرستان و گروه‌های افراطی و حمایت از آنها، همگی دست به دست هم داده است تا امروز بحث استیضاح ترامپ بیش از هر زمان دیگری مطرح باشد. تابه‌حال در آمریکا هیچ رئیس‌جمهوری نداشته‌ایم که تا بدین حد سطح محبوبیتش نازل یعنی چیزی حدود کمتر از ۴۰ درصد باشد. برای جامعه آمریکا تا بدین حد نزول محبوبیت رئیس‌جمهورشان اصلاً بحث خوشایندی نیست.

البته با وجود تمام این مسائل بحث استیضاح رئیس‌جمهور در آمریکا اصلاً بحث آسانی نیست و از سوی دیگر جدای از شخص رئیس‌جمهور، مردم آمریکا استیضاح و برکناری رئیس‌جمهورشان را ناقض شأن و پرستیژ آمریکایی می‌دانند. با وجودی که پیش‌تر در خصوص دور رئیس‌جمهور دیگر آمریکا یعنی ریچارد نیکسون و بیل کلینتون نیز بحث استیضاح مطرح شده بود اما این روند بسیار دشوار و در ساختار سیاسی و حقوقی ایالات متحده، فرآیندی طولانی و بسیار پیچیده دارد؛ به‌طوری که دوسوم کنگره باید به این موضوع رای بدهند و دیوان عالی کشور هم این موضوع را تایید کند. لازم به ذکر است که اگر رئیس‌جمهور آمریکا به هر نحوی کنار برود یا ترور شود، معاون او به پست ریاست‌جمهوری می‌رسد. بدشأنی مردم آمریکا این است که مایک پنس هم که معاون ترامپ است، از نظر شخصیتی به مراتب از ترامپ نژادپرست‌تر و از لحاظ مذهبی بسیار غلظت بیشتری دارد. اما باید توجه داشت که اگر استیضاح رئیس‌جمهور فعلی آمریکا به‌طور جدی مطرح شود با استیضاح ریچارد نیکسون و بیل کلینتون تفاوت ماهوی خواهد داشت.

باید توجه داشت که رفتارها و تصمیمات دونالد ترامپ به‌طور مکرر نشان داده با معیارهای ارزشی پذیرفته شده نخبگان آمریکا در صحنه سیاست داخلی و خارجی سازگاری ندارد. پشتیبانی گروه‌های راست افراطی و حامیان برتری نژادی سفیدپوست از جمله «کوکلاکس کلان‌ها» (این گروه اخیر به قدری افراطی

هستند که در گذشته سیاهپوستان را آتش می‌زدند و به پایکوبی مشغول می‌شد) که بسیار مهاجر و بیگانه ستیز هستند از نامزدی دونالد ترامپ، یکی از دلایل وضعیت نامناسب کنونی آمریکاست.

سردرگمی رئیس‌جمهور آمریکا در انتخاب افراد مناسب و بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری نیز از جمله نقاط ضعف ترامپ است؛ وی تاکنون حدود ۳۵ نفر از مقامات ارشد را قربانی ساخته و شرایط آشفته‌ای را بر کاخ سفید حاکم کرده است. وضعیت فعلی آمریکا، شرایطی کم‌نظیر است به‌طوری که مزه‌مه‌هایی در رابطه با استیضاح رئیس‌جمهور شنیده می‌شود.

انتقادی که دونالد ترامپ به باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا وارد ساخته بود که وی «پرستیژ آمریکا» را در عرصه جهانی تضعیف کرده است، اکنون خود رئیس‌جمهور فعلی آمریکا مصداق واقعی تخریب چهره آمریکا است.

در خصوص بحث‌های نژادپرستی و دوقطبی شدن آمریکا باید مدنظر داشت که دو قطبی بودن ایالات متحده آمریکا، مساله جدیدی نیست؛ از زمانی که این کشور تشکیل شد، نیروهای انگلیسی که وارد آمریکا شدند به دلیل کمبود نیرو، قراردادهایی با این کشور امضا کردند تا از آفریقا نیرو بیاورند. آفریقاییان از همان زمان به عنوان نیروهای پست در ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شدند. بعد از آن نیز بحث جنگ شمال و جنوب و مسائل برده‌داری در آمریکا پیش آمد که در آن مقطع آبراهام لینکلن، رئیس‌جمهور آمریکا بود. لینکلن برای اینکه برده‌داری را فسخ کند اقدامات بسیاری انجام داد.

درواقع امروز او بدین جهت مشهور است که به تاریخ برده‌داری در آمریکا خاتمه داد و ایالات متحده آمریکا را با نظارت بر مسائل مربوط به جنگ در دوران جنگ داخلی آمریکا پابرجا نگه داشت. او پایه‌گذار خردورزی، آزادی، برابری، دموکراسی و احیای اندیشه‌های والای انسانی بود. بنابراین لینکلن موفق شد حلقه‌های محاصره دور سیاهان را از بین ببرد، اما آثار آن همچنان باقی بود تا اینکه در قرن بیستم جنبش سیاهان تحت عنوان جنبش مدنی به حق و حقوق جدیدی دسترسی پیدا کردند و مارتین لوتر کینگ، رهبری این جنبش مدنی را بر عهده داشت. در اثر این جنبش، سیاهان اجازه حضور در برخی سازمان‌های دولتی را پیدا کردند اما هنوز در سطوح بالای جامعه یک تفرق عمیقی نسبت به سیاهپوستان وجود دارد. به‌خصوص در شمال شرقی آمریکا مانند بوستون، نیویورک و واشنگتن که خاستگاه ثروتمندان آمریکایی است همچنان تفرق



مرشد ارشاد

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همانطور که از اسمش نیز پیداست، قرار بوده که یک نهاد فرهنگی باشد. یک مرکز مدیریت و برنامه‌ریزی کلان که درد فرهنگ کشور را بشناسد و برای آن نسخه‌های خوبی بنویسد. متصدیان‌ش هم به دنبال داروهای خوب بروند و خلاصه این درد را علاج را درمان کنند. اما معلوم نیست چرا سال‌هاست که این درد کهن، به تن نحیف فرهنگ باقی مانده و کهنه و کهنه‌تر شده! در حاشیه معرفی وزیر جدید ارشاد به مجلس، نیم نگاهی به این موضوع خواهیم کرد.

فرهنگ

تیتراول

از جنس حوزه

سیدعباس صالحی چگونه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را اداره می‌کند؟



نقیسه رحمانی

روزنامه‌نگار

۱ شاید نتوان نظر دقیقی درباره این مطرح کرد که در تاریخ نظام سیاسی جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد روزهای سخت‌تری را به جهت ریاست نا کارآمدان به خود دیده، یا وزارت آموزش و پرورش! دو سنگر مهم که همواره افرادی در رئوس آن قرار داده شده‌اند که بهره‌شان از فضای سیاسی یا امنیتی کشور، بیش از فضای فرهنگی و آموزشی بوده است. یا چهره‌هایی با سوابق امنیتی و اطلاعاتی و سیاسی بودند یا دانش آموختگانی از رشته‌های فنی و مهندسی که قطعاً، طبعی متفاوت از آنچه با روح فرهنگ سازگاری دارد را در خود داشته‌اند!

این گزاره، همواره یکی از مهم‌ترین گلایه‌های اهالی فرهنگ و هنر بوده است. گلایه‌ای که این روزها و همزمان با معرفی وزیر جدید فرهنگ و ارشاد به مجلس شورای اسلامی، در کمتر یادداشت یا مصاحبه‌ای به آن برمی‌خوریم. وفاق جمعی درباره گزینه احتمالی وزارت ارشاد که اکنون سرپرست این وزارتخانه نیز هست، فعالین حوزه فرهنگ را بیشتر از گذشته به آینده امیدوار کرده است! در این نوشتار پس از مروری کوتاه بر آنچه وزارت ارشاد را تا به امروز رسانده، به سراغ مرور برنامه‌های وزیر پیشنهادی آینده می‌رویم. برنامه‌هایی که امید است با طرح درست و اجرایی‌سازی آنها، بتوان فرهنگ را از این شرایط بیمارگونه تا حدود زیادی خارج کرد.

این وزارتخانه در جمهوری اسلامی ایران، تصمیمی تازه گرفته می‌شد. از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون چهره‌های زیادی سکندار این وزارتخانه بوده‌اند. مرحوم ناصر میناچی، عباس دوزدوزانی، عبدالمجید معادیخواه، سیدمحمد خاتمی، علی لاریجانی، مصطفی میرسلیم، سیدعطاءالله مهاجرانی، احمد مسجدجامعی، محمدحسین صفارهرندی، سیدمحمد حسینی، علی جنتی و رضا صالحی امیری، نام‌های آشنایی بودند که هرکدام برای سالیان نه چندان درازی، عنوان وزیر ارشاد را با خود همراه داشته‌اند.

دوران فعالیت و البته بر کناری تمام آنان نیز، با حاشیه‌های زیادی همراه بود که تا حدود زیادی متأثر از فضای سیاسی جامعه و نقش آنها در ساختارها و نهادهای سیاسی یا امنیتی بوده است! معضلی که همواره سایه سیاست را بر سر برنامه‌های فرهنگ کشور برقرار نگه داشته و اجازه خروج از این فضا را صادر نکرده است.

◀ وزارتخانه‌ای به قدر یک حسینیّه!

ناصر میناچی؛ نخستین وزیر ارشاد جمهوری اسلامی ایران، در دولت مهندس مهدی بازرگان بود. در آن دوران عنوان تبلیغات و جهانگردی، برای این وزارتخانه انتخاب شده بود که به دلیل نقش مرحوم میناچی در مدیریت حسینییه ارشاد و فعالیت‌های فرهنگی سابقه‌دار وی در آن مکان، پیشنهاد تغییر نام وزارتخانه به ارشاد ملی طرح و پذیرفته شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز که حدود ۴۰ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی می‌گذرد؛ دوازده تن مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر عهده داشته‌اند. مسئولیتی که در دوره‌های مختلف با سروصداها و حاشیه‌های زیادی همراه بود و در واقع یکی از خبرسازترین وزارتخانه‌ها را پشتیبانی کرده است. تا چندی دیگر شاهد معرفی سیزدهمین تن از این فهرست به مجلس خواهیم بود و در همین راستا، مروری کوتاه بر کارنامه این وزارتخانه در طی سالیان متمادی خواهیم داشت.

پس از ادغام دو وزارتخانه فرهنگ و هنر و برخی ارگان‌های وزارت علوم و آموزش عالی، وزارتخانه‌ای جدید با نام وزارت فرهنگ و ارشاد تشکیل شد. چندی بعد؛ در خردادماه ۱۳۵۸ بود که نام این وزارتخانه برای دومین بار به وزارت ارشاد ملی تغییر داده شد.

این آخرین باری نبود که عنوان وزارت ارشاد دستخوش دگرگونی شد. وزارتخانه یک سال بعد، یعنی در سال ۱۳۵۹ نامش به وزارت ارشاد اسلامی تغییر کرد و در همان سال، تعدادی از واحدها از وزارت فرهنگ و آموزش عالی جدا و در وزارت ارشاد اسلامی ادغام شدند.

وزارت ارشاد اسلامی تا اسفند ۱۳۶۵، با همین عنوان به کار خود مشغول بود. اما در همین زمان بود که به موجب قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نام وزارت ارشاد اسلامی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغییر یافت. این آخرین باری بود که درباره عنوان



چالش دنباله‌دار
یک نقطه قوت و یک نقطه ضعف از برنامه‌های وزیر سیزدهم



انتظار وزیر بودن!
در حاشیه معرفی سیزدهمین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷، سردبیری مجله حوزه بود. پس از آن مسئولیت دفتر تبلیغات اسلامی خراسان را عهده‌دار شد و از سال ۷۶ تا کنون در سه دوره متوالی عضو هیات مدیره و امنای دفتر تبلیغات اسلامی شد.

مدیر مسئولی نشریه پژوهش‌های قرآنی و عضویت در هیات تحریریه نشریات فقه اهل بیت و کاوش فقه در فقه اهل بیت، مدیر مسئولی و سردبیری نشریه پگاه، موسس سایت دین آنلاین و تالیف مقالاتی در این زمینه از دیگر سوابق فرهنگی صالحی است. به این معنا نخستین امتیاز مثبت در کارنامه او، آشنایی به فضای رسانه و پایسته‌های پژوهش و تالیف در این زمینه است. حلقه مفقوده‌ای که در میان بسیاری از وزرای ارشاد، همواره وجود نداشته است. یکی از مهم‌ترین مواردی که در بررسی شایستگی صالحی برای عهده‌دار شدن وزارت ارشاد توسط وی باید به آن توجه کرد، مساله ارتباط و پایگاه او در میان حوزویان است. به این معنا که سابقه حضور او در حوزه و تحصیلات حوزوی، منجر به ارتباطات وثیق وی با این قشر از اندیشمندان شده است. در نتیجه در فضای کنونی کشور که نیاز به تعامل سیاست‌گذاران فرهنگی و اندیشمندان حوزوی برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، بیشتر احساس می‌شود، صالحی می‌تواند یک حلقه ارتباط به حساب آید. همانطور که خود او نیز به این نکته اشاره کرده: «اعتمادی که کمابیش نسبت به بنده در حوزه‌های دینی، روحانیت، مراجع دینی و پاره‌ای از نهادهای دیگر وجود دارد، شاید بتواند به کمک این بیاید که در یک تعامل و تفاهم فعال تری مسائل پیش‌رو و به نحوی که هم دیدگاه‌ها به هم نزدیک‌تر شود و هم در عمل چالش‌های کمتری در این حوزه داشته باشد. این ادله و ادله‌های مشابه موجب شدن من در فضایی به موضوع وزارت نزدیک‌تر شوم.»

◀ استراتژی گفت‌وگو

صالحی در مصاحبه‌ای که در هفته گذشته با تسنیم داشت، درباره یکی از مهم‌ترین محورهای برنامه‌ریزی‌های ارشاد نیز توضیحاتی ارائه کرد. او درباره فضای پیش‌آمده در سینما و هنر، در سالیان اخیر این چنین گفته است: «بین حوزه هنر و حوزه فرهنگ باید ارتباط جدی‌تری برقرار شود. اجمالا در هنر می‌توان این نقص را دید که به خاطر اینکه گاهی کمتر با اصحاب فرهنگ مرتبط بوده، کم‌مایگی در آن ممکن است دیده شود و از آن طرف چون اصحاب فرهنگ ما با اصحاب هنر ارتباط کمتری داشتند، ممکن است گاهی از خلاقیت‌های عرصه هنر محروم مانده باشند. گفت‌وگوی اصحاب فرهنگ و هنر با کنشگران دیگر اجتماعی هم لازم است، هم با اصحاب دین، هم با اصحاب سیاست، هم با اصحاب امنیت و...»

وزارت ارشاد در این سالها همواره فرهنگ را قربانی رفتار سیاسی وزرا کرده است. به این معنا که از مهاجرانی تا علی جنتی و از حسینی تا میناچی، همه و همه قربانی سیاست‌زدگی موجود در جامعه خودشان شدند. جامعه‌ای که برای عملکرد این وزرا در شأن یک متصدی فرهنگ از آنان پاسخی نمی‌خواست. بلکه آنچه در واقع حساسیت برانگیز بود و منجر به رفت‌وآمدهای پیاپی در این وزارتخانه می‌شد، بروزات سیاسی هر وزیر در دوره‌های مختلف بود. امید است که سیزدهمین وزیر این عرصه، موفق‌تر و البته فرهنگی‌تر از دیگر سیاست‌پسندان باشد! ▶

لاریجانی که تا پیش از وزارتش در ارشاد، جانشین ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود، در سال ۱۳۷۲ جای خود را به مصطفی میرسلیم؛ معاون رئیس‌جمهور وقت در امور تحقیقات داد. میرسلیم نیز تا پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری هاشمی در این سمت باقی ماند. میرسلیم که تا پیش از این، عهده‌دار سمت‌های سیاسی در بدنه نظام سیاسی کشور بود، توانست مصالح موقعیتی را به خوبی در دولت‌سازندگی درک کند و در مسیر همراهی با این مصالح گام بردارد. او قبل از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت سیاسی - اجتماعی وزیر کشور، عضویت در حزب مؤتلفه، نامزد پیشنهادی این حزب برای نخست‌وزیری و در دولت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری و مشاور عالی رئیس‌جمهور بود. وی یکی از نخستین چهره‌های کاملاً سیاسی بود که از ابتدای پیروزی انقلاب تا بدان روز، به یکباره پا به عرصه فرهنگ گذاشته و عهده‌دار مهم‌ترین سمت در این حوزه شده بود!

سید عطاءالله مهاجرانی و احمد مسجدجامعی نیز وزیران ارشادی دولت اول و دوم اصلاحات بودند. مهاجرانی که با سرنوشتی سیاسی از کشور خارج شد. مسجدجامعی نیز برای چهار سال تمام، در وزارت ارشاد باقی ماند و البته چرخه اولیه بسیاری از رخداد‌های فرهنگی بزرگ کشور مثل نمایشگاه بین‌المللی کتاب، نمایشگاه بین‌المللی قرآن و احداث خانه‌های کتاب در شهرهای ایران نیز در دوران وزارت او زده شد. مسجدجامعی، بعد از محمد خاتمی؛ دومین وزیر ارشادی بود که برای یک دوره کامل در این وزارتخانه باقی ماند و البته اموری از جنس فرهنگ را نیز در فضای سیاست‌زده جامعه آن روز پیگیری کرد!

با روی کار آمدن دولت مهرورزی و تحول عمده‌ای که در فضای سیاسی و جناح‌بندی‌های سیاسی کشور اتفاق افتاد، محمد حسین صفارهرندی و سیدمحمد حسینی به ترتیب عهده‌دار وزارت ارشاد شدند. صفارهرندی در چهار سال نخست دولت نهم و حسینی در چهار سال دولت دهم، در این وزارتخانه بودند که البته جابجایی آنان نیز طبق روند دیگر وزرای این عرصه، با حاشیه‌های سیاسی همراه بود. علی جنتی و صالحی امیری نیز دو وزیر ارشاد اخیر بودند که در دولت اول حسن روحانی روی کار آمدند. صالحی امیری حدود یک سال و جنتی سه سال از عمر چهارساله دولت را در وزارت ارشاد سپری کردند. در فاصله خداحافظی جنتی از ارشاد و روی کار آمدن صالحی امیری، سیدعباس صالحی عهده‌دار سرپرستی این وزارتخانه بود. سرپرستی که این روزها در قاموس وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم به مجلس معرفی شده و این بار اهالی فرهنگ دل‌خوشی از او دارند!

◀ همراه حوزه

سیدعباس صالحی شریعتی؛ زاده ۱۳۴۲- مشهد. در نوجوانی وارد حوزه علمیه مشهد شد، پس از آن به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و دروس خارج را در قم گذراند. در حوزه قم و مشهد از محضر اساتیدی همچون آقایان؛ صالحی، مدرسی و فلسفی، و حید خراسانی، جواد تبریزی، زنجانی، علم‌الهدی و دیگران بهره‌مند شد. او همچنین در فلسفه از آقایان دینانی، انصاری شیرازی و حسن‌زاده آملی بهره برده است. نخستین سمت اجرایی صالحی، در فواصل سال

میناچی از جمله افرادی بود که در جریان تهیه پیش‌نویس قانون اساسی، فعالیت داشت. در دولت موقت به سمت وزارت ارشاد منصوب شد و البته با استعفاي دولت موقت، با طرح اتهام ارتباط با آمریکا، از سوی برخی از سیاست‌پسندان مثل محمد موسوی خوئینی‌ها، بازداشت و راهی زندان شد! بازداشتی که باعث شد میناچی از این اتهام به امام شکایت برده و خواستار برخورد با برخی از این افراد شود. این در حالی است که در جریان درگذشت میناچی و سال‌های پایانی عمر وی، بسیاری از این چهره‌ها، تلاش می‌کردند تا ارتباطات‌شان با او را به نحو دیگری نمایش دهند.

پس از کناره‌گیری دولت موقت و برکناری میناچی، عباس دوزدوزانی؛ نخستین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دومین وزیر ارشاد در جمهوری اسلامی شد. وی در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰، در کابینه محمدعلی رجائی، عهده‌دار این سمت بود. فعالیت‌های فرهنگی دوزدوزانی البته تا دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی ادامه داشت. او معاون وزیر علوم وقت و مشاور رئیس‌جمهور اصلاحات نیز بود. درخصوص دوران وزارت دوزدوزانی در ارشاد، سخن زیادی گفته و شنیده نشده است، آنچه از کارنامه او که همواره مورد توجه رسانه‌ها و تاریخ‌نویسان قرار گرفته، تاسیس سپاه پاسداران و جریان‌ها مرتبط با آن بوده است.

از سر راه برداشتن یک مزاحم پس از شهادت رجایی و روی کار آمدن کابینه شهید باهنر، دولت موقت مهدوی کنی و سرانجام کابینه میرحسین موسوی، در سال ۱۳۶۰؛ عبدالمجید معادیخواه، به سمت وزارت فرهنگ و ارشاد در کابینه باهنر منصوب شد. در همین ایام بود که ایده انقلاب فرهنگی در فضای کشور مطرح شد و در پی آن، دانشگاه‌ها و مدارس کشور تعطیل و دستور اصلاح متون درسی، در این پایگاه‌های علمی، صادر شد.

معادیخواه که پیش از این نمایندگی مردم تهران در نخستین مجلس شورای اسلامی را به عهده داشت، در جریان انقلاب فرهنگی مواضع متفاوتی از فضای آن روز اتخاذ کرد. وی در مصاحبه‌ای در این باره گفته بود: «اینکه مزاحم و مانعی را از سر راه برداریم، اسمش انقلاب فرهنگی نیست!... آن چیزی که به عنوان انقلاب فرهنگی شکل گرفت آموزه‌ای است از واقعیت‌های انقلاب و کاستی‌هایی که به دلیل شرایط خاص در آن بوده و این شرایط به کارهایی که در مجموع زیان‌بار بود مشروعیت داد و همه پیامدهایش ستایش‌برانگیز نیست.»

معادیخواه تا آذرماه ۱۳۶۱، عهده‌دار این سمت بود و با روی کار آمدن کابینه میرحسین موسوی، جای خود را به سیدمحمد خاتمی داد. خاتمی از آذرماه ۱۳۶۱ تا خردادماه ۱۳۷۱؛ در سمت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی باقی ماند. پس از آن بانوشتن نامه‌ای به مرحوم هاشمی؛ رئیس‌جمهور وقت، استعفاي خود را از این سمت اعلام کرد و به کتابخانه ملی ایران و البته شورای عالی انقلاب فرهنگی بازگشت. علی لاریجانی، گزینه بعدی برای احراز این سمت در وزارتخانه ارشاد بود که از سوی دولت هاشمی رفسنجانی به مجلس شورای اسلامی، پیشنهاد شد.

◀ آسیاب به نوبت...

لاریجانی تا بهمن‌ماه ۱۳۷۲ در وزارت ارشاد اسلامی باقی ماند و پس از آن به سازمان صداوسیما رفت.



چالش دنباله دار

یک نقطه قوت و یک نقطه ضعف از برنامه های وزیر سیزدهم

زهره غفاری زاده

خبرنگار

توقع عاقلانه از نمایندگان مردم این بود که برنامه های دقیق تری از وزیر تازه مطالبه کنند و او نیز به فراخور اهمیت بحث، راهکارهای دقیق و عملیاتی در این باره به مردم ارائه دهد.

مرور تاریخ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرور یک چالش دنباله دار در طول چهل سال است. وزرای فرهنگ طی این سالیان دراز یا درکی از فضای فرهنگ نداشته اند و قدم به این عرصه گذاشته اند که دست آخر اهالی هنر و ادب آنها را نپذیرفته اند و کنارشان زده اند، یا آن قدر در فضای تساهل و فانتزی ها غرق بودند که دست آخر وزارتخانه را گذاشتند و به تاجک آبادها رفتند!

این بار اما می گویند، داستان کمی فرق می کند.

یکم: سیدعباس صالحی؛ در نظر اهالی رسانه و فرهنگ و هنر، بیش از آنکه یک مدیر اجرایی یا معاونی در بدنه وزارت ارشاد باشد، یک اهل درس و بحث است. طلبه ای که از بدنه حوزه مشهد و قم درس خواندن را آغاز کرده و در میان این ادوار به خوبی چرخیده و کسب علم کرده است. با علما و فضایی حوزوی ارتباط خوبی داشته و دارد و اصلاً خانواده ای اهل حوزه و حجره دارد و طبیعی است که یکی از مهم ترین خواسته ها و البته برنامه های

او، برقراری تعامل سازنده با حوزه علمیه باشد. ارتباطی که اگر برقرار شود، می تواند بال شکسته فرهنگ، خصوصاً در عرصه عمومی را ترمیم کند و مخاطبان بیشتری را چه از سوی حوزه و چه از سوی هنر، به سمت مقابل جذب کند.

فضایی که صالحی راه ایجاد آن را برقراری دیالوگ یا گفت و گو بین اهالی این حوزه می داند. او در این باره هم جدی دارد و این طور می گوید: «با توجه به سابقه هایی که در ارتباط با من، هم در محیط های دانشگاهی هم در محیط های حوزوی و هم فعالیت های فرهنگی و سازمان های فرهنگی فعال در کشور وجود دارد، همان طور که می دانید یکی از مشکلاتی که شاید در حوزه فضای فرهنگ و هنر گاهی دیده می شود، این است که مجموعه ها و نهادهای فرهنگی متعددی وجود دارند که در یک همکاری و هم افزایی کامل حرکت نمی کنند و این یکی از نقدها یا نقص هایی است که در حوزه فرهنگ و هنر دیده می شود. بنابراین ما با توجه به ارتباطات و اعتمادهایی که وجود دارد، باید بتوانیم خط اتصال با شیم برای حرکات اهالی فرهنگ تا یک تبادل و تعامل بهتری صورت گیرد.»

ارتباط و اتصال که چه در حوزه تصمیم، چه در حوزه پیشنهاد و چه در حوزه تامین اتفاق بیفتد، می تواند حرکتی عظیم برای خروج فرهنگ از فضای رکود و البته «بی صاحبی بودگی» فعلی به حساب آید.

صالحی درباره ارتباطش با حوزه، در مصاحبه ها نیز صحبت کرده و از این ارتباط به عنوان یکی از مهم ترین

دلایل معرفی او به عنوان وزیر ارشاد، سخن گفته است. او در این باره به تسنیم، این چنین می گوید: «اعتمادی که کمابیش نسبت به بنده در حوزه های دینی، روحانیت، مراجع دینی و پاره ای از نهادهای دیگر وجود دارد، می تواند به کمک این بیاید که در یک تعامل و تفاهم فعال تری مسائل پیش رود، به نحوی که هم دیدگاه ها به هم نزدیک تر شود و هم در عمل چالش های کمتری در این حوزه باشد.»

این زاویه نگاه، چه در وزیر جدید و چه در مجموع سیاسیونی که او را برای این صندلی انتخاب کرده اند، نشان از آن دارد که امروز قدر جایگاه های مولد اندیشه ها و مفاهیم دینی، چه در حوزه و دیگر نهادهای شبیه به آن، از حیث تولید محتوا و مرجعیت فکری به خوبی شناخته و درک شده است. فضایی که تا پیش از این در میان اهالی فرهنگ و هنر شناخته یا پذیرفته نبود. از سویی متولیان فرهنگ و ارشاد سعی داشتند که سایه این مرجعیت دینی را در میان عموم با نادیده گرفتن، کمرنگ انگارند و از سویی حوزه نیز در جایگاه خود اصرار به امور مورد تایید خود می ورزید! این یکی از مهم ترین چالش های پیش روی تاریخ ارشاد، در تمامی دوره ها بوده که امید است با تدبیر تعامل، قدم در مسیر حل شدن بگذارد.

دوم: یکی از مهم ترین مسائلی که همواره در عرصه فرهنگ وجود داشته و اما توجه چندانی به آن نشده، مساله اشتغال و هزینه های اشتغالزایی در این حوزه است. در کل، فرهنگ و هنر همیشه به عنوان یک حوزه موازی با مشغولیات و اشتغال اصلی افراد تعریف شده! حوزه ای که افراد شاغل در آن نه تنها دغدغه امور مالی ندارند، بلکه نباید چنین دغدغه ای داشته باشند.

این مساله اگرچه در حوزه موسیقی و سینما چندان احساس نمی شود اما در حوزه هایی مثل ادب، کتاب، مطبوعات، شعر و... یک معضل اصلی برای اهالی این حوزه است. دغدغه ای که بسیار بارها، به شعر شاعران و طنز قلموران و تیترو روزنامه نگاران کشیده شده و اما هیچ درمانی برای آن چاره نشده است. سیدحسن حسینی چه خوب می گفت که شاعری وام گرفت، شعرش آرام گرفت! مساله اشتغالزایی در فرهنگ، امروز به صدر لیست خواسته های اهالی این حوزه آمده است. چه بسیار تحصیل کردگان و تجربه اندوزانی که امروز پس از گذشته سال ها با پشتوانه مادی چندانی برای آینده خود مواجه نیستند. آنها سال های دراز از عمر و سرمایه و تلاش شان را در راه رشد فرهنگ گذاشته اند و امروز عایدی آنها از این فضا، هیچ است.

صالحی در نشست که دوشنبه گذشته با اهالی کمیسیون فرهنگی و اجتماعی مجلس داشت، به این نکته اشاره کرد و اینطور گفت که در این باره چاره اندیشی هایی می شود! وی اینطور گفت: «نمایندگان مجلس باید در ارتباط با مراکز فرهنگی، آنها را حمایت و بودجه مناسبی را اختصاص دهند... اقتصاد فرهنگ و هنر، شاخص مهم برنامه های ما است و اشتغال در این زمینه کم هزینه است؛ در این رابطه به بهبود و رونق حوزه فرهنگ در چارچوب اقتصاد مقاومتی توجه داریم.»

هرچند صالحی به بهبود این فضا اشاره کرد و از توجه بیشتر به این حوزه خبر داده، اما بعید است که چنین معضل بزرگی که اتفاقاً انگیزه بسیاری از فعالیت ها را سلب می کند، با اندکی توجه و اهتمام از پیش رو برداشته شود! توقع عاقلانه از نمایندگان مردم این بود که برنامه های دقیق تری از وزیر تازه مطالبه کنند و او نیز به فراخور اهمیت بحث، راهکارهای دقیق و عملیاتی در این باره به مردم ارائه دهد.

وگرنه این در تا همیشه روی یک پاشنه خواهد

چرخید...!



انتظار وزیر بودن!

در حاشیه معرفی سیزدهمین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

جلال خالقی

روزنامه نگار

۳ مدتی پیش از دومین دولت احمدی نژاد یکی از طنزپردازان خارج نشین از وی درخواست کرد اگر چه بهترین سوژه طنز نویسان داخل و خارج کشور است، حاضر هستند این اثر کرده و به قیمت از دست دادن سوژه های متعدد خویش، مملکت را به سامان رسانده و از او درخواست عدم کاندیداتوری کنند.

بر همین قیاس اما از زاویه ای دیگر به واسطه پیش تر رفته ها، از حضور جناب آقای سید عباس صالحی در مسند وزارت ارشاد با هر دیدگاه و رویه به صرف جنسی که از هنر و فرهنگ دارد استقبال کرده و همین که از این مقطع به بعد بنده و همکارانم از به کار بردن عبارت معنادار «وزیر امنیتی فرهنگ» ناتوان خواهیم شد را به ضرر این حقیر و به نفع جامعه فرهنگی هنری کشور به فال نیک می گیریم.

تقاضا داریم اگر قرار است همچنان استفاده سیاسی و دوگانه سازی هایی از جنس برگزاری و عدم برگزاری کنسرت با هدف پرت کردن حواس ملت از ناکارآمدی های معیشتی صورت گیرد نیز اتفاق عملیات روانی چنین حرکت هایی مستقر در خود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده و صرفاً خطوط کلی مورد نیاز به این محفل ابلاغ گردد. چه آنکه شاهد بودیم طراحی های مورد نظر برای جنجال سازی در فضای دانشگاه ها، چون در داخل بخش هایی از خود وزارت علوم و از سوی افرادی با هویت ریشه دار دانشگاهی صورت می گرفت، در عین حال که رضایت آمرین برون وزارتی و بالادستی را بر عهده داشت، تا حد ممکن تلاش می شد مضرات غیر ضروری برای دانشگاه های کشور به همراه نداشته باشند.

امری که در وزارت ارشاد رعایت نشد و مصداق اکمل آن نخست به کارگیری فردی بود که همه می دانیم چرافت سپس به کارگیری چهره دیگری بود که سوابق امنیتی داشت قرار گرفتن فردی با چنین روحیاتی در جایگاه ساکننداری فرهنگ و هنر کشور یک روایت طنز و هجو گونه نبود، بلکه

اکنون دیگر بخشی از تاریخی است که بر سر فرهنگ و هنر ایران رفته است، بنابراین هر چقدر هم غیر منطقی به نظر آید رویدادی است که حادث شد و بالطبع نتایجی از جنس چنین افکاری را هم در پی داشت، آنگاه که همت موجود خود را نیز مصروف تهیه و ارسال بولتن های خبری مهندسی شده هفتگی برای برخی چهره های سینمایی و فرهنگی می ساختند تا همدمند آنها را تغذیه فکری کرده و برای اظهار نظرهای مورد نیاز در مقاطع خاص آماده سازی کنند.

استفاده ابزار گونه گسترده از مطالبات صنفی و غیر صنفی و خواسته های بحق یا ناحق توأم با وعده های فریب دهنده، موضوعی بود که اگر برای برخی از طرف های سیاسی/قومیتی/مذهبی در ایام انتخابات و سپس بعد از آن، معنای عام پیدا کرد برای هنرمندان مدت هاست معنای اخص دارد.

روحیات حساس و لطیف هنرمندان هیچ همخوانی با این حقیقت ندارد که تبدیل به یکی از سرفصل های عملیات تبلیغی تهییجی و جذب رای آقای دوباره کاندیدا بشوی سپس خدا حافظ تا ۱۴۰۰، مگر آنکه پیازی، گوشتی چیززی گران شود یا وزیری به قشری از مردم توهین کرده باشد تا بدان سبب یکی از مطالبات شما یک هفته ای از باب پوشاندن و کم رنگ سازی مطلب رخ داده باز دیگر مورد توجه رسانه های زنجیره ای و لشکر روبات های توییتری قرار گیرد.

انتظار مهم دیگر ما از فردی که ردای وزارت بر تن می کند، عبارت است از وزیر بودن و نمایش نبودن، فی المثل چنانچه همه می دانیم وزیر اقتصاد در دولت قبلی کم ارجح ترین فرد در اقتصاد کشور بود و تصمیم گیری های کلان اقتصادی در محیط چند پارهای اتخاذ می شد

انتظار مهم دیگر ما از فردی که ردای وزارت بر تن می کند عبارت است از وزیر بودن و نمایش نبودن، فی المثل چنانچه همه می دانیم وزیر اقتصاد در دولت قبلی کم ارجح ترین فرد در اقتصاد کشور بود و تصمیم گیری های کلان اقتصادی در محیط چند پارهای اتخاذ می شد که بر اساس پارامترهای خاصی میان آقایان نوبخت، جهانگیری و نهاوندیان تقسیم گشته بود.

از جناب صالحی در خواست داریم وزیر ارشاد باشید، به خواسته های ابلاغی هم صد البته تا حد صدق «باشنه بالا کشیدن» تمکین کنید ولی شأن عنوان وزارت را رعایت فرمایید و اگر قرار است صرفاً تدارکاتچی اقدامات مورد نظر برخی آشنایان باشید، چه بهتر که همچون دولت یازدهم در سمتی تخصصی تر باقی بمانید که شما را کمتر در تیررس گالیه های اهل فرهنگ و هنر قرار می دهد که بابت این همه ابزار دست شدن ها به صورت جدی مکدر شده اند.

بازیگران عرصه سینمای مدت هاست که با بحران بیکاری های طولانی مدت و مشکلات معیشتی ناشی از آن پنجه در پنجه هستند، فعالان عرصه تئاتر گالیه دارند که معدود سالن های مناسب اجرای پایتخت نیز محل تاخت و تاز آنانی شده که پول اجاره سالن و اجرای تجاری دارند، خبرنگارانش هر روز مورد توهین و تحقیر افراد ریز و درشت قرار می گیرند و بسیاری از بخش های دیگر آن حتی رمقی برای فریاد زدن ندارند که بدانیم دقیقاً در چه وضعیتی هستند.

امید داریم عملکرد شما به گونه ای نباشد که به نظر آید آقای روحانی صرفاً یک صندلی هیات دولت به شما بدهکار بوده است، چنانچه گویا خانم ابتکار یک صندلی هیات دولت طلب دارند که دیروز در محیط زیست و امروز در بخش دیگری در کابینه باشند.

در پایان با تقلید از تیتیری که عزیزی پس از برکناری معاون مطبوعاتی پر حاشیه دولت دهم زده بود، تقاضا دارم به راه ارشاد دولت یازدهم نروید تا هر چه دیرتر به مقطع «از پاسخ می مانم» برسید. ▶



برنامه ریزی برای آشتی فرهنگی

ارزیابی اعضای سابق و فعلی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از عملکرد وزیر ارشاد آینده

احمد رضا کلانتری

خبرنگار

از نظر شما؛ آیا سید عباس صالحی گزینه مناسبی برای تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است؟! دلایل مخالفت و موافقتان چیست؟

▲ سیده فاطمه ذوالقدر: نکات مثبت و قوتی که در صحبت‌ها و گفتگوهای نمایندگان و آقای صالحی بیان شده، چه در کمیسیون فرهنگی و چه در فراکسیون ورزش و چه در فراکسیون‌های دیگری که به صورت مشترک در جلسات آنها شرکت داشتیم، ایشان تاکید داشتند که می‌توانند تعامل خوبی با نمایندگان مجلس در این باره داشته باشند. آقای صالحی به دلیل شناختی که علما از ایشان داشته و دارند و همچنین پایگاه خانوادگی ایشان در میان قشر مذهبی و البته سابقه حضورشان در حوزه، می‌تواند فضای خوبی را برای تعامل و اعتمادسازی بیشتر در این باره رقم بزند. ارتباط خوب آقای صالحی با حوزه‌های علمیه، سازمان‌هایی مثل سازمان تبلیغات اسلامی و... می‌تواند مسیر جدیدی را در حوزه فرهنگی باز کند.

ایشان همانطور که در برنامه‌های شان نیز اشاره کرده‌اند، طرح آشتی فرهنگی را در دستورکار خود دارند. آشتی بین نهادهای مختلف فرهنگی که در صورت اجرایی شدن، می‌تواند مبنای نظری ایشان درباره تعامل و ارتباط را به خوبی نشان دهد. همچنین بهبود کسب و کار اصحاب فرهنگ، در چارچوب و با عنایت به بحث اقتصاد مقاومتی که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اهالی فرهنگ در این

۴ سید عباس صالحی؛ سیزدهمین وزیر ارشادی است که این روزها بر مصدر وزارت تکیه زده و قرار است سر رشته امور فرهنگی را در دست گیرد. یک جامع‌الطرفین سیاسی و فرهنگی که شاید بتوان گفت تا پیش از این شاهد حضور چنین فردی در راس وزارتخانه فرهنگ و ارشاد نبوده ایم!

برای بررسی بهتر آنچه پیش روی اوست، سراغ اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی رفته‌سیم و ارزیابی آنها از این آینده‌نه چندان دور را در گفتگوهای مختصر و مفید جویا شده ایم.

حوزه است، می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد. هم از حیث فرهنگ و هم از حیث تأثیری که در حوزه اشتغال و اقتصاد به جای خواهد داشت.

مورد دیگری که باید به آن اشاره کرد، تاکید ایشان بر بحث دیپلماسی فرهنگی و اهمیت به این مساله است. در مجموع با توجه به آشنایی ایشان با مسائل فرهنگی چه در حوزه فیلم و سینما و تئاتر و هنر و چه در حوزه دین و حوزه رسانه و... می‌توان توضیحات ایشان را قانع کننده ارزیابی کرد. همچنین سابقه و عملکرد ایشان در وزارت ارشاد و محورهای برنامه‌ای که به عنوان وزیر ارشاد به مجلس ارائه کردند را از نقاط قوت مهم ایشان به حساب آورد.

اصغر مسعودی: از مهم‌ترین نقاط قوت آقای صالحی، حضور ایشان در بدنه وزارت ارشاد و البته

سرپرستی وزارت ارشاد است. اینطور نیست که ایشان از فضای ارشاد بیگانه باشند. این در حالیست که متأسفانه پیش از این شاهد بوده ایم که برخی مدیران از فضای ارشاد و حوزه فرهنگ به کلی بیگانه بوده‌اند و همین مساله باعث زمانبری در امور وزارت می‌شد چندین ماه طول می‌کشید تا آنها با وضعیت وزارت ارشاد آشنا شوند و وزارتخانه را بشناسند. آقای صالحی اما با این فضا و قسمت‌های مختلف در وزارتخانه آشناست. نکته دیگر، تعهد و تدین ایشان است. آقای صالحی یک چهره مقبولى از خود در دوران مسئولیت‌های پیش از این، ارائه کرده که در این راستا بسیار حائز اهمیت است. فضای شخصیتی و البته خانوادگی ایشان نیز قابل توجه است. ارتباط با علما و بدنه حوزه نکته مهم سوم است که باید به آن توجه کرد. اما چهارمین مورد از نظر من اینکه؛ جناح سیاسی مخالف دولت نیز ایشان را قبول دارند و انتقادات زیادی به وی وارد نکرده‌اند. اما درباره نقاط ضعف باید اینطور عرض کنم که وزارت ارشاد نیاز به گزینه‌ای دارد که جامع صفات باشد و البته این جامعیت در کمتر کسی دیده می‌شود! در چنین فضایی آقای سید عباس صالحی می‌تواند یکی از بهترین گزینه‌های موجود باشد.

طیبه سیاوشی شاه‌عنایتی: با توجه به شناختی که قبل از پیشنهاد آقای صالحی داشتیم و زمانی که ایشان به عنوان معاون فرهنگی وزارت ارشاد مشغول به فعالیت بودند و همچنین جلساتی که در مدت معرفی ایشان برای احراز پست وزارت داشته‌ایم، من ایشان را یک فرد توانمند در حوزه فرهنگ می‌دانم. فردی که دارای یک فهم والا

قابل توجه و اهتمام بسیار است. **سید مرتضی حسینی:** اولویت نخست از نظر من؛ بحث فرهنگ عمومی است. ما در حال حاضر، در حوزه فرهنگ عمومی، مشکلات زیادی داریم. بر همین اساس هم اگر وزیر آینده، پرداخت به فرهنگ عمومی را در دستورکار خود قرار دهد، حوزه‌های دیگر مثل سینما و تئاتر و اندیشه‌های فرهنگی و کتاب و... را نیز به همین سو می‌برد. اگر فرهنگ عمومی در جامعه مطلق معیارهای درست و دینی که برای آن در نظر آورده شده است، اصلاح شود، بسیاری از مسائل و مشکلات عمومی نیز حل خواهد شد. اما متأسفانه در این زمینه در طی سالیان گذشته بسیار ضعیف کار شده است.

فرهنگ عمومی مهم‌ترین مساله است و اگر وزیری این موضوع را در محوریت اقدامات و برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهد، می‌تواند در حوزه‌های دیگر نیز موفق باشد. اما درباره شخص آقای صالحی؛ باید ایشان را در چارچوب این دولت دید. در واقع اولویت دولت در حوزه فرهنگ، چنین مواردی نیست، پس آقای صالحی نیز نمی‌تواند چنین کاری که در حوزه دیدگاه و اندیشه ایشان نیز هست، را اجرایی کند. دیدگاه و تلاش برخی از سیاستگذاران در دولت، اجرای آزادی به معنای بی‌بند و باری و لیبرالیسم فرهنگی در جامعه است. در نتیجه افرادی که دعوی چنینی در سر دارند، درصددند مصوباتی را اجرایی کنند که در این راه به آنها کمک کند. بر همین اساس؛ من احساس می‌کنم آقای صالحی نمی‌تواند در چارچوب این دولت معجزه کند!

اما خطاب به آقای صالحی این نکته را عرض می‌کنم که فرصتی که خداوند برای وزارت ارشاد به شما عطا کرده، یک توفیق الهی است. ایشان باید بدانند که قیامتی وجود دارد، و همه ما باید در آن روز به خداوند و اهل بیت و شهدا و... پاسخگوی اعمال مان باشیم. پس اندیشه ما نیز باید طی همین طریق باشد. اگر روزی کسانی در دولت یا مجلس نخواهند این راه طی شود، حجت بر ما تمام است. ▶

حوزه‌ها به صورت همزمان مشغول به کار باشد. کتاب، مطبوعات، سینما، تئاتر، قرآن و... بخش‌های مختلفی هستند که معاونت‌های ارشاد عهده‌دار ساماندهی امور در آن هستند. هر یک از اینها اگر به صورت فعال، کار خود را به پیش ببرند، حتماً کلیت راه ارشاد نیز هموار خواهد بود.

اولویت نخست و کلی کشور امروز، مساله معیشت مردم است. ریشه این بروز مساله در حوزه معیشت، نیز از سویی به حوزه فرهنگ بازمی‌گردد. اما چون مراجع گوناگونی در این حوزه درگیر هستند، کارکرد این مراجع و نهادها در کنار هم می‌تواند منتج به نتیجه شود. اوضاع ارشاد و حوزه فرهنگ نیز به همین منوال است.

ما در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، جلساتی با ایشان داشته‌ایم، به خصوص بنده در حوزه قرآن و امور قرآنی نیز با آقای صالحی جلساتی داشته‌ام و دغدغه‌های عمومی کشور را در این باره مطرح کرده‌ایم. همچنین فضای مجازی نیز از دغدغه‌های دیگر نماینده‌ها بوده که در جلسه با ایشان مطرح شده و امیدواریم این امور در دستورکار قرار داده شود.

طیبه سیاوشی شاه عنایتی: مساله‌ای که همه همکاران ما در مجلس و خصوصاً کمیسیون فرهنگی بر آن تاکید داشتند، رویکردهای آقای صالحی به مسائل مختلف فرهنگی بود. به این معنا که در مواردی که قانون به ایشان اجازه اقدام می‌دهد، اما مجموع شرایط و اجاباهای پنهان جامعه اظهارنظری متفاوت در این باره دارند، ایشان به چه صورت اقدام خواهند کرد؟! این واقعه‌ای که از مهم‌ترین مواردی است که برای اکثریت اعضای کمیسیون فرهنگی مساله بسیار مهمی به حساب می‌آید. ما بر اساس چنین شاخصی می‌توانیم تصمیم‌گیری درستی درباره رویکردهای ایشان یا هر وزیر پیشنهادی دیگری در این حوزه داشته باشیم. اینکه این وزیر پیشنهاد شده، قانون را مدنظر قرار خواهد داد یا اینکه مواردی غیر از قانون را در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها دخیل خواهد کرد؟! نکته دیگر درباره آقای صالحی اینکه؛ ایشان تاکید داشتند که اگر در این سمت قرار بگیرند، با توجه به علایق و تلاش‌ها و سابقه‌ای که داشته‌اند، وارد عمل خواهند شد. ضمن اینکه دیگر نمایندگان نیز آقای صالحی را به عنوان یک اندیشمند دینی که سال‌ها سابقه حضور در امور مرتبط با مسائل دینی و حوزوی را داشته، می‌دانند. با این وجود ایشان به عنوان یک اندیشمند دینی شناخته شده‌اند، اما در طی سالیان فعالیت‌شان، مورد اعتماد و تایید قطب‌های فرهنگی و سیاسی مختلف فعال در کشور بوده است. این تایید تا به امروز نیز ادامه داشته است. خود ایشان نیز به این مساله عنایت داشته‌اند و در این باره اظهار کرده‌اند که با توجه به وجود چنین فضایی می‌توانند قانون را ملاک عملکرد و نصب‌العین‌شان در این راه داشته باشند و در این حوزه به درستی عمل کنند.

مسائل فراوان دیگری نیز از سوی ما و ایشان در این راستا مطرح شد که در این فرصت کوتاه، نمی‌توان به همه آنها اشاره کرد. اما یکی دیگر از اولویت‌های ایشان که برای من و دیگر نمایندگان در کمیسیون فرهنگی قابل توجه بود، بازسازی فضای هویت فرهنگی به معنای اتم اجتماعی بود. تمام جنبه‌های مختلف این مساله در جامعه ما، یعنی تمام اموری که به نحوی در ساخت هویت فرهنگی افراد در جامعه ایرانی دخیل هستند، باید در این فرآیند مورد بازنگری قرار گرفته شود، چرا که بسیاری از عرصه‌های این حوزه در حالتی رو به نزول قرار دارد. حتی در بسیاری از عرصه‌های درگیر در این حوزه، می‌توانیم به وجود بحران‌های هویتی و فرهنگی اشاره کنیم.

ایشان یکی از اولویت‌هایشان را بازسازی و توجه ویژه به مساله هویت فرهنگی و اجتماعی اعلام کرده‌اند؛ از زبان گرفته تا تباروزات اجتماعی و... که در این راستا

و البته عمیق در حوزه فرهنگی هستند. در کارنامه موفق ایشان در دوران معاونت فرهنگی وزارت ارشاد نیز شکی نیست و ما همگی تلاش‌های ایشان، در حد مقدورات، برای انجام وظیفه را شاهد بوده‌ایم. هر چند تلاش‌های آقای صالحی امیری در راه ایجاد یک فضای آرام فرهنگی نیز قابل اشاره بود.

با توجه به مسائل و مطالبی که از سوی آقای دکتر صالحی در جلسات‌شان با ما مطرح شده، ایشان امیدوارند که به نوعی ادامه‌دهنده راه پیشین وزارت ارشاد باشند. ایشان همچنین در مورد رویکردها و سیاستگذاری‌هایشان به وضوح صحبت کرده‌اند و مسائل و مشکلاتی که همواره در حوزه فرهنگ وجود داشته را به خوبی شناخته و درباره آنها صحبت کرده‌اند. قول داده‌اند که درباره آنها تلاش کنند و تا حدی که دست اختیارشان در این حوزه‌ها باز باشد، امور مختلف را پیگیری کنند. چرا که متصدی امور فرهنگ در جامعه ما، تنها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست!

سید مرتضی حسینی: زمانی که من در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی بودم، آقای صالحی نسبت به آقای صالحی امیری، عملکرد بسیار بهتر و مواضع بسیار درست‌تری داشته‌اند! آقای امیری در جریان فتنه، جزو افرادی بود که به مقام معظم رهبری نامه نوشتند. البته ایشان بعد از آن جریان، گفته بودند که پشیمان شده‌اند و امضایشان را از آن نامه پس گرفته‌اند. اما همانطور که شما می‌دانید، آقای امیری یک فرد امنیتی بوده که سابقه فرهنگی چندانی نداشت. این طبیعی بود که دیدگاه فکری ایشان نیز یک دیدگاه اصلاح‌طلب اما رادیکال بود. اما آقای صالحی، در مدتی که مسئولیت‌هایی در وزارت ارشاد بر عهده داشتند، چه در دوران سرپرستی و چه معاونت، خطا و اشتباه‌های کمی از ایشان شاهد بودیم.

در شرایط امروز نیز ما امیدواریم همانطور که ایشان فرزند یک خانواده روحانی است و از چنین پایگاهی برخاسته است، افکارش نیز در جهت روحانیت باشد و در مسیر دین قدم بردارد.

مهم‌ترین اولویت‌های پیش روی سیزدهمین

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از دیدگاه شما

چیست؟ نسبت این اولویت‌ها و بایسته‌های

فرهنگی جامعه ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

▲ **سیده فاطمه ذوالقدر:** همانطور که در جریان بررسی نقاط قوت و ضعف آقای صالحی اشاره کردم، مهم‌ترین اولویت‌ها در عرصه فرهنگ، مربوط به یک یا دو مورد خاص نیست. بلکه مسائل فرهنگی طیف گسترده‌ای از رشته‌ها و شاخه‌ها را شامل می‌شوند که باید در تمام اینها به صورت مشترک و البته همزمان اقدام کرد. اگران فیلم‌ها و سینما، ممیزی کتاب و مطبوعات و... نکات مهمی هستند که وزیر ارشاد باید به آنها اهمیت داده و درباره آنها شفاف‌سازی‌های لازم را داشته باشد. مسائلی که در صدر انتقادات قرار دارند و بخش عظیمی از اهالی فرهنگ دغدغه پرداخت به آنها را دارند، قطعاً اولویت اقدام در ارشاد هستند که نباید از آنها غافل بود. نماینده‌های مجلس در کمیسیون فرهنگی و وزیر ارشاد، باید اهتمام خود را برای اقدام درباره این مسائل به کار ببندند.

▲ **اصغر مسعودی:** در حوزه فرهنگ و زیرشاخه‌هایی همچون فرهنگ عمومی، فرهنگ کار، فرهنگ اقتصادی و... ما با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستیم. در دیگر فضاهای فرهنگی همچون سینما، موسیقی، مطبوعات، کتاب و... نیز مشکلات زیادی وجود دارد. ایشان باید دغدغه‌های اینچنینی را به صورت همزمان و موازی مورد توجه قرار دهد. در تمام این حوزه‌ها باید شانه به شانه حرکت کرد.

ارشاد حوزه‌های مختلفی را زیر پوشش خود دارد که وزیر ارشاد باید در هر دوران مسئولیت خود، در تمام این

جملات مهم

▲ **سیده فاطمه ذوالقدر:** ارتباط خوب آقای صالحی با حوزه‌های علمیه می‌تواند مسیر جدیدی را در حوزه فرهنگی باز کند

▲ **سید مرتضی حسینی:** دیدگاه و تلاش برخی از سیاستگذاران در دولت، اجرای آزادی به معنای بی‌بند و باری و لیبرالیسم فرهنگی در جامعه است! در نتیجه افرادی که دعوی این چنینی در سر دارند، درصددند مصوباتی را اجرایی کنند که در این راه به آنها کمک کند! بر همین اساس؛ من احساس می‌کنم آقای صالحی نمی‌تواند در چارچوب این دولت معجزه کند.

▲ **طیبه سیاوشی شاه عنایتی:** آقای صالحی یکی از اولویت‌هایشان را بازسازی و توجه ویژه به مساله هویت فرهنگی و اجتماعی اعلام کرده‌اند؛ از زبان گرفته تا تباروزات اجتماعی و... که در این راستا قابل توجه و اهتمام بسیار است

▲ **اصغر مسعودی:** از مهم‌ترین نقاط قوت آقای صالحی، حضور ایشان در بدنه وزارت ارشاد و البته سرپرستی وزارت ارشاد است

ساختمان نخست‌وزیری در مجاورت خیابان پاستور، ساعت ۳ بعد از ظهر، هشتم شهریور ۱۳۶۰؛ نخست‌وزیر و رئیس‌جمهوری نظام اسلامی توسط بمب در کیف مسعود کشمیری از نیروهای نفوذی سازمان منافقین همراه با تعدادی از مسئولان کشوری و لشگری به شهادت رسیدند. جنایت جلادها پس از این اقدام تروریستی استمرار یافت و ترورهای کور و سپس خیانت به کشور با هم‌پیمانی حزب بعث به اوج رسید. «ناگفته‌های» پرونده انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر همچنان «مسکوت» باقی مانده است.

تیتراول



رازهای سفر به پاریس

چگونه منافقین وارد فاز نظامی شدند؟

«جنگ داخلی» روایت کرد؛ آنان که از راهپایی به مجلس شورای اسلامی باز مانده بودند، این شکست را بهانه اولیه قرار دادند و در همین راستا نفر اول سازمان منافقین گفت: «البته بدیهی است که دیگر این روزها هرکس می‌داند که اگر سیر اوضاع کشور و جامعه به همین ترتیب ادامه یابد و اجبارا رفمی رخ ندهد، جز جنگ داخلی پایانی نخواهد داشت. مجاهدین نیز از همان نخستین دور انتخابات مجلس پیوسته یکی از مهم‌ترین محور حرف‌های شان همین بوده است که بدون یک مجلس واقعا ملی فراگیر نمایندگان طبقات و اقشار مختلف مردم، خبری از زندگی مسالمت‌آمیز در کار نخواهد بود. در امجدیه نیز من با زبان صریح‌تر این نکته را یادآور شدم و حتی به آنها که درصدد ایجاد ترکیه‌ای جدید در ایران هستند هشدار دادم که مبادا از لبنان سر دریابند.»

اطلاعیه هموطن کشی شماره ۲۵

لبنانیزه کردن ایران به بهانه حمله به خانه پدری مهدی ابریشم‌چی آغاز شد؛ سازمان منافقین در اطلاعیه شماره ۲۵ آغاز هموطن کشی را آغاز کرد. متن اطلاعیه اعلامیه رسمی شورش مسلحانه در قالب گزاره‌ها مانند «مقاومت انقلابی از هر طریق» با ذکر «کیفر به زودی و مضاعف آمران و عاملان» بود و بستر سازی عملیاتی سازی

هدفی را کتمان می‌کردند و غیریت‌سازی را با پوشش حزب جمهوری اسلامی انجام می‌دادند و دلیل اصلی آنان عنصر «فراگیری» تشکیلات حزب جمهوری اسلامی در کشور و جایگاه مناسب مسئولان این حزب در کشور بود.

سودی لبنانیزه کردن ایران

پس از ناکامی‌های متوالی سازمان منافقین نسبت به ارتقای قدرت در ساختار سیاسی جدید، تهدید به «لبنانیزه کردن» ایران آغاز می‌شود. آنان برای این اقدام نیازمند نیروهای نظامی آموزش دیده و نیروی اجتماعی حامی بودند؛ میلیشیا و شاخه نظامی سازمان آموزش عملیاتی برای استفاده از سلاح سرد و گرم رادیده بودند و از سوی دیگر سازمان منافقین با نزدیکی به بنی‌صدر خواهان ربایش نیروهای اجتماعی حامی وی برای اقدامات بعدی بودند. مسعود رجوی از خردادماه سال ۱۳۵۹ آغازگر این سطح از تهدید بود؛ او در تجمع هواداران سازمان منافقین اظهار داشت: «یک عده می‌خواهند ایران را ترکیه بکنند. ولی ایران که ترکیه بشو نیست، لبنان خواهد شد... ما خواستار تروریسم نیستیم؛ اما نمی‌شود که انکار کرد. تروریسم، واکنش‌های اجتناب‌ناپذیری دارد که در آن صورت، عین لبنان، نه قدرتی برای دولت خواهد گذاشت و نه برای مجلس.» (۲) ماه بعد رجوی به صورت جدی از

مسعود مداح

خبرنگار

۱ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان منافقین، فضای کشور را برای موج‌سواری بر مطالبات آزادی خواهانه جامعه ایرانی مناسب دید؛ آنان در میان افکار عمومی گروهک کوچک و ناشناخته‌ای بودند که بخش اندکی از اقدامات مسلحانه را علیه رژیم پهلوی صورت می‌دادند؛ که جامعه با این سبک مبارزاتی همدلی و همراهی نداشت. سازمان منافقین به این نتیجه رسید در فضای جدید جامعه باید رویکرد متفاوت داشته باشد؛ آنان خواهان «تصویرسازی» جدید بودند. اعضای سازمان دارای کادری حدود ۱۵۰-۲۵۰ نفر بودند؛ آنان با این استعداد نفری خود را گروه «پیش‌تاز» نسبت به دیگر گروه‌ها برای تلاش معطوف به پیروزی مردم بر رژیم پهلوی می‌دانستند و راهبرد «دستیابی به قدرت سیاسی» را در دستور کار قرار دادند. احیای کادر مرکزی جدید، گسترش تشکیلات، جذب و سازمان‌دهی نیرو و راه‌اندازی تشکیلات مخفی از اقدامات اولیه و هدف دار آنان بود (۱). از سوی دیگر آنان از همان بدو فعالیت خواهان ایجاد «دوقطبی» در جامعه با غیریت‌سازی نسبت به نظام اسلامی بودند ولی این نیازمند ارتقای جایگاه آنان در جامعه بود، به همین دلیل چنین

حلقه اطلاعاتی دوستان کشمیری

مثلت، چگونگی برآمدن کشمیری را به مناسبت سالگرد انفجار دفتر نخست‌وزیری بررسی کرده است



برای مقابله با جلادهای سکوت نکتیم
گفت و گوی مثلت با علی قاسمیان



برنامه سه هفته قبل به خصوص در بخش اجتماعی بود. عصر روز سی ام خرداد، در تهران و چند شهر بزرگ دیگر، هواداران و وابستگان سازمان حرکتی را انجام دادند یا شروع کردند که سرانجامی جز تباهی برای آنها نداشت. سازمان بعد مدعی شد که ۵۰۰ هزار نفر در تظاهرات ۳۰ خرداد شرکت کردند؛ لیکن تعداد افراد سازمان دهی شده سازمان و گروه‌هایی که به آنها پیوستند و در حمایت از بنی صدر و سازمان به تظاهرات خشونت‌بار و مسلحانه دست زدند بیش از این چند هزار نفر نبود و خبرگزاری‌های خارجی آن را حدود ۳ هزار نفر توصیف کردند. (۳) مرحوم هاشمی رفسنجانی از زاویه دید مسئولان نظام روایت کرد که آقای رضا زواره‌ای مسئول ستاد امنیت آمد و نوار ضبط شده از ارتباطات تلفنی مرکز فرماندهی مجاهدین خلق با رابط‌های آشوب‌خیابانی را آورد؛ که برنامه وسیع تخریب و آشوب آنها را مشخص می‌کرد. (۴)

سازمان منافقین با تحلیلی اشتباه رای دهندگان به بنی صدر را نیروی اجتماعی پایدار وی تلقی می‌کردند ولی عدم کفایت وی ابتدا بین مردم و سپس در مجلس شورای اسلامی رخ داده بود و این باعث شد که شکست سختی در شورش خیابانی نصیب منافقین شود و حتی بین آنان برای تحلیل رخداد ۳۰ خرداد هم اختلاف جدی صورت بگیرد؛ طبق تحلیل خیابانی ادعا شده که ۳۰ خرداد یک زورآزمایی و عکس‌العملی از فشارها بوده است ولی مطابق تحلیل مسعود رجوی این رخداد یک حادثه طبیعی در روند تکامل جنبش نوین به رهبری سازمان برای براندازی حاکمیت و یک حلقه در زنجیره حوادث سیاسی و فاز نظامی بود. در حالی که مطابق تحلیلی که از خانه مرکزی محمدضابطی به دست آمد، سازمان به صورت برنامه‌ریزی شده ۲۰ خرداد را در پیچه عبور به سمت تروریسم قرار داد: «... سازمان تحلیل می‌کرد که رژیم به جناح لیبرال برای بقای خویش و ادامه جنگ نیازمند بوده و در صورت حذف این جناح، اینکه رژیم با امپریالیسم سازش کرده باشد قطعی است و رژیم ضد خلقی شده است... و بر این اساس نمایش ۳۰ خرداد در پیچه ورود به فاز نظامی و استراتژی سرنگونی بر اساس خط ضربه‌ای تشخیص داده شد و برنامه انفجار حزب و سپس قتل عام رهبران نظام انجام گردیده است». (۵)

این اختلاف را باید در دستور کشورهای خارجی در سفر پنهانی مسعود رجوی به فرانسه یافت که حتی کادر مرکزی سازمان منافقین شرایط را برای شورش و براندازی مناسب نمی‌دانست ولی رأس سازمان مجری «دستور» آنان را اذعان کرد. یکی از مسئولان بررسی بخش نقاط واحد اطلاعات سپاه در این زمینه اظهار داشت: «حدوداً در تابستان ۱۳۵۹ رجوی قاچاقی به فرانسه رفت که ما از چند کانال اطلاعات صد درصد موثق داریم، البته اینکه در آنجا چه اتفاقی می‌افتد کسی خبر ندارد؛ گرچه شواهد و قرائن نشان می‌دهد که هماهنگی اینها با سرویس اطلاعاتی فرانسه امری بدیهی است، مثلاً یک سال بعد رجوی و بنی صدر در فرودگاه نظامی فرانسه فرود آمدند. حتی در مقطعی ما شواهدی به دست آوردیم که سفارت فرانسه در تهران در چمدان‌های سیاسی برای اینها تجهیزات می‌آورد. این نکته را در نظر بگیرد که هر کشوری که سازمان با آن ارتباط برقرار می‌کند، قوی‌ترین ارتباطات را با سرویس اطلاعاتی آن کشور دارد؛ از ترکیه و پاکستان تا آلمان و کشورهای دیگر. به هر حال نمی‌دانیم در سال ۱۳۵۹ در فرانسه چه گذشت. زمانی که رجوی در

اول فروردین ۱۳۶۰ قاچاقی و زمینی از مرزهای شرقی کشور برگشت، بلافاصله جلسه شورای مرکزی سازمان را تشکیل داد و اعلام کرد فاز نظامی باید شروع شود. تمام اعضای شورای مرکزی مخالف بودند ولی رجوی می‌گوید نه، باید فاز نظامی را شروع کنیم و سریع خودتان را آماده کنید. اعضای اصلی شورای مرکزی سازمان عبارت بودند از موسی خیابانی، مهدی ابراهیم‌چی، محمد ضابطی، محمود عطایی و علی زرشک. بیشتر از جهت ذهنیت نیروها بود که شورای مرکزی می‌گفت ما آمادگی نداریم، کما اینکه وقتی در ۳۰ خرداد فاز مسلحانه اعلام شد خیلی از نیروها بریدند، خیلی از خانواده‌هایی که طرفدار اینها بودند بریدند و اینها را کنار گذاشتند. (۶)

فاجعه هفت تیر

پس از شکست شورش خیابانی، استراتژی براندازی به روش «تنه زدن» با «ضربه به حاکمیت» مدنظر سازمان تروریستی منافقین قرار گرفت. فاجعه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین ضربه‌ای بود که تروریسم از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بدان وارد آورده بود. به رغم عریان‌بودن انگیزه‌ها و نحوه عملکرد سازمان که حتی از پیش از تحقیقات هم برای مردم روشن بود، به علت ابعاد و آثار گسترده داخلی و بین‌المللی این اقدام سازمان مسئولیت انفجار ۷ تیر را صریحاً اعلام نکرد (۷) و به روایت تایم آمریکا «امید اصلی برای تداوم انقلاب اسلامی» به شهادت رسید. سازمان تروریستی منافقین اصلی‌ترین صدای خط‌امام و عنصر تشکیلاتی را هدف قرار داد. مسعود رجوی در جمع‌بندی یک‌ساله سازمان منافقین در نبرد با مردم، اولین مرحله شورش مسلحانه را حذف «سران سیاسی» نظام با تعبیر «شاه‌مهرها» دانست تا از این طریق «بی‌آینده‌سازی» و «سلب ثابت» نظام را ایجاد کند و آن را یک اقدام «حساب‌شده» و «برنامه‌ریزی» شده دانست و حتی پس از خدمت به حزب بعث در جنگ تحمیلی از این اقدام برای کسب امتیازات استفاده می‌کرد.

شهریور؛ تکرار جنایت جلاد

تکرار جنایت جلادهای در بعد از ظهر روز یکشنبه ۸ شهریورماه ۱۳۶۰ رخ داد؛ هنگامی که محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر به اتفاق چند تن از مسئولان کشوری و لشگری در جلسه شورای امنیت کشور در ساختمان مرکزی نخست‌وزیری شرکت کرده بودند، بر اثر انفجار یک بمب قوی در کیفی به شهادت رسیدند. اقدام بمب‌گذاری از سوی یک نفوذی به نام مسعود کشمیری صورت گرفته بود. مسعود کشمیری در اوایل انقلاب از هواداران «جنبش ملی مجاهدین» و دارای اسم رمز «مجب» بوده است (۸) توانایی نفوذ وی - با فعالیت‌های غیر همسو با نظام و با خانواده آشکار حامی منافقین - در سطح عالی رتبه مسئولان دولتی بدون مشکوک شدن نهادهای نوپای امنیتی سالیان طولانی است که مورد کنکاش تحلیلگران تاریخ قرار گرفته است؛ هرچند دوازده سال بعد از این رخداد در یک سندی مشخص شد طراحی و برنامه‌ریزی و عاملان آن از مأموران سیا بودند؛ پس حلقه اصلی هدایت‌گری وی را برعهده داشتند. هرچند راهبرد نفوذ فردی و جریانی یک راهبرد همیشگی با تاکتیک‌های مختلف است.

پس از ناکامی «شورش خیابانی» و «استراتژی

ضربه‌ای» ابتدا تحلیل سازمان این بود که «نوک هرم حاکمیت ضربه خورده است و حال باید با ضربه‌های پیاپی به بدنه این هرم، جلوی ترمیم ضربه‌های ۷ تیر و ۸ شهریور را گرفت» و پس از آن حرکت ایدئیس را آغاز کردند و ترور شهید آیت‌الله قدوسی، دادستان کل انقلاب، در همین راستا صورت گرفت. بعد از آن دستورالعمل‌های جزئی پیرامون شیوه برخورد با مردم، انهدام و آتش کشیدن مراکز و خودروها و دزدی و جعل را به هسته‌های حامی علیه مردم می‌دادند. (۹)

شکست از مردم

قدرت مردم مهم‌ترین عامل بازدارنده سازمان منافقین بود؛ مردم پس از شورش خیابانی سال ۶۰ نه تنها با آنان همسو نکردند، بلکه به مقابله با این گروهک تروریستی پرداختند و حملات و اقدامات خونین بر انزجار آنان افزوده شد، به نحوی که سازمان پس از شکست‌های متوالی خط «قیام در شهر» ترور گسترده مردم و نیروهای انقلابی را در دستورکار قرارداد و جنایت‌های فراوانی از سوی اعضای جانی این گروهک علیه مردم صورت گرفت؛ هرچند ضربات قدرت ایمان مردم آنان را تار و مار کرد و از سوی دیگر در مرحله اول تحولات سازمان، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران با کشف خانه‌های تیمی و دستگیری و هلاکت اعضای سازمان، ضربات موثری به سازمان وارد کردند. ضربه ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ و کشف خانه تیمی موسی خیابانی و اشرف رجوی و هلاکت آنان به همراه تعداد زیادی از کادرهای سازمان، ضربه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱ و ضربه به بخش اجتماعی و هلاکت ضابطی - هدایت‌کننده جریان ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ - با تعدادی از کادرهای موثر سازمان، ضربه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۲ و هلاکت باقی‌مانده بخش اجتماعی و پس از آن ضربه مردادماه همان سال از جمله اقدامات نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بود. (۱۰)

پی‌نوشت:

۱. بن‌یست در استراتژی؛ شکست در تاکتیک؛ دکتر ناصر شعبانی، دانشگاه امام حسین (ع)، صفحه ۱۰۷
۲. نشر به مجاهد، شماره ۸۸، صفحه ۶
۳. سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تافرجام، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، جلد سوم، صفحه ۵۷۳
۴. عبور از بحران، اکبر هاشمی رفسنجانی؛ صفحات ۱۶۳-۱۶۴
۵. سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تافرجام، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، جلد سوم، صفحه ۵۷۹
۶. عملیات مهندسی، بررسی کارنامه تروریستی بخش ویژه نظامی سازمان مجاهدین خلق ۱۳۵۷-۱۳۶۱، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صفحه ۱۳۰
۷. سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تافرجام، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، جلد دوم، صفحه ۵۲۴
۸. سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تافرجام، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، جلد سوم، صفحه ۶۲۳
۹. جلادهای ۶۰، اسناد درون تشکیلاتی منتشر نشده از گروهک تروریستی منافقین، معاونت پژوهشی موسسه راهبردی دیده‌بان
۱۰. بن‌یست در استراتژی؛ شکست در تاکتیک؛ دکتر ناصر شعبانی، دانشگاه امام حسین (ع)، صفحه ۱۳۰

حلقه اطلاعاتی دوستان کشمیری

مثلت، چگونگی برآمدن کشمیری را به مناسبت سالگرد انفجار دفتر نخست‌وزیری بررسی کرده است

حسین قاسمی

بزرگ‌هشگر

۲ برخی روایت‌ها درباره نحوه ورود و رشد مسعود کشمیری از عوامل اصلی انفجار دفتر نخست‌وزیری در سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ناقص و دربرگیرنده تمام واقعیت نیست. تقلیل سوابق کشمیری به شورای امنیت ملی و دفتر نخست‌وزیری باعث شده بخشی از شبکه دخیل در برکشیدن او پنهان بماند. در زمان انفجار نزدیک به سه سال از مسئولیت او در بالاترین سطوح سازمان‌های اطلاعاتی گذشته بود. پرسشی که ابتدا باید به آن پاسخ داده شود آن است که کشمیری چگونه و چه زمانی وارد دستگاه‌های اطلاعاتی شده است؟

با پیروزی انقلاب اسلامی، مرتضی الویری، عضو شورای مرکزی کمیته انقلاب اسلامی است و در ۲۴ یا ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ مسئولیت کمیته اداره دوم ارتش را به آقای محمدکاظم پیروزوی و دوستانش واگذار می‌کند. اداره دوم ارتش (رکن دوم ستاد ارتش) سازمان اطلاعات ارتش شاهنشاهی بود و به دلیل پیوندش با سازمان‌های اطلاعاتی ارتش‌های متحد حکومت پهلوی، به ویژه ارتش‌های آمریکا، بریتانیا، اسرائیل و ترکیه و سایر اعضای پیمان ناتو، اهمیت فراوان داشت و نهاد اطلاعاتی بسیار با اهمیت و دارای شبکه‌های مخفی مرتبط با سازمان‌های همتای غربی و نیز تجهیزات فنی و اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده بسیار مهم بود.

در زمان انقلاب توجه مردم و انقلابیون به سازمان بدنام و جنجالی ساواک معطوف بود و سازمان اطلاعات ارتش برای اکثر آنها ناشناخته بود. به این دلیل، توجه الویری به اداره دوم ارتش و به دست گرفتن مدیریت آن در روزهای اولیه پیروزی انقلاب حائز اهمیت است. به خصوص اگر در نظر داشته باشیم که در انقلاب نیروهای مسلح دولت‌های متحد شاه، به خصوص آمریکا و بریتانیا و اسرائیل و ترکیه، نگران نفوذ کمونیست‌ها و عوامل شوروی در این بخش از ارتش ایران و لو رفتن سوابق و اطلاعات و برنامه‌ها و شبکه‌های مشترک خود با اداره دوم ارتش ایران بودند.

الویری می‌گوید: «آنچه یاد می‌آید این است که آقای رضوی را بنده وقتی در شورای فرماندهی کمیته بودم به رکن دو ارتش بردم، مسئولیت آنجا را به او واگذار کردم و بعد همین مورد تأیید دولت موقت هم قرار گرفت.» و در جای دیگر می‌گوید: «بعد از انقلاب آقای رضوی هم مثل من عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شد. برای اینکه او قبلاً عضو گروه فلاح بود. ضمناً ساختمان دادستانی ارتش بعد از پیروزی انقلاب که مادر آنجا مستقر شدیم [او مسئولیت سازمان دادستانی را به آقای محمد رضوی سپردم. از طرف کمیته موقت انقلاب اسلامی، که من عضو شورای فرماندهی آن کمیته به ریاست آقای مهدوی کنی بودم، این مسئولیت را به آقای رضوی سپردم. بنابراین هم در رابطه کمیته انقلاب اسلامی و هم سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آقای رضوی با ما مرتبط بود.» همزمان با محمدکاظم پیروزوی (معروف به مهندس محمد رضوی، دانشجوی سابق رشته برق

دانشگاه صنعتی آریامهر، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق و سپس عضو گروه فلاح به رهبری الویری)، مسعود کشمیری و حبیب‌الله داداشی و سعید حجاریان نیز به عنوان مسئولان اداره دوم نیروی هوایی و نیروی زمینی و نیروی دریایی ارتش منصوب می‌شوند.

از میان دوستان نزدیک دوران دانشجویی الویری و رضوی و اعضای گروه فلاح افراد دیگری در اداره دوم ارتش به کار گرفته می‌شوند؛ مانند: جواد قدیری عضو سابقه سازمان مجاهدین خلق و دوست دوران دانشجویی این دو، حسن منتظرالقائم و باقر ذهبیون و علی اژتیان از اعضای گروه فلاح، علی اکبر تهرانی از بستگان نسبی حسن منتظرالقائم از اعضای گروه فلاح، جمال میرشکاری و باقر ذاکر که هر دو بعداً به اتهام عضو شبکه نفوذ سازمان منافقین به چندین سال حبس محکوم شدند، تقی امان‌پور و... افراد مستقر در کمیته اداره دوم عمدتاً از اعضای گروه (فلاح) قبل از پیروزی انقلاب بودند. براساس آنچه ذکر شد مسعود کشمیری از فردای پیروزی انقلاب در تشکیلات کمیته اداره دوم ارتش به ریاست مرتضی الویری و محمد رضوی در سطح یکی از مدیران اصلی به کار گرفته شده است.

حلقه اطلاعاتی دوستان کشمیری

بررسی سوابق «حلقه اطلاعاتی دوستان کشمیری» در شناخت و تحلیل حوادث بعدی خصوصاً ۸ شهریور موثر است. در اینجا به بررسی سوابق برخی از این حلقه براساس منابع آشکار می‌پردازیم.

گرفت، گرچه به ناپود گرداندن آن باشد. سوزاندن قرآن توسط این انجمن انجام می شده است.» گروه دیگری که پدر آقای حجاریان در آن عضویت و فعالیت داشته است حزب سومکا به رهبری داوود منشی زاده بوده است. ارتشید فردوست درباره حزب سومکا و ارتباط آن با شاه و ارتش می گوید: «یکی دیگر از اقداماتی که محمدرضا برای تحکیم موقعیت خود و تمرکز قدرت در دست خود انجام داد، تشکیل احزاب و دسته جات شبه نظامی بود که در جامعه و ارتش ریشه دوانیده و عناصر آن بعدها اصلی ترین اجزای رژیم او شدند. یکی از این احزاب که محمدرضا هزینه آن را تأمین می کرد، حزب سومکا بود که توسط داوود منشی زاده راه انداخته شد و در آن افرادی مثل داریوش همایون شرکت داشتند. اعضای این حزب با مخالفین محمدرضا مبارزه می کردند، حتی مبارزات خیابانی سخت. آنها برای حمله به مخالفین، چماق های مخصوص دسته کوتاه داشتند. به هزینه محمدرضا آنها خانه ای اجاره کرده بودند و وسایل خانه هم توسط دربار تأمین شد. در این خانه، آنها جلسات سخنرانی منظم داشتند و حملات خیابانی را طراحی می کردند. آنها خود را به شدت شاه پرست می خواندند. منشی زاده، رئیس این حزب، علاقه شدیدی به هیتلر داشت و خود را مانند او درست می کرد شباهت فوق العاده زیادی هم به او داشت. انضباط یاد شده، فرم لباس، فرم سلام دادن، نحوه سخنرانی همه و همه شبیه نازی ها بود. حتی علامت حزب هم شبیه نازی ها بود. اعضای حزب اکثرا جوان و زیر ۲۰ سال بودند با یونیفورم به شکل واحد نظامی در خیابان ها دیده می شدند. تقلید از هیتلر هم علاقه شخصی منشی زاده بود و هم برای رعب و وحشت بود. این شباهت جنبه ظاهری داشت و باطناً کوچک ترین ارتباط سیاسی با نازی های آلمان نبود. این حزب به تدریج رویه تحلیل رفت و شاید همان تقلید از نازیسم که در آلمان به کلی ناپود شده بود، عامل این امر بود. ولی افراد آن در قالب های دیگر حمایت خود را از محمدرضا ادامه دادند.»

یکی از سه پسر میرزا ابراهیم خان منشی زاده، به نام داوود منشی زاده، در سال های پس از شهریور ۱۳۲۰ به تأسیس گروه فاشیستی سومکا دست زد. این گروه با نظامیان عالی رتبه وابسته به سازمان اطلاعاتی انگلیس، به رهبری سرلشکر حسن ارفع، رابطه تنگاتنگ داشت و اقدامات آن بخشی از عملیات شبکه فوق به شمار می رفت.

ابراهیم خان منشی زاده از موسسین و اعضای اصلی کمیته مجازات بود. ابراهیم خان، پدر داوود منشی زاده، رئیس حزب سومکا بهائی بوده است. سران کمیته مجازات به ویژه اسدالله خان ابو الفتح زاده، ابراهیم خان منشی زاده و محمدنظرخان مشکات الممالک، بهائی بودند به تبلیغات بهائیکری شهرت داشتند. تبریزی نیز می نویسد که آنان به بهائی بودن شهرت کامل داشتند. این موضوع را عبداللّه متولی، نویسنده کتاب کمیته مجازات نیز تأیید می کند و افزون بر دو نفر نامبرده، مشکات الممالک را هم پیرو این فرقه می داند.

البته گرداننده اصلی سومکا سرلشکر حسن ارفع یکی از چهره های فعال سیاسی -اطلاعاتی وابسته به انگلیس بود. وی گرداننده سه حزب سیاسی افق آسیا، اریا و سومکا بود. سرلشکر ارفع مدت ها رئیس ستاد ارتش شاه و رئیس رکن دوم ارتش یا همان سازمان اطلاعات ارتش بوده است. احزابی مانند سومکا وابسته به رکن دوم ارتش بوده اند.

حجاریان درباره سوابق و فعالیت های سیاسی خود و علت عدم بازداشت توسط ساواک می گوید: «تا زمان انقلاب حساسیتی از طرف ساواک نسبت به پایگاه شما در نازی آباد به وجود نیامد؟

سعید حجاریان: ساواک دنبال گروه های چریکی بود و به گروه های اجتماعی کاری نداشت. یعنی چی اجتماعی بودید و سیاسی نبودید؟ سعید حجاریان: ما تلافیت بخشی می کردیم و مسعود، پخش نفت نازی آباد دستش بود.»

اینکه دستگیر بشویم به صادق گفتیم: «اگر مرا بگیرند شرعاً یک دانه سیلی هم برایتان نمی توانم بخورم، حتی یک دانه چک... من اصلاً برای انهدام شما دارم زحمت می کشم، حیث که اجازه ندارم شما را به ساواک لو بدهم. من حاضر نیستم شاه بروم مارکسیسم بیایم.» در گزارش مرکز اسناد ملی (پس از انقلاب) درباره پرونده داداشی در ساواک و همکاری او با ساواک آمده است: «وی در تاریخ ۱۳۵۶/۴/۸ آزاد شد. در بهمن ۱۳۵۶ ساواک با استخدام او در ذوب آهن اصفهان به عنوان کارمند موافقت کرده است. همچنین نامه ای طولانی که احتمالاً متعلق به چند نفر از نادمین گروه، از جمله اوست، به ساواک تقریر گردیده که در آن یادآور شده اند که انقلاب سفید شاه موجب پیشرفت کشور است یا در بحث هایی که بین دکتر عضدی و دکتر منوچهری (کارمندان ساواک) صورت گرفت، هدایت شدیم و به اهداف الهی ساواک پی بردیم و پیشنهادهای از جمله موارد ذیل را نیز متذکر شده بودند:

-ارسال نامه به شاه به منظور قدردانی از ساواک. این نامه را برای عفو بین الملل و صلیب سرخ هم ارسال کردند.
-کلاس بازآموزی برای هدایت زندانیان گذاشته شود.
-تهیه برنامه و روش کار پیشنهادی برای حزب رستاخیز (کمیته آموزش)

-تهیه یک سری مقالات درباره گروه ها و درج آن در مجلات

-شرکت در محافل مذهبی و دادن گزارش از این جلسات مبنی بر نوع گرایشات افراد...

-در صورت موافقت ساواک شرکت در برنامه های تلوویزیونی و موارد دیگر.

سعید حجاریان

رئیس کمیته اداره دوم نیروی دریایی ارتش

سعید حجاریان در گفت و گو با اندیشه پویا به سوابق سیاسی در خانواده خود اشاره می کند: «پدرم گرایش های سیاسی متفاوتی داشت و به جلسات گروه های مختلف می رفت. اوایل سراغ دارو دسته منشی زاده و حزب سومکا رفته بود که گرایشات ناسیونالیستی تند داشتند. یک مدت هم رفت سراغ باهماد آزادگان که دارو دسته کسروی بودند.» یکی از دو گروهی که به گفته آقای حجاریان، پدرش در آن عضویت داشته است، گروه باهماد آزادگان بوده است. گروه باهماد آزادگان نام گروهی از هواداران احمد کسروی است که در حیات او و پس از آن در راه اشاعه اندیشه های اجتماعی و سکولار احمد کسروی موسوم به «پاک دینی» فعالیت می کردند. در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی، گروه کسروی جمعیت «باهماد آزادگان» را راه اندازی کرد. انجمن باهماد آزادگان خواستار حقوق بیشتری از جمله «کشف حجاب و حق طلاق» برای زنان ایرانی بود. احمد کسروی و پیروانش در انجمن باهماد آزادگان، در چله زمستان (اول دی ماه) مراسمی را تحت عنوان «جشن کتاب سوزان» راه می انداختند. کسروی و برخی از پیروان و هم باوران پاک دین وی دور هم جمع می شدند و کتاب هایی که به نظرشان باعث عقب افتادگی ایران از کشورهای پیشرفته آن زمان بود (اثر مولوی، حافظ، سایه، عطار، امام محمد غزالی، رازی، سهروردی و...) یا کتاب هایی که به گمان آنها به خرافات دامن می زد را در آتش می انداختند و این مراسم سوزاندن کتاب ها را جشن کتاب سوزان می گفتند.

کسروی خود در این باره می گوید: «چون دیدیم سرچشمه گمراهی و نادانی ها کتاب است، این است که داستان کتاب سوزان پیش آمده است. جشن کتاب سوزان در یکم دی ماه است و یک دسته سوزاندن مفتاح الجنان و جامع الدعوات و مانند اینها را دستاویز گرفته و هوچی گری راه انداختند... قرآن هر زمان که دستاویز بدآموزان و گمراه کنندگان گردید، باید از هر راهی قرآن را از دست آنان



حبیب الله داداشی

رئیس کمیته اداره دوم نیروی زمینی ارتش

حبیب الله داداشی، متولد ۱۳۲۹ در بابل، ورودی سال ۱۳۴۷ به دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف کنونی) است که در سال ۱۳۵۳ فارغ التحصیل شد. او در دانشگاه صنعتی با محمدرضوی آشنا شد و از این طریق هوادار سازمان مجاهدین خلق شد و سپس به گروه مهدویون پیوست که دو دانشجوی اصفهانی دانشگاه صنعتی، مهدی و محمدامیر شاه کرمی، تأسیس کردند. پس از قتل بنیان گذاران گروه توسط ساواک، حبیب الله داداشی، نفر اول شاخه تهران گروه مهدویون به شمار می رفت. در سال ۱۳۵۶ ساواک داداشی و حسین شیخ عطار را در پل چوبی تهران دستگیر کرد و داداشی تمامی اطلاعات خود را در اختیار ساواک گذارد و حتی با برخی از اعضای گروه تماس گرفت و آنها را به منزلش دعوت کرد و در منزل داداشی دستگیر شدند. با اعتراضات داداشی تقریباً تمامی بقایای گروه کوچک مهدویون دستگیر شدند. داداشی مدت کوتاهی در بازداشت بود و به علت همکاری نزدیک با ساواک آزاد شد و در بهمن ۱۳۵۶ ساواک با استخدام او در ذوب آهن اصفهان موافقت کرد. داداشی پس از آزادی غیر عادی از زندان مجدداً به گروه فلاح الوری پیوست.

حسین شیخ عطار، که در یکی از قرارها با حبیب الله داداشی معروف به «صادق» در زیر پل چوبی (خیابان شاهرضا، نزدیک میدان فوزیه) به همراه او دستگیر شد، افکار «صادق» را مارکسیستی ذکر می کند: «در فروردین سال ۵۶ دستگیر شدیم و ما را به ساواک آوردند... پنج دقیقه قبل از

سعید حجارین نحوه رفتن به کمیته اداره دوم ارتش را اینگونه تشریح کرده است: «انقلاب که شد بر گشتم سر سربازی ام! دیدم همه در رفته اند. به من گفتند بشو رئیس مهندسی ژاندارمری. گفتیم مهندسی نمی خواهیم. رفتیم کمیته نازی آباد. بچه های کمیته استقلال گفتند برای چی رفتی کمیته نازی آباد، بیاستاد کل ارتش و من هم رفتیم آنجا در کمیته اداره دوم ارتش.»

سعید حجارین انگیزه ورود به اداره دوم ارتش را چنین عنوان کرده است:

«اندیشه پویا: گفتید که چه علاقه ای شما را به سوی کار امنیتی هل می داد؟

سعید حجارین: علاقه نبود، تحلیل بود. واقعیتش این است که با بچه های مجاهدین انقلاب نشستیم و خطرات پیش روی انقلاب را تحلیل کردیم. گفتیم اگر انقلاب ضربه بخورد از کجا می خورد؟ کودتا، جای کودتا کجاست؟ ستاد ارتش. کجای ستاد مهم تر است؟ رکن ۲ ارتش. باید پرونده ها را می خواندیم که ببینیم چه کسی احتمال دارد کودتایچی باشد و کودتایچی ها را پیدا کنیم.»

سعید حجارین در مطلبی در هفته نامه «آسمان» علت رفتن به کمیته اداره دوم ارتش را توصیه «یکی از دوستانش» در سازمان مجاهدین انقلاب ذکر می کند: «قبل از سال ۱۳۵۸ با توصیه یکی از دوستان سازمان مجاهدین انقلاب و با این استدلال که مهم ترین جابرای کمیته زند داخل ستاد مشترک ارتش است چرا که اگر بنا باشد کودتایی صورت بگیرد از آن نقطه خواهد بود، خود را به آنجا منتقل کردم. مرحوم محمد منتظر قائم در آنجا مسئول عملیات بود. دوستان دیگر سازمان در آنجا فعال بودند.»

سعید حجارین در گفت و گو با اندیشه پویا از مسئولیت خود به عنوان سربازجوی جاسوسان نظامی مرتبط با سفارت آمریکا پس از تسخیر خبر داده است: «من آن موقع در اداره دوم ارتش بودم. در لانه دو دسته جاسوس بودند؛ نظامی و غیر نظامی. مطابق مسئولیتی که داشتم جاسوس های نظامی را برای بازجویی و تشکیل پرونده به من سپردند.»

سعید حجارین یکی از مسئولین ستاد خنثی سازی کودتای نقاب مشهور به نوزه نیز بوده است. در گفت و گو با اندیشه پویا او خود را مدیر بازجویی متهمین کودتا معرفی می کند:

«اندیشه پویا: بالاخره شما در این ماجرا [کودتای نوزه] مسئولیت داشتید، نمی شود یادتان نباشد مسئولیت شما چه بود؟

سعید حجارین: مدیریت بازجویی ها اندیشه پویا: و خودتان هم بازجویی می کردید. سعید حجارین: من بازجوی ستوان ناصر رکنی بودم. سعید حجارین پس از آن به اطلاعات نخست وزیری می رود و تا زمان انفجار دفتر نخست وزیری توسط کشمیری، مشاور و مسئول گزینش اطلاعات نخست وزیری است. در این مقطع نیز کشمیری مانند حجارین در اطلاعات نخست وزیری مشغول بوده است: «مهرماه سال ۱۳۵۹ دوره ای که شهید رجایی نخست وزیر بود با دستور ایشان، من، خسرو تهرانی و مصطفی قنادها مسئولیت گرفتیم که دفتر امور انقلاب را تحویل بگیریم... آقای رجایی اول به من پیشنهاد کرد که مسئولیت بخش اطلاعات نخست وزیری را بر عهده بگیرم. من مخالفت کردم و گفتیم شما سال ها با خسرو تهرانی زندان بوده ای و تعامل بهتری با او می توانی داشته باشی. به این ترتیب خسرو تهرانی رئیس شد. من مشاور خسرو تهرانی و مسئول گزینش بودم.» ضمناً در مقطع ورود کشمیری به اطلاعات نخست وزیری و شورای امنیت ملی، سعید حجارین مسئول گزینش بوده است.

مسعود کشمیری

رئیس کمیته اداره دوم نیروی هوایی ارتش

مسعود کشمیری، فرزند سعید متولد سال ۱۳۲۹ در کرمانشاه، فارغ التحصیل رشته علوم اداری و مدیریت بازرگانی از دانشگاه تهران است. برخی از اعضای خانواده وی از چهره های علنی سازمان مجاهدین خلق بودند مانند ابوالفضل دلنواز (برادر همسر کشمیری) که نامزد رسمی سازمان مجاهدین خلق در اسلام آباد غرب در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی بود. مرتضی الویری در گفت و گو با ویژه نامه نوروز ۱۳۹۵ روزنامه «اعتماد» برخلاف آنچه در پرونده انفجار نخست وزیری ثبت و ضبط شده و معرف کشمیری را علی اکبر تهرانی ذکر کرده جواد قدیری را معرف کشمیری برای تصدی مسئولیت اداره دوم نیروی هوایی ارتش ذکر می کند: «جریان نفوذ مجاهدین خلق کار خودش را کرد و توانست به وسیله آقای قدیری، که پدرش در اصفهان پیش نماز بود و ما از زمان دانشجویی او را می شناختیم، کار خودش را انجام دهد.

ما به او اعتماد کردیم و در دادرسی ارتش او با مجاهدین خلق رابطه داشت.

از همان طریق هم کشمیری را معرفی کردند.» بهزاد نبوی در مصاحبه ای کشمیری را از فعالان مورد اعتماد اداره دوم ارتش می خواند: «مسعود کشمیری پیش از شروع همکاری با برادر تهرانی در نخست وزیری، از فعالان مورد اعتماد اداره دوم ارتش و نیروی هوایی بوده و در فرو نشاندن اعتصاب همافران در سال های اول انقلاب نقش موثری داشته است.» مسعود کشمیری یکی از مهم ترین ارکان ستاد خنثی سازی کودتای نقاب بوده است. کشمیری به همراه تقی محمدی و محمدحسین طاقفرو... مسئولیت تیم های دستگیری عوامل کودتا را در شب ۱۸ تیر ۱۳۵۹ به عهده داشت. محمدرضوی درباره نقش کشمیری در ستاد خنثی سازی کودتای نقاب می گوید: «یکی از تشکیل دهندگان اولیه ستاد خنثی سازی کودتا، مسعود کشمیری بود و جریان نیروی هوایی را به کمیته اداره دوم و سپاه وصل کرده بود...»

رضوی در ادامه درباره مسئولیت های متعدد کشمیری اظهار داشته است: «ستاد [خنثی سازی کودتا] در محل پادگان خلیج فارس مستقر بود و هم زمان چند کار در آنجا انجام می شد؛ یکی فیش بندی اطلاعات داده شده توسط کودتاجیان در بازجویی ها و دیگری پیگیری اطلاعات جدیدی بود که از گوشه و کنار مملکت توسط کمیته ها و دیگران می رسید. مسئول تنظیم و پیگیری این بخش مسعود کشمیری بود و چند نفر دیگر هم با او کار می کردند... فیش بندی را مسعود کشمیری در کنار کارهای اطلاعاتی جدیدی که مسئولش بود، انجام می داد. در ادامه این کارها جواد قدیری و تقی محمدی که در اداره دوم مستقر بودند، مجدداً به کارشان، یعنی جمع آوری اخبار، منابع و هدایت آنها ادامه دادند.» مهدی منتظری، جانشین ستاد خنثی سازی کودتا نیز درباره جایگاه کشمیری در ستاد خنثی سازی کودتا می گوید: «جایگاه کشمیری هم خیال شما را راحت کنم، طوری بود که به همه اطلاعات دسترسی داشت.»

در گفت و گویی که نگارنده با رضا عاصف از مسئولین ستاد خنثی سازی کودتا داشته معتقد بود برخی نظرات درباره نقش کشمیری در ستاد خنثی سازی کودتا به نظر کمی افراطی باشد: «ستاد از بخش های مختلفی تشکیل می شد که بخش نظامی آن به عهده سپاه بود و بخش سیاسی هم در این زمینه با نخست وزیری بود و او [مسعود کشمیری] هم در این زمینه با اداره دوم (نیروی هوایی) و نخست وزیری کار می کرد. لازم به ذکر است که چند دهه از موضوع می گذرد و طبیعی است که نکاتی را فراموش کرده باشم. در مورد مطلب بالا [نظرات گفته شده در بند ۲] به نظرم کمی افراط در مورد کشمیری شده است و به رغم اینکه افراد اشاره شده در ستاد خنثی فعالیت داشته اند ولی کنترل کار بیشتر در اختیار سپاه بوده است و شخص آقای رضایی بر این کنترل نظارت کامل داشته اند.» عاصف در ادامه افزود: «شاخه سیاسی به تعبیری شامل تمامی جریانات و گروه ها و اشخاص غیر نظامی می شد. بنابه تدبیری سپاه فقط با تسلط شاخه نظامی را پیگیری می کرد.» البته برخلاف نظر رضا عاصف بسیاری معتقدند کشمیری جایگاه مهمی در ستاد ضد کودتا داشته است به نحوی که در یکی از دیدارهای ستاد ضد کودتا با امام خمینی (ره)، مسعود کشمیری به عنوان نماینده به ارائه گزارش می پردازد. از سوی دیگر با وجود نظارت و کنترل محسن رضایی، کشمیری در مدت حضور در ستاد خنثی سازی اعتماد رئیس ستاد خنثی سازی کودتا و مسئول وقت اطلاعات سپاه را نیز به دست آورده بود. تقریباً در نیمه دوم سال ۱۳۵۹، مسعود کشمیری در ستاد مرکزی اطلاعات سپاه حضور داشت و مورد اعتماد شدید فرمانده واحد اطلاعات سپاه پاسداران قرار داشت؛ به گونه ای که مسعود کشمیری دسترسی گسترده ای به اطلاعات داشت. خسرو تهرانی، مسئول اطلاعات نخست وزیری که کشمیری در زمان انفجار دفتر نخست وزیری جانشین او بوده در



بررسی سوابق «حلقه اطلاعاتی دوستان کشمیری» در شناخت و تحلیل حوادث بعدی خصوصاً شهرپور موثر است



امام خمینی (ره) را از مخالفان این طرح نام می برد: «به طور جدی می توان گفت که این طرحی بود که در ابتدا همه با آن مخالف بودند. من خیلی تلاش کردم برای اینکه این طرح جا بیفتد. روسای سه قوه مخالف این طرح بودند. سپاه مخالف این طرح بود. خود امام هم حتی ناراحت شده بودند... من به سیداحمد آقای خمینی گفتم که اگر اطلاعات زیر نظر امام باشد همه اتفاقات آن به پای امام نوشته می شود و درست نیست. بالاخره امام و دیگران را راضی کردیم و طرح وزارتخانه شدن اطلاعات در مجلس رای آورد.»

الویری همان گونه که در انتصاب مسئولین کمیته اداره دوم ارتش نقش اصلی را داشت، در پیگیری و تصویب وزارت اطلاعات نیز نقش قابل توجهی داشته است. سعید حجازیان در مصاحبه ای به این نقش اشاره کرده است: «طرح را به آقای مرتضی الویری، که نماینده و هم خط سیاسی مان در مجلس بود، دادیم. او هم پانزده- شانزده امضا جمع کرد.» مرتضی الویری نیز در گفت و گو با روزنامه اعتماد در این زمینه می گوید: «در مجلس اول من هم عضو هیات رئیسه مجلس بودم و هم رئیس کمیسیون صنایع و معادن، بنابراین هم در جایگاه مدیریتی مجلس حضور داشتم و هم جایگاه ریاست یک کمیسیون. در کنار این دو عامل من عضو شورای مرکزی مجاهدین انقلاب اسلامی بودم، بنابراین در حوزه مسائل سیاسی هم فعال بودم. مجموعه این عوامل موجب شد آقای حجازیان و دوستان شان به من مراجعه کنند برای مطرح کردن موضوع وزارت اطلاعات در مجلس.»

پس از تصویب و تأسیس وزارت اطلاعات، برخی از افراد این حلقه که سوژه امنیتی نیز بودند، مسئولیت های محوری می گیرند. چنانکه حجازیان در این زمینه اظهار داشته است: «به عنوان طرح و برنامه رفتم برای سازماندهی اطلاعاتی؛ وزارتتی نبود که پست داشته باشم، رفتم و سازماندهی کردیم و شروع به طراحی داخلی ساختار وزارتخانه کردم بعد هم رفتم و طراحی نظام آموزشی کردم، در وزارتخانه.»

از طرف دیگر براساس آنچه محمد شریعتمداری از مدیران اطلاعات نخست وزیری و بعدها وزارت اطلاعات بیان داشته است، حجت الاسلامی شهری وزیر اطلاعات نیز توسط خسرو تهرانی به نخست وزیر معرفی می شود. مسعود کشمیری، جانشین دبیر شورای عالی امنیت ملی یعنی جانشین خسرو تهرانی بوده است. او نیز از متهمین پرونده انفجار ۸ شهریور بوده است که پس از انفجار حدود سه ماه در زندان بوده است. ►

اعضای آن نیز در رشد و ارتقای مسعود کشمیری و پس از انفجار در بحث جنازه سازی و شهید سازی از مسعود کشمیری نقش اصلی داشته اند. بنابراین بعد از انفجار ۸ شهریور حلقه دوستان کشمیری، سوژه و متهم اصلی دستگاه های مختلف در خصوص انفجار بوده اند.

حجازیان در مصاحبه اندیشه پویا به فضای حاکم در آن ایام نسبت به خود و دوستانش اشاره کرده است: «بخش ضد جاسوسی اطلاعات نخست وزیری مرتباً این موضوع را با مقامات عالی کشور در میان می گذاشت و از ایشان می خواست در خصوص احتمال نفوذ جاسوسان وابسته به بلوک شرق حساس باشند. اما برخی از این اطلاعات جدی گرفته نمی شد. علتش هم آن بود که اطلاعات نخست وزیری در آن دوره مهجور بود. ما خودمان در قضیه انفجار نخست وزیری متهم شده بودیم و برخی حرف ما را نمی خواندند.»

این حلقه امنیتی که از ابتدای پیروزی انقلاب تا فردای ۸ شهریور، در چهره سازی و اعتماد سازی و رشد کشمیری نقش آفرینی کردند، فارغ از سهوی یا عمدی بودن آن، حداقل به دلیل قصور در جذب و رشد امثال کشمیری که باعث شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر جمهوری اسلامی شد، صلاحیت امنیتی برای بسیاری از مشاغل حساس را دیگر نباید دارا می شدند. اما اندکی پس از انفجار ۸ شهریور، متهمین این رویداد، پیگیر تشکیل وزارت اطلاعات می شوند. سعید حجازیان در گفت و گویی تدوین طرح اولیه تأسیس وزارت اطلاعات را محصول کمیته اداره دوم ارتش و دفتر اطلاعات نخست وزیری را اینگونه ذکر کرده است: «با توجه به تجربیاتی که کسب کرده بودیم و وضعیت عمومی امنیت در کشور با کمک بچه های کمیته ستاد مشترک و دفتر اطلاعات نخست وزیری طرحی را تدوین کردیم و توسط آقای الویری در مجلس اول ۱۶ امضا برایش جمع کردیم و به هیات رئیسه ارائه شد. در همه این مدت چه زمان پیشنهاد و چه زمان بررسی و دفاع از طرح، من به عنوان نماینده دولت حضور داشتم.»

سعید حجازیان در جایی دیگر تهیه این طرح را به سازمان مجاهدین انقلاب نسبت می دهد: «من و بچه های سازمان (مجاهدین انقلاب) اولین طرح تأسیس وزارت اطلاعات را تهیه کردیم. ایده این بود که نهادهای اطلاعاتی متفرق اند و باید جمع شوند و شود یکجا آنها را پاسخگو کرد.» حجازیان در این مصاحبه، روسای قوای سه گانه، سپاه و در مقطعی حضرت

این خصوص می گوید: «اما جالب آن است که هنگامی که قرار شد کشمیری را جهت دبیرخانه شورای امنیت به نخست وزیری بیاوریم، بحثی بین من و محسن رضایی در گرفت که وی را با خود ببریم چرا که در آن زمان نیروی کارآمد و مومن کم بود.»

انتصاب و برکشیدن مسعود کشمیری در مسئولیت بسیار مهم رئیس کمیته اداره دوم نیروی هوایی ارتش و واگذاری جایگاهی مهم در ستاد ضد کودتا، باعث اعتبار بخشی و اعتماد سازی نسبت به مسعود کشمیری شد. خسرو تهرانی، مسئول اطلاعات نخست وزیری و دبیر شورای عالی امنیت ملی که کشمیری جانشین او در زمان انفجار ۸ شهریور بوده است، دلیل اعتماد خود را اعتبار بخشی انجام شده به او در اداره دوم و ستاد ضد کودتا بیان می کند: «من؛ مسعود کشمیری را مستقیماً نمی شناختم و به خاطر فعالیت در ستاد خنثی سازی کودتا برای او اعتبار قائل بودم و چندین بار نامبرده را در ستاد خنثی سازی دیده بودم.»

همچنین محسن سازگارا از مدیران مافوق کشمیری در نخست وزیری در گفت و گو با صدای آمریکا می گوید: «مسعود کشمیری در ستاد خنثی سازی کودتا که بعد از کودتای نوزده تشکیل شده بود و در آن هم اطلاعات نخست وزیری بود، هم اطلاعات سپاه و هم اطلاعات ارتش اونجا کار می کرد. آقای کشمیری در ستاد خنثی سازی کودتا صاف رفته بودند بود مسئول دیسپچینگ اطلاعاتی که می رسید، یعنی هر اطلاعاتی می رسید ایشان می فهمید و به بقیه اطلاع می داد.» سازگارا نحوه جابه جایی کشمیری را این گونه تشریح کرده است: «بعد از یک مدتی آقای کشمیری به درخواست آقای خسرو قنبری تهرانی که معاون اطلاعاتی امنیتی آقای رجایی بود به من گفت که ما داریم شورای امنیت ملی کشور را فعال می کنیم و چون مسعود را از ستاد خنثی سازی کودتا می شناسیم و پسر دقیق و پیگیری است اگر می شود او را بدهید به ما. گفتیم من هیچ مشکلی ندارم. رفت توی معاونت اطلاعاتی امنیتی و دبیر شورای امنیت کشور.»

► بهزاد نبوی و متهمین ردیف اول ۸ شهریور

برکشیده شدن مسعود کشمیری و انفجار نخست وزیری نتیجه مستقیم عملکرد این تیم بود و به همین دلیل پس از انفجار دفتر نخست وزیری، الویری مورد سوء ظن بهزاد نبوی قرار گرفت: «بهزاد نبوی، به عنوان فردی که معاون شهید رجایی بود، انگشت اتهام را به چند نفر دراز کرد از جمله بنده. با اینکه ما از اول انقلاب با هم تنگاتنگ کاری کردیم و شناخت وجود داشت. به هر حال، او برایش تردید ایجاد شد که من و محمد رضوی متهم هستیم.» البته به نظر می رسد پرنک کردن بیش از اندازه نقش بهزاد نبوی در انفجار ۸ شهریور ۱۳۶۰ و همزمان با توجهی به جایگاه و نقش الویری و به فراموشی رفتن کامل آن، تصادفی یا ناشی از خصومت های سیاسی و جناحی نبوده است.

► سر نوشت متهمین انفجار نخست وزیری

بر اساس آنچه در بالا ذکر شد و مرتضی الویری در مصاحبه ها و نوشته های مختلف بیان کرده، اولین و مهم ترین تیم اطلاعاتی پس از انقلاب را ایشان چیدمان کرده است. برخی از اعضای این تیم (مسعود کشمیری) عامل انفجار نخست وزیری و شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر وقت بودند و بعضی (حبیب الله داداشی) دارای سابقه همکاری با ساواک در متلاشی کردن گروه مهدویون و... سعید حجازیان، محمد رضوی و جواد قدیری (نفوذی سازمان منافقین در کمیته اداره دوم) از دیگر اعضای حلقه امنیتی الویری بوده اند.

حداقل یکی از اعضای این حلقه امنیتی از عوامل انفجار ۸ شهریور بوده است و جواد قدیری عضو دیگر این حلقه، نفوذی سازمان منافقین بوده است. برخی دیگر از



برای مقابله با جلادها سکوت نکنیم

گفت‌وگوی مثلث با علی قاسمیان

حامد حسینی

خبرنگار

۳ علی قاسمیان، کارشناس ارشد مسائل تروریسم معتقد است که سازمان منافقین با هدایت سازمان‌های اطلاعاتی غربی تصمیم به مزاحه و براندازی گرفته است؛ هرچند در تحلیل فضای جامعه‌شناسی جامعه ایرانی ناکام بودند و پس از مدتی علاوه بر ترور مسئولان کشوری و لشگری اقدام به ترورهای کور برای انتقام از مردم می‌گیرند. این کارشناس مسائل تروریستی انفجار ساختمان نخست‌وزیری را آخرین گام بر نابودی کامل این گروهک تروریستی در اذهان مردم می‌داند.

مردمی در داخل کشور هیچ سهمی ندارد، دوباره به همان روش قدیمی‌اش یعنی بیگانه‌گرایی روی آورد. البته سفر رجوی به فرانسه که حدود دو یا سه ماه قبل از ۳۰ خرداد و در اواخر ۵۹ صورت گرفت، سطح ارتباطی با فرانسه را نشان می‌دهد. فرانسوی‌ها از طریق سفارت خود در پاکستان این سفر را برای رجوی هماهنگ کردند و این کار بدون صدور ویزا و روال معمول صورت گرفت تا در نهایت مخفی کاری انجام شود. وقتی فرانسه چنین سرویسی به یک فرد می‌دهد، این یعنی اینکه پیش از این توافقات کاملی صورت گرفته و روی رجوی و سازمانش از سوی فرانسوی‌ها حساب شده است.

چرا بدنه اجتماعی رای دهنده بنی صدر پس از اعلام عدم کفایت ریاست جمهوری همراهی حتی در سطح اندک نسبت به رای میلیونی با وی نداشتند؟

▲ چون این بدنه برای شخص بنی صدر نبوده که حالا بخواهد با زاویه گرفتن بنی صدر از نظام، همراه بنی صدر از نظام جدا شود. این توهم بنی صدر بود که فکر می‌کرد ۱۱ میلیون رای دارد و حالا می‌توان جلوی امام و اصل انقلاب بایستد. اصلاً سوال اصلی اینجاست که امثال بنی صدر چطور برای مردم شناخته شدند؟! مگر غیر از این بود که پیروزی انقلاب به رهبری امام صحنه سیاسی کشور را عوض کرد و بعد در آن تغییر و آزادی بعد از رفتن نظام

رجوی پیش از شورش مسلحانه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ از تبدیل شدن ایران به لبنان - در حال جنگ داخلی - در صورت دستیابی به اهداف سازمان خبر داده بود؛ اقدام مقدماتی رجوی برای صحنه‌آرایی به سبک لبنان چگونه بود؟

▲ سی خرداد ۶۰ نمی‌توان محصول یک تصمیم یکباره از سوی سازمان دانست. ۳۰ خرداد پیش‌زمینه‌ای دارد که قبل از ۲۲ بهمن ۵۷ کلید آن خورده بود. به عبارتی منافقین خیلی زودتر می‌دانستند که سرانجام با جریان انقلاب درگیر خواهند شد. اگر شما به رفتارهای سازمان مانند جمع‌آوری و انبار سلاح و مهمات از اولین روزهای پیروزی انقلاب، نفوذ افراد به مراکز دولتی، مطالب و نوشته‌ها و دستورات تشکیلاتی پنهان سازمان که در دستگیری از آلمان‌ها و ارزش‌های انقلاب نوشته شده بود، نگاه کنید، متوجه می‌شوید که حداقل رهبران سازمان از پیش از انقلاب برای یک درگیری آماده بوده است.

اما قبل از پیروزی قطعی انقلاب و جو آن دوران که ممکن بود مردم را مقابل شان قرار دهد، باعث شد که به شیوه‌ای منافقانه آرا و نظرات خود را پنهان کنند. اما چیزی که سازمان پیش‌بینی نمی‌کرد، این بود که در تاریخی مثل ۳۰ خرداد قرار است مقابل مردم کوچه و بازار قرار بگیرد. به عبارت دقیق‌تر آنها قصد داشتند با سوار شدن بر فضای انقلاب و جو روانی جامعه کم‌کم خود را به عنوان یک جریان جوان انقلابی پسند معرفی کرده و قدرت را به دست بگیرند. آنها تصور می‌کردند که می‌توانند جامعه را با کار روانی با خود همراه کنند. این دقیقاً چیزی بود که سازمان نتوانست انجام دهد و در واقع نتوانست پیش‌بینی کند که چنین توانی ندارد و این مردم با امام و جریان انقلاب آن چنان عهد و پیمانی دارند که فقط با مرگ جدا می‌شود. سفر مخفیانه رجوی به فرانسه هم گوشه‌ای از همین پازل است که سازمان وقتی متوجه شد از ظرفیت‌ها و پشتیبانی

دیکتاتوری پهلوی، امثال بنی صدر فرصت طلبانه خود را به مردم معرفی کردند. سخنرانی‌های انتخاباتی بنی صدر همین الان هم موجود است، این فرد از بابت اینکه خود را پیرو امام و معتقد به انقلاب و حامی محرومان معرفی کرد و شعارهای امام را تکرار کرد، بین مردم مشروعیت پیدا کرد، وگرنه اگر لحظه‌ای از این مواضع باز می‌گشت، در همان لحظه مشروعیتش رانیز از دست می‌داد. بعد از بنی صدر این اتفاق بازم تکرار شد و بارها متوجه شدیم که اصل نظام و رهبری آن شاخص و معیار مردم است و مقابل این شاخص ایستادن، برابر با از دست دادن مردم است.

پس از شکست در براندازی با شورش خیابانی، سازمان منافقین چه تاکتیک‌هایی را برای براندازی مدنظر قرار داد؟

▲ از منظر سازمان شورش‌های ۳۰ خرداد گام نهایی برای براندازی است و این براندازی فوری صورت خواهد گرفت اما نیروی اجتماعی حامی جدی نداشتند و مردم در برابر آنان صف‌آرایی کردند به همین خاطر تاکتیک‌های دیگری مانند «بی‌ایندة سازی نظام» را با انفجارهایی در مراکز حساس مانند حزب جمهوری اسلامی و ساختمان نخست‌وزیر را در دستور کار قرار دادند و از نیروهای نفوذی خود در نهادهای انقلابی استفاده کردند؛ این هدایتگری نیروهای نفوذی به نهادهای مختلف از زندان اوین تا ساختمان نخست‌وزیری نشان می‌دهد که آنان از بدو پیروزی انقلاب اسلامی طراحی جدی برای ستیزه‌جویی با نظام را مدنظر داشتند. با وجود این اقدامات تروریستی بازهم مردم انزجار عملی خود را نشان دادند و حتی تعدادی از هواداران و اعضای سازمان با آگاهی نیروهای خط امام به مخالفت با آنان پرداختند. بعد از اقدام تروریستی ۸ شهریور، آنان دریافتند که پایه‌های نظام در قلوب مردم است و با زدن «نوک هرم حاکمیت» و «استراتژی ضربه‌ای» و «لبنانیزه کردن» ایران توانایی براندازی ندارند. پس دستور کشتار مردم را با خط «قیام در شهر» و «ضربه‌های پایایی به بدنه این هرم» در دستور کار قرار گرفت. به نحوی که ما در دهه ۶۰ هر روز شاهد ترور مردم عادی با شغل‌های مختلف با فصل مشترک حمایت از خط امام خمینی (ره) هستیم.

ابعاد پرونده انفجارهای سال ۶۰ همچنان ناگفته‌های فراوانی دارد؛ که در سایه منازعات سیاسی گم شده است؛ آیا امکان بررسی مجدد این پرونده در دستگاه قضایی کشور و بین‌المللی وجود دارد؟

▲ این پرونده‌ها در دستگاه قضا به حال خود رها نشده است. در همان زمان اولاً برای این شهدا تشکیل پرونده صورت گرفت که بخش‌هایی از آن توسط دادستانی انقلاب اسلامی چاپ شد. به عبارتی تشکیل پرونده و پیگیری حقوقی در حد روال قضایی همان دهه ۶۰ صورت گرفت. هرچند اکنون نیاز به تغییر و تکمیل دارند. اما حوزه بین‌المللی این پرونده‌ها با وجود برخی اقداماتی که تا به حال انجام گرفته، همچنان مغفول است. شهدای ترور ظرفیت این را دارند که برای هر شهید یک وکیل بین‌المللی استخدام شود تا حقوق ملت ایران را پیگیری کند. ما نیاز داریم که هم پیگیری حقوقی آن پرونده‌ها را به جریان انداخته و دنبال کنیم و هم در صحنه بین‌المللی فریاد بزنیم. در عرصه تبلیغات واقعاً کم کاری شده، کار به آنجا رسیده که منافقین به عنوان جلاد همین شهدای ترور، امروز خودشان مدعی شده‌اند. من کاملاً قبول دارم که وقتی در عمل وارد قضایا می‌شویم، می‌بینیم که برخورد شخصیت‌ها و مجامع حقوقی متأثر از مناسبات سیاسی است اما این دلیل نمی‌شود که سکوت کنیم. سکوت در این حوزه باعث شده در داخل کشور هم گاهی صداهایی شنیده می‌شود که قطعاً از ناآگاهی است. ►

کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان

نام مؤلف: آدل فابر، الین مازلیش / مترجم: زهرا جعفری

ناشر: مؤسسه انتشارات صابرین

تعداد صفحات: ۲۷۳



پیش از تألیف این کتاب، خانم فابر و خانم مازلیش در حوزه ارتباط میان بزرگسالان و کودکان، فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کارگاه‌هایی اشاره کرد که ویدئوهای آن‌ها هزاران مخاطب داشته است. طبیعتاً مخاطب برنامه‌های او، در درجه‌ی نخست، والدین و معلمان هستند که برقرار ساختن یک ارتباط سالم با کودکان و نوجوانان، بیش از هر چیز دیگر، برایشان از اهمیت برخوردار است. این کتاب، حاصل سال‌ها کار و تجربه حرفه‌ای این دو نویسنده است و می‌تواند در خصوص درگیری‌های والدین با فرزندانشان، برای آن‌ها بسیار راهگشا باشد. پدر و مادرهایی که در میان حجم انبوه اطلاعات در دنیای امروز، گاهی سردرگم می‌شوند؛ این کتاب از مجموعه کتاب‌های «کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان» است که مخاطب اصلی آن‌ها والدین هستند و سعی دارند تا یک سلسله راهبردهای عملیاتی را در اختیار پدر و مادرهای امروزی قرار دهد.

مؤسسه انتشارات صابرین کتاب حاضر را با عنوان «کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان» به چاپ رسانیده؛ اما این کتاب، پیش از این هم با عنوان‌هایی مانند «به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن» و «چگونه به کودکمان گوش کنیم و چگونه با او صحبت کنیم؟» توسط ناشران دیگری به چاپ رسیده بود.

این کتاب شامل هفت فصل است که در فصل اول، بحث کنار آمدن کودک با احساساتش مطرح می‌شود. در این فصل احساسات مختلف کودک، اعم از خشم، ترس و ... و نحوه‌ی مقابله‌ی با آن، بررسی می‌شود. از فصل دوم تا ششم، به ترتیب، مباحث مربوط به جلب همکاری، جایگزین‌های تنبیه، تشویق به استقلال، تحسین و تمجید، و آزاد کردن کودکان از نقش بازی کردن، طرح‌شده و به‌صورت بسیار کاربردی، با مثال‌ها و تمرین‌های متنوع، راهکارهایی در این زمینه‌ها ارائه می‌شود. در نهایت، در فصل هفتم، مؤلفان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و بیان اهداف خود از این کتاب، می‌پردازند.



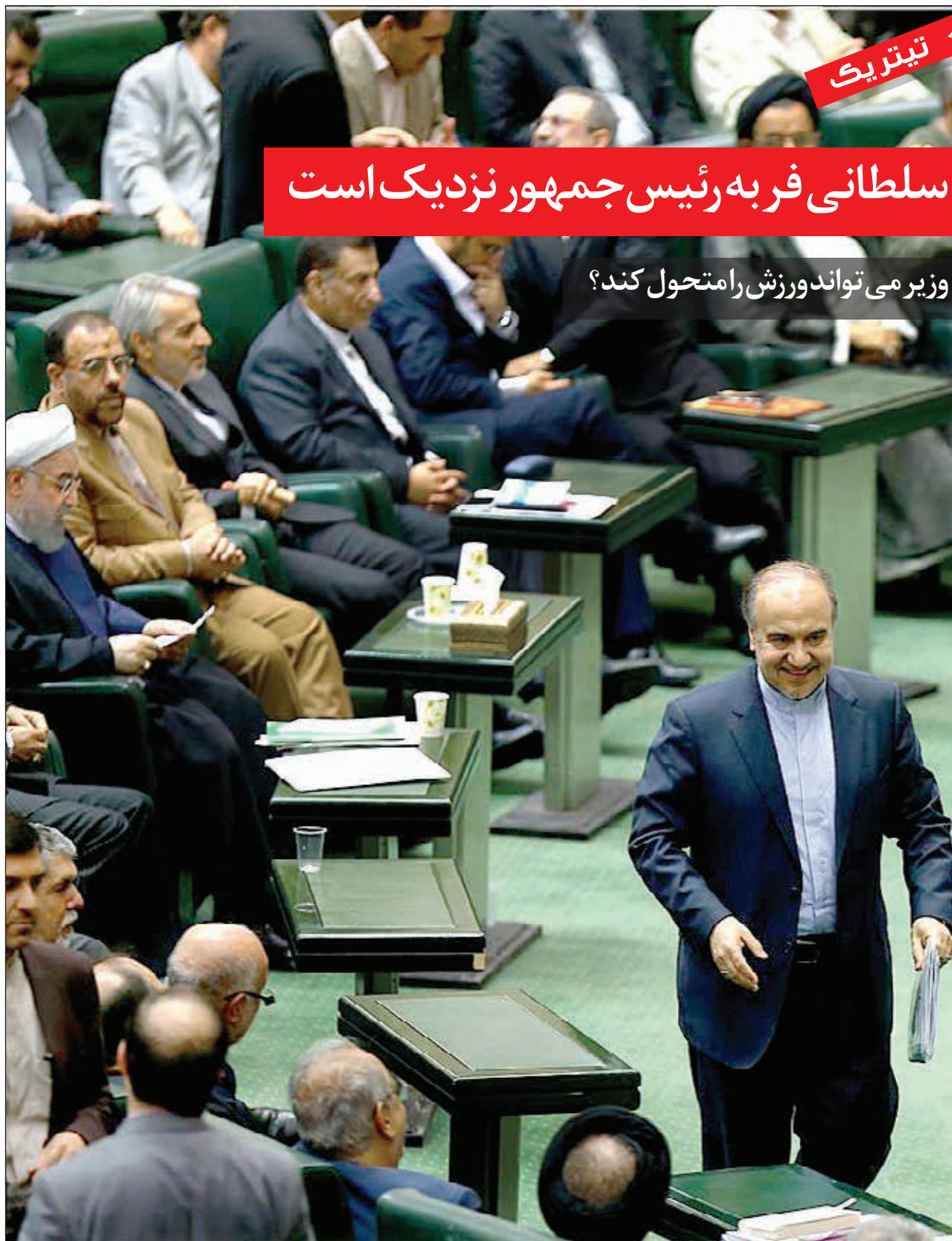
سلطانی فرمی تواند ورزش را متحول کند. اما برای متحول کردن ورزش او باید دقت کند که از نظرات سازنده پیشکسوتان ورزش بهره‌مند شود نه اینکه کارمندان وزارتخانه را جمع کند و از آنها نظر بخواهد. البته این کار هم مفید است اما وزیر ورزش باید از بزرگان ورزش استفاده کند. تجربیات آنها را به کار بگیرد تا بتواند شرایط ورزش را دگرگون کند.

ورزش

تیتریک

سلطانی فربه رئیس جمهور نزدیک است

وزیر می تواند ورزش را متحول کند؟



**بی قانونی، مسائل کلان و انتظاری که
از سلطانی فر می رود
چرا او مخالف نداشت؟**



**همه وقت وزیر ورزش نباید صرف
فوتبال شود
سلطانی فر باید نشانه های خوبی را
مخابره کند**



**بحران آبی!
استقلال و دوباره
سرگیجه؟ چرا؟**



**محمدرضا یزدانی خرم
رئیس اسبق فدراسیون کشتی**

حدود سه سال پیش میزگردی در مجله مثلث برگزار شد. در آن جلسه من و آقایان سلطانی فر، فائق و آجرلو حضور داشتیم. درباره ورزش بحث های مفصل و خوبی مطرح شد. در همان جلسه من متوجه شدم که آقای سلطانی فر اطلاعات خیلی خوبی در حوزه ورزش ورشته های مختلف دارند. در واقع ایشان را یک فرد آگاه به مسائل ورزشی دیدم.

سلطانی فر استاندار چند استان بوده است. در همه استان هایی هم که کار کرده به نظرم تا حدود قابل توجهی موفق عمل کرده است. به خصوص وقتی استاندار گیلان بود در خصوص اجرای بندب خیلی خوب عمل کرد. سلطانی فر همان موقع هم برخورد خوب و حرفه ای با مساله ورزش داشت.

ورزش طی دوره های اخیر شرایط خیلی خوبی نداشته است. آنقدر اوضاع این ورزش خوب نبود که رئیس جمهور ترجیح داد وزیر قبلی ورزش را کنار بگذارد و آقای سلطانی فر را جایگزین کند. البته عده ای فکر می کردند ورزش وقتی به دست دانشگاهیان بیفتد شرایط بهتری پیدا می کند در صورتی که من همان موقع هم چنین تصویری نداشتم و اعتقاد داشتم با نگاهی به ورزش و دانشگاهی به خوبی می توانیم به این موضوع پی ببریم که مدیریت در آنجا دچار ضعف هایی بوده که ورزش دانشگاهی عملکرد خوب به جلویی نداشته است. بنابراین مدیری که نتواند ورزش دانشگاهی را اداره کند برایش خیلی سخت تر خواهد بود که ورزش یک مملکت را اداره کند.

بنده اعتقاد دارم وزیر ورزش باید دید وسیعی داشته باشد؛ ضمن اینکه نسبت به حوزه ورزش آگاه باشد دیدگاهی فرا استانی و در سطحی ملی داشته باشد که بتواند شرایط کلی ورزش را در جامعه متحول کند. یعنی بتواند از همه امکانات استان ها استفاده کند تا ورزش ملی ما به توسعه برسد. از طرفی آقای سلطانی فر فردی است که به رئیس جمهور نزدیک است. این خودش امتیاز مثبت و ویژه ای است که باعث می شود بودجه بیشتری در اختیار ورزش قرار بگیرد و در این صورت خیلی از حرکت های مثبت دیگر را می توانیم در ورزش دنبال کنیم. اما قبل از آقای سلطانی فر چنین فضایی بر ورزش حاکم نبود. اساسا تعاملی وجود نداشت و مدیران قبلی نتوانستند رابطه خوب و حرفه ای با دولت برقرار کنند. حتی مشکلاتی که به راحتی در فضای تعامل با دولت و شخص رئیس جمهور حل می شد طور دیگری پیش رفت. آقایان ترجیح شان چیز دیگری بود. نتیجه این شد که رئیس جمهور کم کم از توسعه در بخش ورزش ناامید شد. به نوعی دلسرد شد. شاید به همین دلیل بود که به نسبت بوسای جمهور قبلی در مجامع ورزشی حضور پیدانی کردند. بهر حال در سال آخر دوره مدیریت وزیر قبلی ورزش کاملاً روشن شد که رئیس جمهور از شرایطی که در ورزش می گذشت رضایت نداشت. به نظرم مدیران قبلی ورزش عملکرد ضعیفی داشتند و باید این تغییر ایجاد می شد. بعد از اینکه سلطانی فر به وزارت ورزش آمد دست به اقدام خوبی زد. یکی، دومهره اصلی را تغییر داد که به نظرم کار درستی بود. ضمن اینکه سعی کرد شرایط کلی ورزش را از حاشیه و تنش دور کند. ما هم از او پشتیبانی کردیم چون می دیدیم که خوب کار می کند. از روزی که سلطانی فر آمد تاکید کرد که قصد دارد از نظرات بزرگان ورزش استفاده کند. تا حدودی البته موفق بود اما به هر حال دوره مدیریت او در وزارت ورزش رو به پایان بود و باید منتظر می نشست تا دوره مدیریتش با رای اعتماد مجلسی به تمديد شود که خوشبختانه

این اتفاق رخ داد. یکی از مشکلات اصلی وزارت که قرار است سلطانی فر آن را اداره کند بحث های مربوط به حوزه جوانان است. او دو بخش بسیار سنگین را باید مدیریت کند. حوزه ورزش و حوزه جوانان. بخش جوانان به نظرم خودش یک وزارتخانه بزرگ و مستقل می خواهد. شوخی نیست. اداره آن بسیار سخت است. مساله جوانان برای همه ما حیاتی است. متأسفانه عده ای این بخش را کوچک می بینند یا بهتر بگویم این بخش را کوچک کرده اند. اهمیت این بخش از وزارت تعاون هم شاید بالاتر باشد. کشور ما جوان است و بسیاری از مشکلاتی که ما با آن روبه رو هستیم هم در حوزه جوانان است. درباره ازدواج، زندگی، شغل و ده ها مورد دیگر مسائلی است که به حوزه جوانان مربوط می شود و ما در همه این سال ها نسبت به آن بی توجه بوده ایم. بنابراین کار وزارت ورزش در دوره جدید بسیار سخت است. البته آقای سلطانی فر به عقیده من نگاه خوبی در این زمینه دارند. لااقل نسبت به وزرای قبلی شرایط بهتری را در این بخش رقم خواهند زد. شاید به همین دلیل بود که مجلس با رای بالا به سلطانی فر اعتماد کرد. وزیر ورزش تنها وزیر بدون مخالف کابینه است و این مورد، حائز اهمیت است. چون سلطانی فر را فردی با برنامه دیدند بنابراین به او اعتماد کردند. همه اینها را گفتم که عرض کنم آقای سلطانی فر به وعده هایی که داده است باید عمل کند. اینکه از تجربه پیشکسوتان استفاده کند و دست به کارهای زیربنایی بزند. پروژه های نیمه تمام را تا جایی که امکان دارد فرصت دارد به اتمام برساند و خلاصه شرایطی را در ورزش ایجاد کند که همه ما راضی باشیم.

یکی از مواردی که به نظرم می تواند به سلطانی فر کمک کند کوچک کردن ورزش کشور است. ما رشته های ورزشی بسیاری داریم که خیلی از آنها می توانند اساس در بخش قهرمانی حضور نداشته باشند. مقام معظم رهبری هم در این باره توصیه های بسیار ارزشمندی داشته اند و تاکید کرده اند که نباید تعداد رشته های ورزشی را آنقدر وسعت بدهیم که از عهده اداره شان برناییم. هر ورزشی امکانات خاص خودش را می خواهد. هزینه هایی را به وزارت ورزش تحمیل می کند. انگلیس یا خیلی از کشورهای دیگر آنگاه کنید. آنها در رشته های خاصی سرمایه گذاری می کنند و به نتیجه های خوبی هم می رسند. در حالی که ما ۵۰ رشته ورزشی داریم. فدراسیون های بسیاری را در ورزش کشورمان ایجاد کرده ایم که اساساً فقط هزینه دارند و هیچ سود مادی یا معنوی برای ورزش کشورمان ندارند. این موضوع باعث می شود که ما کیفیت کارمان به شدت افت کند. ما باید ۲۰ تا ۲۵ رشته ورزشی داشته باشیم و برای این ۲۵ رشته ورزشی سرمایه گذاری و برنامه ریزی درستی داشته باشیم. اما کاری که طی سال های گذشته انجام شده چه بود؟ ما رشته هایی را که باید به آنها توجه بیشتری می کردیم اساساً فراموش کردیم. ژیمناستیک امروز ورزش اول دنیا است. ورزش دوم دنیا دو میدانی است. ورزش سوم در دنیا شنا است. ما با این رشته ها چه برخوردی داشته ایم؟ جزیی توجیه کار دیگری نکرده ایم. نه در مراکز آموزشی و نه در مدارس و نه در باشگاه ها یا هر جایی که شما فکرش را می کنید. در زمینه این رشته های مادر، هیچ برنامه دقیق و درستی نداشته ایم. این موضوع به ساختار ورزش کشورمان لطمه های جدی وارد کرده است. یعنی قهرمانان ما اگر ژیمناست نباشند از برنامه روز دنیا عقب هستند. این عقب افتادگی چگونه باید جبران شود؟ شما توجه کنید که ما اساساً امکانات ژیمناستیک را در مدارس مان نداریم. شما فکر می کنید اقتصاد مقاومتی که حضرت آقای فرماید چگونه در ورزش محقق می شود؟ به نظر من باتوجه به رشته های مادر و توسعه دادن این رشته ها است که ما می توانیم به سمت و سوی خوبی پیش برویم. گسترش دادن این سه رشته مادر باعث

می شود تعداد بیماران ما هر سال کمتر و کمتر شود. با این کار با یک تیر دو نشان زده ایم. هم به سلامت جامعه کمک کرده ایم و هم ایجاد اشتغال کرده ایم. کسی که ژیمناستیک کار می کند یک عمر سلامت است. چون بدن این ورزشکار زیرساخت خوبی دارد. در تمام دنیا ورزشکارانی را بیشتر مورد توجه قرار می دهند که علاوه بر رشته تخصصی شان ژیمناستیک هم کار کرده اند. وقتی در فدراسیون والیبال بودم شاهد بودم که روس ها به شدت این برنامه را برای والیبالیست های شان اجرا می کنند. خود ما هم وقتی در فدراسیون والیبال بودیم مربی ژیمناستیک آوردیم. در کشتی هم همین کار را انجام دادیم. اینها مسائلی است که سلطانی فر باید به آن توجه کند. کار سختی پیش رو دارد. برگزاری مسابقات فوتبال یا برخی رشته ها که به صورت خودکار کارشان را انجام می دهند که کاری ندارد. چیزی که اهمیت دارد نهادهای ورزش در جامعه است. به طوری که ما طی سال ها حتی دهه های آینده اثرات مثبت آن را ببینیم.

موضوع دیگری که مایلم درباره آن صحبت کنم به فوتبال مربوط می شود. در مورد فوتبال باید بگویم که مشاوران وزیر ورزش نقش بسیار مهمی دارند. گاهی اوقات برخی از این مشاوران دچار افراط می شوند. گاهی دیده ام که وزیر ورزش را برای دیدن مسابقات فوتبالی که اهمیت چندانی ندارد به ورزشگاه می برند. این کار خوبی نیست. حیف است که وقت وزیر ورزش را این طور تلف می کنند. ما نباید وزیر ورزش را با فوتبال سرگرم کنیم و او را به سمت و سویی ببریم که همه انرژی و وقت خود را صرف پرداختن به مسائل فوتبال کند. جمعیتی که برای دیدن فلان مسابقه فوتبال آمده است چه آقای سلطانی فر در ورزشگاه باشد چه نباشد از بازی مورد دلخواه خود استقبال می کند. آن جمعیت برای وزیر ورزش که نمی آید. بنابراین وزیر ورزش حتی اگر برای جمع کردن رای می خواهد به ورزشگاه برود باید بداند که از آن صدهزار نفر شاید ۱۰ نفر هم به او رای ندهد. چون ورزش، ورزش است و سیاسی نیست. مردم ما ورزش را برای ورزش می خواهند نه برای سیاست. بنابراین مسئولان ما نباید فریب بخورند که معمولاً هم فریب نخورده اند. مشاوران باید آدم های حرفه ای باشند. اگر قرار است پای وزارت ورزش به مساله فوتبال باز شود آقایان مشاور و یابند و برای فرهنگ سازی در ورزشگاه ها برنامه ریزی کنند. بچه های که عاشق فوتبال است از دور ترین نقطه شرق تهران با سه کورس اتوبوس خود را به ورزشگاه آزادی می رساند و بعد می بیند آب معدنی داخل ورزشگاه ها سه برابر قیمت بیرون است. می خواهد یک ساندویچ بخورد اما می بیند با کمترین کیفیت ممکن آن را هم سه برابر قیمت بیرون می فروشند. می خواهد از سرویس بهداشتی ورزشگاه استفاده کند که آن قدر بدون کیفیت است و به آن رسیدگی نشده که اصلاً پشیمان می شود. بعد می گوئیم چرا در فوتبال بداخلاقی شدت گرفته؟ وزارت ورزش باید به مسائل زیربنایی و ساختاری ورزش توجه کند. اینها موضوعات بسیار مهمی است. کار فرهنگی کردن این نیست که بنشینیم و برای هواداران شعر و ترانه پخش کنیم.

به نظر من سلطانی فر می تواند ورزش را متحول کند. اما برای متحول کردن ورزش او باید دقت کند که از نظرات سازنده پیشکسوتان ورزش بهره مند نشود نه اینکه کارمندان وزارتخانه را جمع کند و از آنها نظر بخواهد. البته این کار هم مفید است اما وزیر ورزش باید از بزرگان ورزش استفاده کند. تجربیات آنها را به کار بگیرد تا بتواند شرایط ورزش را درگون کند. بعضی از آقایانی که طی این سال ها طرف مشورت قرار گرفته اند اوضاع منزل خودشان را هم به سختی اداره می کنند چه برسد به اینکه بخواهند برای اداره ورزش یک کشور طرف مشورت قرار بگیرند. ▶

رسیدگی به استان‌های محروم نباید فراموش شود

سلطانی فر از بانوان در پست‌های کلیدی استفاده کند

فاطمه ذوالقدر

نماینده مردم تهران در مجلس



فکر می‌کنم آقای سلطانی فر، طی چهار سال آینده تعامل خوبی با مجلس داشته باشد. وقتی ما درباره جدا کردن حوزه ورزش از حوزه جوانان در مجلس صحبت کردیم ایشان خیلی خوب با این قضیه برخورد کرد و از نظر نمایندگان استقبال کرد و گفت هر تصمیمی که نمایندگان بگیرند ما هم تابع خواهیم بود. معتقدم وزارت ورزش از جوانان باید جدا شود تا به معضلات جوانان توجه شود.

اما در مورد وزیر ورزش باید بگویم سلطانی فر مدیری است که سابقه فعالیت در حوزه جوانان را داشته و گزینه‌ای است که می‌تواند حوزه جوانان این وزارتخانه را متحول کند و می‌تواند باتوجه به سابقه مدیریتی خوبی که در میراث فرهنگی دارد و تغییر و تحولی که در آنجا ایجاد کرده بود حتما در وزارت ورزش و جوانان هم می‌تواند موفق باشد. به هر حال بر هیچ کس پوشیده نیست که حوزه جوانان تا چه حد اهمیت دارد و من معتقدم ضرورت توجه به این بخش را آقای سلطانی فر به خوبی درک کرده است. هر چند به عقیده من موضوعات مربوط به جوانان آن قدر گسترده است که می‌بایست آن را یک روزی به یک وزارتخانه جداگانه تبدیل کنیم تا همان طور که درباره ورزش از وزیر مربوطه توضیح می‌خواهیم در این بخش هم بتوانیم درباره حل مسائل جوانان و رسیدگی به امور جوانان از وزیر پاسخ‌های

قانع‌کننده‌ای دریافت کنیم. چالش‌هایی هم البته پیش روی وزیر ورزش و جوانان هست که باید به آنها دقت کنیم. حوزه جوانان بسیار گسترده است و «ازدواج، اشتغال و مسکن» مهمترین چالش‌های اصلی وزیر ورزش و جوانان است که به این آسانی‌ها این چالش‌ها حل‌شدنی نیست و احتیاج به برنامه مدون و مشخصی دارد و این موضوع صرفا به وزارت جوانان محدود نخواهد بود، بلکه وزارت کار، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و وزارت مسکن، صداوسیما و ائمه جمعه و جماعت و اصحاب رسانه باید به دولت و وزارت ورزش و جوانان، کمک و همفکری و همراهی کنند تا حل معضلات جوانان در اشتغال، کار و ازدواج به حداقل برسد. مهمترین کاری که «سلطانی فر» در این مدت باقیمانده باید به آن توجه کند توجه به اشتغال جوانان و فراهم کردن مسکن ارزان و همین‌طور تبلیغ ازدواج آسان و فرهنگ‌سازی درست برای دوری از تجمل‌گرایی و بازگشت به اصل ایرانی اسلامی مهم‌ترین کار وزیر جوانان است و مساله اشتغال و ازدواج به تنهایی قابل حل شدن نیست و نیاز به همکاری و همراهی وزارت تعاون، کار و رفاه و همین‌طور وزارت فرهنگ و سایر نهادهای دولتی است.

برنامه‌ای که آقای سلطانی فر ارائه کرد برنامه خوبی بود. نگاه و رویکردی که ایشان در حوزه ورزش دارد بالطبع می‌تواند منشا اتفاقات خوبی باشد. کاملا روشن است که سلطانی فر خواهان تغییرات مثبت در حوزه ورزش است. او طی ماه‌های آخر دولت قبلی هم این مساله را نشان داد که مدیر توانمندی است و می‌توانیم به او اعتماد کنیم که پروژه‌های ناتمام را به اتمام برساند و اتفاقا توسعه ورزش

را بدون ایجاد حاشیه و دردر در دستورکار قرار بدهد. او در مجلس آمار قابل توجهی در این زمینه ارائه کرد و نمایندگان مجلس به این نتیجه رسیدند که سلطانی فر به نقاط ضعف اکثر استان‌های کشور واقف است و درصدد جبران کاستی‌ها است. در این زمینه زحمات‌هایی کشیده و نشان داده که در آینده هم می‌تواند موفق باشد. او رای بالایی هم از مجلس گرفت. به خصوص مايلم درباره یکی از کارهای مهم آقای سلطانی فر صحبت کنم و آن اعتماد به بانوان است. در این زمینه گام‌های خوبی برداشته شده و من به عنوان یک نماینده که می‌بایست از حق و حقوق بانوان هم دفاع کنم می‌دانم که سلطانی فر نگاه و دیدگاه خوبی به استفاده از ظرفیت مدیریت و توانمندی بانوان در حوزه کلان ورزش دارد. همچنین او تلاشی می‌کند که شرایط حضور بانوان را بهتر بگویم خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها را هموار کند که به نظرم این نه تنها اتفاق ناخوشایندی نیست بلکه به ورزش ما کمک می‌کند که شاهد فضاهای فرهنگی در ورزشگاه‌ها باشیم. طی سال‌های اخیر هم مردم ما نشان داده‌اند که هر گاه خانواده‌ها در ورزشگاه بوده‌اند بیش از هر زمان دیگری مسائل فرهنگی را رعایت کرده‌اند. می‌دانم که نظر آقای سلطانی فر هم همین است. اینکه با برنامه‌ریزی و فراهم کردن امکانات زمینه حضور خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها را هموار کند.

به نظرم وزارت ورزش و شخص آقای سلطانی فر می‌توانند بیش از اینها به بانوان و ظرفیت آنها اعتماد کنند. البته ایشان در این زمینه به نمایندگان مجلس قول مساعد داد. بانوان توانمند باید در پست‌های کلیدی ورزش به کار گرفته شوند. این خواسته ما است و معتقدم آقای سلطانی فر اگر چنین رویه‌ای را در پیش بگیرد موفقیتش حتمی خواهد بود. اطمینان دارم اگر شرایط تعامل وزیر ورزش با مجلس محقق شود بیش از آنکه شاهد سوال

بی‌قانونی، مسائل کلان و انتظاری که از سلطانی فر می‌رود

چرا او مخالف نداشت؟

محسن اثیمی

روزنامه نگار

مثلا نداند چه نتیجه‌ای در بازی چلسی و منچستر رقم خورده چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ وزیر ورزش باید به مسائل کلان ورزش اشراف داشته و در جهت حل آنها بکوشد، اما آیا این اتفاق رخ داده است؟

سلطانی فر نشان داده فردی است علاقمند به ورزش. ورزش را دوست دارد و از قدیم آن را پیگیری می‌کرده است. اینها فاکتورهای اولیه‌ای است که وزیر ورزش باید از آنها برخوردار باشد اما در چند ماه گذشته او در برخی مسائل وارد شده که بهتر بود ورود نمی‌کرد. برخی کارهای سلطانی فر این تصور را ایجاد می‌کند که او به دنبال جلب نظر مردم است و دوست دارد کارهایی انجام دهد که عوام‌پسندانه است.

به عنوان مثال بعد از گذشت مدتی از حضورش در وزارت ورزش به تمجید از کی‌روش پرداخت و درباره او در کانال شخصی‌اش در تلگرام مطلب نوشت، کاری که درباره سرمربیان دیگر رشته‌ها انجام نداده است. واقعا چه ضرورتی دارد وزیر ورزش و جوانان درباره یک مربی خارجی به گونه‌ای مطلب بنویسد که آن مربی تصور کند حتی در صورت پیدا کردن مشکل با رئیس فدراسیون از حمایت بالاتری برخوردار است؟ چه لزومی دارد وزیر ورزش و جوانان دائما سخنرانی سیاسی کند و حتی در جلسه معاونان وزارت ورزش حرف از سیاست بزند؟

اینکه مسعود سلطانی فر در جلسه رای اعتماد در مجلس شورای اسلامی مخالفی نداشت را می‌توان از دو جنبه تحلیل کرد، اینکه عملکرد او آنقدر خوب بوده که مخالفی نداشته یا اینکه نمایندگان مجلس به این حوزه اشراف چندانی نداشتند و البته برایشان ورزش در اولویت نبوده و دنبال مسائل و حوزه‌های دیگر بودند. مورد دوم البته قابل قبول تر است چرا که عملکرد سلطانی فر در دوران حدودا ۹ ماهه او آنقدر خوب نبود که مخالفی نداشته باشد.

همان زمان که برای اولین بار مسعود سلطانی فر برای وزارت ورزش پیشنهاد شد و البته رای اعتماد نگرفت، می‌گفتند اطلاعاتش خیلی خوب و در حد فردوسی پور است، گویی که وزیر ورزش گزارشگر یا مجری تلویزیون است. برخی از اطرافیان هم می‌گویند سلطانی فر می‌داند که منصور برزگر در فینال فلان مسابقه بین المللی با چه نتیجه‌ای حریفش را شکست داده است.

اینکه یک وزیر ورزش همه چیز را بداند خیلی خوب است اما صرف اینکه فردی چنین نکات ریزی را بداند برای انتخاب وزیر ورزش و جوانان کافی است؟ اگر وزیر ورزش





همه وقت وزیر ورزش نباید صرف فوتبال شود

سلطانی فر باید نشانه‌های خوبی را مخابره کند

مهدی ریشه

دبیر گروه ورزش

مسعود سلطانی فر در وزارت ورزش و جوانان، کار دشواری پیش رو خواهد داشت. بخشی از سختی کارش البته به ضعف‌های دوره محمود گودرزی برمی گردد. دوره‌ای که وزیر قبلی ورزش اساساً میانه خوبی با برخی رشته‌های ورزشی نداشت. نمونه‌اش فوتبال. گودرزی طوری با فوتبال برخورد کرد که خیلی‌ها اعتقاد داشتند او اساساً علاقه‌ای به این رشته ندارد. برخی می‌گفتند گودرزی نمی‌خواهد سری به تن این فوتبال بماند. وزیر وقت ورزش اما کاری به این نقدها نداشت. در واقع راه خودش را می‌رفت. مایل بود کی‌روش را کنار بزند و فوتبال راهی را برود که او می‌گوید اما هرگز چنین نشد. نه تنها کی‌روش نرفت و فوتبال راه گودرزی را نرفت بلکه این خود او بود که در ماه‌های پایانی دولت قبلی جای خود را به سلطانی فر داده بود. به نظر سلطانی فر مأموریت خودش را درست انجام داد. او ورزش را از حاشیه‌ها دور کرد اما آیا این همه کاری است که وزیر ورزش باید انجام دهد؟ به نظر پاسخ روشن است. اولاً مسعود سلطانی فر باید تاجایی که می‌تواند از نظرات مدیرانی که سال‌ها در ورزش فعالیت داشته‌اند و معضلات آن را می‌دانند به خوبی استفاده کند. تجربه نشان داده که او کمی به آگاهی نسبتاً قابل توجه خود در حوزه ورزش بیش از حد اطمینان دارد و شاید این اطمینان بیش از حد باعث شود تا او ضرورت مشورت با بزرگان ورزش را به خوبی درک

و تذکر باشیم شاهد تشکیل جلسات سازنده برای توسعه ورزش کشور خواهیم بود. خود آقای سلطانی فر همواره با کمیسیون فرهنگی مجلس تعامل خوبی داشته‌اند. ما هم برخی جلسات مان را در وزارت ورزش برگزار کرده‌ایم. شرایط خوبی فراهم شده و من امیدوارم این تعامل به بهتر شدن شرایط ورزش کشور منجر شود. استفاده از نیروی توانمند زنان در بخش‌های مدیریتی و معاونت‌ها، اختصاص بودجه جدا برای ورزش زنان و تکمیل پروژه‌های ورزشی نیمه‌تمام با به کارگیری بخش خصوصی و ملزم کردن ادارات دولتی اختصاص ساعتی برای ورزش کارمندان زن را باید در دستور کار خود قرار دهند.

خدا را شکر موفقیت‌های خوبی را طی یک سال اخیر در حوزه ورزش شاهد بودیم. تیم ملی فوتبال کشورمان به جام جهانی صعود مقتدرانه‌ای داشت. همچنین شاهد درخشش بانوان در بازی‌های بین‌المللی بودیم. رشته‌های ورزشی ما موفق بودند و امیدواریم که این موفقیت‌ها همین‌طور ادامه پیدا کند که در نهایت مردم ما نیز خوشحال و راضی باشند. اما این را هم فراموش نکنیم که وزارت ورزش باید طی چهار سال آینده بیش از گذشته به مناطق محروم رسیدگی کند و آنها را هم از لحاظ امکانات ورزشی بهره‌مند سازد. توجه به حاشیه‌های فقیرنشین شهرهای بزرگ از جمله مناطقی در تهران بزرگ مانند اسلامشهر، شهرری و پردیس و استان‌های محروم مانند «هرمزگان» و سیستان و بلوچستان و در صورت توجه به ورزش و جوانان و فرهنگ‌سازی و تقویت آن شاهد خواهیم بود که دیگر اثری از اعتیاد و دیگر معضلات اجتماعی نخواهد بود، بنابراین باید به این مناطق و استان‌های کم‌برخوردار از امکانات توجه بیشتری شود. در این صورت شک نکنید که بعدها بیش از اینها ممنون آقای سلطانی فر و زحمات ایشان در وزارت ورزش و جوانان خواهیم بود. ▶

در دوره ۹ ماهه حضور سلطانی فر در وزارت ورزش البته اتفاقات دیگری هم رخ داد و بی‌قانونی‌هایی صورت گرفت از جمله در بحث انتخاب سرپرست فدراسیون بوکس، عدم ثبت نام به موقع از نامزدهای فدراسیون شنا برخلاف آیین نامه، انتخاب قائم مقام برای فدراسیون قایقرانی برخلاف اساسنامه و اتفاقات فدراسیون تیراندازی.

در کنار این مسائل البته مواردی مانند عدم اصلاح چارت سازمانی وزارت ورزش و جوانان و انتخاب هیات مدیره پرسپولیس و استقلال پس از پایان فعالیت دو تیم در فصل نقل و انتقال و همچنین ابقای مدیران عامل دو باشگاه پیش از تشکیل جلسه هیات مدیره - اتفاقی که عملاً هیات مدیره را هیچ کاره معرفی می‌کند - رخ داد.

در کنار این موارد حتماً اتفاقات خوبی هم در وزارت ورزش رخ داده که نمی‌توان از آنها گذشت اما وقتی رئیس جمهور به وزیرش لقب «دایره المعارف» ورزش را می‌دهد انتظارات هم بیشتر می‌شود. سلطانی فر قطعاً در چهار سال پیش رو کار دشواری پیش رو دارد. از او انتظار می‌رود با دیدی بازتر درباره مسائل کلان ورزش تصمیم‌گیری کند و مسائل کلان را در اولویت قرار دهد. ورزش ایران، المپیک ۲۰۲۰ را پیش رو دارد و سلطانی فر هم تأکید کرده که باید در رشته‌های پایه عملکرد موفق‌تری داشته باشیم. حالا وقت کار برای نتیجه گرفتن در المپیک و البته پیش از آن بازی‌های آسیایی است. حالا وقت آن است که ورزش ایران جهشی بلند داشته باشد و در این راه انتظار از سلطانی فر بیشتر از چیزی است که اکنون وجود دارد. ▶

نکند. نکته بعدی که به نظر آقای سلطانی فر باید آن را رعایت کند این است که تکلیف برخی فدراسیون‌ها که در گذشته مسیر خوب و درستی را طی می‌کردند خیلی زود روشن کند. فدراسیون‌هایی که در حال حاضر معتقدند وزارت ورزش به عمد نسبت به آنها بی‌اعتنایی می‌کند. فدراسیون‌هایی که روسای آن با وزیر قبلی ورزش به مشکل برخوردند و امیدوار بودند که با حضور سلطانی فر شرایط تازه و حرفه‌ای‌تری را تجربه کنند اما نه تنها چنین نشد بلکه مناقشات روز به روز بیشتر شد. این بالاتکلیفی‌ها به ورزش کشور لطمه می‌زند. مورد بعدی که به نظر از همه اینها مهم‌تر است اینکه آقای سلطانی فر علاقه زیادی به فوتبال نشان داده یا دست کم طی این مدت نشان داده که بیشترین انرژی‌اش را وقف فوتبال کرده است. این اصلاً درست نیست. ورزش کشور فقط فوتبال نیست و اگر سلطانی فر بیش از پیش به فوتبال اقبال نشان دهد معلوم نیست که در آینده چه اتفاقاتی برای دیگر رشته‌های ورزش کشور رخ خواهد داد. بنابراین وزیر ورزش باید دامنه وظایف یا حتی اختیارات خود را فراتر از یک رشته ورزش باند و صرفاً به این دلیل که فوتبال جذاب‌تر از برخی رشته‌های ورزشی است بیشترین وقتش را صرف آن نکند. همچنان که خیلی‌ها اعتقاد دارند او نباید صرفاً به تهران نگاه کند بلکه باید به همه استان‌ها توجه داشته باشد و برای توسعه ورزش کشور در گستره یک مملکت برنامه‌ریزی کند. آیا سلطانی فر می‌تواند چنین کند؟ این موضوع را نمی‌دانم اما برای متحول کردن ورزش باید نشانه‌های خوبی از وی ببینیم. ▶



گزارش ویژه

آیا قریب مدیرعامل می شود؟

منصوریان در آستانه برکناری قرار دارد

محمدحسین قریب؛ اگرچه این نام هرگز سوژه مناسبی برای تنش و حاشیه نبوده است و از این حیث شاید چهره جذابی برای رسانه‌ها به حساب نیاید اما این بار ناخواسته همه حاشیه‌های درون هیات مدیره باشگاه استقلال به محمدحسین قریب و غیبت‌هایش ختم می‌شود. آنجا که باتوجه به پست کلیدی او در باشگاه استقلال که ریاست هیات مدیره را بر عهده دارد غیبت‌های مکرر او در جلسات حالا دیگر با هیچ بهانه‌ای قابل قبول نیست و در این بین خیلی‌ها اعتقاد دارند او با آقای مدیرعامل اختلاف نظر جدی دارد.

شرایط در استقلال اصلا خوب نیست. تیم منصوریان تا کنون نتایج خوبی کسب نکرده است. این در حالی است که سرمربی استقلال به جای پرداختن به مشکلات فنی تیمش سعی کرده خود را مقابل منتقدانش قرار دهد و برای آنها خط و نشان بکشد. او حتی در مصاحبه‌ای تاکید کرده که تا ۶ سال دیگر در استقلال می‌ماند. این روحیه‌ای است که از مدیرعامل باشگاه استقلال نیز سراغ داریم. آنجا که برابر منتقدانش واکنش‌های تند و نشان می‌دهد و البته قواعد بازی را خوب می‌داند. او در شرایطی که برخی منابع از جدایی قریب‌الوقعش از باشگاه استقلال خبر می‌دهند، سعی می‌کند رابطه‌اش با وزیر ورزش را تحکیم کند. بی‌تردید تحکیم رابطه با سلطانی فر به عنوان رئیس مجمع باشگاه استقلال می‌تواند ماندن او در باشگاه استقلال به عنوان مدیرعامل را بیمه کند. شاید به همین دلیل بود که ۱۰ روز پیش در مصاحبه‌ای تاکید کرد: «نگاه سلطانی فر به پرسپولیس و استقلال، عادلانه و ملی است؛ مشکلات استقلال با حمایت وزیر ورزش رفع خواهد شد». البته سلطانی فر خیلی زود پاسخ تمجید افتخاری را داد. او هفته گذشته در پاسخ به این سوال که آیا قرار است مدیرعامل باشگاه استقلال تغییر کند، عنوان کرد: «۱۰۰ درصد تکذیب می‌کنم.»

با این حال برخی منابع نزدیک به دولت تاکید می‌کنند که افتخاری برکنار می‌شود تا قریب مدیرعامل شود. در حالی که وزیر ورزش صراحتاً از افتخاری حمایت کرد و حتی تحت تأثیر تجمع مقابل وزارت ورزش قرار نگرفت رسانه‌های خبری نزدیک به دولت مدعی‌اند بعد از تغییرات، به احتمال زیاد از سمت مدیرعاملی برکنار خواهد شد. رضا افتخاری با

فصل گذشته بود، پولی به بازیکنان پرداخت نشده است و به نظر می‌رسد آبی‌پوشان طی روزهای آینده مشکل مالی را هم سر راه خود ببینند. مشکلی که با حذف آرم اسپانسر استقلال در بازی روز گذشته هم نمایان شد.

این اتفاقات در حالی رخ داده که اعضای هیات مدیره استقلال که طی هفته‌های اخیر نتوانستند به دلیل غیبت شخص اول هیات مدیره با منصوریان صحبت کنند و تصمیم دارند این مربی را به نشست آینده هیات مدیره این باشگاه دعوت و در خصوص برنامه‌ها و نتایج دو هفته اخیر آبی‌پوشان با وی صحبت کنند. بحث تغییر سخنگو نیز در نشست آینده هیات مدیره باشگاه استقلال مطرح خواهد بود زیرا از طرف رسانه‌های مختلف گالیهایی به اعضای هیات مدیره استقلال مبنی بر عدم شفاف‌سازی افتخاری و عدم پاسخگویی وی به رسانه‌ها منتقل شده است.

به نظر می‌رسد بعد از انتخاب اعضای جدید هیات مدیره باشگاه استقلال و حضور نفراتی مثل قریب که سابقه کار در این باشگاه را داشتند شرایط به سود آبی‌پوشان تهرانی رقم بخورد اما حالا نه تنها مشکلات فنی آبی‌پوشان از فصل قبل تغییری نکرده است بلکه استقلال‌لی‌ها با شانه خالی کردن مدیران باشگاه دچار مشکلات عدیده دیگری در فصل پیش رو شوند.

سایت مشرق اما در خصوص غیبت‌های قریب و پشت پرده این غیبت‌ها نوشته است: نشست هیات مدیره باشگاه استقلال برای بار چندم بدون حضور رئیس برگزار شد تا مشخص شود که اخبار قبلی مبنی بر وجود اختلاف بین قریب و برخی از اعضای هیات مدیره استقلال به خصوص با سیدرضا افتخاری، مدیر این باشگاه چندان بی‌پایه و اساس نیست. قریب حضور در جلسه‌ای دیگر را بهانه‌ای قرار داد برای عدم حضور در جلسه هیات مدیره استقلال و این اولین باری نبود که این اتفاق می‌افتاد.

رئیس هیات مدیره باشگاه استقلال که از نسل مدیران گذشته این باشگاه است و سابقه سال‌های زیادی حضور در هیات مدیره و حتی مدیریت باشگاه را هم در کارنامه‌اش دارد، بعد از مذاکراتی که قبل از شروع فصل با تصمیم‌سازان در حوزه استقلال در وزارت ورزش و جوانان داشت، سرانجام پذیرفت که در هیات مدیره این باشگاه مسئولیت بگیرد. وی پس از آن خواست تا یکی از معاونین سابق این باشگاه را بار دیگر به چرخه مدیریت اضافه کند که این موضوع با مخالفت صریح و بی‌پرده افتخاری مواجه شد.

مدیرعامل استقلال نخواست تا چارت مدیریتی باشگاه که رابطه مستقیم کاری با خودش دارند توسط هیات مدیره چیده شود از همین رو سر مواضع خودش ایستادگی کرد و این موضوع باعث شد تا قریب در این خصوص موضع گرفته و اختلافات طرفین شدت بگیرد.

فصل گذشته هم در حالی که شهاب جهانیان، رئیس وقت هیات مدیره باشگاه استقلال برای خود سخنگو و مشاور فنی برگزید و خبر آن را از طریق سایت رسمی باشگاه استقلال رسانه‌ای کرد، این موضوع با مخالفت صریح افتخاری مواجه شد و نه تنها اخبار مزبور از روی خروجی سایت باشگاه استقلال حذف شد، بلکه وی تا آخر، پای حرف خود ایستاد و این اجازه را به رئیس هیات مدیره نداد که برای خودش مشاور و سخنگو داشته باشد.

افتخاری فصل قبل هم نشان داد استعداد ایستادگی مقابل رئیس هیات مدیره را دارد و پای تبعات آن هم می‌ایستد. بنابراین بعید است که وی این بار هم در مواضع خود مقابل رئیس فعلی هیات مدیره باشگاه انعطاف نشان داده و به خواسته او تن دهد.

باید دید حمایت سلطانی فر از افتخاری که فعلاً قاطعانه به نظر می‌رسد طی روزهای آینده ادامه خواهد داشت یا وزیر ورزش خود را به مواضع قریب نزدیک می‌کند تا او جانشین افتخاری شود؟

تصمیم اعضای جدید هیات مدیره باشگاه استقلال از کار برکنار خواهد شد هرچند گفته می‌شود عضو هیات مدیره باقی خواهد ماند. از محمدحسین قریب، مدیرعامل سابق استقلال و عضو جدید هیات مدیره به عنوان جدی‌ترین گزینه مدیرعاملی نام برده می‌شود.

ماجرای غیبت‌های قریب شروع شد. از روزی که اعضای جدید هیات مدیره باشگاه استقلال معرفی و انتخاب شدند، محمدحسین قریب، رئیس هیات مدیره این باشگاه در جلسات شرکت نکرد و همین موضوع اعضای هیات مدیره را برای تصمیم‌گیری دچار سردرگمی کرد.

قریب که تنها در نشست اول در حضور وزیر ورزش و جوانان حاضر شده بود، در سه جلسه بعدی هیات مدیره آبی‌پوشان حضور نداشت و این موضوع عملاً جلسات هیات مدیره را بدون خروجی گذاشت. آخرین نشست هیات مدیره باشگاه استقلال نیز بدون کوچک‌ترین اطلاع‌رسانی برگزار شد و باز هم محمدحسین قریب در این جلسه حاضر نبود.

در ابتدای فصل قرار بود علیرضا منصوریان بعد از پایان اردوی ارمنستان به نشست هیات مدیره باشگاه استقلال برود و در خصوص برنامه‌های این فصل صحبت کند اما نبود قریب باعث شد تا دعوت از سرمربی تیم استقلال به تعویق بیفتد و حالا که مدیر بالادستی در جلسات مهم هیات مدیره غایب است، علیرضا منصوریان باید به چه کسی در مورد عملکرد خوب یا بدش پاسخ بدهد؟

سوال اینجاست که چرا محمدحسین قریب به عنوان رئیس هیات مدیره در جلسات شرکت نمی‌کند؟ سوال دیگر اینجاست مطرح می‌شود که چرا سخنگوی باشگاه استقلال (افتخاری) حاضر نیست در مورد غیبت‌های قریب توضیح بدهد؟ با این توضیحات اما سوال بعدی به وجود می‌آید که مگر غیر از این است که مصوبات نشست‌های هیات مدیره باید در اختیار رئیس مجمع که همان شخص وزیر ورزش است قرار بگیرد و آیا این سوال برای مسعود سلطانی فر به وجود نمی‌آید که چرا قریب در جلسات شرکت نمی‌کند؟

مبحث بعدی این است که استقلال‌لی‌ها این روزها با مشکل مالی دست و پنجه نرم کرده و بعد از پرداختن روز ۲۰ خرداد ماه سال گذشته که قسط سوم قرارداد بازیکنان در

عجیب‌ترین تصویر لیگ!

وقتی سرمربی استقلال تسلیم شد

داور برای وقت‌های تلف شده نیمه دوم ۵ دقیقه زمان در نظر گرفته بود اما هنوز یکی - دو دقیقه بیشتر از این وقت‌ها نگذشته بود که علیرضا منصوریان شوکه از اتفاقات رخ داده روی سکوها، نیمکت استقلال را رها کرد و به سمت رضا مهاجری سرمربی پدیده رفت و دقایق باقیمانده از بازی را کنار این مربی تماشا کرد. رفتاری که نه تنها بیشتر از قبل روی اعصاب طرفداران حاضر در ورزشگاه رفت بلکه باعث واکنش عجیب تر گزارشگر تلویزیون هم شد که با جمله‌های رمانتیک و عاشقانه این صحنه عجیب را گزارش کرد. برای پرده برداشتن از راز این اتفاق بهترین فرد سرمربی پدیده بود. رضا مهاجری در این باره گفت: «به نظرم علیرضا منصوریان کاملاً از اتفاقات رخ داده در سکوها شوکه شده بود چون انتظار نداشت طرفداران استقلال چنین رفتاری با او انجام بدهند، از همین رو به خاطر شوکه بودن در محاسبات دقایق پایانی بازی اشتباه کرد و به تصور اینکه داور سوت پایان را می‌کشد به سمت من آمد اما وقتی دید هنوز چند دقیقه مانده، دیگر از کنار من جنب نخورد. وقتی درگوش من خسته نباشید و تبریک گفت کاملاً حس و حال او را درک کردم چون فصل قبل همین شرایط برای خود من در پدیده تکرار شده بود. علی منصوریان از رفتار تماشاگر شوکه بود، من هم او را دلدارای دادم و به او گفتم اگر به کاری که انجام می‌دهی ایمان داری بمان و مبارزه کن و پاپس نکش، او در جواب من گفت دیگر نمی‌مانم و می‌خواهم بروم چون تماشاگر استقلال دیگر من را نمی‌خواهد.»



عکس هفته

بحران آبی!

استقلال و دوباره سرگیجه؟ چرا؟

روی آوردن به سیستم چرخشی و پلان یک و دو باشند، بازتابنده تلاش منصوریان برای یافتن ترکیب اصلی اش شده‌اند. به همین دلیل بازیکنانی را در پست‌های ناموزون دیده‌ایم. یعقوب کریمی در دفاع چپ آمیخته به سرگیجه دویده و داریوش شجاعیان نتوانسته نقش یک بازیکن گوش را بازی کند... همه اینها منصوریان را در آماج حمله‌ها قرار داده‌اند، چنان که پیش ترها قلعه‌نویی و مطلوبی را قرار داده بودند. تنش کنار زمین بازیکنان را نشانه رفته و آنها هم تمرکزشان را از دست داده‌اند... استقلال می‌توانست نه تنها برابر پدیده دو گل دریافت نکند، بلکه دو گل هم بزند. ولی شرایط ذهنی بازیکنان در آغاز فصل شکسته شده. مهدی رحمتی با معیارهای خودش «رحمتی» نیست، سنگربانی شده با شیرجه‌هایی آمیخته به تاخیر و خروج از دروازه‌هایی عاری از سرعت و تمرکز. وریا غفوری نشانی از آن مدافع کناری شاداب تیم ملی را ندارد... این سیاهه دراز است متأسفانه.

فوتبال ایران پس از دو بار راهیابی تیم ملی به جام جهانی - با تکیه به جوانانی برتافته از چشمه لایزال نیروی انسانی این مرز و بوم - وارد مرحله دیگری شده یا تصور می‌کنیم باید چنین شود. تیم‌های بزرگ تشنه دیدگاه‌های نو فارغ از هیاهوهای مرسوم هستند و استقلال تیمی است که از دایره «روزآمدی» دور مانده... حیف از استقلال که سرنوشتش را چند نفر برابر وزارت ورزش در دست بگیرند، حیف از منصوریان که مسیر صعودی اش را ادامه ندهد و حیف از عاشقانی که در تب و تاب «حیا کن‌ها» تیم‌شان را «رها» شده در مسیری دور از ثبات و شکوفایی ببینند و آه بکشند و آه... ▶

منبع: ورزش سه

برابر العین و شکست شش گله تلخ در زمین حریف و برجای گذاشتن یکی از بدترین نتایج تاریخ باشگاه... با زدن چهل و پنج گل در لیگ پارسال با فقط یک گل کمتر از پرسپولیس قهرمان و زدن یک گل طی پنج دیدار این فصل. بله فقط یک گل و معرفی بی‌رمق‌ترین خط حمله لیگ، برخلاف مثلاً پارس جنوبی تازه‌وارد که طی چهار دیدار ده بار دروازه‌ها را گشوده. ولی چرا؟ چه شد؟ بهترین گل‌زنان استقلال در فصل سپری شده امید ابراهیمی و کاوه رضایی هر یک با هفت گل بودند. ابراهیمی مرد میانی بود و با نواختن ضربه‌های آزاد هم دروازه‌ها را فتح می‌کرد، ولی مصدوم شده. رضایی رفته. در سیاهه گل‌زنان بعدی علی قربانی نزول کرده و جابر انصاری هم راهی به میدان پیدا نکرده. در حقیقت همه مهره‌های زهردار فصل پیش محو شده‌اند.

منصوریان پس از پیروزی برابر پرسپولیس در فصل پیش گفت در ادامه راه فقط به دو بازیکن بین‌المللی آبدیده نیاز دارد، ولی تابستان که رسید دریافتیم آن دو بازیکن بین‌المللی، بازیکنان قدیمی فوتبال ایران هستند. همان‌هایی که روزهای خوب‌شان را سپری کرده‌اند. سجاد شهباززاده که پس از بازگشت از ترکیه خودش را پیدا نکرده، مجتبی جباری که بهترین سال‌هایش را آن سوی آب‌ها دویده، پژمان منتظری که از سوی کی‌روش به تیم ملی دعوت نشده و حسن بیت‌سعد که پا به پیست و هشت سالگی گذاشته... ▶

تغییرات دائمی ترکیب تیم هم بیش از آنکه نمایانگر



حمیدرضا صدر

پژوهشگر و کارشناس فوتبال

وقتی لیگ شروع شد قرار بود برابر پرسپولیس شکوفا شده به پا خیزند، قرار بود ببینند به صف صدرنشین‌ها، بروند در قلمرو مدعیان قهرمانی ولی همه چیز حتی برای بدبین‌ها هم زودتر از تصور به کابوس گراییده، تند و پرشتاب و سیاه. باز هم مثل پارسال... استقلال: پنج بازی، یک برد، یک تساوی و سه شکست... دو شکست در خانه رخ داده، در تهران، برابر طرفداران استقلال. برابر همان‌هایی که مقابل مرد اول‌شان، علی منصوریان، لشکر آراسته‌اند. پشت به پشت، صف به صف، دهان به دهان، مشت به مشت، ولی آیا این حال و هوای استقلال دیرآشنا نشده؟ این شعارها را نشنیده‌ایم؟ آن صحنه‌ها را ندیده‌ایم؟ مگر امیر قلعه‌نویی روی همان نیمکت ننشسته بود؟ مگر پرافتخارترین مربی لیگ‌های ایران نبود و نیست؟ مگر شراب‌بر او سیاه نشد و کوله‌اش را نبست و نرفت؟ پنج سال از آخرین قهرمانی استقلال در لیگ سپری شده. آن روزها قلعه‌نویی روی نیمکت نشسته بود و کاپیتان فرهاد مجیدی در خط حمله می‌دوید... ولی اکنون مدت‌هاست استقلال را با چهره‌های دوگانه‌اش می‌شناسیم: نیم فصل اول مصیبت‌بار پارسال و نیم فصل دوم متفاوت همان سال... با پیروزی یک گله شیرین خانگی



شکافنده علوم

معرفی چند کتاب درباره امام محمد باقر (ع)

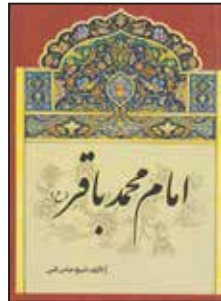
امام محمد باقر علیه السلام، پنجمین ستاره فروزان آسمان امامت و هفتمین گوهر عرش عصمت و شکافنده علوم اسلامی است. سراسر زندگی اش نور بود و عمر پربرکتش در راه ارشاد و هدایت انسان ها صرف شد. از زمینه سازی های پدرش، امام سجاد علیه السلام در راه معرفی مکتب تشیع و مبارزه با طاغوت ها بهره برداری بسیاری کرد و با تربیت شاگردان برجسته و تبیین فقه ناب اسلامی و آموزه های اهل بیت علیهم السلام، بزرگ ترین قدم را برای شناساندن تشیع و مکتب اهل بیت علیهم السلام به مردم برداشت. ایشان در چهار سالگی در واقعه غم بار کربلا حضور داشت و در سفر کوفه و شام، همراه پدر، همه حوادث را از نزدیک دید و بر اساس فرهنگ زندگی آفرین عاشورا تربیت شد. او نماد ارزش های والای انسانی و کمال اخلاقی است، همه لحظه های زندگی درخشانش، درس های بزرگ انسانی را الهام می بخشد. آشنایی با آن امام همام از واجبات است، به همین دلیل به معرفی چند کتاب درباره ایشان می پردازیم.

◀ امام محمد باقر (ع)

آقا شیخ عباس قمی در کتاب «منتهی الآمال» - که نوشته ای پژوهشی درباره زندگی چهارده معصوم (ع) است - با افق دیدی روشن، بیانی بدون ابهام، نثری روان و زیبا و با کمک گرفتن از اشعار فارسی و عربی در معرفی معصومان (ع)، خواننده عالم و عامی را آگاهی هایی بسیار می بخشد. کتاب «امام محمد باقر (ع)» که «باب هفتم» منتهی الآمال را در بر می گیرد، به معرفی امام پنجم اختصاص دارد. این کتاب، در هفت فصل به موضوع هایی چون تولد، نام و کنیه، فضایل و مناقب و مکارم اخلاق، معجزات، کلمات حکمت آمیز، وفات، اولاد و حکایات منسوب به آن حضرت پرداخته است. در بخشی از فصل دوم کتاب - که عنوان «مختصری از فضائل و مناقب و مکارم اخلاق حضرت امام باقر علیه السلام» دارد - چنین آمده است: «شیخ مفید مسند از عبدالله بن عطاء مکی روایت کرده که می گفت: «هرگز ندیدم علما را نزد احدی احقر و اصغر چنان که می دیدم آنها را در نزد حضرت امام محمد باقر (ع) و هر آینه دیدم حکم بن عتبه را با آن کثرت علم و جلالت شان که در نزد مردم داشت هنگامی که در نزد آن جناب بود، چنان می کرد که طفل دبستانی است که در نزد معلم خود نشسته.»

◀ تیری به جان علم

کتاب «تیری به جان علم» از مجموعه کتاب های چهارده معصوم به قلم «مهدی قزلی» نگاشته شده است. این کتاب با داستانک هایی، بریده هایی از زندگانی امام پنجم (علیه السلام) را از ولادت تا شهادت ایشان



با نثری ساده و سهل روایت می کند. دوران زندگی امام محمد باقر (ع)، ادامه زندگی امام سجاد (ع) است: فشارهای ناشی از اتفاقاتی مثل عاشورا و واقعه حره و حمله به مکه و... کمتر شد و امام باقر (ع) نهال مجاهدت های امام سجاد (ع) را به دست گرفت و با تلاشی خستگی ناپذیر، سعی کرد آن را مواظبت کند. به همین خاطر در دوران امام باقر (ع) هم مثل دوره دوم زندگی امام سجاد (ع) از مبارزه سیاسی علنی خبری نیست و ایشان با تمام وجود سعی می کنند معارف اسلام را به همه جای جهان اسلام برسانند، حضور پررنگ امام در مراسم حج هر ساله موبد این تلاش هاست. همین تلاش هاست که به علما و فقها و مردم زمان امام می فهماند که چرا پیامبر (ص) از دیرینه زمانی لقب باقرالعلوم را برای او انتخاب کرده است.

◀ جلوه امامت

کتاب ارزشمند «امام باقر (ع) جلوه امامت در افق دانش» به قلم احمد ترابی نگاشته شده است. موضوع این کتاب، شرح اندیشه و فعالیت های سیاسی امام محمد باقر (ع) با توجه به سخنان ایشان است. کتاب حاضر، هفتمین جلد از مجموعه «پیام معصومین (ع) به انسان ها و انسانیت ها» است که با اقتباس از کتاب «امام در عینیت جامعه» اثر «محمد رضا حکیمی» تدوین شده است.

نویسنده در این نوشتار با بهره گیری از ۳۰ حدیث و سخن گران بار امام محمد باقر (ع)، سعی در بیان افکار و شرح فعالیت های سیاسی و اجتماعی ایشان در راستای اعتلای دین مبین اسلام دارد.

جایگاه دینی و علمی امام محمد باقر (ع) از موضوعاتی است که در بخشی از این کتاب بررسی شده و آمده است: «شخصیت دینی و علمی امام باقر (ع) تا بدانجا روشن و متبلور است که ترجمه نویسان و اندیشمندان اسلامی - حتی آنان که به خاطر اعتقاد به مذاهب دیگر، خط امامت را قبول نداشته اند - به جایگاه والای آن حضرت اعتراف کرده اند. چنان که برخی از سخنان ایشان را تحت عنوان امام باقر (ع) در آینه اندیشه ها یاد خواهیم کرد.»

در بخش دیگری از این کتاب آمده است: «تحکیم مبانی عقیدتی و باورهای دینی جامعه اسلامی، نقد و تخطئه اندیشه های انحرافی و باورهای نادرست راه یافته در قلمرو عقاید مسلمانان، بسط و گسترش فرهنگ فقهی و احکام شریعت، مبارزه با به کارگیری روش های غلط در کار

اجتهاد و استنباط احکام فقهی، تربیت شاگردانی کارآمد در میدان فقه و کلام و مباحث اخلاقی و اجتماعی و رهبری جامعه شیعی به سوی اندیشه های ناب اسلامی بخشی از دستاوردهای گرانمایه دوران زندگی امام باقر (ع) است که برای اسلام به همراه داشته است.»

◀ باران و کویر

«باران و کویر» روایتی نو از زندگی و زمانه امام باقر (ع) نوشته کمال السید و ترجمه حسین سیدی ساروی از سوی دفتر نشر معارف منتشر شده است.

خاطرات تب زده روز عاشورا، برافتادن و برآمدن دولتمردان، ضرب سکه سرافرازی، شعله های شورش و انقلاب در جای جای سرزمین های اسلامی، خنکای سخنان زلال آذین نیایشگران و شکافنده دانش ها، تولد سبز و مرگ سرخ زید، اسلام گستری یا کشور گشایی حاکمان، کوچ مردی که انبان نان و محبت را بر دوش عاطفه می کشید، سلطه چهار فصل زمستانی امویان، جوشش چشمه های شعر شاعران شیعی، پی ریزی شالوده اندیشه شیعیان در روزگاری که طوفان کوناگون فکری می وزید، غروب ارزش ها و... دستمایه هایی هستند تا نویسنده پژوهشگر فراز و فرود قطعه ای از تاریخ را در این کتاب کوچک با نثری شاعرانه باز گوید. این کتاب با نگاهی نو به زندگی و زمانه امام محمد باقر (ع) می پردازد.

این گزارش می افزاید: «مترجم درباره کتاب های «کمال السید» معتقد است که آشناس تلفیقی از زمان، سینما و شعر است و حالت داستان دارد، اما نثر او شاعرانه است و با فلاش بک ها و تصویربایش گونه ای سینمایی به خود می گیرد.

◀ گوهر علم

کتاب «زندگانی باقر آل محمد علیه السلام؛ گوهر علم؛ همراه با داستانی پندآموز» نوشته فاطمه دهکردی است که شیوه ای متفاوت در پرداختن به زندگی امام پنجم (ع) دارد. کتاب، ساختاری رمان گونه دارد و با یک مقدمه از زمینه های دل نویسنده آغاز می شود. فصل اول، از یک زندگی فقیرانه شهری، در عصر حاضر، پیوند می خورد با خوانش «داستان زندگی امام محمد باقر (ع)» توسط راوی که عضوی از این خانواده فقیر است. نویسنده در فصل دوم از کتاب به شیوه خود به توصیف حال و هوای روز تولد امام محمد باقر (ع) می پردازد. راوی در فصل امید (سوم)، باز شیوه داستان یک زندگی شهری امروزین را این بار در پیوند فقر و رفاه ادامه می دهد و دوباره به کتاب «زندگی امام محمد باقر (ع)» می رسد که باید از آن روخوانی کند. این روخوانی از کلمات قصار، در فصل چهارم ادامه می یابد و نویسنده که خوانش کتاب را قیلا در محیطی فقیرانه از یک خانواده مسلمان شروع کرده بود، اکنون در یک فضای مرفه غیرمسلمان ادامه می دهد. خوانش این مطالب از زبان راوی برای مخاطبان غیرمسلمان در فصل هفتم تحول روحی در آنها پدید می آورد و آنان علاقه مند به امام محمد باقر (ع) می شوند. در فصل هشتم با اصرار دو تن از اعضای خانواده غیرمسلمان، خوانش کتاب، ادامه می یابد. این فصل از علاقه مندان حضرت حرف ها دارد و به اقرار شنوندگان، «داستان زندگی حضرت امام محمد باقر (ع)» به یک طلوع در زندگی شان منجر می شود و در فصل دهم آنها از راوی می خواهند که در ادامه به فضایل اخلاقی امام محمد باقر (ع) بپردازد. در فصل یازدهم کتاب، پیوندی عاطفی بین دو سوی فقر و رفاه برقرار می شود و در ادامه در فصل دوازدهم، سخن از زندگی سیاسی امام محمد باقر (ع) می رود. فصل سیزدهم به وصال دو خانواده مسلمان فقیر و غیرمسلمان مرفه - که اکنون به اسلام گرایش یافته اند - منجر می شود. ▶

لباس داوری

آخرین خبرها از سریال «پایتخت ۵»

«روزهای پایانی ضبط پایتخت با لباس داوری کشتی» محسن تنابنده با گذاشتن این پست در اینستاگرام، به همه، این خبر را داد که در «پایتخت ۵» باز هم تم ورزشی وجود دارد و نقی معمولی در کنار تشک حاضر خواهد شد. این خبر خوبی می‌تواند برای مخاطبان این سریال باشد، نمی‌توان انکار کرد که در چند سال اخیر یکی از پرطرفدارترین فیلم‌های تلویزیون ایران سریال پایتخت بوده که توانسته خود را در دل مردم ایران جا کند. سریال پایتخت که تا به حال ۴ سری خود را به نمایش گذاشته است، سری پنجم فیلم پایتخت را در حال ساخت دارد. «پایتخت ۵» یکی از محصولات سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که قرار است نوروز ۹۷ روی آنتن شبکه اول سیما برود.

این روزها کم کم ضبط این سریال دارد به روزهای انتهایی می‌رسد و گروه تولید که برای ضبط تصاویر مربوط به بال و سایر سکانس‌های مربوط به هواپیما به شمال کشور رفته بودند، برای ادامه تصویربرداری سریال به اطراف تهران آمدند. قرار است بعد از ضبط سکانس‌های مربوط به لوکیشن فعلی در اطراف تهران، ادامه تصویربرداری سریال در شهرک سینمایی دفاع مقدس ادامه یابد.

خط اصلی فیلمنامه «پایتخت ۵» این است که خانواده معمولی مجبور می‌شوند به دلایلی سر از آتن در بیاورند و بعد ماجراهایی برایشان اتفاق می‌افتد که همبستگی و عشق و علاقه این خانواده به یکدیگر روایت می‌شود. همچنین در این مجموعه قصد دارند تا علاوه بر زدن تلنگرهایی به گروه‌های تکفیری و کشورهای بحرانی منطقه، اهمیت وطن و درک درست از کنار هم بودن به مخاطب نشان داده شود. محسن تنابنده، ریما رامین‌فر، احمد مهران‌فر، علیرضا خمسه، سارا و نیکا فرقانی، لیندا کیانی، محمدرضا علیمردانی از جمله بازیگران این سریال بودند.

نگاه کارگردان

سبروس مقدم سریال موفق کم‌نسخته است اما در میان کارهایش «پایتخت» ویژگی‌های خاصی دارد، یک ویژگی که در آن می‌توان نوعی ماندگاری را تعریف کرد، مقدم درباره این سریال و سری پنجم آن می‌گوید: «مردم سریالی به اسم «پایتخت» را می‌خواهند و هر کجا که می‌رویم سراغ آن را از ما می‌گیرند، ولی «پایتخت» شرایط خاص خودش را دارد. پروژه سخت و متفاوتی است و با سریال‌هایی این چنینی که این شب‌ها شاهد آن هستیم و فقط در خانه‌ها تصویربرداری می‌شوند جنس متفاوتی دارد؛ اصلاً نمی‌خواهم بگویم چه چیزی خوب و چه چیزی بد است، بلکه منظور این است که برعکس سریال‌هایی که اغلب در لوکیشن خانه تصویربرداری می‌شوند، «پایتخت» همواره در سفر است. تا زمانی که ما حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشیم «پایتخت» را می‌سازیم و فقط به صرف این نیست که یک سریالی گرفته، مردم آن را دوست دارند و ما باید به هر قیمتی آن را بسازیم که اگر این طور بود سال گذشته آن را می‌ساختیم در حالی که ما سال گذشته هیچ ایده و سوژه‌ای برای ادامه کار نداشتیم و به همین خاطر هم دست به کار نشدیم. «پایتخت» هر زمان که سوژه خوبی داشته باشد و بداند که مخاطب، آن سوژه را دوست دارد ادامه دارد هر آنچه که به محور خانواده باز می‌گردد، خط عمده سریال «پایتخت» است و از این جهت می‌توان گفت که ارزش‌ها در واقع همان ارزش‌های خانوادگی است

با این تفاوت که این مرتبه در یک موقعیت حساس‌تری قرار می‌گیرد. در موقعیت جدید سفر به خارج از کشور با یک نیت اقتصادی انجام می‌شود اما همین نیت تبدیل به چیزی می‌شود که می‌تواند این خانواده را از هم متلاشی کند و طبق روال قصه، بزرگترهای خانواده از این اتفاق جلوگیری می‌کنند. اساس پایتخت هیچ گاه تغییر نمی‌کند و دلیل آن هم این است که ما یک پایتخت ثابتی داریم که در آن خانواده معمولی هر بار دچار مشکلاتی می‌شوند که نوع این مشکلات با یکدیگر تفاوت دارد.»

الهام غفوری، تهیه‌کننده این سریال هم در مصاحبه‌ای گفته است: «همیشه برای تمام فصل‌های مجموعه «پایتخت» این دغدغه وجود داشته است که آیا

نویسنده و بتواند مخاطب را با خودش همراه کند.» هومن حاج‌عبداللهی فصل ۵ این سریال را بسیار جذاب می‌داند: «با توجه به قصه فوق‌العاده جالبی که در این فصل وجود دارد، فکر می‌کنم مردم این فصل را بسیار جذاب‌تر از چهار فصل گذشته بدانند و این به خاطر وسواس گروه است که تا این لحظه کسی خاطر جمع جلوی دوربین نرفته است و فکر نکرده که می‌توان هر کاری کرد و هر حرفی زد به حساب اینکه چون «پایتخت» است مردم می‌بینند و خوششان می‌آید.»

نسرین نصرتی بازیگر نقش فهیمه با بیان اینکه مجموعه «پایتخت ۵» متفاوت‌تر از فصل‌های گذشته نوشته شده، درباره شکل‌گیری شخصیت خود در این سریال گفته است: «فکر می‌کنم به طور کلی تکرار شخصیت‌های «پایتخت» در فصل‌های مختلف، تکرار شیرینی بوده، اما در هر حال اتاق فکر «پایتخت» همیشه تلاش کرده به اتفاق‌هایی فکر کند که این مجموعه را



این فصل باز هم می‌تواند تماشایی را جذب کند؟ به همین خاطر هم بسیار روی قصه و فضای همه «پایتخت»‌ها حساسیت داریم و تلاش می‌کنیم تا از همه فاکتورهایی که ممکن است برای مخاطبان جالب باشد، بهره‌بریم. با توجه به اینکه سریال «پایتخت ۵» همانند فصل‌های گذشته رج زده نمی‌شود و سکانس‌ها به دلیل تداوم حسی پشت سر هم گرفته می‌شوند، کار تولید نیز به طول می‌انجامد.»

نگاه بازیگران

ریما رامین‌فر در سریال پایتخت نقش هما سعادت را بازی می‌کند، او درباره علت ماندگاری نقشش و دغدغه‌هایش در قسمت پنجم گفته است: «شخصیت «هما» در یک خانواده تعریف شده و این خانواده هم داستان‌های جذاب و دارماتیکی را در مجموعه «پایتخت» رقم می‌زند. ممکن است حتی نقش من کمتر هم بشود، ولی این موضوع دغدغه من نیست؛ دغدغه این است که این مجموعه هنوز برای مخاطب دلپذیر باشد. در کل همدلی خوبی میان عوامل «پایتخت» وجود دارد و همه ما دلمان نمی‌خواهد فقط بیاییم سر کار، دست‌مزد بگیریم و به خانه برویم. شخصیت‌های داستان، طی گذشت سال‌ها دست‌خوش تغییرات زیادی نمی‌شوند. همان‌طور که شخصیت‌های همه ما در زندگی دست‌خوش تغییرات بزرگ و آنچنانی نمی‌شوند. مهم این است که این شخصیت‌ها درگیر چه داستان‌ها و ماجراهایی می‌شوند. من این دغدغه را دارم که قصه‌ای که تعریف می‌کنیم جذاب و

جذاب‌تر و در واقع در هر فصل، برگ برنده جدیدی را رو کند. در هر فصل، جزئیات و ویژگی‌هایی به نقش ما اضافه می‌شود و هیچ وقت اینگونه نیست که تغییری در ما نباشد. مخصوصاً امسال که مشخص شده بهود (با بازی مهران احمدی) همسر فهیمه در قصه وجود ندارد و البته اینقدر ظریف به آن اشاره شده که مخاطب اذیت نمی‌شود. حضور مادر «پایتخت» اینگونه نیست که کسی کم‌رنگ یا پررنگ باشد و قهرمان‌سازی به شکل مرسوم در آن وجود ندارد بلکه همه در آن، اعضای یک خانواده هستند و به یک اندازه اهمیت دارند.»

بهرام افشاری هم نقش خود در سریال «پایتخت ۵» را متناسب با ویژگی‌های جوانان امروزی می‌داند که از جاه‌طلبی‌هایی هم برخوردار است: «من پیش از این نقش شیرافکن را با گریم، تن صدا و جنسی متفاوت در سریال «پایتخت» بازی کردم که خاطره خوبی از آن ماند و با اینکه چند سال است از آن می‌گذرد اما هنوز مردم آن را به خاطر دارند. این اتفاق وظیفه مراست که تر می‌کند که باید نقش بهتاش را به گونه‌ای بازی کنم که در کمال احترام به نقش شیرافکن بتوانم جنسی متفاوت‌تر از آن نقش را برای مخاطبان «پایتخت» ارائه دهم. چالش‌های بهتاش همان چالش‌های جوان امروزی است، خواسته‌هایی دارد و برای آنها تلاش می‌کند اما شاید کمی بدشانس هم است. از طرفی کمی سست است، او راحت‌طلبی‌هایی دارد و چیزی برایش اصل نیست. همچنین درعین حال که پر از جاه‌طلبی است عملی را که باید برای خواست‌هایش داشته باشد، انجام نمی‌دهد.»

پایان یک شیر

وین رونی از تیم ملی خدا حافظی کرد



«می توانستم به یک تیم دیگری در لیگ برتر بروم و وارد سال های آخر فوتبالم شوم ولی بازگشت به اینجا؟ با اورتون می توانم به او ج برگردم. اینجا باشگاهی است که با آن بزرگ شدم و می خواهم برایش بازی کنم. می خواهم خوب کار کنم. می دانستم که وقتی برگردم فشار زیادی روی من خواهد بود ولی من دوست دارم اینگونه بازی کنم...» وین رونی برای پشت سر گذاشتن فشاری که در اورتون پیش بینی می کرد، تنها به دو بازی احتیاج داشت، دو بازی و دو گل... فوتبال اروپا قصه های زیادی این روزها برای گفتن دارد، از بی وفایی نیمار، از محرومیت رونالدو، از تنهایی مسی و از قیمت دمیله اما در کنار همه این قصه ها هنوز هم قصه وین رونی خریدار دارد، قصه فوتبالیستی که همه دوستش دارند و به باشگاه کودکی هایش بازگشت تا دوست داشتنی بماند، قصه مردی که ژوزه مورینیو همان کسی که باعث جدایی اش از منچستر یونایتد محبوبش شده بود، هم نمی تواند از ستایش او چشم پوشی کند: «دلم برای رونی تنگ شده، خیلی دلتنگ او هستم. رونی انسان فوق العاده ای است. من آدمی نیستم که خیلی در کارم احساساتی شوم، و وقتی رونی هم یونایتد را ترک کرد، سعی کردم بر احساسات خود غلبه کنم. مطمئنم که او بازیکن مفیدی برای اورتون خواهد بود و اورتون هم تیم خوبی برای او است. رونی تاثیر مثبتی در تیم داشت، او بازیکن مهمی برای یونایتد بود. ولی به هر حال اکنون وارد دوره ای جدید شده ایم، دوره ای بدون رهبر سابق تیم، بدون این چهره تاثیرگذار.»

گل دیوست

وین رونی در بازی خارج از اورتون برابر منچستر سیتی در ورزشگاه اتحاد گل مهمی برای میهمان مرسی ساییدی زد که حاصلش یک امتیاز برای تیم تحت هدایت رونالد کومان بود. این دویستمین گل رونی ۳۱ ساله در لیگ برتر بود که او را به دومین گلزن برتر تاریخ این رقابت ها پس از آلن شیر، ستاره سابق نیوکاسل تبدیل کرد، کسی که ۲۶۰ گل زده است. رونی در دقیقه ۳۵ با پای چپ توبی که دومینیک کلاروت لوین برایش فرستاده بود را از بین پاهای ادرسون، گران قیمت ترین دروازه بان جهان عبور داد و اورتون را پیش انداخت. این دومین گل رونی در دومین بازی متوالی اش در فصل جدید لیگ برتر پس از انتقال به اورتون بعد از ۱۳ سال حضور در منچستر یونایتد بود، تیمی که برایش ۱۸۳ گل زد. رونی در دوره اول حضورش در اورتون در فاصله سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴، ۱۵ گل زده بود. رونی ۱۵۶ بار با پای راست، ۲۳ بار با پای چپ و ۲۱ بار

با ضربه سر گلزنی کرده است و برای ثبت این ۲۰۰ گل، ۴۶۲ بازی انجام داد در حالی که آلن شیر بعد از ۳۰۶ بازی به رکورد ۲۰۰ گل رسید. نفرات بعدی در فهرست بهترین گلزنان لیگ برتر، اندی کول با ۱۸۷ گل و فرانک لمپارد با ۱۷۷ گل هستند. جرمین دفو با ۱۵۸ گل تنها بازیکن شاغل در میان ۱۰ نفر اول و سرخیو آگوئرو با ۱۲۳ گل در رده پانزدهم است.

در میان کسانی که می توانند به این فهرست راه پیدا کنند، می توان به هری کین اشاره کرد که ۲۴ سال دارد و ۷۸ گل زده، همچنین روملو لوکاکو مهاجم بلژیکی منچستر یونایتد ۸۸ گل لیگ برتر را در کارنامه دارد.

رضایت رونی

رونی پس از بازی گفت: «لحظه خوبی بود. گلزنی در چنین بازی مهمی برای ما در شرایطی که بازی سختی در پیش داریم، حس زیبایی داشت و من مطمئنم که نیمه قرمز شهر منچستر هم از تماشا این گل لذت برد. کاپیتان سابق منچستر یونایتد از نقشی که در تیم تحت هدایت رونالدو کومان دارد راضی است: «کومان برای من روشن کرده است که می خواهد در پستی هجومی بازی کنم. من در تمام دوران بازیگری ام در چنین پستی بازی کرده ام و مهمترین چیز برایم این است که بازی کنم. فصل گذشته به اندازه کافی بازی نکردم و وقتی که به چیزی که می خواهم نرسیم، به اندازه کافی آمادگی کسب نمی کنی.»

رونالد کومان هم از داشتن وین رونی بسیار راضی به نظر می رسد: «او بازیکنی است که هر مربی در تیم خود به آن احتیاج دارد و شاید اورتون بیشتر. ما بازیکنان جوانی در تیم خود داریم، سه نفر از آنها ۲۰ ساله هستند و همگی خیلی خوب کار کردند. او آموزگار آنهاست. ما می خواهیم جام ببریم و او می داند چگونه باید این کار را کرد. فکر می کنم بازیکنان بالای ۳۰ سال نیاز به بازی کردن دارند. این مساله برای آنها مهم است. او پیش فصل خوبی داشته، بسیار تمرین و بسیار نیز بازی کرده است. او نیاز به آمادگی جسمانی دارد و درباره کیفیت او تردیدی نیست.»

طعنه به منتقدان

رونی با گلی که در ورزشگاه اتحاد به ثمر رساند به آن دسته از کسانی که عملکرد یکی، دو فصل اخیر او را معیار قضاوت درباره وضعیت این مهاجم انگلیسی قرار دادند و او را در پایان راه دوران بازیگری اش دانستند، پاسخ داد. خیلی ها در پایان فصل گذشته ادعا کردند که رونی دیگر آمادگی و شرم گلزنی فصول ابتدایی دوران بازیگری اش

را ندارد و به مورینیو برای کنار گذاشتن او از ترکیب اصلی شیاطین سرخ حق دادند: «این روند برای کسی که دیگر آماده نیست و نمی تواند به زمین بازی برود آنقدرها هم بد نیست. من همیشه تلاشم را برای کمک به تیم کرده ام و در این بازی هم همین کار را انجام دادم.» رونی سپس از حساب کاربری خود در توئیتر نیز برای طعنه زدن به هواداران منچستر سیتی که پس از گلزنی او در ورزشگاه اتحاد واکنش و ژست های زشتی داشتند استفاده کرد. او این کار را در پاسخ به سوال هم تیمی سابقش گری نویل که از او پرسید گلزنی در ورزشگاه اتحاد چقدر شیرین بود، نوشت: «چی... دوباره؟» او در پیامی دیگر نوشت: «دیدن چهره های آشنا (هواداران منچستر سیتی) همیشه جالب است!»

باز گشت به تیم ملی

اگرچه وین رونی در فصل قبل تنها ۱۵ بار در لیگ برتر از ابتدا برای منچستر یونایتد به زمین رفت و از ماه نوامبر دیگر برای تیم ملی انگلیس به میدان نرفته است، و حالا هم با انتقال به اورتون، شاید از سطح اول فوتبال اروپا اندکی فاصله گرفته ولی چراغ سبز گرت ساوت گیت سرمربی تیم ملی انگلیس باعث شد درها برای او باز بماند: «مهمترین مساله درباره وین رونی این است که اکنون احتمالا او فرصت های بیشتری برای بازی کردن پیدا می کند. در لیگ، ما فقط حدود ۷۰ بازیکن انگلیسی داریم، بنابراین نمی توانیم اسم هیچ کس را نادیده بگیریم.»

رونی از آخرین فهرست تیم ملی انگلیس در ماه ژوئن برای بازی مقابل اسکاتلند خط خورده بود؛ ولی درخشش او با پیراهن اورتون و گلزنی اش در دو هفته ابتدایی لیگ برتر انگلیس سبب شد تا بسیاری تصور کنند کاپیتان برای دو بازی مقابل مالت و اسلواکی از مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ به تیم ملی باز خواهد گشت؛ اما در نهایت رونی اعلام کرد که دیگر قصد حضور در تیم ملی انگلیس را ندارد: «بسیار خوشحالم که گرت ساوت گیت مرا به تیم ملی فراخواند، من از وی خیلی ممنونم اما به او گفتم که زمان خدا حافظی من از فوتبال ملی فرارسیده است. تصمیم سختی گرفتم و در این رابطه با خانواده ام، مربی ام در اورتون و نزدیکترین دوستانم مشورت کردم. بازی کردن برای انگلیس همیشه برای من افتخار بوده و من دعوت شدن به تیم ملی را چه به عنوان بازیکن یا کاپیتان همیشه یک امتیاز می دانستم و از همه کسانی که من کمک کردند تشکر می کنم. اما با تمام این تفاسیر معتقدم زمان خدا حافظی من فرارسیده است.»

ابوعلی کجاست؟

شهیدی که خود را افغانستانی جا زد

زندگی نامه خود گفته شهید مرتضی عطایی معروف به ابوعلی از شهیدان شاخص مدافع حرم با تحقیق محمد مهدی رحیمی و تدوین نوید نوروزی در واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تهیه شده و توسط نشر معارف چاپ و منتشر شده است. ابوعلی، جوان مشهدهی است که آرزوی مبارزه در راه دفاع از حریم اهل بیت به خصوص حضرت زینب (س) در سوریه را دارد ولی اعزام او به عنوان یک ایرانی کار سختی است به همین دلیل خود را افغانستانی جا می زند و با پاسپورت افغانستانی همراه با بچه های تیپ فاطمیون از مشهد به سوریه اعزام می شود. البته بارها می فهمند او ایرانی است و قصد دارند او را به خانه برگردانند که هر بار به طریقی خود را نگه می دارد. کتاب حاصل ۱۰ ساعت گفت و گو با مرتضی عطایی (ابوعلی) از رزمندگان لشکر فاطمیون است که این مصاحبه ها در مرداد ۹۵ در شهر مشهد ضبط شد تا در کتاب خاطرات شهید مصطفی صدرزاده از دیگر شهدای شاخص مدافع حرم استفاده شود، اما با شهادت او فرصتی برای چاپ خاطرات ابوعلی پیش آمد. این کتاب مخاطب را برای نخستین بار به دل سنگر نیروهای مقاومت در سوریه می برد و دقایقی حس و حال متفاوت رزمندگان را در روزهای سخت با آنها شریک می شود. «ابوعلی کجاست؟» در چهل بخش و خاطره به روایت زندگی شهید عطایی از کودکی تا نبرد در سوریه، از زبان خودش می پردازد و همچنین در خلال این خاطرات ماجراهای نبرد رزمندگان تیپ فاطمیون در عملیات شاخص و خاطرات شهید عطایی از شهادت هم رزمانش در مقابله با نیروهای تکفیری را نیز به تصویر می کشد. در این کتاب افزون بر زندگی نامه خود گفته شهید مرتضی عطایی، دلنوشته ابوعلی برای چهلم شهید صدرزاده، دل نوشته او چند روز قبل از شهادت، وصیت نامه و شعرهای این شهید و عکس هایی از دوران حیات و حضور او در جبهه مقاومت نیز به چاپ رسیده است.

جهان ماند

نخستین کتاب از مجموعه «دستمال سرخ ها»

نخستین کتاب از مجموعه «دستمال سرخ ها» با عنوان «جهان ماند!» به خاطرات شهید جهانگیر جعفرزاده اختصاص دارد. خاطرات از زبان مادر شهید روایت و به قلم رقیه ذاکری تدوین و از سوی انتشارات روایت فتح منتشر شده است. در مقدمه به عنوان معرفی کتاب می خوانیم: «روزی که کودک متولد می شود، مادر هزار امید می بندد به او و آینده اش. هر روز آرزوهایی که برای خود در سر پروراند و به آنها نرسیده را در او تجسم می کند. در هر مرحله از قد کشیدنش لذتی را می چشد، امیدخته به رنج. همیشه چنین بوده و هست. زمانی همین مادر دلبسته، چشم از قامت پسر برگرفت و با سلام و صلوات روانه میدان نبرد کرد؛ جایی که هر لحظه اش بوی انتظار می داد و جدایی. مادر چشم بست بر آرزوهای خود، تا روزی بر قامت رعناي فرزند شرم نکند که دل بستگی اش او را پایبند زمین کرده است. چشم بست و اشک هایش را به دعای شبانه روزی پیوند زد. اما گاه انتظار به فراق گره می خورد و باز مادر بود و شکوه های پنهانی و دردهای ناگفته.» تدوین گر کتاب در شرح آغاز فعالیت خود در حوزه ادبیات دفاع مقدس آورده است: «از زمانی که با ادبیات دفاع مقدس و به تبع آن با زندگی نامه شهدا آشنا شدم، در زندگی هر کدام شان به دنبال نقطه پریدن شان می گشتم. لحظه بالا رفتن یکی را موقع دل کندن از نوزادش دیدم و دیگری را موقع کنار گذاشتن گذشته اش. زمانی که کار روی زندگی نامه شهید جهانگیر جعفرزاده را به من پیشنهاد کردند، بارها و بارها متن مصاحبه را برای پیدا کردن آن نقطه خواندم. وقتی آن را پیدا نکردم، تصمیم گرفتم انصراف خود را برای این کار اعلام کنم ولی دوباره آن را خواندم و عجیب اینکه این بار آن نقطه را یافتم. این کتاب روایت زندگی این بزرگوار است از زبان مادرش که با بیانی ساده و دلنشین این نقطه را به زیبایی نشان می دهد.»

خدا حافظی با سلطان کمدی

جری لوئیس درگذشت



عضلانی در سال ۱۹۵۲ بود و طی دهه های آن کمک مالی جمع می کرد. از اواخر دهه شصت میلادی تا به حال تا حدود زیادی خارج از پرده سینما بود و بیشتر در تله تونش فعالیت می کرد که در طول فعالیتش برای آن تا سال ۲۰۱۱، چیزی نزدیک به ۵/۲ میلیارد دلار درآمدزایی کرد. او در دهه ۱۹۷۰ نامزد جایزه صلح نوبل هم شد. درگذشت لوئیس در هالیوود بازتاب زیادی داشت و شماری از بزرگان دنیای سینما به این خبر عکس العمل نشان دادند. به گزارش هالیوود ریپورتر مارتن اسکورسزی که فیلم سلطان کمدی را با نقش آفرینی جری لوئیس کارگردانی کرد، یادای از این ستاره کرد و گفت: «جری لوئیس یک استاد بود. یک سرگرم کننده بزرگ بود. هنرمندی بزرگ و مردی مثال زدنی بود. من افتخار کار

جری لوئیس، کمدین و فیلمسازی که بسیاری او را دوست داشتند و برخی از او بیزار بودند؛ بازیگری که خود را یکی از چهره های تعیین کننده صنعت سرگرمی قرن بیستم آمریکا معرفی کرد، یکشنبه صبح به وقت محلی در خانه اش واقع در لاس وگاس از دنیا رفت. او ۹۱ ساله بود. او که در تمام عمرش چندین نسل از مردم جهان را خنداند و در نقاط مختلف دنیا شناخته شده بود، علاوه بر بازیگری در زمینه امور انسان دوستانه هم فعالیت داشت. جری لوئیس در دوران اوچش به مدت ۱۰ سال همراه با دین مارتین در ۱۶ فیلم سینمایی بازی کرد که بیشترشان با موفقیت در گیشه روبه رو شدند. بعد از این موفقیت ها او به گران ترین بازیگر هالیوود تبدیل شد. مرد خانم ها، پسر پیغام رسان و پروفیسور دیوانه از جمله موفق ترین فیلم های او بودند. بعد از این دوران لوئیس در فیلم های مهم دیگری هم بازی کرد، از جمله سلطان کمدی در سال ۱۹۸۳ به کارگردانی مارتین اسکورسزی که در آن با رابرت دنیرو همبازی بود. او در سال ۱۹۹۴ در روای آرizona به کارگردانی امیر کوستوریتسا هم بازی کرد. به جز سینما مهمترین کار او تأسیس بنیاد ضعف

کردن با او را داشتیم و تجربه ای بود که همیشه برایم ارزشمند خواهد بود. او حقیقتاً یکی از بزرگان ما بود.» رابرت دنیرو همبازی جری لوئیس نیز در بیانیه ای اعلام کرد: «جری در کمدی و فیلم یک پیشگام بود. او همچنین یک دوست خوب بود که این شانس را داشتم که در چند سال گذشته چندین بار ببینم. او حتی در ۹۱ سالگی نیز کوچکترین افولی نداشت و مادلینگ او خواهیم شد.» تماشاگران ایرانی این کمدین را بیشتر برای فیلم های «پرفسور دیوانه» ساخته خودش، «دنیای دیوانه» به کارگردانی استلی کریمر و «دهان گشاد» به کارگردانی خودش می شناسند. همچنین نوع گویشی که برای صدایش لوئیس انتخاب شده، بود به مذاق ایرانی ها خوش آمد و این شخصیت در دل تماشاگران جای گرفت. «مکس رز» آخرین فیلم لوئیس در سال ۲۰۱۳ در شصت و ششمین دوره جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد. او در این فیلم که اولین فیلمش پس از فیلم «Funny Bones» در سال ۱۹۹۵ بود، نقش یک پیانیست جَز پایه سن گذاشته را بازی کرد. لوئیس آن سال در کن گفت: «این یک پروژه کاملاً متفاوت برای دلقی دیوانه است که ۶۰ سال است این کار را انجام می دهد، اما در عین حال فیلمی فوق العاده است که خیلی ها از دیدن آن لذت می برند.»

پیشخوان جهانی



ترامپ و نژادپرستی از نگاه اسپیکل



ترامپ و نژادپرستی از نگاه اکونومیست



ترامپ و نژادپرستی از نگاه نیویورکر



بانک انصار در اولین المپیاد علمی بانک‌های کشور رتبه سوم را کسب کرد

- ۱- علی ابوللی- تهران
- ۲- سعید جمال الدین وفا- همدان
- ۳- عباس توکلی زاده- تهران
- ۴- بهروز حسینی- تهران
- ۵- هادی کچرانلوئی- بجنورد
- ۶- حسن باغداری منفرد- بوشهر
- ۷- سعید خلیلی زوزی- تبریز
- ۸- مسعود خواهنده کارنما- تهران
- ۹- محمد حسینی- قزوین
- ۱۰- سجاد دهقانزاده کمانج- تبریز

لازم به ذکر است تیم بانک انصار متشکل از مدیران و کارکنان حوزه‌های مختلف و از سراسر کشور بوده که پس از اخذ نمرات برتر در آزمون‌های داخلی برای حضور در این رویداد انتخاب شدند.

این گزارش می‌افزاید، در این المپیاد از مجموع ۱۰۰۰ امتیاز موجود تیم بانک انصار ۷۵/۶۴۸ امتیاز را کسب کرد و پس از تیم‌های موسسه مالی و اعتباری کوثر و بانک دی به صورت مشترک با بانک پارسیان به عنوان تیم سوم معرفی گردید.

اسامی اعضای تیم به شرح زیر است:

در اولین آزمون المپیاد علمی بین بانکی که با حضور ۱۴ بانک و موسسه خصوصی در تاریخ ۵/۱۲/۹۶ برگزار شد، تیم اعزامی بانک انصار موفق به اخذ رتبه سوم شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، به همت کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی، اولین المپیاد علمی بین بانکی با حضور ۱۴ تیم متشکل از کارکنان برگزیده بانک‌ها و موسسات خصوصی برگزار شد و بانک انصار به صورت مشترک رتبه سوم این المپیاد را کسب کرد.

براساس مجوز بانک مرکزی

شیوه‌نامه ارزیابی و شرایط برگزاری هشتمین مرحله قرعه کشی سراسری سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز بانک انصار ابلاغ شد

کارت شهروندی... است که واجدین شرایط سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز، با رعایت حداقل موجودی ۲۰۰ هزار ریال در طول دوره قرعه کشی و حفظ آن در روز قرعه کشی در این مرحله شرکت داده خواهند شد.

باتوجه به صدور مجوز برگزاری قرعه کشی سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز بانک انصار از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، هموطنان عزیز می‌توانند برای افتتاح سپرده یا افزایش موجودی جهت شرکت در قرعه کشی، برخورداری از اجر معنوی و صدها هزار جایزه به شعب سراسر کشور یا سایت بانک انصار به آدرس www.ansarbank.ir مراجعه نمایند.

این گزارش می‌افزاید، حداقل مبلغ جهت افتتاح سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز ۲۰۰ هزار ریال بوده که به ازای هر ۲۰۰ هزار ریال در هر روز یک امتیاز به سپرده تخصیص می‌یابد و با افزایش موجودی و ماندگاری در سپرده، اقبال بیشتری برای صاحبان سپرده‌ها جهت برنده شدن جوایز قرعه کشی میسر می‌شود.

لازم به ذکر است این قرعه کشی شامل سپرده‌های پس انداز عادی، پس انداز اختیاری، پس انداز همیاری، پس انداز اشخاص حقوقی، پس انداز ارزی، پس انداز تسری، پس انداز پرداخت حقوق، پس انداز کودک، پس انداز دانش آموز، قلک الکترونیک دانش آموزان،

بر اساس مجوز بانک مرکزی، هشتمین مرحله قرعه کشی سپرده‌های قرض الحسنه بانک انصار در مهرماه سال جاری برگزار می‌شود.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، جوایز این مرحله قرعه کشی سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز قریب به ۲۰۰ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است که این جوایز شامل ۱۰۰ جایزه هزار میلیون ریالی، ۱۰۸ کمک هزینه خرید خودروی داخلی هریک به ارزش ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، ۱۱۸ کمک هزینه خرید صنایع دستی هریک به ارزش ۲۰ میلیون ریال، ۱۲۸ کمک هزینه سفر به عتبات عالیات هریک به ارزش ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۳۳۷۱۳۸ و ۳۳۷۱۳۸ جایزه نقدی ۲۰۰/۰۰۰ ریالی است.

کسب رتبه نخست کوثر در اولین المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی



دکتر عیسی رضایی، مدیرعامل موسسه اعتباری کوثر، کسب رتبه نخست اولین المپیاد علمی بانکی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی را به نخبگان کوثری تبریک گفت. وی در متن تقدیر از نخبگان اولین المپیاد علمی بانکی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی بیان داشت: «به ثمر نشستن زحمات خانواده بزرگ کوثر در کسب رتبه اول نخستین المپیاد علمی کارکنان بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی مایه افتخار و مباحات است. افتخار بزرگ را به تمامی معاونین، مدیران و کارکنان ساعی و پرتلاش موسسه اعتباری کوثر تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

شایسته است مراتب تجلیل خالصانه خود را از تلاش‌های ارزنده نخبگان کوثری و زحمات پرتلاش معاونت مدیریت و توسعه منابع انسانی که با دانش، تخصص و تعهد خود نقش بسزایی در دستیابی به این مهم ایفا کردند، صادقانه ابراز نمایم. بر این باورم تحصیل چنین افتخاری غرور انگیز حاصل نمی‌شد مگر با حسن تدبیر و تلاش صادقانه همکاران شرکت‌کننده در این المپیاد علمی. این موفقیت بزرگ و نتایج درخشان کسب شده که برگ زرین دیگری بر افتخارات موسسه اعتباری کوثر افزود، جلوه‌ای از تلاش و امیدی است که برای فتح قله‌های افتخار توسط نخبگان کوثر، به نمایش گذاشته شد و یقیناً با وجود چنین نخبگانی باور داریم که «آینده از آن ماست.» بر اساس اعلام رسمی کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی، موسسه کوثر با امتیاز ۷/۵۶۹ از مجموع هزار امتیاز حاضر رتبه اول، در میانگین نمرات انفرادی رتبه‌های اول و دوم و در دروس حقوق بانکی، بانکداری داخلی و مبارزه با پولشویی رتبه اول را کسب نمود. این گزارش می‌افزاید: میلاد نوید و نرگس حیدری از موسسه اعتباری کوثر توانستند بالاترین میانگین نمرات فردی را در کل دروس المپیاد از آن خود کنند و رتبه اول و دوم بین ۱۴۰ نخبه شرکت‌کننده در المپیاد را به دست آورند.

بر اساس این گزارش از مجموع تیم شرکت‌کننده موسسه اعتباری کوثر در این المپیاد علمی، نرگس حیدری و میلاد نوید رتبه اول در بانکداری داخلی، سعید قدری و عطیه مرتضایی رتبه اول در حقوق بانکی محمدرضا سربازی و سپیده لیموئی در مبارزه با پولشویی حاضر رتبه اول شدند. سیدهای هاشمی، معاون توسعه و مدیریت سرمایه‌های انسانی کوثر با تبریک این موفقیت بزرگ به خانواده بزرگ کوثر گفت: «نخستین المپیاد بانکی کارکنان بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی کشور با پیشینه‌ها و اولیه این موسسه کلید خورد و در ادامه پس از تشکیل کمیسیون آموزش در کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی در دانشگاه امیرکبیر برگزار شد.»

وی افزود: «جهت حفظ مالکیت معنوی این رویداد علمی به نام موسسه، تاریخچه المپیاد

تدوین و در سایت المپیاد بانک‌ها ثبت گردیده که این سابقه علمی به صورت دائمی در تاریخچه برگزاری المپیادهای بانک‌های خصوصی کشور به نام کوثر باقی خواهد ماند. اسامی ۱۵ نخبه موسسه اعتباری کوثر شرکت‌کننده در اولین دوره برگزاری المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی عبارتند از:

- | | |
|-------------------|--------------------|
| ۱- حامد بهروزی | ۹- میلاد نوید |
| ۲- نرگس حیدری فرد | ۱۰- الناز حلیمی |
| ۳- میثم رشیدی منش | ۱۱- سهیل عبد‌اللهی |
| ۴- محمدرضا سربازی | ۱۲- مجید مهرابی |
| ۵- عطیه مرتضایی | ۱۳- مصطفی جعفری |
| ۶- مریم قهرمانی | ۱۴- الهام جچی |
| ۷- سعید قدری | ۱۵- رضا علیزاده |
| ۸- سپیده لیموئی | |

شایان ذکر است: در اولین دوره برگزاری المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی ۱۴ بانک و موسسه اعتباری در تاریخ ۱۲ مرداد ماه به رقابت پرداختند.

کوثر کارت هواداری می‌تواند الگویی برای سایر بخش‌های اقتصادی باشد

طرحی جالب و منحصر به فرد است. امیدواریم این طرح بتواند در خانواده ۱۶۰ هزار نفری سهامداران پدیده نفوذ کرده و به موفقیت‌های خوبی دست یابد. «وی افزود: «کوثر کارت هواداری را می‌توان به عنوان یک الگو در سایر بخش‌های اقتصادی معرفی کرد.» مدیرکل امور اقتصادی استانداری خراسان رضوی در این جلسه گفت: «بانک‌ها بر مبنای کارکرد تعریف شده خود، به عنوان تامین‌کننده یا واسطه مالی، می‌توانند با تامین به موقع و مناسب منابع مالی موردنیاز بنگاه‌های اقتصادی و نیز با اتخاذ روش‌های ساده و شفاف در ارتباط با مشتریان، نقش متمایز در بهبود فضای کسب و کار و تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا کنند.»

حرفه‌ای است. سه برنده این طرح به ترتیب باشگاه‌ها، کوثر به عنوان حامی و پشتیبانی‌کننده و هواداران محترم هستند. مدیر شعب استان خراسان رضوی موسسه اعتباری کوثر با اشاره به نام‌گذاری سال از سوی مقام معظم رهبری (حفظه الله) به عنوان «سال اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال» بیان داشت: از ویژگی‌های مهم اقتصاد مقاومتی، ایجاد توان تولید در داخل و انعطاف‌پذیری حوزه مختلف اقتصادی در مواجهه با بحران‌های گوناگون با منشاء داخلی یا خارجی است. علی‌رَسُولیان مدیرکل امور اقتصادی استانداری خراسان رضوی با استقبال از طرح کوثر کارت هواداری و حمایت از تیم فوتبال پدیده گفت: «کوثر کارت هواداری،

جلسه مشترک مدیرکل امور اقتصادی استانداری خراسان رضوی، مدیرکل حفظ و نشر آثار دفاع مقدس و مدیران استانی بانک‌های انصار، قوامین، حکمت و رسالت به میزبانی مدیریت شعب استان خراسان رضوی موسسه اعتباری کوثر برگزار شد. محمدرحیم گلبدانی، مدیر شعب استان خراسان رضوی موسسه اعتباری کوثر ضمن ارائه گزارشی از عملکرد موسسه گفت: اهتمام در تکریم مشتریان از اولویت‌های کوثر در استان خراسان رضوی است. گلبدانی با اشاره به طرح منحصر به فرد کوثر کارت هواداری و اهداف این طرح افزود: هدف کوثر کارت هواداری، کمک به تیم‌ها برای پیروز شدن و توسعه ورزش

شعب برتر بانک دی در سال ۱۳۹۵ معرفی شدند



در حاشیه همایش هم‌اندیشی ستاد و شعب بانک دی از شعب برتر بانک دی در سال ۱۳۹۵ بر اساس شاخص‌های از پیش تعیین شده تقدیر شد.

به گزارش روابط عمومی بانک دی، محمدرضا قربانی، مدیرعامل بانک دی در این همایش، ضمن تقدیر از حضور فعال و بانشاط روسای شعب تهران و شهرستان‌ها، تصریح کرد: موفقیت یک بانک از نقطه فروش حاصل می‌شود که همواره شعب آن بانک به عنوان نقاط فروش در ارتباط مستقیم با مشتریان هستند و می‌توانند با مشتری‌مداری، رعایت اخلاق کاری، ارائه مناسب محصولات و خدمات و... در حفظ و نگهداشت مشتریان کوشا باشند.

قربانی شاخص‌های سودآوری، میزان وصول

مطالبات، تجهیز و تخصیص منابع و تکریم ارباب رجوع را به عنوان شاخص‌های ارزیابی شعب در سال ۱۳۹۵ عنوان کرد و گفت: با توجه به میزان قدرت رقابت شعب تهران و شهرستان این ارزیابی در دو سطح شعب تهران و شهرستان صورت گرفت و هر کدام از شعب بر اساس شاخص‌های موردنظر در دسته‌بندی قرار گرفتند بر این اساس سه شعبه از تهران و سه شعبه از شهرستان به عنوان شعب برتر بانک دی در سال ۱۳۹۵ مشخص شدند.

قربانی با بیان اینکه شاخص‌های بررسی عملکرد در سال ۱۳۹۶ بر اساس سیاست‌های ابلاغی از جمله جذب منابع ارزان قیمت صورت خواهد گرفت گفت: شاخص‌های انتخاب شعب برتر باید شاخص‌های انگیزشی باشند که بانک را به سوی سودآوری سوق دهد و معیارهای انتخاب

شعب برتر در سال ۱۳۹۶ بر این اساس تعیین خواهند شد. گفتنی است بر اساس شاخص‌های تعیین شده و ارزیابی‌های صورت گرفته از عملکرد سال ۱۳۹۵، شعبه فرمانیه به ریاست رسول سعیدی، شعبه قائم مقام فراهانی به ریاست علیرضا باقری و شعبه یوسف‌آباد به ریاست مریم خلیلی رتبه‌های اول تا سوم از بین شعب تهران را کسب کردند و از میان شعب شهرستان نیز شعبه خرم‌آباد به ریاست حامد صادقی، شعبه اصفهان به ریاست رضا سلطانی و شعبه ارومیه به ریاست مهران ظرافت جایگاه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص دادند. بر اساس دستور مدیرعامل بانک، تمامی همکاران شعب برتر علاوه بر اهدای لوح تقدیر مورد تشویق نقدی نیز قرار گرفتند.



بانک دی موفق به کسب رتبه دوم المپیاد بانکی شد

معاون اداره حسابداری کل بانک دی نیز موفق به کسب رتبه ۳ از میان ۱۴۰ شرکت کننده حاضر در المپیاد شد. در این دوره از مسابقات سیدعرفان رضوی، محمد پرویزی، رسول سعیدی، رامین قاسمی، ایمان رضایی، نازنین میرزایی، فاطمه حاجی‌لو، مهدیه مجبی، فاطمه عصار و مرجان غلامی اعضای تیم المپیاد بانک دی را تشکیل داده بودند. همچنین محمدرضا قربانی، مدیرعامل بانک دی، نیز در پیامی این موفقیت را به اعضای تیم المپیاد و همکاران خانواده ارزش آفرین دی تبریک گفت.

مبارزه با پولشویی و شناسایی مشتریان خارجی، بانکداری داخلی ۱ و ۲ با یکدیگر به رقابت پرداختند که تیم المپیاد بانک دی موفق شد در دروس «بانکداری داخلی ۲» و «دستورالعمل‌های منتخب بانک مرکزی» حائز رتبه اول و در دروس «دستورالعمل‌های مبارزه با پولشویی و شناسایی مشتریان خارجی»، «حسابداری بانکی» و «بانکداری داخلی ۱» حائز رتبه دوم و در مجموع با کسب امتیاز ۷۲۷/۲۵ از ۱۰۰۰ حائز رتبه دوم تیمی شود. همچنین در این دوره از مسابقات سیدعرفان رضوی،

به گزارش روابط عمومی بانک دی، تیم المپیاد بانک دی در اولین دوره المپیاد بانکی که به همت کانون بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری برگزار شد، موفق به کسب رتبه دوم بین چهارده بانک خصوصی و موسسه اعتباری شد.

در این المپیاد علمی که در روز ۱۲ مرداد ماه سال جاری در دانشگاه امیرکبیر برگزار شد ۱۴۰ نفر از چهارده بانک خصوصی و موسسه اعتباری با پاسخگویی به ۱۰۰ سوال در دروس حقوق بانکی ۱ و ۲، حسابداری بانکی، دستورالعمل‌های منتخب بانک مرکزی، دستورالعمل



عنوان کتاب: هنر بافتنی بزرگسالان

نام مؤلف: مریم یوسفی

ناشر: بین المللی حافظ



عنوان کتاب: هنر بافتنی خردسالان

نام مؤلف: اکرم ذاکری

ناشر: بین المللی حافظ





عصر طلایی دایناسورها

نام مؤلف: عرفان خسروی

ناشر: نشر طلایی

تعداد صفحات: ۶۴



کتاب «عصر طلایی دایناسورها»، یک دانشنامه تصویری و مختصر در مورد موجودات درشت هیکلی است که سال‌ها پیش در زمین زندگی می‌کردند: دایناسورها! بعد از آنکه نویسنده کتاب، عرفان خسروی، کتاب «فرهنگ‌نامه دایناسورها» را نوشت و با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد، این استقبال او را تشویق کرد تا کتاب حاضر را بنویسد.

این کتاب، روی حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان حساب ویژه‌ای باز کرده است و مخاطبان اصلی کتاب را نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ گواه این مطلب، مقدمه‌ای است که خود نویسنده در ابتدای کتاب نگاشته است. به‌علاوه، فضای تصویری و نقاشی‌مانند کتاب، تابلوهای رنگارنگی از زندگی دایناسورها را در برابر چشمان تصویرخواه مخاطب قرار می‌دهد و مهر تأییدی است بر اینکه این کتاب برای نوجوانان پرسشگر و کنجکاو نوشته شده است. نکته جالب برای دایناسورها که ذهن مخاطب را قلقلک می‌دهد، دیدن تصاویر این موجودات است و این کتاب با آگاهی صحیح از این نیاز، به صرف نوشته اکتفا نکرده و بیشتر تصویرمحور بوده است.

روزآمدی، واژه‌نامه، حمایت از محیط‌زیست و آشناسازی مخاطب با روش علمی از ویژگی‌های کتاب است. در انتهای کتاب نیز نقشه جامع زندگی دایناسورها و خلاصه آنچه در کتاب است، به‌صورت مختصر برای مخاطب بازعرضه می‌شود.





کانال تلگرامی مثلث آنلاین فوری از اخبار مطلع شوید

@ mosalasonline

